

آموزش فقه

محمد حسین فلاح زاده

فهرست عناوین

1	جاگاه فقه و احکام
2	وظایف مکلفین نسبت به احکام
3	شرایط تکلیف
4	تقسیم احکام
5	اقسام احکام تکلیفی
6	اقسام واجب
8	اجتهاد
9	تقلید
10	منابع فقه
11	فعل معصوم
12	تقریر معصوم
13	عقل و اجماع
14	مرجع تقلید و شرایط آن
16	بقاء بر تقلید از میت
17	راههای تشخیص اجتهاد و اعلمتت مرجع تقلید
19	تغییر دادن مرجع تقلید
20	راههای بدست آوردن فتوای مجتهد
22	حکم عمل بدون تقلید
23	احتیاط
25	فرق بین احتیاط واجب و احتیاط مستحب
26	حکم و فنوا و فرق آن دو
28	اختلاف فنوا با حکم
30	کارهای وضو
31	کارهای وضو(1)
32	احکام وضو
33	شستین صورت و دستها
35	مسح سر
36	مسح پا
37	مسائل مشترک مسح سر و پا
39	وضوی ارتماسی
40	جگونگی وضوی افرادی که دست یا پایشان قطع شده(1)
41	1- قطع دست :
42	2- قطع پا:
43	3 قطع دست و پا:
45	شرایط وضو
46	شرایط وضو(1):
47	برخی از دعاها و وضو
49	احکام شرایط وضو
50	شرایط آب وضو
51	شرایط اعضای وضو
52	شرایط کیفیت وضو
53	1 ترتیب (13)
54	2 مؤالات
55	3 از دیگران کمک نگیرد

56	شرایط وضو گیرنده
57	دو مساءله :
58	وضوی حیره ای
59	چند مساءله :
61	حکم شك در وضو و اعمال آن :
62	چند مساءله :
63	برای چه کارهایی باید وضو گرفت
64	وضو(1):
65	چند مساءله :
66	3 مس در موارد زیر حرام نیست :
67	برای این کارها وضو گرفتن مستحب است :
69	مواردی که وضو باطل می شود
70	چگونه وضو باطل می شود؟
71	مستحبات و مکروهات وضو
72	مستحبات وضو
73	مکروهات وضو
75	مسائل متفرقه وضو
76	حکم کلی
77	استفتاء
78	غسل و اقسام آن
79	اقسام غسل :
81	عوامل جنابت و مسایل آن
82	غسل جنابت
83	عوامل جنابت :
85	کارهایی که بر جنب حرام است (1)
86	توقف در مساجد.
87	دو مساءله :
88	سوره های سجده دار قرآن(4)
90	انجام غسل
91	نحوه انجام غسل :
92	حکم کلی
93	احکام غسل
96	شکیات غسل(1)
97	شك در انجام غسل (نمی داند غسل کرده یا نه)
98	شك در صحت غسل
99	غسل مسّ متّ
101	غسل متّ
102	غسلهای اختصاصی بانوان
103	غسل حیض (قاعدگی)
104	نشانه های خون حیض
105	احکام دوران قاعدگی
106	استفتاء
107	وظیفه زن
108	چگونگی جریان خون
109	وظیفه
110	چگونگی جریان خون
111	وظیفه
112	چگونگی جریان خون
113	وظیفه
114	وظیفه زن پس از قطع خونریزی
115	غسل استحاضه
116	اقسام استحاضه
117	وظیفه مستحاضه قلیله
118	وظیفه مستحاضه متوسطه
119	وظیفه مستحاضه کثیره
120	چند مساءله :

121	غسل نفاس
124	غسلهای مستحب
125	غسلهای زمانی
126	غسلهای مکانی
127	غسلهای فعلی
128	تیمم
129	چند مسأله :
130	استفتاء
132	چگونه تیمم کنیم ؟
133	اعمال تیمم
134	چند مسأله :
135	شرایط صحت تیمم
137	احکام تیمم
139	طهارت بدن و لباس
141	نجاسات
142	احکام مردار
143	انواع نجاسات
144	احکام نجاسات
145	احکام ادرار و مدفوع
146	احکام مردار
148	مواردی که حکم به طهارت آنها میشود
149	حکم اشیاء جرمی
152	احکام فرآورده های لبنائی
153	دو حکم کلی
154	احکام خون
155	در موارد زیر حکم به طهارت می شود
157	احکام شراب
158	استفتاء
159	کافر و احکام آن
160	این افراد کافر و نجس هستند:
161	چند مسأله :
163	چگونه چیز باک نجس می شود؟
164	چند مسأله :
167	انواع مطهرات (باک کننده ها)
168	چگونه چیز نجس باک می شود؟
169	اقسام آنها
170	اقسام آنها:
171	احکام آب مضاف
172	اقسام آب مطلق
174	احکام آنها
175	آب قلیل
176	احکام آب کر
177	برخی از خصوصیات باران
178	احکام شك در آب
179	دو حکم کلی :
180	چگونگی تطهیر اشیاء نجس با آب
181	چند نکته :
182	دو مسأله :
183	استفتاء
186	شرایط مطهر بودن آب
187	استفتاء
189	چگونگی باک کنندگی زمین و شرایط آن
190	چند مسأله :
191	چگونگی باک کنندگی آفتاب و شرایط آن
192	شرایط مطهر بودن آفتاب
193	دو مسأله :

195	استحاله
196	انتقال
198	اسلام
199	تبعیت
200	استفتاء
202	استبراء حیوان نجاستخوار
203	غایب شدن مسلمان
205	احکام تخلی (توالت رفتن)
206	مستحب :
207	مکروه :
208	مکانهایی که تخلی در آنها حرام است :
210	تطهیر مخرج بول و غایط
211	وقت نماز
212	نمازهای واجب (1) :
214	وقت نمازهای یومیّه
215	فجر دوّم
216	ظهر
217	مغرب
218	نیمه شب
219	وقت نماز صبح
220	وقت مخصوص و مشترک نماز ظهر و عصر
221	وقت مخصوص و مشترک نماز مغرب و عشا
222	وقت فضیلت نمازهای یومیّه
223	وقت فضیلت نماز ظهر:
224	وقت فضیلت نماز عصر:
225	وقت فضیلت نماز مغرب :
226	وقت فضیلت نماز عشا:
227	وقت فضیلت نماز صبح :
228	احکام وقت نماز
230	استفتاء
232	قبله
233	راههای تشخیص قبله
234	تابش خورشید و تعیین قبله
235	وظیفهء کسی که جهت قبله را نمی داند
236	نوضح :
238	لباس نمازگزار
239	مقدار پوشش در نماز
241	استفتاء
242	حکم نماز خواندن با بدن و لباس نجس
243	در این موارد
244	در این موارد
245	چند مسأله :
247	شرایط مکان نمازگزار و حکم آن
248	احکام مکان نمازگزار
249	کسی که در مسجد نشسته اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز ...
251	استفتاء
252	احکام مسجد
253	این کارها دربارهء مسجد مستحب است :
255	ترتیب اولویت مساجد برای نماز خواندن
256	جاهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است :
258	احکام اذان و اقامه
259	حکم کلّی
260	واجبات نماز
261	واجبات نماز(1)
262	فرق بین رکن و غیررکن :
264	واجبات نماز

265	ب نَتِّ
266	عدول از نَتِّ
267	تکبیر الاحرام
268	واجبات تکبیر الاحرام :
269	قیام
270	اقسام قیام :
271	رکن :
272	غیررکن :
273	احکام قیام
275	استفناء
276	قرائت
277	احکام قرائت
279	استفناء
280	حاجبای حمد و تسبیحات
281	بعضی از مستحبات قرائت : (40)
282	ذکر
283	رکوع
284	واجبات رکوع :
285	ذکر رکوع
286	آرامش بدن در رکوع
287	ایستادن و آرامش بعد از رکوع
288	وظیفه کسی که نمی تواند به طور معمول رکوع انجام دهد
289	فراموش کردن رکوع
290	برخی از مستحبات رکوع :
291	سجود
292	واجبات سجده :
293	سر برداشتن از سجده :
294	بر زمین بودن هفت عضو:
295	مساوی بودن مواضع سجده :
296	خاک
296	گیاه (69)
297	استفناء
298	وظیفه کسی که نمی تواند بطور معمول سجده کند
299	بعضی از مستحبات سجده :
300	سجده واجب قرآن
301	تشهد
302	سلام
303	ترتیب
304	مُوالات
306	قیوت
307	تعقیب نماز
308	استفناء
309	مُبطلات نماز
311	احکام مبطلات نماز
312	سخن گفتن
313	استفناء
314	خندیدن و گریستن
315	روی از قبله برگرداندن :
316	بر هم زدن صورت نماز
317	دستها را بر هم گذاشتن
318	آمین گفتن
319	چیزهایی که در نماز مکروه است
321	شکات نماز
322	اقسام شك در نماز (1)
323	شك در اجزای نماز
324	شك در رکعات

325	شک‌هایی که نماز را باطل نمی‌کند:
326	شك در ركعات نماز چهار ركعتی (8)
327	چند قانون کلی
328	شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد
329	توضیح
330	شك بعد از وقت
331	شك كثير الشك
332	وظیفهء كثير الشك
333	الف - شك در ركعات نماز:
334	ب - شك در اجزای نماز:
335	شك امام و ماءموم
336	شك در نماز مستحیی (18)
337	وظیفهء نمازگزار:
338	شك در اصل نماز (19)
339	شك در انجام نماز
340	شك در صحت نماز
341	مساءله :
342	حكم گمان در نماز
343	نماز احتیاط
344	فرق نماز احتیاط با نمازهای دیگر:
345	استفتاء
347	سجدهء سهو
348	واجب :
349	احتیاط واجب :
350	اجزای فراموش شدهء نماز
352	نماز مسافر
353	شرط اول
354	شرط دوم
355	شرط سوم
356	شرط چهارم
357	شرط پنجم
358	شرط ششم
359	شرط هفتم
360	شرط هشتم
361	استفتاء
362	مکان‌هایی که نماز تمام است
363	وطن کجاست ؟
364	استفتاء
365	قصد ده روز
366	استفتاء
367	مسافری که نمازش را تمام خوانده
368	غیر مسافری که نمازش را شکسته خوانده است :
370	مکان‌هایی که میتوان نماز را تمام یا شکسته خواند
371	نماز قضا
373	استفتاء
375	نماز قضای بدر
376	استفتاء
377	نماز جماعت
378	اهمیت نماز جماعت
379	استفتاء
381	شرایط نماز جماعت
382	توضیح :
383	استفتاء
384	شرایط امام جماعت
385	امام جماعت باید این شرایط را دارا باشد:
386	مساءله :

387	استفتاء
389	نمازها و حالتهاى مختلفى كه جماعت صحيح است :
390	مسأله :
391	نمازها و حالتهاى مختلفى كه جماعت صحيح نيست :
392	استفتاء
394	چگونگى اقتدا به امام جماعت
395	ركعت اوّل
396	ركعت دوّم
397	ركعت سوّم
398	ركعت چهارم
399	وظيفهء مأموم در نماز جماعت
400	چگونگى بيروى مأموم
401	مسأله :
403	احكام نماز جماعت
404	استفتاء
405	برخى از مستحبات و مكروهات نماز جماعت
406	نماز جمعه
407	اهمّيت نماز جمعه
409	چگونگى نماز جمعه و شرايط آن
410	واجبات :
411	مستحبات :
412	شرايط نماز جمعه
413	وظيفهء امام جمعه هنگام ايراد خطبه ها
414	محتواى خطبه ها
415	خطبهء اوّل :
416	خطبهء دوم :
418	ويژگىهاى امام جمعه
419	استفتاء
420	وظيفهء نمازگزاران جمعه :
422	اسباب وجوب نماز آيات
423	چگونگى نماز آيات
424	ركعت اوّل
425	ركعت دوّم
427	احكام نماز آيات
428	غفيله
429	نماز غفيله
430	كيفيت نماز غفيله
431	حج اللهم انت ولي نعمتى و به حاي جمله <<ان تغفر لى ذنوبى >> مى تواند ...
433	نافلهء نمازهاى يوميه
434	دو مسأله :
435	نماز شب
436	وقت نماز شب
438	نماز عيد
439	وقت نماز عيد
440	چگونگى نماز عيد
441	احكام كلّى
442	اقسام روزه(1)
443	روزه هاى واجب
444	روزه هاى حرام(3)
445	روزه هاى مستحب
446	استفتاء
447	روزه هاى مكروه
449	نيت روزه
450	نيت روزه
451	استفتاء
452	چه چيزهاى روزه را باطل ميكند

453	خوردن و آشامیدن
454	تزریق آمبول
455	رساندن غبار غلیظ به حلق
456	دروغ بستن به خدا و پیغمبر
457	در این موارد روزه باطل نیست :
458	فی کردن
461	کارهایی که بر روزه دار مکروه است
462	قضا و کفارهء روزه
463	روزهء قضا
464	کفارهء روزه
468	احکام قضا و کفارهء روزه
469	استفتاء
470	روزهء مسافر
471	حکم روزهء مسافر
472	1- به سفر رفتن
473	2- از سفر برگشتن
475	راههای ثابت شدن اول ماه
476	چند مسأله
477	شرایط وجوب حج
478	شرایط وجوب حج
479	میزان استطاعت مالی :
481	اقسام حج
482	اعمال عمرهء و حج تمتع و سیر مکانی آن
483	اعمال حج تمتع و سیر مکانی آن
484	توضیح اعمال عمره و حج
485	احرام
486	طواف
488	نماز طواف
489	سعی
490	تقصیر
491	وقوف در عرفات
492	وقوف در مشعر الحرام
493	اعمال روز عید قربان
494	طواف نساء و نماز آن
495	مُحَرَّمَاتِ احرام
496	مُحَرَّمَاتِ مشترك بين زن و مرد:
497	آنچه فقط بر مردان حرام است :
498	آنچه بر زنان محرم حرام است
500	اعمال عمرهء مفرده
501	محرم و نامحرم
502	اسباب محرمیت :
503	مُحَارِمِ نسبی
504	دو مسأله :
505	افرادی که بر دخترها و زنان محرمند:
506	مُحَارِمِ سببی
507	مُحَارِمِ رضاعی
509	مُحَارِمِ سببی
510	مُحَارِمِ رضاعی
513	نگاه کردن
514	حکم نگاه :
515	1- به محارم
516	2- به غیر محارم :
517	استفتاء
518	بوشش
520	حکم ازدواج و صفات همسر
521	همسر شایسته

522	همسر ناشایسته
523	عقد ازدواج
524	حکم کلی
525	عقیقه
527	طلاق
528	شرایط طلاق
529	اقسام طلاق
530	عده طلاق
531	عده وفات
532	چند مسأله :
533	اقسام طلاق
534	عده طلاق
535	عده وفات
536	چند مسأله :
537	پوشیدن لباسهای زنگارنگ
538	محتضرو وظیفه دیگران نسبت به آن
539	محتضر
540	وظیفه دیگران نسبت به محتضر
541	مستحیات :
542	مکروهات :
543	مستحیات پس از مرگ
544	واجبات پس از مرگ و غسل میت
545	غسل میت
546	افرادی که باید غسل میت داد
547	- شرایط کسی که میت را غسل می دهد
548	جنوط و کفن میت
549	کفن میت
550	مقدار لازم در کفن میت :
551	شرایط کفن میت
552	نماز میت
553	نماز میت
554	شرایط نماز میت
555	قصد قربت و اخلاص :
556	احکام و آداب نماز میت
557	مستحیات نماز میت
558	تشییع جنازه و آداب آن
559	مستحیات
560	مکروهات :
561	وظایف صاحب عزا
562	کیفیت دفن میت :
563	مکانزهایی که دفن میت جایز نیست
564	آنچه در کیفیت دفن مستحب است :
565	احکام شهید
566	دو مسأله :
567	مخارج کفن و دفن
568	نیش قبر
571	مستحیات پس از مرگ
572	واجبات پس از مرگ
573	غسل میت
575	این افراد را باید غسل داد:
576	10- شرایط کسی که میت را غسل می دهد:
578	جنوط
579	کفن میت
580	مقدار لازم در کفن میت :
581	شرایط کفن میت
583	نماز میت

584	شرایط نماز میت
585	قصد قربت و اخلاص .
586	احکام و آداب نماز میت
588	مستحبات نماز میت
589	تشیع جنازه و آداب آن
590	متحیات :
591	مکروهات :
593	وظایف صاحب عزا
594	کیفیت دفن میت .
596	آداب دفن
597	آنچه در کیفیت دفن مستحب است :
599	احکام شهید
600	دو مسأله :
601	مخارج کفن و دفن
603	نیش قبر
604	ارث و مصارف ترکهء (اموال) میت
605	مصارف ترکهء (اموال) میت
606	طبقات ارث
607	سهام ورثه
608	انواع سهم
609	اقسام وارث
610	سهام مفروض و صاحبان آنها
611	توارث همسران
612	طبقات ارث
613	سهام ورثه
614	انواع سهم
615	اقسام وارث
616	سهام مفروض و صاحبان آنها
617	توارث همسران
619	انواع خوراکی ها و احکام آن
620	انواع خوراکی ها
621	احکام خوراکیها
622	1- چهارپایان :
623	1- حلال گوشت :
624	2- مکروه :
625	3- حرام گوشت :
626	1- حلال گوشت :
627	2- حرام گوشت :
628	جند مساءله :
629	پرندهگان
630	جند مساءله :
631	آزبان
632	اجزاء حرام حیوانهای حلال گوشت
633	جند مسأله :
634	دو حکم کلی
635	حکم خوردن غذای دیگران بدون اذن و رضایت صاحبش
636	در مورد ذبل خوردن و آشامیدن چیزهای حرام اشکال ندارد
637	آداب غذاخوردن
638	مستحبات
639	مکروهات
640	آداب آب نوشیدن
641	مستحبات :
642	مکروهات
643	اجزاء حرام حیوانهای حلال گوشت
644	جند مسأله :
645	بنابراین مسأله چند صورت دارد:

646	دو حکم کلی
647	1- خوردن غذای دیگران بدون اذن و رضایت صاحبش حرام است هر چند
648	در مورد ذبل خوردن و آشامیدن چیزهای حرام اشکال ندارد:
649	3- با دست راست غذا بخورد.
650	مکروهات
651	آداب آب نوشیدن
652	مستحبات :
653	مکروهات
654	ذبح و شکار حیوانات و شرایط سر بردن آن
655	دستور ذبح حیوان
656	شرایط سر بردن حیوان
657	دستور کشتن شتر
658	شرایط حلال وپاک بود ن شکار با اسلحه
659	شرایط حلال وپاک بود ن شکار با سگ
660	صد ماهی
662	غصب و احکام آن
663	احکام غصب
664	احکام غصب
665	دروغ و غبت
666	دروغ
667	غبت
669	غنا
670	احکام غنا
671	استفتاء
672	حکم کلی
673	استفتاء
674	حکم کلی
676	رقص
677	استفتاء
678	ستم و کمک به ستمکاران
680	رشوه
681	مجسمه سازی
683	سجر
684	استفتاء
685	قمار
686	استفتاء
688	ریش تراشی
689	عقیم سازی
691	تخلف از مقررات دولت اسلامی
692	استفتاء
693	مسائل متفرقه
696	اقسام زکات و موارد وجوب زکات اموال
697	موارد وجوب زکات اموال : (3)
698	نصاب غلات و مقدار زکات آن
699	نصاب غلات (1)
700	مقدار زکات غلات
702	نصاب دامها و مقدار زکات آن
703	کوسفند
704	کاو
705	شتر
706	احکام زکات
708	مصرف زکات
709	احکام مصرف زکات
710	ب : پرداخت آن ممکن بوده
711	مستحبات پرداخت زکات :
712	وجوب زکات فطره و شرایط آن

714	احکام زکات فطره
716	خُمس و مواردی که خمس واجب است
717	در هفت چیز
719	خمس منفعت کسب
720	مخارج سال
721	سال خمسی
722	اموالی که خمس ندارد
724	چند مسأله :
725	استفتاء
726	خمس سرمایه و معدن
727	استفتاء
728	معدن
729	نصاب معدن
731	کنج و شرایط خمس آن
732	نصاب کنج
733	کنج و محل آن
734	مال حلال مخلوط به حرام
735	1- صاحب آن معلوم
736	1- صاحب آن نامعلوم
737	مسأله :
739	جواهری که با غواصی به دست آمده
740	غنیمت
741	زمینی که کافر ذمی از مسلمانی خریداری کند
742	حکم اموال خمس نداده
744	استفتاء
745	مصرف خمس و شرایط سیدی که میتوان به او خمس داد
746	استفتاء
748	انفال و موارد آن
749	وقف
750	تعریف وقف
751	اقسام وقف :
753	شرایط وقف
754	1- شرایط واقف
755	2- شرایط مال موقوف :
756	3- شرایط موقوف علیه :
757	4- سایر شرایط:
758	احکام وقف
760	متولی وقف کیست ؟
761	فروش مال وقفی
763	استفتاء
764	برخی از نمونه های وقف و حکم هر يك (1)
766	وصیت وجگونگی وصیت
767	تعریف وصیت
768	جگونگی وصیت
769	متن و صیغنامه و وصیت مالی
770	وصیت مالی
772	رهن
773	استفتاء
775	حواله و حکم آن
776	ضمان و شرایط آن
777	شرایط ضمان :
778	احکام ضمان
780	کفالت
781	شرایط کفالت :
782	وکالت و شرایط وکالت
783	شرایط وکالت

785	احكام وكالت
787	حَجْر
789	وديعه واحكام امانتداری
790	احكام امانتداری
791	عاریه
793	شرکت
794	تعریف شرکت
795	احكام شرکت
796	مضاربه وشرایط آن
797	تعریف مضاربه
798	شرایط مضاربه
800	احكام مضاربه
801	ضمان عامل و عدم آن
803	مزارعه وشرایط آن
804	شرایط مزارعه
805	احكام مزارعه
807	مساقات وشرایط آن
808	شرایط مساقات
809	جند مسأله
810	استفتاء
812	نذر وكفارهء تخلف نذر
813	استفتاء
814	كفارهء تخلف نذر
815	كفارهء تخلف نذر
817	قسم خوردن
818	صدقه واحكام آن
819	احكام صدقه
821	هبه
822	صلح
824	كفاره و اقسام آن
825	اقسام كفاره
826	كناهان كفاره دار و كفارهء هربك (1)
828	احكام كفارات
829	استفتاء
830	حكم و وظیفه شخصی که اشیاء پیدا شده را برمدارد
831	1- قیمت آن از يك درهم (1) کمتر نیست
833	چگونگی اعلان اشیاء پیدا شده
834	جند مسأله :
835	کم شدن كفیش
837	اقسام خرید و فروش
838	اقسام خرید و فروش
839	خرید و فروش واجب
840	خرید و فروش مستحب
841	خرید و فروش حرام
842	استفتا
843	در این موارد خرید و فروش مکروه است :
844	آداب خرید و فروش
845	مستحبات
846	مکروهات
848	احكام خرید و فروش
850	احكام معاملهء نسه
851	استفتاء
853	معاملهء سلف واحكام آن
854	احكام معاملهء سلف
855	معامله ربوی و احكام آن
856	انواع ربا

857	شرایط رای معاملی
858	احکام معاملهء روی
861	خرید و فروش چك و سفته
862	مسائل متفرقهء خرید و فروش
863	استفتاء
865	خيار با اختيار فسخ و انواع آن
867	احکام خيارات
869	بيع شرط
870	شُفَعَه (1)
871	شماره [نوع مال حکم
873	قرارداد اجاره و شرایط مال مورد اجاره
874	قرارداد اجاره
875	شرایط مالی که اجاره می دهند
876	احکام اجاره
878	استفتاءات
879	جعاله و فرق آ، یا اجاره
880	فرق بین اجاره و جُعاله
882	اقسام جعاله
883	دو مسأله :
884	سرقفلی
886	اهمیت فرض و احکام آن
887	اقسام فرض
888	احکام فرض
889	استفتاء
891	امر به معروف و نهی از منکر
892	اهمیت امر به معروف و نهی از منکر
893	مراتب امر به معروف و نهی از منکر
895	احکام امر به معروف و نهی از منکر
896	نمی داند به انجام آن موفق می شود یا نه حکم فرض قبلی را دارد. لا
898	آداب امر به معروف و نهی از منکر
899	مانند طیبی دلسوز و پدری مهربان باشد.
900	قصد خود را خالص کند و تنها برای رضای خداوند اقدام کند و عمل خود را ...
901	خود را باک و منزه نداند
902	جهاد و دفاع
903	اقسام دفاع
904	دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی
905	دفاع از جان و حقوق شخصی
907	آموزش فنون نظامی و خدمت سربازی
908	خدمت سربازی
909	استفتاء
910	اجازهء بدر برای رفتن به سربازی
911	تعریف معروف و منکر
912	شرایط امر به معروف و نهی از منکر
914	قضاوت و شهادت
915	قضاوت
916	شرایط قاضی :
917	قضاوت ، شهادت ، حد - قصاص و دبه
918	قضاوت امروزی
919	وظایف قاضی
920	شرایط مدعی :
921	شرایط مدعی علیه :
922	راههای ثبوت حق با جرم :
923	شرایط شهادت :
924	شرایط شهود:
925	شرایط اقرار:
926	شرایط مقر:

927	شرایط قسم
928	تعریف حدو برخی از گناہانی که حد دارد
929	برخی از گناہانی که حد دارد و حد هر يك از آنها
931	تعریف تعزیر و فرق حد و تعزیر
932	تعریف تعزیر
933	فرق حد و تعزیر
934	انواع قصاص و شرایط آن
935	تعریف قصاص
936	شرایط قصاص نفس
937	جگونگی قصاص نفس
938	شرایط قصاص عضو
939	مسأله :
940	دیات و موجبات ديه
941	تعریف ديه
942	موجبات ديه
943	ديه قتل
944	ديه قتل :
945	ديه سقط جنین
946	روح دمیده باشد:
947	ديه اعضاء
948	برخی از اعضایی که ديه آنها ديه قتل است :
949	حکم کلی
951	فرهنگ اصطلاحات و لغات

جایگاه فقه و احکام

سعادت بشر در این جهان و جهان آخرت در گرو عمل به برنامه های اسلامی و تطبیق برنامه های روزمره در تمام زوایای آن - چه فردی و چه اجتماعی - بر قوانین نجات بخش اسلام می باشد.

برنامه های اسلام به سه دسته تقسیم می شود:

الف : برنامه های اعتقادی (اصول دین).

ب : دستورهای عملی (فروع دین یا احکام).

ج : مسائل روانی (اخلاق).

دسته اول

برنامه هایی است در رابطه با سالم سازی فکر و اعتقاد انسان و مکلف باید نسبت به آنها یقین کند و آنها را از روی دلیل بپذیرد و چون این بخش از برنامه های اسلام اعتقادی است و نیاز به یقین دارد پیروی از دیگران (تقلید) در آنها راه ندارد گرچه می توان از راهنمایی دیگران برای تحصیل یقین بهره مند گردید.

دسته دوم

که برنامه های عملی است

مشمول بر <<بایدها>> و <<نبایدها>>یی است که با انجام و ترك آنها (همراه با اعتقاد صحیح) اطاعت الهی تحقق می یابد؛ مانند خواندن نماز و پرداخت زکات و پرهیز از غیبت و سرقت .

دستهء سوم

برنامه هایی در رابطه با پرورش روح و سلامت روان آدمی است که شیوهء تقویت صفات پسندیده ;
مانند عدالت
سخاوت
شجاعت و عزت در نهاد انسانها و مبارزه با صفات ناپسند و زشت ; مانند حسد
بخل
نفاق را بیان می کند.

کتاب فقهی که با تلاش شبانه روزی دانشمندان اسلامی به رشته تحریر در آمده در بردارندهء دسته
دوم از مسائل دینی است که احکام نام دارد.

2

وظایف مکلفین نسبت به احکام

شخص مکلف برای شناخت و پی بردن به آن امر و نهی ها
باید اجتهاد کند و از منابع مربوط
بدانهدست یابد یا از کسی که با اجتهاد احکام را استنباط کرده تقلید کند و یا به احتیاط عمل نماید.
بنابراین وظیفه مکلف نسبت به برنامه های عملی اسلام یکی از این سه امر است :

(اجتهاد)
(تقلید)
(احتیاط)

3

شرایط تکلیف

آدمی با گوهر گرانبهای تفکر و تعقل و قوهء انتخاب و اختیار از دیگر موجودات متمایز است و کرامت
مسوعولیت تکالیف الهی به او ارزانی شده
که با عمل به آنها به سعادت ابدی خواهد رسید.
افرادی که دارای شرایط ذیل باشند مکلف به آن تکالیف خواهند بود:

-- بلوغ
-- عقل
-- قدرت .

بنابراین فرد عاقل و بالغ که قادر بر انجام وظایف شرعی باشد
در مقابل امرها و نهی های الهی مسوعولیت دارد و در صورت سرپیچی از آنها

عذاب خواهد شد و به پاداش اطاعت از آن فرامین هم خواهد رسید. پس کودکان و افراد دیوانه و کسی که قدرت بر انجام واجبات ندارد مکلف نبوده و عملی بر او واجب یا حرام نیست. از این روست که اگر دیوانه یا طفل دروغ بگوید یا نماز نخواند عذاب نمی شود گرچه - از فضل الهی - در موارد بسیاری اعمال نیک آنها ثواب دارد؛ مثل این که اگر طفلی به طور صحیح نماز بخواند یا حج بجا آورد پاداش دارد. اما مکلف بر انجام این اعمال نمی باشد و در صورت ترك آنها عذاب نخواهد شد. گفتنی است ولی آنها و نظام اسلامی نسبت به بسیاری از اعمال ناپسند آنها مسئولند و به همین سبب بر ولی طفل است که او را از تجاوز به حقوق مردم باز دارد و بر حاکم است که جهت حفظ نظم عمومی و اجرای عدالت او را تنبیه کند.

4

تقسیم احکام

در يك تقسیم کلی

تمام احکام دینی را به دو دسته تقسیم کرده اند:

-- تکلیفی

-- وضعی

دسته اول

احکامی است که تکلیف و وظیفه انسان را نسبت به اعمال و رفتار وی مشخص می کند مانند واجب بودن نماز و حرام بودن ظلم.

دسته دوم

احکامی است که وضعیت و کیفیت اشیاء را در ارتباط با اعمال انسان مشخص می کند مثل صحیح بودن نماز یا باطل بودن روزه طهارت برخی اشیاء و نجاست برخی دیگر.

5

اقسام احکام تکلیفی

1 واجب ; عملی است که انجامش لازم است و ترك آن عذاب دارد مانند نماز.

2 حرام ; عملی است که ترك آن لازم و انجامش عذاب دارد مانند دروغ.

- 3 مستحب ; عملی که انجامش مطلوب است و ثواب دارد ولی ترك آن عذاب ندارد مانند نماز شب .
- 4 مکروه ; عملی که ترك آن مطلوب است و ثواب دارد و انجامش عذاب ندارد مانند پوشیدن لباس سیاه در نماز.
- 5 مباح ; عملی که انجام و ترك آن مساوی است ; نه عذابی دارد و نه ثوابی مانند بسیاری از اعمال .

6

اقسام واجب

کارهایی که بر افراد مکلف واجب می باشد

دارای اقسام مختلفی است که شناخت آنها در چگونگی انجام وظیفه تاعثیر دارد.

1 واجب عینی

آن است که از همهء مکلفین خواسته شده و با انجام يك یا چند نفر از دیگران ساقط نمی شود; مانند نماز و روزه .

واجب کفایی

آن است که اگر عده ای - به قدر کفایت - آن را انجام دهند از دیگران ساقط می شود; مانند کفن و دفن و نماز بر میت امر به معروف و نهی از منکر و جهاد.

2 واجب تعیینی

آن است که يك عمل مشخص از مکلفین خواسته شده است و بدل و جایگزین ندارد; مانند نماز مغرب و عشاء.

واجب تخییری

آن است که دو یا چند عمل از مکلف خواسته شده و او مخیر است هر کدام را بخواهد انجام دهد; مثل وجوب نماز جمعه و ظهر در روز جمعه .

غیر از اینها

اقسام دیگری برای واجب بر شمرده اند که بیشتر در علم اصول فقه به آنها پرداخته می شود.

آموزش فقه - محمد حسین فلاح زاده - ص 19 تا 31

8

اجتهاد

اجتهاد در لغت به معنای کوشش و تلاش کردن است . و در اصطلاح فقه عبارت است از استنباط و

استخراج مسائل شرعی از منابع مربوط به آن .

به شخصی که توانایی اجتهاد را داشته باشد <<مجتهد>> می گویند.

9

تقلید

تقلید در اصطلاح فقه

عبارت است از عمل مستند به فتوای فقیه .

1 بر هر مکلفی که به درجه اجتهاد نرسیده و طریقه احتیاط را نمی داند

واجب است در احکام از مجتهد تقلید کند.؟(1)

2 تقلید در احکام

اختصاص به واجبات و محرمات ندارد

بلکه در مستحبات و مکروهات و مباحات هم جاری است.؟(2)

1- تحریرالوسیله

ج 1 ص 5

2- همان .

10

منابع فقه

1- قرآن

2- سنت

قول معصوم (ع)

فعل معصوم (ع)

تقریر معصوم (ع)

3- عقل

4- اجماع (اتفاق فقها بر حکمی از احکام شرعی)

قرآن

که مجموعه وحی الهی بر پیامبر اکرم اسلام (ص) می باشد و به خواست خداوند بدون هیچگونه نقص و اضافه به دست ما رسیده اولین و بهترین ملاک عمل و منبع استنباط احکام می باشد.

قول معصوم

مجموعه گفتار امامان معصوم (ع) و دستورها و آموزشهای قولی آنان

که روش درست کرداری را به ما می آموزد

یکی از منابع معتبر فقهی است که در کتب روایی جمع آوری شده است .

11

فعل معصوم

از آنجا که انمء معصوم (ع) از هر خطا و اشتباهی در امان هستند کردار آنان نیز مانند گفتارشان می تواند ملاک عمل برای ما باشد که این دسته نیز در کتب تاریخی و روایی با عنوان <<سیرهء عملی معصومین >> آمده است .

12

تقریر معصوم

چون نهی از منکر و بازداشتن افراد جامعه از کار خلاف و اشتباه (در غیر موارد تقیه) از وظایف پیشوایان معصوم (ع) است از این رو در مواردی که فرد یا افرادی در حضور معصوم (ع) عملی را انجام داده باشند در حالی که تقیه ای در کار نبوده و معصوم (ع) آن عمل را تاءبید کرده یا لااقل از آن نهی نکرده باشد به عنوان عملی مورد امضا و تقریر ایشان می تواند ملاک دیگری برای عمل و منبعی برای استنباط فقه باشد.

13

عقل و اجماع

اگر برای حکمی از احکام دلیلی از قرآن و سنت نیابیم آنچه که عقل بشری بدان حکم کند و یا فقهای شیعه بر آن اتفاق نظر داشته باشند که حاکی از رضایت معصوم (ع) باشد می توان مطابق آن فتوا داد و وظیفه مکلفین را مشخص کرد.

14

مرجع تقلید و شرایط آن

به مجتهدی که دیگران از او تقلید می کنند <<مرجع تقلید>> گویند. مرجع تقلید باید دارای این شرایط باشد:

اجتهاد

عقل

بلوغ

عدالت

مرد بودن

زنده بودن

حلال زادگی

شیعه دوازده امامی بودن

و بنا بر احتیاط واجب اعلم بوده و حریص به دنیا نباشد. (1)

عادل به کسی گویند که دارای قوه عدالت باشد. و عدالت حالتی نفسانی است که انسان را به تقوا واداشته و

از ارتکاب گناهان کبیره و اصرار بر گناهان صغیره باز می دارد. (2)

اعلم کسی است که قواعد و مدارك مسأله را بهتر بشناسد و بر نظایر آن مسأله و اخبار اطلاع بیشتر داشته

باشد و همچنین اخبار را بهتر بفهمد. به طور خلاصه

اعلم کسی است که در استنباط احکام

از دیگران استادتر

باشد. (3)

تقلید ابتدایی از مجتهد مرده جایز نیست ; یعنی کسی که اکنون مکلف شده یا تاکنون تقلید نکرده

نمی تواند از مجتهدی که از دنیا رفته است تقلید کند. بلکه باید مقلد مجتهد زنده باشد. (4)

1- توضیح المسائل

م 2

2- تحریر الوسیله

ج 1 فی فروع التقلید

ص 10 م 28

3- همان

ص 7 م 13

4- همان

ص 7 م 13

بقاء بر تقلید از میت

1- بقای بر تقلید میت اشکال ندارد

یعنی کسی که در زمان حیات مجتهدی به فتاوایش یا بعضی از آنها عمل کرده باشد

می تواند بر تقلید او باقی بماند

حتی در مسائلی که در زمان حیات آن مجتهد به آنها عمل نکرده نیز می تواند از وی تقلید کند؛ مثلاً در زمان حیات او به حج نرفته و اکنون پس از مرگ او به حج می رود می تواند مناسک حج را مطابق فتوای او عمل کند. (1)

2- بقای بر تقلید میّت باید با اجازه مجتهد زنده باشد؛ یعنی چنانچه به فتوای مجتهد زنده بقای بر تقلید میت جایز باشد می تواند همچنان از او تقلید کند. (2)

3- کسی که بر تقلید میّت باقی مانده است

در مسائلی که میّت فتوا نداده و همچنین در مسائل جدید باید از مجتهد زنده تقلید کند. (3)

1- تحریر الوسيله جلد 1 فی فروع التقلید

ص 7 م 13

2- همان

ص 7 م 13

3- استغنائات

ج 1 ص 12 س 17

17

راههای تشخیص اجتهاد و اعلمیّت مرجع تقلید

الف : آزمودن و شناخت شخصی

در صورتی که خودش اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را تشخیص دهد.

ب : شهرتی که مفید علم باشد؛ یعنی بین اهل خبره چنان به اجتهاد و اعلمیّت مشهور باشد که موجب علم به اجتهاد یا اعلمیّت آن فرد باشد.

ج : گواهی دو نفر عادل اهل خبره

به شرط آن که دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند.

افرادی که صلاحیت علمی تشخیص اجتهاد و اعلمیّت را دارا باشند (1).

1 بر مکلف واجب است که جهت شناختن مجتهد اعلم جستجو و تفحص کند. (2)

2 چنانچه دو یا چند مجتهد از نظر علمی با هم مساوی باشند

شخص مقلد

مخیر است به هر کدام از آنان

که بخواهد رجوع کند. همچنانکه می تواند بعضی از مسائل را از یکی و بعضی دیگر را از دیگری تقلید کند. (3).

3 اگر دو مجتهد هر يك در بخشی از احکام اعلم باشند

مثلاً یکی در احکام عبادات اعلم است و دیگری در

معاملات

مکلف باید بنابر احتیاط واجب در هر بخش از اعلم تقلید کند. (4)

1- تحریرالوسیله

ج 1 ص 8 م 19

2- تحریرالوسیله

ج 1 فی فروع التقلید

ص 6 م 5

3- تحریرالوسیله

ج 1 ص 6 م 8

4- العروة الوثقی

ج 1 فی التقلید

ص 16 م 47

19

تغییر دادن مرجع تقلید

عدول از غیر اعلم به اعلم

بنابر احتیاط

واجب است .

عدول از مساوی به مساوی هستند

جایز نیست

در صورتی که به فتوای آن مجتهد عمل کرده باشد.

عدول از اعلم به غیر اعلم

جایز نیست .

عدول از مجتهدی که مدتی از او تقلید می کرده و اکنون معلوم شده است که اهلیت فتوی نداشته

واجب است .

عدول از مجتهدی که یکی از شرایط مرجعیت را از دست داده ؛ مثلاً دیوانه شده یا فراموشی به او

دست

داده

به مجتهد جامع الشرایط: واجب است .

عدول از مجتهدی که تاکنون از او تقلید می کرده و اکنون از دنیا رفته است به مجتهد زنده : جایز

بلکه

احتیاط مستحب است .

عدول از مجتهد زنده به مجتهد مرده : بنابر احتیاط واجب جایز نیست . هر چند قبلاً از او تقلید می

کرده و پس از مرگ وی به مجتهد زنده رجوع کرده است(1)

1- تحریرالوسیله

ج 1 ص 6-7-8 م 4 5 12 13 و 18 العروة الوثقی

ج 1 ص 12 و 13 م 33 و 37

20

راههای بدست آوردن فتوای مجتهد

شنیدن از خود مجتهد.

شنیدن از دو یا يك نفر عادل .

شنیدن از يك نفر مورد اطمینان .

دیدن در رسالهء مجتهد که اشتباه نداشته باشد.(1)

چند مسأله :

1 فراگرفتن مسائل شك و سهو و غیر اینها از مسائلی که غالباً مورد احتیاج مکلف است

واجب می باشد

مگر در جایی که اطمینان دارد مسأله ای برایش پیش نمی آید.(2)

2 اگر دو نفر بر خلاف یکدیگر فتوای مجتهد را نقل کنند: گفته هیچکدام قبول نیست .ته ء

3 اگر آنچه در رسالهء مجتهد نوشته شده با آنچه که دیگری نقل می کند سازگار نیست : در صورتی

که رساله اشتباه نداشته باشد

آنچه در رساله است معتبر می باشد. مگر آنکه مسأله گو بگوید که مجتهد

از رأی خود که در رساله است عدول کرده .

4 اگر مسأله ای در یکی از رساله های مجتهد به گونه ای است و در رساله ای دیگر

به گونه ای دیگر: رساله ای که تاریخ نوشتن آن (توسط مجتهد) متأخر است مقدم می باشد. (مانند

موارد اختلاف تحریرالوسیله با رسالهء توضیح المسائل امام خمینی قدس سرّه که آنچه در

تحریرالوسیله آمده مقدم است .

5 اگر مسأله گو در بیان فتوای مجتهد اشتباه کند (مسأله ای را اشتباه بگوید) واجب است به آنها که

از او یاد گرفته اند اطلاع داده و رفع اشتباه کند.(3)

6 اگر شخصی فتوای مجتهد را برای دیگری بگوید

سپس فتوای مجتهد در آن مساله عوض شود

بر آن فرد واجب نیست به کسی که از او مسأله شنیده است

تغییر فتوی را اطلاع دهد

گرچه احتیاط مستحب است(4) .

1- تحریر الوسيله

ج 1 ص 8 م 21

2- همان

ص 9 م 23

3- استغاثات

ج 1 ص 18 س 42 و العروة الوثقى

ج 1 فى التقليد

ص 20 م 59

4- العروة الوثقى

ج 1 كتاب فى التقليد

ص 16 م 48

5- العروة الوثقى

ج 1 ص 20 م 58

22

حكم عمل بدون تقليد

وظیفهء كسى كه بدون تقليد عمل كرده يا تقليدش صحيح نبوده

1 كسى كه مدتى اعمال خود را بدون تقليد انجام داده

در صورتى كه بفهمد:

- به وظیفهء واقعى خود عمل كرده ; مثلاً بعداً مجتهد شود و وظیفهء واقعى خود را بفهمد.

- يا عمل او با فتواى مجتهدى كه وظیفه اش تقليد از او بوده مطابق بوده است .

- يا با فتواى مجتهدى كه هم اكنون بايد از او تقليد كند مطابق است .

در تمام اين صور اعمال گذشته اش صحيح است(1) .

2 اگر مكلف زمانى از كسى تقليد كرده كه جامع شرايط نبوده ; مانند كسى است كه بدون تقليد عمل

كرده است(2)

3 اگر مكلف بفهمد مدتى از زمان را بدون تقليد عمل كرده و مقدار آن را نداند ولى كيفيت آن را مى

داند

با شرايطى كه در مسأله 1 گذشت

اعمال قبلى صحيح است و گرنه حداقل مقدارى كه يقين دارد باطل بوده بايد قضا كند.(3)

4 اگر در صحت تقليد گذشتهء خود شك كند

بنا را بر صحت مى گذارد(4).

5 اگر بدون اجازهء مجتهد زنده بر تقليد ميت باقى مانده باشد مانند كسى است كه بدون تقليد عمل

مى كند(5)

1- توضیح المسائل

م 14

2- العروة الوثقى

فى التقليد

ج 1 ص 10 م 25

3 - همان

ص 14 م 40

4 - همان

ص 14 م 41

5 - همان

ص 17 م 52

احتیاط

احتیاط در اصطلاح فقه

عبارت است از عمل کردن به احکام به گونه ای که یقین داشته باشد به وظیفه اش عمل کرده است .

1- عمل به احتیاط برای هر فردی (مجتهد یا غیرمجتهد) جایز است

ولی باید موارد احتیاط را بشناسد و کمتر افرادی این موارد را می شناسند

چون شناخت آنها کار دشواری است و مستلزم اطلاع کامل بر کیفیت آن است .(1)

2- عمل به احتیاط

گاهی موجب تکرار عمل است و گاهی موجب تکرار نیست(2) .

مثال اول : شخصی که نمی داند وظیفه اش نماز تمام است یا شکسته

اگر بخواهد به احتیاط عمل کند باید نماز را هم تمام بجا آورد و هم شکسته .

مثال دوم : شخصی که نمی داند اذان و اقامه برای نماز واجب است یا مستحب

اگر بخواهد به احتیاط عمل کند باید آن را بجا آورد.

3 اگر مکلف بداند عملی حرام نمی باشد

ولی نمی داند واجب است یا مستحب یا مکروه یا مباح

می تواند به امید مطلوب بودن (رجاءاً) آن عمل را انجام دهد

چون احتمال مطلوب بودن آن وجود دارد.(3)

4 اگر مکلف بداند عملی واجب نیست ولی نمی داند حرام است یا مکروه یا مستحب یا مباح

می تواند آن عمل را ترك کند. چون احتمال مبعوض بودن آن وجود دارد(4).

1 - تحریرالوسیله

ج 1 ص 5- العروة الوثقى

ج 1 ص 3 م 2

2 - الغناوی الواضحه

ج 1 ص 118 تحريرالوسيله

ج 1 ص 5 م 1

3 - العروة الوثقى

ج 1 ص 11 م 30

4 - همان .

25

فرق بين احتياط واجب و احتياط مستحب

کلیه احتیاطهایی که در رساله ها آمده است

یا وجوبی است یا استحبابی و تفاوت بین آنها از دو جهت است :

یکی در مقام شناخت و تشخیص

که احتیاط از کدام قسم است و دیگری در مقام عمل

که وظیفهء مکلف

نسبت به هر يك از آنها چیست ؟

تفاوت اول : احتیاط واجب

احتیاط بدون فتواست .

احتیاط مستحب

احتیاط همراه با فتواست .

اگر مجتهد در مسأله ای فتوا داده و احتیاط نیز داشته باشد

این احتیاط مستحب است . و اگر مجتهد در مسأله ای فتوا نداده و از ابتدا احتیاط کرده باشد

احتیاط واجب است که به آن <<احتیاط مطلق >> هم می گویند. (1)

مثال احتیاط مستحب : <<در غسل ارتماسی اگر به نیت غسل ارتماسی به تدریج در آب فرو رود تا

تمام بدن زیر آب قرار گیرد غسل او صحیح است و احتیاط آن است که يك دفعه زیر آب رود(2).

مثال احتیاط واجب : اگر نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد

نمی تواند آن را به فقیر دیگری بدهد و اگر آن فقیر بمیرد

بنابر احتیاط باید به ورثهء او بدهد. (3)

تفاوت دوم : در احتیاط مستحب

مقّد باید به همان احتیاط عمل کند یا به فتوای همراه آن و نمی تواند در آن مسأله به مجتهد دیگر

رجوع کند.

و در احتیاط واجب

مقلد می تواند به همان احتیاط عمل کند
یا به فتوای مجتهد دیگری که پس از آن مجتهد از دیگران اعلم است مراجعه کند(4).

1 - العروة الوثقى

ج 1 ص 23 م 64

2 - توضیح المسائل

م 367

3 - توضیح المسائل

م 2659

4 - توضیح المسائل

م 7

26

حکم و فتوا و فرق آن دو

ائمه معصوم (ع) پس از پیامبر (ص) و به هنگام حضور ظاهری
دو وظیفه مهم امامت را بر عهده داشته اند که طبق روایات و دیگر منابع فقهی در زمان غیبت آنها
بر عهده فقهای جامع الشرايط نهاده شده است :

1 بیان فتوا و ابلاغ احکام الهی به مردم .

2 رهبری و مدیریت جامعه انسانی و اجرای احکام دینی .

اختلاف در بیان فتوا و وجود مراجع فتوایی متعدد

مشکل زیادی در جامعه پدید نمی آورد

همچنانکه در ادوار مختلف تاریخ تشیع

پس از غیبت حضرت ولی عصر (ع) این امر وجود داشته است

ولی تشیت و دو گانگی در احکام اجرایی و دستورات حکومتی به خصوص اگر ارتباطات گسترده و
آسان باشد

قطعاً سبب هرج و مرج و اختلاف و دو دستگی در جامعه خواهد شد

حال پرسش این است که فرق این دو چیست و قلمرو هر يك کدام است و در مورد تعارض فتوای
مرجع تقلید با حکم حاکم (ولی فقیه) وظیفه مردم چیست ؟

<<فتوا>> در اصطلاح فقها بیان حکم خداست به وسیله فقیه . و فقیه کسی است که نسبت به

حکمی که از منابع فقهی استنباط کرده

اظهار نظر می کند. مثل این بیان که :

- در رکعت سوم و چهارم نماز

تسبیحات را يك مرتبه خواندن کافی است .

- اگر روزه گرفتن برای بدن ضرر داشته باشد صحیح نیست .
 - در صورتی که خریدار در معامله گول خورده باشد حق فسخ معامله را دارد و...
 <<حکم حاکم >> دستور به اجرای يك حکم شرعی و تعیین مصداق و یا موضوع و یا وقت و مکان اجرای حکم شرعی و نیز الزام بر انجام یا ترك کاری به خاطر مصلحت است ; مانند:
 - دستور به این که : فلان روز اول ماه است .
 - حکم به دریافت زکات یا خمس
 با شرایطی ویژه (در زمان یا مکان و یا مورد خاص).
 - فروش اموال محتکر و قیمت گذاری آن بدون اجازه از صاحبش .
 - تعیین و تقسیم و مصرف انفال و اموال عمومی .

27

- اقامهء حدود و تعزیرات .

28

اختلاف فتوا با حکم

تقدیم حکم حاکم بر فتوای مرجع تقلید
 در صورتی که فتوای مرجع تقلید و حکم فقیه حاکم خلاف یکدیگر باشد
 به یقین حکم ولی فقیه مقدم و مخالفت با آن حرام است ; مثل آن که مجتهدی فتوا دهد احتکار در غیر
 طعام اشکال ندارد
 ولی فقیه حاکم با توجه به مشکلات اقتصادی جامعه
 حکم کند که احتکار هر گونه کالای مورد نیاز جامعه حرام است . در اینجا دستور ولی فقیه اجرا می
 شود و بر مقلدان آن مرجع نیز تبعیت لازم است ..
 مرحوم شیخ محمدحسن نجفی (قدس سره) صاحب جواهر در بحث احتکار چنین می نویسد:
 <<اگر محتکر
 خود مجتهد باشد
 مجتهد حاکم می تواند او را به فروش کالای احتکار شده یا فروش به قیمت معینی وادار کند
 هر چند حاکم نسبت به مجتهد محتکر از نظر علمی پایین تر باشد>>. (جواهر الکلام
 ج 22 ص 487.
 در فتاوی فقهی بزرگ آمده است :
 نقض حکم حاکم جامع الشرايط جایز نیست

حتی برای سایر مجتهدان

مگر در جایی که اشتباهش روشن باشد. (1)

1 - العروة الوثقی

ج 1 ص 57

30

کارهای وضو

نمازگزار باید قبل از نماز <<وضو>> بگیرد و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند.

31

کارهای وضو(1)

1- شستن :

الف - صورت : از جایی که موی سر روییده تا آخر چانه (طول) و از پهنا فاصله بین شست و انگشت میانه که بر صورت قرار گیرد (عرض).

ب - دست راست : از آرنج تا نوک انگشتان .

ج - دست چپ : از آرنج تا نوک انگشتان .

2- مسح :

الف - سر: قسمت جلوی آن که بالای پیشانی است .

ب - پای راست : روی پا از نوک انگشت تا برآمدگی .

ج - پای چپ : روی پا از نوک انگشت تا برآمدگی .

1- تحریر الوسیله - ج 1 فصل فی الوضو

ص 21 و 23 م 1 و 3 و 12

32

احکام وضو

33

شستن صورت و دستها

1- بنابر احتیاط واجب

باید صورت و دستها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است. (1)

2- اگر صورت یا دست کسی کوچکتر از صورت و دست معمولی باشد

یا بر پیشانی او مو روییده

یا جلوی سر او مو ندارد

باید همان مقداری که مردمان معمولی می شویند

بشوید. (2)

3- اگر صورت و دست کسی

هر دو برخلاف معمول باشد ولی متناسب با هم است

لازم نیست ملاحظهء معمول را بنماید بلکه باید همانگونه که در اعمال وضو بیان شد

وضو بگیرد. (3)

4- اگر پوست صورت از لای موها (ریش - ابرو) پیدا باشد

باید آب را به پوست برساند و اگر پیدا نباشد

شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر مو لازم نیست. (4)

5- اگر شك کند

که پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه ؟ بنابر احتیاط واجب باید مو را بشوید و آب را به پوست

هم برساند. (5)

6- شستن داخل بینی و دهان و مقداری از لب و چشم که هنگام بستن دیده نمی شود

واجب نیست . ولی برای آن که یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده

واجب است مقداری از آنها را هم بشوید. (6)

7- پوست یا گوشتی که از اعضای وضو بریده شده - اگر کاملاً قطع شده باشد

باید زیر آن (جای آن) شسته شود - و در صورتی که به عضو متصل است باید آنهم شسته شود و

هر مقدار از جای آن که ظاهر شده

بشوید. (7)

8- تاوهای که مثلاً بر اثر سوختگی بر پوست ظاهر شده

تا زمانی که باقی است

شستن ظاهر (روی) آن کافی است

هر چند پوستهء آن سوراخ شده باشد و چنانچه قسمتی از آن کنده شده

شستن همان مقداری از پوست که ظاهر شده کافی است و کندن مابقی

یا رساندن آب به زیر آن لازم نیست

ولی اگر به گونه ای است که پوست گاهی بر بدن می چسبد و گاه جدا می شود باید زیر آن هم شسته

شود. (8)

9- پوسته ای که در حال بهبودی زخم روی آن بسته شده و مانند پوست بدن می باشد

کندن آن لازم نیست و شستن ظاهر آن کافی است . هر چند کندن آن راحت باشد

اما دوایی که بر زخم خشکیده است اگر برداشتن آن راحت است باید بردارد و اگر برداشتن آن ممکن نیست حکم جبیره را دارد که به تفصیل در احکام وضوی جبیره ای خواهد آمد. (9)

10- شستن اعضای وضو:

بار اول : واجب

بار دوم : جایز

بار سوم : بدعت و حرام (10)

11- مقصود از شستن

آب ریختن نیست

بلکه شستن کامل است ; یعنی اگر یکبار بطور کامل به نیت وضو تمام صورت یا دست را بشوید و بار دیگر هم بطور کامل بشوید

بار سوم آن حرام می باشد. بنابراین اگر چندین مرتبه هم آب بریزد ولی به تمام جاهای عضو نرسد

یکبار محسوب نمی شود. و اگر با یکبار ریختن

یا یکبار فرو بردن در آب

تمام عضو را فراگیرد. يك بار شستن به حساب می آید. (11)

12- سه بار شستن اعضای وضو (به نیت وضو) علاوه بر آنکه بدعت و حرام است

گاهی اوقات موجب بطلان وضو هم می شود و آن در صورتی است که آب مسح

از آب شستن سوم باشد

چون مسح باید با آب وضو انجام شود. (12)

35

مسح سر

1- جای مسح : يك قسمت از چهار قسمت سر که بالای پیشانی است (جلوی سر).

2- مقدار واجب مسح : هر قدر باشد کافی است (به مقداری که اگر کسی ببیند بگوید مسح کرد).

3- احتیاط مستحب : به پهنای سه انگشت بسته و طول يك انگشت .

4- مسح با دست چپ : جایز است .

5- لازم نیست مسح بر پوست سر باشد

بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است

مگر موی سر انسان به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن

به صورتش بریزد

که باید پوست سر یا قسمت پایین (بیخ) مو را مسح نماید.

6- مسح بر موی جاهای دیگر سر صحیح نیست

هر چند بر محل مسح جمع شده باشد.

7- مسح سر لازم نیست از بالا به پایین باشد.(13)

36

مسح پا

1- جای مسح : روی پا است .

2- مقدار واجب مسح : طول ; از سرانگشت تا برآمدگی روی پا.
عرض ; هر اندازه باشد کافی است هر چند به قدر يك انگشت باشد.

3- احتیاط مستحب آن : همه روی پا.

4- پای راست را باید قبل از پای چپ مسح کند

ولی لازم نیست پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح کند.(14)

37

مسائل مشترك مسح سر و پا

1- در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است

ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.(15)

2- اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد
نمی تواند دست را با آب خارج

تر کند بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح کند.(16)

3- رطوبت دست باید بقدری باشد که بر سر و پا اثر بگذارد.(17)

4- اگر رطوبت کف دست به اندازه ۶ مسح سر باشد

می تواند سر را با همان رطوبت مسح کند و برای مسح پاها از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد.(18)

5- محل مسح (سر و روی پاها) باید خشك باشد

بنابراین اگر جای مسح تر باشد

باید آن را خشك کرد ولی اگر رطوبت آن بقدری کم باشد که مانع از تاعثیر رطوبت دست بر آن نباشد مانع ندارد.(19)

6- بین دست و سر یا پاها باید چیزی مانند چادر و کلاه

یا جوراب و کفش فاصله نباشد. هر چند بسیار رقیق و نازك باشد و رطوبت به پوست برسد (مگر در حال ناچاری).(20)

7- محل مسح باید پاک باشد

پس اگر نجس است و نمی تواند آن را آب بکشد باید تیمم کند. (21)

1- توضیح المسائل - م 243

2- همان

م 238

3- همان .

4- همان

م 240

5- توضیح المسائل

م 241

6- توضیح المسائل

م 242

7- العرو الوثقی

ج 1 فصل فی افعال الوضوء

ص 205 م 14

8- العرو الوثقی

ج 1 ص 206 م 16

9- همان

م 17

10- توضیح المسائل

م 248

11- استفتانات

ج 1 ص 34 و 35

12- توضیح المسائل

م 248 و استفتات

ج 1 ص 34 و 35

13- توضیح المسائل

م 249 و 250 و 251 و تحریر الوسيله

ج 1 فصل فی الوضوء

ص 23 م 12 و 13 و 14

14- العرو الوثقی

ج 1 فصل فی افعال الوضوء

ص 210

15- توضیح المسائل

م 255

16- توضیح المسائل

م 257

17- العرو الوثقی

ج 1 فصل فی افعال الوضو

ص 212 م 26

18- توضیح المسائل

م 258

19- العرو الوثقی

ج 1 ص 212 م 26

20- همان

م 27

21- توضیح المسائل - م 260

39

وضوی ارتماسی

1- وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد یا آنها را در آب فرو برده و به قصد وضو بیرون آورد. (1)

2- چون در وضوی ارتماسی نیز

باید ترتیب مراعات شود و دست و صورت از بالا به پایین شسته شود بنابراین

وضوی ارتماسی به گونه های زیر انجام می شود:

به قصد وضو صورت را از پیشانی

یا دست را از آرنج در آب فرو برد و تا موقعی که آنها را از آب بیرون می آورد و ریزش آب تمام می

شود به نیت وضو باشد. چون آبی که بر دست می ماند و در مسح بکار می رود

باید آب وضو باشد.

بدون قصد وضو

صورت یا دست را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد

که صورت را باید ابتدا از پیشانی بیرون آورد و دستها را از آرنج (2).

3- اگر بعضی از اعضای وضو را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد اشکال ندارد. (3)

1- توضیح المسائل

م 261

2- توضیح المسائل

م 261 و 262

40

چگونگی وضوی افرادی که دست یا پایشان قطع شده(1)

41

1- قطع دست :

الف - يك دست :

1- پایین تر از آرنج قطع شده : - قسمت باقیمانده را باید بشوید

2- از آرنج یا بالاتر قطع شده : - شستن آن دست ساقط است و مسح سر و پاها را با دست سالم انجام دهد.

ب - هر دو دست :

1- هر دو پایین تر از آرنج قطع شده :

قسمتهای باقیمانده باید شسته شود

مسح سر و پاها را اگر می تواند با باقیمانده دست انجام می دهد و گرنه نایب می گیرد.

2- هر دو از آرنج یا بالاتر قطع شده :

شستن دستها ساقط است صورت را شسته (ارتماسی یا غیر ارتماسی) و برای مسح نایب می گیرد.

3- یکی بالاتر و دیگری پایین تر از آرنج قطع شده :

قسمت باقیمانده را باید بشوید و مسح را با همان باقیمانده انجام دهد یا نایب بگیرد.

42

2- قطع پا:

الف - يك پا:

1- پایین تر از برآمدگی روی پا قطع شده : مقدار باقیمانده باید مسح شود.

2- بالاتر از برآمدگی قطع شده : مسح پای قطع شده ساقط است .

ب - هر دو پا:

1- هر دو پایین تر از برآمدگی قطع شده : قسمتهای باقیمانده باید مسح شود.

2- هر دو بالاتر از برآمدگی قطع شده : مسح پاها ساقط است و وضوی چنین فردی عبارت است از شستن صورت و دستها و مسح سر.

3- یکی بالاتر و دیگری پایین تر از برآمدگی قطع شده : قسمت باقیمانده باید مسح شود و مسح پای

دیگر ساقط است .

43

3 قطع دست و پا:

- 1- چیزی از اعضای وضو در دست و پا باقی نمانده (دستها بالاتر از آرنج و پاها بالاتر از برآمدگی قطع شده): جشستن دستها و مسح پاها ساقط است و چنین فردی باید صورت را شسته و برای مسح سر نایب بگیرد.
- 2- چیزی از اعضای وضو در دست یا پا و یا هر دو باقی است: قسمتهای باقیمانده در دست باید شسته و قسمتهای باقیمانده در پا مسح شود و در مواردی که خود نمی تواند اعمال وضو را انجام دهد باید نایب بگیرد.

1- العروة الوثقی

ج 1 ص 204 الثانی ; استغاثات

ج 1 ص 29 و 30 و 31 س 20 تا 24 و 26

45

شرایط وضو

با شرایطی که خواهد آمد وضو صحیح است و با از بین رفتن هر يك از آنها وضو باطل است .

46

شرایط وضو(1):

- 1- شرایط آب و ظرف وضو:
 - الف - آب وضو پاك باشد (نجس نباشد).
 - ب - آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد).
 - ج - آب وضو مطلق باشد (مضاف نباشد).
 - د - ظرف آب وضو مباح باشد.
 - ز - ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.
- 2- شرایط اعضای وضو:
 - الف - پاك باشد.
 - ب - مانعی از رسیدن آب در آن نباشد
- 3- شرایط کیفیت وضو:
 - الف - رعایت ترتیب (به همان ترتیب که در اعمال وضو گذشت).
 - ب - رعایت موالات (بین اعمال وضو فاصله نیفتد).
 - ج - شخصاً انجام دهد (از دیگری کمک نگیرد).

4- شرایط وضو گیرنده :

الف - استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.ب - با قصد قربت وضو بگیرد (ریا نکند).

1- توضیح المسائل

شرایط صحیح بودن وضو.

47

برخی از دعاهای وضو

مستحب است هنگام شستن صورت بگوید:

اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوَجُوهُ وَ لَا تَسْوَدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوَجُوهُ >> و در وقت شستن دست راست بخواند: >>اللَّهُمَّ اعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بَيْسَارِي وَ حَاسِبِنِي حِسَاباً يَسِيراً<< و موقع شستن دست چپ بگوید: >>اللَّهُمَّ لَا تَعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَ لَا مِنْ وَرَاءَ ظَهْرِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً أَلَى عُنْقِي وَ اءَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقْطَعَاتِ النَّيْرَانِ >> و موقعی که سر را مسح می کند بگوید: >>اللَّهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ >> و در وقت مسح پا بخواند: >>اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْاِعْقَادُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِي مَا يَرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاَكْرَامِ . (1)

1- توضیح المسائل

م 264

49

احکام شرایط وضو

50

شرایط آب وضو

1- وضو با آب نجس و مضاف باطل است

خواه بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند

یا فراموش کرده باشد. (1)

2- آب وضو باید مباح باشد

بنابراین در موارد زیر وضو باطل است :

-- وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست (راضی نبودن او معلوم است).

-- آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه .

-- آبی که وقف افراد خاصی است ; مانند حوض برخی از مدارس و وضوخانهء بعضی از هتلها و

مسافرخانه ها و... (2)

3- وضو گرفتن از نهرهای بزرگ

گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه

اشکال ندارد

اما اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کنند

احتیاط واجب آن است که وضو نگیرد. (3)

51

شرایط اعضای وضو

1- اعضای وضو در موقع شستن و مسح باید پاك باشد. (4)

2- اگر در بین وضو

جایی را که شسته یا مسح کرده

نجس شود وضو صحیح است ; مثلاً مشغول شستن دستها است

صورت وی نجس شود. (5)

3- اگر غیر اعضای وضو

جایی از بدن نجس باشد

وضو صحیح است ولی اگر مخرج بول یا غایط را تطهیر نکرده

بهتر آن است که اول آن را تطهیر کند

بعد وضو بگیرد. (6)

4- اگر زیر ناخن چرك باشد

وضو اشکال ندارد

ولی اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد

باید چرك زیر آن مقدار را برطرف کند. (7)

5- چرك بدن اگر مانع رسیدن آب به اعضای وضو نباشد وضو اشکال ندارد. (8)

6- اگر پس از گچ کاری و مانند آن

چیز سفیدی که از رسیدن آب به پوست جلوگیری نمی کند بر دست بماند یا ظاهر شود

اشکالی ندارد ولی اگر مانع رسیدن آب می باشد

یا شك دارد که با بودن آنها

آب به پوست می رسد یا نه باید آنها را برطرف کند. (9)

7- اگر چیزی بر اعضای وضو باشد (اعضای شستن) که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند

برای وضو باید برطرف شود ولی بر اعضای مسح

هر چند از رسیدن آب جلوگیری نکند

برای وضو باید برطرف شود. (10)

8- خطوط قلم خودکار و لکه های رنگ و چربی و کرم در صورتی که رنگ بدون جرم باشد

مانع وضو نیست

ولی اگر جرم داشته باشد (روی پوست را گرفته) باید برطرف شود. (11)

9- خال کوبیهایی که زیر پوست قرار دارد (جوهر است) و مانع از رسیدن آب به پوست نمی باشد برای وضو اشکال ندارد. (12)

52

شرایط کیفیت وضو

53

1 ترتیب (13)

کارهای وضو باید بدین ترتیب انجام شود:

شستن صورت

شستن دست راست

شستن دست چپ

مسح سر

مسح پای راست

مسح پای چپ

اگر ترتیب اعمال وضو به هم بخورد وضو باطل است حتی اگر پای چپ و راست را همزمان مسح کند.

54

2 مَوالات

1- مَوالات ; یعنی پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.

2- اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشك شده باشد

وضو باطل است ولی اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلی است که می خواهد بشوید یا مسح کند خشك شده باشد

وضویش صحیح است (14).

3- راه رفتن بین وضو اشکال ندارد

پس اگر بعد از شستن صورت و دستها

چند قدم راه برود جبهه قدری که مَوالات به هم نخورد ج و بعد سر و پا را مسح کند

3 از دیگران کمک نگیرد

1- کسی که می تواند اعمال وضو را انجام دهد

نباید از دیگری کمک بگیرد

پس اگر شخص دیگری صورت و دست او را بشوید یا مسح او را انجام دهد وضو باطل است

ولی اگر شخص دیگری آب را در دست وی بریزد و وضو گیرنده خودش آن را بر اعضا می ریزد

ومی شوید وضو باطل نیست ولی اینگونه کمک گرفتن مکروه است. (16)

2- کسی که نمی تواند وضو بگیرد

باید نایب بگیرد که او را وضو دهد و چنانچه مزد هم بخواهد

در صورتی که بتواند باید بدهد

ولی خود او باید نیت وضو کند. (17)

3- کسی که در وضو از دیگری کمک می گیرد

هر کدام از کارهای وضو را که می تواند به تنهایی انجام دهد

نباید در آن عمل کمک بگیرد. (18)

4- کسی که دیگری را وضو می دهد

در مسح باید دست او را بر سر و پاهایش بکشد

مگر آن که ممکن نباشد

که در آن صورت باید از دست او رطوبت بگیرد و با دست خود

مسح او را انجام می دهد و چنانچه ممکن است بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید. (19)

شرایط وضو گیرنده

1- کسی که می داند اگر وضو بگیرد مریض می شود یا می ترسد که مریض شود

باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد باطل است . ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد

و بعد بفهمد که ضرر داشته

وضویش صحیح است. (20)

2- وضو باید به قصد قربت انجام شود یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد. (21)

3- لازم نیست نیت را به زبان آورد

یا از قلب خود بگذراند

بلکه همین مقدار که می داند وضو می گیرد کافی است
 به طوری که اگر از او بپرسند چه می کنی؟ بگوید: وضو می گیرم. (22)
 4- در وضو

قصد قربت کافی است و لازم نیست نیت وجوب یا استحباب کند؛ یعنی لازم نیست نیت کند وضوی
 واجب است یا مستحب. (23)

57

دو مسأله :

1- اگر وقت نماز به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد
 تمام نماز یا قسمتی از آن
 بعد از وقت خوانده می شود
 باید تیمم کند. (24)

2- کسی که در تنگی وقت نماز باید تیمم کند
 اگر وضو بگیرد

صحیح است چه برای آن نماز وضو بگیرد یا برای کار دیگر. (25)

1- توضیح المسائل

م 265

2- العرو الوثقی

ج 1 فصل فی شرایط الوضو

ص 219- 225 م 6، 7، 8 و توضیح المسائل

م 265

3- توضیح المسائل

مسأله 271

4- توضیح المسائل

شرایط وضو

ص 35 شرط ششم و مسأله 276 و 277

5- همان .

6- همان .

7- توضیح المسائل

م 291

8- توضیح المسائل

م 294

9- توضیح المسائل

م 294

- 10- توضيح المسائل
شرايط وضو
شروط سيزدهم و مساء له، 259
- 11- استفتآت
ج 1 ص 36 و 37 س 40 تا 45
- 12- همان .
- 13- تحرير الوسيله
ج 1 فصل به شرايط الوضو
ص 28
- 14- همان
- ج 1 ص 28 م 15 و توضيح المسائل - م 283
- 15- توضيح المسائل
م 285
- 16- العرو الوثقى
ج 1 فى شرايط الوضو
التاسع
ص 234
- 17- توضيح المسائل - م 286
- 18- توضيح المسائل
م 287
- 19- همان
م 286
- 20- العرو الوثقى
م ج 1 فى شرايط الوضوء
السابع
ص 232- توضيح المسائل
م 288 و 672
- 21- توضيح المسائل - شرايط وضو شرط هشتم .
- 22- توضيح المسائل
م 282
- 23- تحرير الوسيله
ج 1 ص 29 م 20
- 24- توضيح المسائل
م 280
- 25- همان
م 281

وضوی جبیره ای

دوایی که بر زخم می زنند و چیزی که با آن زخم یا عضو شکسته را می بندند <<جبیره >> نام دارد.

1- شخصی که بر اعضای وضویش زخم یا شکستگی است

اگر بتواند به طور معمول وضو بگیرد

باید چنین کند (1) مثلاً:

- روی زخم باز است و آب برای آن ضرر ندارد.

- روی زخم بسته است ولی باز کردن آن امکان دارد و آب ضرر ندارد.

2- چنانچه زخم بر صورت یا دستهاست و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد

اگر اطراف آن را بشوید کافی است. (2)

3- اگر زخم یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها است (محل مسح) و روی آن باز است

چنانچه نتواند آن را مسح کند

باید پارچهء پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده

مسح کند و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد

باید به جای وضو تیمم کند و بهتر است يك وضو بدون مسح هم بگیرد. (3)

چند مسأله :

1- کسی که نمی داند وظیفه اش وضوی جبیره ای است یا تیمم بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را انجام دهد. (4)

2- کسی که در کف دست و انگشتها جبیره دارد و در موقع وضو

دست تر روی آن کشیده است

می تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند

یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد. (5)

3- اگر در صورت و دستها چند جبیره باشد

باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره ها در سر یا روی پاها باشد باید بین آنها را مسح کند و در

جاهایی که جبیره است باید به دستور جبیره عمل کند. (6)

4- مقدار جبیره و وظیفهء وضو گیرنده :

1- اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد

باید تیمم کند.

2- اگر جبیره

بعضی از اعضای وضو را گرفته باشد
مثل تمام صورت یا تمام يك دست
باید وضوی جبیره ای بگیرد.

3- اگر جبیره

بیشتر اعضای وضو را گرفته باشد
بنابر احتیاط واجب باید وضوی جبیره بگیرد و تیمم هم انجام دهد.

4- اگر جبیره بیش از حد معمول اطراف زخم را پوشانده باشد و برداشتن آن ممکن نباشد
باید وضوی جبیره بگیرد و بنابر احتیاط واجب
تیمم هم بنماید. (7)

1- توضیح المسائل

م 324

2- همان

م 325

3- همان

م 326

4- توضیح المسائل - م 343

5- توضیح المسائل - م 332

6- توضیح المسائل - م 334

7- توضیح المسائل

م 330 و 331 و 335

61

حکم شك در وضو و اعمال آن :

62

چند مسأله :

1- پس از انجام وضو شك کند

چیزی که مانع رسیدن آب می باشد بر اعضای وضو بوده یا نه - به شك اعتنا نمی شود و وضو صحیح است. (1)

2- اگر می داند چیزی بر اعضای وضو چسبیده ولی شك دارد که از رسیدن آب جلوگیری می کند یا نه - باید آن را برطرف کند یا آب را زیر آن برساند. (2)

3- اگر پیش از وضو بداند که در بعضی از اعضای وضو مانعی از رسیدن آب هست

بعد از وضو شك كند آب را به آنجا رسانده یا نه .

می داند موقع وضو ملتفت آن مانع بوده - وضو صحیح است .

نمی داند موقع وضو ملتفت آن مانع بوده یا نه - وضو صحیح است .

می داند موقع وضو ملتفت آن نبوده - باید دوباره وضو بگیرد.(3)

4- اگر بر اعضای وضو مانعی باشد که گاهی آب به خودی خود زیر آن می رسد و گاهی نمی رسد و

بعد از وضو شك كند آب زیر آن رسیده یا نه - حکم مسأله قبل را دارد.(4)

5- اگر بعد از وضو چیزی که مانع رسیدن آب می باشد در اعضای وضو ببیند و نداند موقع وضو

بوده یا بعد پیدا شده

وضوی او صحیح است

ولی اگر بداند که در وقت وضو گرفتن ملتفت آن مانع نبوده - احتیاط واجب آن است که دوباره وضو

بگیرد.(5)

6- کسی که در کارهای وضو و شرایط آن

مثل پاك بودن آب و وجود داشتن مانعی بر اعضا

خیلی شك می کند - باید به شك خود اعتنا نکند.(6)

1- توضیح المسائل

م 298

2- همان

م 290

3- همان

م 295

4- همان

م 296

5- همان

م 297

6- همان

م 299

63

برای چه کارهایی باید وضو گرفت

64

وضو(1):

1- شرط صحت عمل

یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام شود صحیح نیست :

-- نماز (بجز نماز میّت)

-- اجزاء فراموش شده نماز (سجده و تشهد)

-- طواف

2- شرط جواز عمل

و حرام نبودن

یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام گیرد حرام است :

-- مسّ نوشته قرآن

-- مس اسم خداوند و صفات خاص او

-- به احتیاط واجب مس اسم انبیاء (ص) و ائمه (ع) و ملائکه

3- شرط کمال عمل ; یعنی برای درک ثواب یا ثواب بیشتر مانند قرائت قرآن .

4- رفع کراهت عمل

مانند غذا خوردن در حال جنابت که با وضو کراهت آن رفع می شود.

65

چند مسأله :

1- کسی که وضو ندارد نباید جایی از بدن خود را به این نوشته ها برساند:

-- خط قرآن ولی ترجمه آن اشکال ندارد.

-- اسم خداوند به هر زبانی نوشته شده باشد

مانند: <<الله>>

<<خدا>>

<<حراً>>.

-- نام پیامبر اکرم (ص) امامان (ع) و حضرت زهرا (علیهاالسلام) (بنابر احتیاط واجب). (2)

2- در حرام بودن مسّ قرآن بدون طهارت بین این موارد فرقی نیست :

با دست باشد یا سایر اجزای بدن (بجز مو).

ابتدای به مس باشد یا ادامه آن

بنابراین اگر دست او بر خط قرآن بود و متوجه شد ولی دست را برنداشت مرتکب حرام شده است .

خط آن معمول و متعارف باشد و یا متعارف نباشد; مثل خط کوفی .

نوشته

با قلم باشد یا چاپ یا گچ یا غیر آن .

نوشته برجسته باشد یا گود; مانند سنگ قبر.

حرفی است که خوانده می شود یا خوانده نمی شود مانند الف در <<قالوا>>. نوشتهء قرآنی در قرآن باشد یا در غیر قرآن مثلاً آیه ای یا کلمه ای از قرآن در کتابی نوشته شده باشد. و یا حتی مثلاً نصف کلمه را بریده باشند. آنچه قرآن بر آن نوشته شده فرقی نیست بین این که کاغذ باشد یا چوب یا سنگ یا لباس یا دیوار و مانند آن . بطور عادی نوشته شده یا برعکس مثل یا ایها اللذین . حروف عربی باشد یا غیر آن ; مثلاً "ALLAH" یا "MOHAMMAD". کلمات قرآنی نیکو باشد; مانند موعمن صبر یا کلمات ناپسند; مانند ابلیس شیطان و کافر. (3)

66

3 مس در موارد زیر حرام نیست :

- مس خطوط قرآن با مو <<گرچه احتیاط مستحب ترك آن است >>.
- مس از پشت شیشه یا پلاستیک که در واقع مس خطوط نمی باشد.
- مس ما بین حروف و فضای خالی درون حروف ; مانند فضای <<ح >> <<ن >> و...
- مس ورق قرآن و حواشی و ما بین سطور و جلد آن (گرچه مکروه است).
- ترجمه قرآن به هر لغتی باشد. مگر اسم خداوند(4)
- 4- کلماتی که مشترك بین لغات قرآن و غیر آن است اگر قصد نویسنده کلمه قرآنی بوده است
- مس آن جایز نیست و اگر قصد او قرآن نبوده جایز است. (5)
- 5- مس آرم جمهوری اسلامی ایران بدون طهارت بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. (6)

67

برای این کارها وضو گرفتن مستحب است :

-- برای نماز میّت .

-- رفتن به مسجد و حرم امامان .

-- خواندن قرآن .

-- همراه داشتن قرآن .

-- خوابیدن .

-- رساندن جایی از بدن به جلد یا حاشیهء قرآن .

-- زیارت اهل قبور.(7)

1- تحریرالوسیله

ج 1 فصل فی غایات الوضو

ص 31

2- توضیح المسائل

م 317 و 319

3- العرو الوثقی

ج 1 فصل فی غایات الوضو

ص 189 تا 191 م 3 تا 12 و استفتائات

ج 1 ص 47 48

4- همان

ج 1 ص 189 تا 192 م 11 تا 17

5- همان

ج 1 ص 190 م 9

6- استفتائات

ج 1 ص 47 س 80

7- توضیح المسائل - م 322

69

مواردی که وضو باطل می شود

70

چگونه وضو باطل می شود؟

1- خارج شدن ادرار یا مدفوع از انسان .

2- خارج شدن باد معده و روده از مخرج غائط.

3- خواب

چنانچه گوش نشنود و چشم نبیند.

4- چیزهایی که عقل را از بین می برد؛ مانند دیوانگی

مستی

بیهوشی .

5- استحاضه زنان .

6- آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت و مسّ میّت (1).

1- توضیح المسائل - م 323

71

مستحبات و مکروهات وضو

72

مستحبات وضو

1- مصرف آب بیش از يك مدّ نباشد (يك مد حدود 750 گرم است).

2- مسواك كردن

هر چند با انگشت .

3- اگر از ظرف وضو می گیرد

آن را سمت راست خود قرار دهد.

4- شستن دستها قبل از شروع وضو.

5- مضمضه (آب در دهان گرداندن).

استنشاق (آب در بینی كردن و بیرون ریختن).

7- گفتن <<بسم الله>> هنگامی که دست را در آب می برد یا آب را بر آن می ریزد و بهتر است

بگوید <<بسم الله و بالله اللهم اجعلني من التوابين و اجعلني من المتطهرين>>.

8- آب را در دست راست بریزد

هر چند برای شستن دست راست ; بدین معنا که اول آب را در دست راست بریزد سپس در دست چپ

و بعد بر دست راست بریزد.

9- خواندن دعاهاى وارده

هنگام وضو و بعد از آن (1).

10- برای شستن بار اول دستها

مردان آب را بر قسمت بیرونی آرنج

و زنان بر قسمت داخلی

جایی که دست خم می شود بریزند.

11- آب را بر قسمت بالای عضو بریزد.

12- آب را بر عضو بریزد نه عضو را در آب فرو برد.

13- برای شستن

دست بر اعضا بکشد

هر چند بدون کشیدن دست

شسته شود.

14- تمام اعمال وضو را با حضور قلب انجام دهد.

15- هنگام وضو سورهء <<قدر>> بخواند.

16- پس از اتمام وضو <<آیالکرسی>> بخواند.

17- هنگام شستن صورت

چشمها را باز بگذارد.(2)

73

مکروهات وضو

1- كمك گرفتن از دیگران در مقدمات قریبهء وضو؛ مثل ریختن آب در دست وضو گیرنده .

2- وضو گرفتن در محل استنجاء

مثلاً در توالت .

3- وضو گرفتن از ظرفی که طلاکوب یا نقره کوب است یا نقش صورت بر آن می باشد.

4- وضو گرفتن با این آبها:

-- آبی که در آفتاب گرم شده .

-- آبی که در انجام غسل واجب بکار رفته .

-- آب متعفن . (ولی اگر مضاف باشد وضو باطل است و اگر ضرر داشته باشد

جایز نیست)

-- آب نیم خوردهء هر حیوان حرام گوشتی .(1)

1- برخی از دعاهای وضو در صفحهء 47 گذشت .

2- عرو الوثقی

ج 1 فصل فی بعض مستحبات الوضوء

ص 198 تا 200

3- عرو الوثقی

ج 1 ص فصل فی مکروهات الوضوء

ص 200 تا 202

75

مسائل متفرقه وضو

- 1- وضو گرفتن در دستشویی هایی که آب آن به چاه توالت می ریزد باطل نیست .(1)
- 2- اگر در حال وضو گرفتن به نامحرمی نگاه کند یا دروغ بگوید و یا غیبت کند (گرچه کار حرامی مرتکب شده است) ولی این عمل وضو را باطل نمی کند.(2)
- 3- اگر شخص برای غرضی ; مثلاً خواندن قرآن وضو بگیرد و پس از وضو از آن قصد برگردد وضو باطل نیست . پس می تواند با همان وضو نماز بخواند.(3)
- 5- وضو گرفتن بدین نیت که با وضو باشد صحیح است و با همان وضو می تواند نماز بخواند.(4)
- 6- با وضوی صحیح خواه برای عمل واجب باشد یا عمل مستحب هرگونه عمل واجب یا مستحبی که مشروط به طهارت است می توان انجام داد.(5)
- 7- وضو گرفتن قبل از وقت نماز به نیت نماز مانع ندارد; مثلاً قبل از ظهر برای آن که با این وضو نماز ظهر بخواند وضو می گیرد.(6)

76

حکم کلی

تمام نمازها باید با طهارت انجام شود بجز نماز میت که بدون طهارت نیز صحیح است .(7)

77

استغناء

س - از آنجا که در حال حاضر بیشتر روزنامه ها و مجلات کشور مشتمل بر آیات قرآن است معمولاً افراد پس از مطالعه آنها را به جاهای هتک آمیز می اندازند لذا تقاضا می کنیم دستور فرمایید که این نشریات از چاپ آیات قرآن و کلماتی که احترام آنها لازم است خودداری کنندو اگر بهتر است در هنگام ضرورت سعی کنند آیات قرآن را نقل به معنا کنند نه اینکه عیناً چاپ نمایند.

ج - چاپ و نشر ممنوع نیست ولی از انداختن در جاهایی که موجب هتک می شود باید خودداری کنند.(8)

1- استغناآت

ج 1 ص 45 س 69 و 70

2- همان

س 71

3- استفتانات

ج 1 ص 45 س 73

4- همان

ص 46 س 74 و 78

5- همان .

6- همان

س 76

7- تحریرالوسیله

ج 1 فصل فی غایات الوضوء

ص 31

8- استفتانات

ج 1 ص 114 س 308

78

غسل و اقسام آن

گاهی اوقات باید برای نماز (و هر کاری که نیاز به طهارت دارد) غسل کرد؛ یعنی برای اطاعت فرمان خداوند

تمام بدن را شست

اکنون به بیان موارد غسل و چگونگی آن می پردازیم :

79

اقسام غسل :

الف - واجب :

1- مشترك بين مردان و زنان :

-- جنابت

-- مس میت

-- میت

2- مخصوص بانوان :

-- حیض

-- استحاضه

-- نفاس

ب - مستحب :

1- زمانی

غسلی که به جهت زمان خاصی مستحب است
مانند: شب قدر و روز عرفه و غسل جمعه .

2- مکانی

غسلی که به جهت رفتن به مکان معینی مستحب می شود
مانند: رفتن به مسجدالحرام .

3- فعلی

غسلی که به جهت انجام کار خاصی مستحب است
مانند: غسل احرام عمره یا حج .

1- تحریر الوسيله

ج 1 كتاب الطهارة

فصل فى الاغسال

ص 36 و القول فى الاغسال المندوبة

ص 97

81

عوامل جنابت و مسایل آن

82

غسل جنابت

1- چگونه انسان جنب می شود؟

83

عوامل جنابت :

1- بیرون آمدن منی از انسان :

-- کم باشد یا زیاد.

-- در خواب باشد یا بیداری .

2- جماع (آمیزش) :

-- با حلال باشد یا با حرام

-- منی بیرون بیاید یا نیاید. (1)

2- اگر منی از جای خود حرکت کند

ولی بیرون نیاید سبب جنابت نمی شود. (2)

3- کسی که می داند منی از او خارج شده یا می داند آنچه بیرون آمده منی می باشد

جنب است و باید غسل کند. (3)

4- نشانه های منی :

با شهوت بیرون آید.

با فشار و جستن بیرون آید.

بعد از بیرون آمدن

بدن سست شود. (4)

5- کسی که آبی از او خارج شده و نمی داند منی است یا نه

در صورتی که تمام این نشانه ها را داشته باشد جنب است و گرنه جنب نمی باشد

حتی اگر یکی از علامتها وجود نداشته باشد

بجز زن و مریض که وجود يك نشانه ; یعنی بیرون آمدن از روی شهوت

کافی است ولی اگر بعداً متوجه شود جنب بوده

نمازهایی که با آن حال خوانده است باطل است. (5)

6- بیرون آمدن منی از انسان یکی از نشانه های بلوغ است و دو نشانهء دیگر آن عبارت است از:

1- روییدن موی خشن بر عانه. (6)

2- کامل شدن 15 سال قمری برای پسران و 9 سال قمری برای دختران .

برای تحقق بلوغ

ظاهر شدن هر سه علامت ضرورت ندارد

بلکه با پدیدار شدن یکی از آنها

بلوغ حاصل می شود. پس اگر جوانی از خود منی ببیند

هر چند به سن بلوغ نرسیده باشد

بالغ است و باید به تکالیف شرعی عمل نماید. (7)

7- مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او

خارج شود که نداند منی است یا رطوبت دیگر

حکم منی را دارد. (8)

8- زنان هم ممکن است مانند مردان در خواب محتلم شوند و در صورتی که یقین به خروج منی پیدا

کردند غسل واجب می شود و در صورت شك چیزی بر آنها نیست. (9)

9- استمنا

باید غسل کند. (10)

1- حریرالوسیلہ

ج 1 فصل فی الاغسال

ص 36 م 1

2- همان .

3- همان و العرو الوثقی - ج 1 فصل فی غسل الجناب

ص 278

4- همان

و العرو الوثقی

ج 1 ص 378

5- همان .

6- بالای عورت و پایین شکم .

7- تحریرالوسیلہ

ج 2 کتاب الحجر

القول فی الصغر

ص 13 م 3 و استفتائات

ج 1 ص 126 س 1

8- توضیح المسائل م 348

9- استفتائات

ج 1 ص 50 س 90- 91

10- استفتائات

ج 1 ص 51 س 94- 95

85

کارهایی که بر جنب حرام است (1)

رساندن جایی از بدن به خط قرآن

اسم خداوند و بنا بر احتیاط واجب

اسامی پیامبران و ائمه (ع).

رفتن به مسجدالحرام و مسجد النبی (ص) هر چند از يك در داخل شود و از در دیگر بیرون رود.

86

توقف در مساجد.

گذاشتن چیزی در مسجد

هر چند از بیرون مسجد باشد.

خواندن سوره هایی از قرآن که سجده واجب دارد حتی يك حرف از آن .

توقف در حرم امامان : (بنابر احتیاط واجب).

87

دو مسأله :

- 1- اگر جنب از يك در مسجد وارد شود و از در ديگر خارج شود (عبور بدون توقف) مانع ندارد بجز مسجدالحرام و مسجد النبی که عبور هم جایز نیست .(2)
- 2- مکانی را که در خانه برای نماز خواندن قرار می دهند و همچنین نمازخانهء موعسسات و ادارات حکم مسجد ندارد.(3)

88

سوره های سجده دار قرآن(4)

سوره ء 32 سجده

آیه 15

سوره ء 41 فصّلت

آیه 37

سوره ء 53 نجم

آیه آخر

سوره ء 96 علق

آیه آخر

1- تحریرالوسیله

ج 1 فصل فی الاغسال

القول فی احکام الجنب

ص 38- 39

2- همان

ص 38- 39

3- العرو الوثقی - ج 1 ص 288 م 3 استغثات

ج 2 ص 343

4- تحریرالوسیله

ج 1 فصل فی غسل الجنابة

فیما یحرم علی الجنب

ص 38- 39

90

انجام غسل

در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود
خواه غسل واجب باشد؛ مانند جنابت
و یا مستحب؛ مانند غسل جمعه
به عبارت دیگر تمام غسلها در انجام فرقی ندارند مگر در نیت .

91

نحوه انجام غسل :

1- ترتیبی (1):

اول سر و گردن را بشوید.

و سپس نیمه راست بدن .

و بعد از آن نیمه چپ بدن را.

2- ارتماسی :

- با نیت غسل یکباره زیر آب می رود به طوری که تمام بدن در آب قرار گیرد.

- یا به تدریج زیر آب می رود

که در نهایت تمام بدن در آب قرار گیرد.

- یا زیر آب رفته و در آب به نیت غسل بدن را حرکت می دهد.

92

حکم کلی

تمام غسلها در چگونگی انجام با هم تفاوتی ندارد بجز در نیت .

1- توضیح المسائل - م 361 و 367 و 368

93

احکام غسل

1- تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد

در صحیح بودن غسل هم شرط است

بجز موالات و از بالا به پایین شستن بدن . (1)

2- کسی که چند غسل بر او واجب است

می تواند به نیت همه آنها يك غسل به جا آورد.

3- کسی که غسل جنابت کرده

نباید برای نماز وضو بگیرد

ولی با غسلهای دیگر نمی شود نماز خواند و باید وضو هم بگیرد.(2)

- 4- در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد
ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست
و اگر هر قسمتی را پیش از غسل دادن همان قسمت تطهیر کند کافی است. (3)
- 5- غسل جبیره ای مثل وضوی جبیره ای است ولی بنابر احتیاط واجب باید آن را ترتیبی بجا آورد. (140)
- 6- کسی که در حال روزه یا در احرام عمره یا حج است نمی تواند غسل ارتماسی انجام دهد
ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند صحیح است. (5)
- 7- در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود و چنانچه با نیت غسل
آب به تمام بدن برسد کافی است. (6)
- 8- در این موارد غسل باطل است :
قصد دارد پول حمامی را ندهد و در حمام غسل کند
هر چند بعد از غسل حمامی را راضی کند.
بدون آن که بداند صاحب حمام راضی است
بخواهد مبلغ آن را نسیه بگذارد
اگر چه بعد از غسل حمامی را راضی کند.
بخواهد پول حرام یا پولی که خمس آن را نداده
به حمامی بدهد. (7)
- 9- اگر در بین غسل
حدث اصغر از او سرزند غسل باطل نمی شود ولی باید برای نماز وضو بگیرد
هر چند غسل جنابت باشد. (8)
- 10- وظیفهء کسی که بعد از غسل بفهمد به قسمتی از بدن
آب نرسیده است :
الف : غسل ارتماسی بوده : باید دوباره غسل کند
چه جای آن را بداند یا نداند.
ب : غسل ترتیبی بوده :
1- جای آن را نمی داند: باید دوباره غسل کند.
2- جای آن را می داند:

-- در سر و گردن است : باید آن مقدار را شسته و سپس طرف راست و چپ بدن را بشوید.(9)

1- توضیح المسائل - م 380

2- توضیح المسائل

م 391

3- توضیح المسائل

م 372

4- توضیح المسائل

م 339

5- توضیح المسائل

م 371

6- استفتانات

ج 1 ص 56 س 117

7- توضیح المسائل

م 381-382

8- توضیح المسائل

م 386

9- توضیح المسائل

م 369 و 364 و 365

96

شکيات غسل(1)

97

شك در انجام غسل (نمی داند غسل کرده یا نه)

باید غسل کند (ولی چنانچه نماز بخوانده

صحیح است ولی برای نمازهای بعدی باید غسل کند).

98

شك در صحت غسل

1- پس از اتمام غسل شك کند --- به شك اعتنا نمی شود (بنا بر صحت می گذارد).

2- در بین غسل شك کند :

-- در شستن مقداری از طرف چپ بدن شك کند --- شستن همان مقدار کافی است .

-- در شستن مقداری از طرف راست شکست کند

---- مشغول شستن طرف چپ شده به شك اعتنا نمی شود

---- مشغول شستن طرف چپ نشده باید آن مقدار را شسته و سپس طرف چپ را بشوید.

-- در شستن مقداری از سروگردن شك كند

---- مشغول شستن طرف چپ شده به شك اعتنا نمی شود.

---- مشغول شستن طرف چپ نشده --- باید آن مقدار را شسته و سپس طرف چپ را بشوید.

3- جایی که بدن را شك دارد جزء ظاهر است یا باطن (مانند سوراخ جای گوشواره) --- شستن آن لازم نیست .

4- در بین غسل شك كند چیزی که مانع رسیدن آب باشد در بدن هست یا نه --- اگر احتمال او در نظر مردم بجاست (احتمال عقلانی) باید واریسی کند و گرنه لازم نیست

1- توضیح المسائل ، م 366 ، 375 ، 378 ، 388.

99

غسل مسّ میت

1- اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده ای که سرد شده و غسلش نداده اند برساند

باید غسل مسّ میت کند.(1)

2- در این موارد مس بدن انسان مرده سبب غسل نمی باشد:

-- انسانی که در میدان نبرد به شهادت رسیده است

در صورتی که در میدان جان دهد.

-- مرده ای که بدنش گرم است و هنوز سرد نشده است .

-- مرده ای که غسلش داده اند.(2)

3- غسل مسّ میت را باید مانند غسل جنابت انجام دهند

ولی کسی که غسل مسّ میت کرده

اگر بخواهد نماز بخواند

باید وضو هم بگیرد.(3)

4- اگر چند میت را مسّ کند یا يك میت را چند بار مسّ نماید

يك غسل کافی است .(4)

5- برای کسی که بعد از مسّ میت غسل نکرده است

توقف در مسجد و خواندن سوره هایی که سجدهء واجب دارد مانعی ندارد ولی برای نماز و مانند آن

باید غسل کند و وضو بگیرد.(5)

1- توضیح المسائل

م 521

2- تحریرالوسیله

ج 1 ص 63 و توضیح المسائل

م 522 و 526 و استغاثات ص 179

3- توضیح المسائل

م 530

4- توضیح المسائل

م 531

5- توضیح المسائل

م 532

101

غسل میت

یکی دیگر از غسل‌های واجب غسل میت است . .

1- هرگاه مؤمنی از دنیا برود

بر همهء مکلفین واجب است که او را غسل داده و کفن کنند و بر او نماز بخوانند و سپس دفن کنند

و اگر بعضی انجام دهند

از دیگران ساقط می شود(1).

2- واجب است میت را سه غسل بدهند:

اول : با آبی که به سدر مخلوط باشد.

دوم : با آبی که به کافور مخلوط باشد.

سوم : با آب خالص .(2)

3- کیفیت غسل میت با سایر غسلها تفاوتی - به جز در نیت - ندارد

و احتیاط واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است

میت را غسل ارتماسی ندهند.(3)

4- سدر و کافور باید به اندازه ای زیاد نباشد که آب را مضاف کند و به اندازه ای هم کم نباشد که

نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است(4) .

5- اگر سدر و کافور یا یکی از یانها پیدا نشود

باید به جای هر کدام که ممکن نیست میت را با آب خالص غسل بدهند.(5)

1 - توضیح المسائل

م 542

2 - توضیح المسائل

م 550

3 - توضیح المسائل

م 565

4 - توضیح المسائل

م 551

102

غسلهای اختصاصی بانوان

سه غسل از غسلهای واجب ; یعنی غسل حیض استحاضه و نفاس تنها بر دخترها و بانوان واجب می شود و سبب این غسلها خونی است که از رحم بیرون می آید و هر يك احکام خاصی دارد که در این درس به بیان آنها می پردازیم :

103

غسل حیض (قاعدگی)

زمانی که خونریزی قاعدگی قطع شود زن باید برای نماز و سایر کارهایی که نیاز به طهارت دارد غسل کند.(1)

104

نشانه های خون حیض

قبل از بلوغ دیده نمی شود و اگر دختری قبل از بلوغ خونی ببیند حکم حیض ندارد.(2)
زنهاى سیده پس از 60 سالگی و زنهاى غیرسیده پس از 50 سالگی خون حیض نمی بینند و چنانچه پس از آن سنین خونی ببینند حکم حیض ندارد.
دورهء قاعدگی کمتر از سه روز نیست
پس اگر جریان خون قبل از سه روز قطع شود حکم حیض ندارد.
دورهء قاعدگی بیش از ده روز طول نمی کشد و چنانچه خونریزی بیش از ده روز طول بکشد پس از ده روز حکم حیض ندارد.
خونریزی در سه روز اول به طور مستمر می باشد - هر چند در داخل خون باشد و بیرون نیاید - پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند سپس بطور کامل قطع شود و يك روز دیگر دوباره خون ببیند
از آغاز
حیض نبوده است .
فاصلهء دو حیض حداقل ده روز می باشد
پس اگر بعد از تمام شدن دورهء قاعدگی قبل از آن که ده روز فاصله شود خون ببیند

خون دوّم حکم حیض ندارد.(3)

خون حیض معمولاً غلیظ و گرم و پر رنگ است و با فشار و کمی سوزش می آید.(4)

105

احکام دوران قاعدگی

در مدّت قاعدگی

این کارها بر بانوان حرام است :

نماز و طواف کعبه .

کارهایی که بر جُنُب حرام است ؛ مانند توقف در مسجد.

آمیزش با همسر

برای زن و مرد

هر دو حرام است .(5)

در ایّام قاعدگی نماز و روزه بر زن واجب نیست

و نمازها قضا ندارد ولی قضای روزه های واجب را باید پس از ماه مبارك رمضان بجا آورد.(6)

106

استغناء

س - خوردن قرص در ایام حج یا بعضی مواقع که زنها میل دارند عادت ماهیانه نداشته باشند اشکال دارد یا نه ؟

ج - در صورت مضرّ نبودن اشکال ندارد.(7)

107

وظیفه زن

هنگام شروع خونریزی (8)

108

چگونگی جریان خون

1- تاکنون خونریزی قاعدگی نداشته

مانند دختری که خونریزش برای اولین مرتبه شروع شده .(مبتدئه))

2- اولین خونریزی قاعدگی او نیست ولی هنوز عادت منظمی پیدا نکرده است . (مضطربه)

3- خونریزی قاعدگی او از نظر تعداد روزها منظم است مثلاً همیشه پس از 5 روز خونریزی پاک می شود ولی از نظر وقت شروع خونریزی منظم نشده است . (عددیّه)

109

وظیفه

در این سه صورت از ابتدای خونریزی اگر نشانه های خون قاعدگی را دارد یا یقین کند تا سه روز طول می کشد باید آن را حیض به حساب آورد و به احکام آن عمل کند.

110

چگونگی جریان خون

4- خونریزی قاعدگی از نظر تعداد روزها منظم نیست ; مثلاً گاهی پس از 5 روز خونریزی پاک می شود و گاهی پس از 6 روز ولی از نظر وقت شروع خونریزی منظم است ; مثلاً همیشه 25 روز پس از پاک شدن دوباره خونریزی شروع می شود.(وقتیّه)
5- خونریزی قاعدگی او هم از نظر تعداد روزها و هم از نظر وقت شروع خونریزی منظم است مثلاً همیشه بیستم ماه خونریزی شروع می شود و پس از 5 روز قطع می گردد. (وقتیّه و عددیه)

111

وظیفه

در این دو صورت چون وقت شروع خونریزی مشخص است از ابتدای شروع باید آن را حیض به حساب آورد و به احکام آن عمل کند.

112

چگونگی جریان خون

6- عادت منظمی در خونریزی داشته است ولی اکنون آن را فراموش کرده . (ناسیه)

113

وظیفه

اگر نشانه های خون قاعدگی را دارد یا یقین کند که 3روز طول می کشد باید آن را حیض بحساب آورد و به احکام آن عمل کند.

114

وظیفه زن پس از قطع خونریزی

1- پس از پایان دوره قاعدگی و قطع خونریزی زن باید غسل حیض به جا آورد و نماز و سایر عبادت‌های خود را انجام دهد.(9)

2- غسل حیض با غسل جنابت

بجز در نیت تفاوتی ندارد. (10)

3- با غسل حیض به تنهایی نمی توان نماز خواند

بلکه باید به علاوه غسل

وضو هم بگیرد

و اگر پیش از غسل وضو بگیرد بهتر است. (11)

115

غسل استحاضه

استحاضه

یکی دیگر از خونهایی که گاهی اوقات از رحم دختر یا زن بیرون می آید <<استحاضه >> است . خون استحاضه معمولاً زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید و غلیظ نیست ولی ممکن است گاهی

پر رنگ و گرم و غلیظ باشد و با فشار بیرون آید. (12)

>>به زنی که خونریزی استحاضه دارد

مُستحاضه گویند.<<

116

اقسام استحاضه

خون استحاضه بر اساس کمی و زیادی آن

به سه دسته تقسیم می شود: قلیله

متوسطه و کثیره . بر پایه این تقسیم

وظیفه زن نیز متفاوت است. (13)

117

وظیفه مستحاضه قلیله

اگر جریان خون تنها يك طرف پنبهء بهداشتی را آلوده کرده باشد و به درون آن نفوذ کرده ولی از طرف دیگر ظاهر نشده

قلیله (14) است و زن باید برای نماز بدن را تطهیر کرده و بنا بر احتیاط واجب پنبه را عوض کند و

وضو بگیرد. بنابراین استحاضه قلیله

غسل ندارد. (15)

118

وظیفه مستحاضه متوسطه

اگر خونریزی به قدری است که به درون پنبه بهداشتی نفوذ کرده و از طرف دیگر آن ظاهر شده ولی لباس یا پارچه روی پنبه را آلوده نکرده باشد

استحاضه متوسطه است و زن باید برای نماز افزون بر وظایفی که برای قلیله گفته شد برای آن نمازی که قبل از آن یا در بین آن مستحاضه شده است غسل کند و تا زمانی که خونریزی مستحاضه متوسطه ادامه دارد هر روز قبل از نماز صبح غسل کند. بنابراین در استحاضه متوسطه در هر شبانه روز يك غسل کافی است اما پس از قطع خونریزی نیز باید غسل کند. (16)

119

وظیفه مستحاضه کثیره

اگر خونریزی به قدری است که به پنبه بهداشتی نفوذ کرده و از طرف دیگر آن ظاهر شده و لباس یا پارچه روی پنبه را آلوده کرده

استحاضه کثیره است و زن باید برای هر نماز علاوه بر وظایفی که برای قلیله گفته شد دستمال را عوض کند یا آب بکشد و غسلی هم انجام دهد ولی اگر نماز ظهر و عصر را با هم بخواند فاصله نیندازد

يك غسل برای هر دو کافی است و همچنین برای نماز مغرب و عشا. (17)

120

چند مسأله :

- 1- مستحاضه متوسطه و کثیره نیز باید پس از قطع خونریزی غسل کنند. (18)
- 2- غسل استحاضه با سایر غسلها تفاوتی ندارد مگر در نیت .
- 3- با غسل استحاضه نمی توان نماز خواند بلکه باید به علاوه غسل وضو هم بگیرد. (19)

121

غسل نفاس

غسل نفاس مربوط به ولادت فرزند است و در زمان دیگری دیده نمی شود که زن پس از خونریزی زایمان باید آن را انجام دهد.

1- خونریزی نفاس ممکن است يك لحظه باشد و ممکن است چندین روز طول بکشد ولی از ده روز بیشتر نخواهد شد و چنانچه از ده روز بگذرد زیاده بر آن

حکم نفاس ندارد. (20)

2- زن باید پس از قطع خونریزی زایمان غسل نفاس بجا آورد و نماز و سایر عبادت‌های خود را انجام دهد

بنابراین آنچه در بعضی مناطق مرسوم است که پس از 7 یا 10 روز به حمام رفته و غسل می‌کنند و قبل از آن

هر چند خونریزی قطع شود

نماز و سایر عبادت‌ها را انجام نمی‌دهند کار صحیحی نیست. (21)

3- آنچه در ایام قاعدگی بر زن حرام است

در حال نفاس نیز حرام است. (22)

4- غسل نفاس با سایر غسلها بجز در نیت تفاوتی ندارد و برای نماز کافی نیست

بلکه زن باید علاوه بر غسل

وضو نیز بگیرد. (23)

1- توضیح المسائل

م 466

2- ممکن است دختری بالغ باشد ولی خونریزی قاعدگی نداشته باشد چون وراثت و تغذیه و

آب و هوا هم در این مسأله تأثیر دارد

چنانچه امروزه معمولاً نخستین خونریزی دخترها در سنین 12 یا 13 سالگی می‌باشد.

3- گر آن که ابتدا سه روز یا بیشتر خون ببیند و پاک شود و دوباره چند روزی خون ببیند و

مجموع خونریزی اول و دوم و پاکی در وسط بیش از ده روز نباشد.

4- العرو الوثقی

ج 1 فصل فی الحيض

ص 315 و 316 و توضیح المسائل

م 434 تا 441

5- توضیح المسائل

م 450

6- همان

م 469

7- استفتانات

ج 1 ص 470 س 111

8- العرو الوثقی

ج 1 ص 226 م 8 و ص 228 م 15 و توضیح المسائل

م 499 و 500

9- توضیح المسائل

م 466

10- همان .

11- همان .

12- توضیح المسائل

م 392

13- توضیح المسائل

م 393

14- برای آشنایی بیشتر با چگونگی شناخت نوع استحاضه به رسالهء توضیح المسائل

مسائلهء 404 مراجعه کنید.

15- توضیح المسائل

م 393 و 394

16- همان

م 393 و 395

17- توضیح المسائل

م 396

123

18- توضیح المسائل

م 412

19- توضیح المسائل

م 391

20- توضیح المسائل

م 511

21- توضیح المسائل

م 515

22- توضیح المسائل

م 513

23- العرؤ الوثقی

ج 1 ص 210 سطر 3 و توضیح المسائل

م 391

124

غسلهای مستحب

غسلهای مستحب بسیار است
 در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود و گفته شد که غسلهای مستحب به سه
 دسته زمانی
 مکانی و فعلی تقسیم می شود:

125

غسلهای زمانی

- 1- غسل جمعه که از مستحبات مؤکد است و وقت آن از اذان صبح روز جمعه تا ظهر است و اگر تا ظهر انجام نداد تا غروب روز جمعه و در روز شنبه تا ظهر به نیت قضا بجا آورد.
- 2- غسلهایی که در شبهای ماه رمضان وارد شده است .
- 3- غسل روز عید فطر و قربان .
- 4- غسل روزهای هشتم و نهم ذی حجه .
- 5- غسل روزهای اوّل و وسط و آخر ماه رجب .
- 6- غسل روز عید غدیر.
- 7- غسل روز مبعث .
- 8- غسل شب نیمه شعبان .
- 9- غسل روز میلاد پیامبر 17ربیع الاول .
- 10- غسل روز اوّل فروردین .

126

غسلهای مکانی

- 1- غسل ورود به حرم مکه .*
- شهر مکه و قسمتی از اطراف آن تا حدودی که مشخص شده منطقه حرم می باشد که دارای احترام واحکام خاصی است .
- 2- غسل ورود به شهر مکه .
- 3- غسل رفتن به مسجدالحرام .
- 4- غسل رفتن به مدینه منوره .
- 5- غسل رفتن به مسجدالنبی (ص).

غسلهای فعلی

غسلهای فعلی دو قسم است :

الف : غسل برای کاری که می خواهد انجام دهد.

ب : غسل برای کاری که انجام داده است .

و اما دسته اوّل مانند:

1- غسل احرام عمره یا حج .

2- غسل طواف .

3- غسل زیارت .

4- غسل وقوف به عرفات .

5- برای خواب دیدن یکی از ائمه (ع) .

6- غسل سفر

به خصوص برای زیارت اباعبدالله الحسین (ع) .

7- برای خواندن نماز استسقاء (طلب باران) .

و دسته دوّم مانند:

1- برای کشتن قورباغه .

2- دیدن کسی که به دار آویخته اند.

3- کسی که برای خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی نماز آیات را عمداً نخوانده

در صورتی که تمام آن گرفته باشد.

4- برای مسّ میت پس از غسل دادن آن .(1)

1- - تحریرالوسیله

ج 1 القول فی الاغسال المندوبه

ص 97

تیمّم

در این موارد باید به جای وضو و غسل تیمّم کرد:

1- آب نباشد و یا دسترسی به آن نداشته باشد.

2- آب برای انسان ضرر داشته باشد (مثلاً؛ به سبب استفاده از آب

مرضی در او پیدا می شود).

3- اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند

بیم آن می رود که خود یا همسر یا فرزندان یا رفیق

یا کسانی که به انسان مربوطند

از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد و همچنین کسی که حفظ جان او واجب است طوری تشنه باشد که اگر آب را به او ندهند تلف می شود.

4- بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیر آن ندارد

و لباس دیگری هم ندارد.

5- وقت برای وضو گرفتن یا غسل کردن ندارد بطوری که اگر وضو بگیرد یا غسل کند

تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود.(1)

مقدار جستجو برای پیدا کردن آب :

الف : در آبادی : تا وقتی که از پیدا شدن آب ناامید شود.

ب : در بیابان :

-- زمین آن پست و بلند است یا به واسطه درخت و مانند آن عبور در آن مشکل است

باید از هر طرف به اندازه ۶ پرتاب یک تیر کمان که تقریباً دویست گام است به دنبال آب برود.

-- زمین آن پست و بلند نیست و عبور مشکل نمی باشد

باید در هر طرف به اندازه ۶ پرتاب دو تیر به دنبال آب برود(2).

چند مسأله :

1- در هر طرفی که یقین دارد آب نیست

در آن طرف جستجو لازم نیست .(3)

2- برای تیمم لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد

بلکه اگر احتمال ضرر بدهد

و احتمال او در نظر مردم بجا باشد

و از آن احتمال ترس برای او پیدا شود

باید تیمم کند.(4)

3- کسی که مبتلا به درد چشم است و آب برای او ضرر دارد

باید تیمم کند.(5)

4- اگر تیمم کند و پیش از نماز بفهمد آب برایش ضرر ندارد

تیمم او باطل است

اگر بعد از نماز بفهمد نمازش صحیح است .(6)

5- کسی که می داند آب برایش ضرر ندارد

چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد آب برای او ضرر داشته

وضو و غسل او صحیح است. (7)

6- اگر عمداً نماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد

معصیت کرده ولی نماز او با

تیمم صحیح است

گرچه احتیاط مستحب است قضای آن نماز را بخواند. (8)

7- کسی که شك دارد اگر وضو بگیرد

یا غسل کند وقت برای نماز او می ماند یا نه

باید تیمم کند. (9)

8- اگر انسان به قدری وقت دارد که می تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای

مستحبی آن ; مثل اقامه و قنوت بخواند

باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحبی آن بجا آورد

بلکه اگر به اندازه ۶ سوره هم وقت ندارد باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره

بخواند. (10)

استغناء

س - اگر در جایی انسان ; مانند منزل خود جنب شود و به عللی ; مثل دور بودن حمام یا خجالت

کشیدن یا... در

حال جنابت بمائد تکلیف چیست و همینطور در کوه و بیابان که به موقع دسترسی به آب ندارد؟

ج - عذرهای ذکر شده

مجوز تیمم نیست و باید غسل کند ولی اگر غسل کردن به واسطهء نبودن آب یا دور بودن آب و

دسترسی نداشتن به آن میسور نبود

باید برای نماز تیمم کند. (11)

1- توضیح المسائل

تیمم .

2- توضیح المسائل

م 648

3- توضیح المسائل

م 650

4- توضیح المسائل

- م 670
5- توضیح المسائل
م 671
6- توضیح المسائل
م 672
7- توضیح المسائل
م 673
8- توضیح المسائل
م 679
9- توضیح المسائل
م 680
10- توضیح المسائل
م 683
11 - استغفانات
ج 1 ص 92 س 236

132

چگونه تیمم کنیم ؟

133

اعمال تیمم

زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است .
کشیدن کف هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن
از جایی که موی سر می روید تا ابروها و بالای بینی و بنابر احتیاط واجب باید دستها روی ابروها هم کشیده شود.
کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست .
کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ .
تمام کارهای تیمم باید با قصد تیمم و برای اطاعت از دستور الهی انجام شود و همچنین باید معلوم کند که تیمم به جای وضو است یا غسل .(1)
چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است :
-- خاک
-- ریگ
-- اقسام سنگها؛ مانند سنگ سیاه
سنگ مرمر

سنگ گچ و سنگ آهک (قبل از پخته شدن) ولی تیمم بر جواهر
مانند عقیق و فیروزه باطل است .
-- گل پخته ; مانند آجر و کوزه .(2)

134

چند مسأله :

- 1- تیممی که به جای وضو است با تیممی که به جای غسل است
فرقی ندارد مگر در نیت .(3)
- 2- به هنگام نیت باید معین کند که تیمم او بدل از غسل است یا بدل از وضو و اگر به جای غسل است
باید آن غسل را معین کند.(4)
- 3- کسی که به جای وضو تیمم کرده است ; اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می کند از او سر
بزند تیممش باطل می شود.(5).
- 4- کسی که به جای غسل تیمم کرده است
هرگاه یکی از اسباب غسل
مثل جنابت یا مسّ میت پیش آید تیممش باطل می شود.(6)
- 5- تیمم در صورتی صحیح است که نتواند وضو بگیرد
یا غسل کند
بنابر این اگر بدون عذر تیمم کند صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود; مثلاً آب
نداشته و آب پیدا کند
تیمم او باطل می شود.(7)
- 6- اگر به جای غسل جنابت تیمم کند
لازم نیست برای نماز وضو بگیرد ولی اگر به جای غسلهای دیگر تیمم کند
با آن تیمم نمی تواند نماز بخواند و باید برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد
باید تیمم دیگری به جای وضو انجام دهد.(8)
- 7- اگر بدل از غسل تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل می کند برای او پیش آید
چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید وضو بگیرد و اگر نمی تواند وضو بگیرد
باید بدل از وضو تیمم نماید.(9)

1 - توضیح المسائل

م 700

2 - توضیح المسائل

م 684 و 685 و العروة الوثقی

ج 1 فصل فى بيان ما يصح التيمم به
ص 485
3- توضيح المسائل
م 701
4- توضيح المسائل
م 705
5- توضيح المسائل
م 720
6- توضيح المسائل
م 720
7- توضيح المسائل
م 722
8- توضيح المسائل
م 723
9- توضيح المسائل
م 724

135

شرايط صحّت تيمم

اعضای تيمم پاك باشد; يعنى پيشانى و دستها.
پيشانى و پشت دستها را از بالا به پايين مسح كند.
چيزى كه بر آن تيمم مى كند پاك و مباح باشد.
ترتيب را رعايت كند.
موالات را رعايت كند.
چيزى بين دست و پيشانى و دست و پشت دست
به هنگام مسح
فاصله نباشد. (1)

1- العروة الوثقى

ج 1 فصل فى كيفية التيمم
ص 495 و توضيح المسائل
م 692 - 694 تا 706

137

احكام تيمم

1- اگر خاک و ريگ و كلوخ و سنگ پيدا نشود

- 1- باید به گرد و غباری که روی فرش و لباس و مانند اینهاست تیمم کند.
- 2- اگر با خاک و ریگ چیز دیگری ; مثلاً گاه که تیمم بر آن باطل است مخلوط باشد نمی تواند بر آن تیمم کند ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ از بین رفته حساب شود اشکال ندارد.
- 3- برای آن که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده باید مقداری بالاتر از مچ را هم مسح کند ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.
- 4- پیشانی و پشت دستها را باید از بالا به پایین مسح کند و کارهای آن را نیز پشت سر هم انجام دهد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که نگویند تیمم می کند باطل است.
- 5- انسان باید برای تیمم انگشتر را از دست بیرون آورد و مانعی اگر بر پیشانی یا دستها باشد برطرف کند.
- 6- اگر پیشانی و پشت دستها مو داشته باشد اشکال ندارد ولی اگر موی سر روی پیشانی آمده باشد باید آن را عقب بزند.
- 7- کسی که وظیفه اش تیمم است اگر بداند تا آخر وقت عذر او برطرف می شود باید صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند ولی اگر بداند که تا آخر وقت عذرش باقی می ماند می تواند در وسعت وقت هم با تیمم نماز بخواند.
- 8- کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند می تواند نمازهای قضای خود را با تیمم بخواند. هرچند احتمال بدهد بزودی عذر او برطرف می شود ولی در صورتی که بداند عذرش برطرف می شود باید تا پیش از تنگ شدن وقت منتظر بماند.
- 9- کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند

جایز است آن دسته از نمازهای مستحبی که وقت معین دارد، مثل نافله های شبانه روز را با تیمم بخواند. (9)

احکام کلی 1 تمام کارهایی که با وضو صحیح است
با تیمم بدل از وضو هم صحیح است. (10)
2- کسی که بدل از غسل تیمم کرده

138

تا زمانی که تیمم و عذر او باقی است

مانند کسی است که غسل کرده است. (11)

3- تمام مبطلات وضو

تیمم بدل از وضو را باطل می کند و تمام موجبات غسل تیمم بدل از غسل را باطل می کند. (12)

استفتاء س - کسی که آب نداشته یا آب برای او ضرر داشته و تیمم بدل از غسل جنابت کرده

آیا می تواند نماز را باجماعت بخواند و می تواند به مسجد برود و حکم در خواندن قرآن چیست؟ ج

- مانع ندارد و حکم کسی را دارد که غسل کرده است. (13)

1- توضیح المسائل

م 686

2- توضیح المسائل

م 689

3- توضیح المسائل

م 703

4- توضیح المسائل

م 704

5- توضیح المسائل

م 707

6- توضیح المسائل

م 709

7- توضیح المسائل

م 715

8- توضیح المسائل

م 716

9- توضیح المسائل

م 717

10- توضیح المسائل

م 726

11. استغناآت

ج 1 ص 97 س 251

12. تحريرالوسيله

ج 1 ص 112 م 5

13. استغناآت

ج 1 ص 97 س 251

139

طهارت بدن و لباس

از جمله مسائلی که دین اسلام به آن اهمیت فوق العاده ای داده و مقررات ویژه ای برای آن دارد مسأله طهارت و پاکیزگی بدن و محیط زندگی است . تا آنجا که یکی از شرایط قبولی برخی عبادات از جمله نماز و طواف پاکی بدن و لباس است

و بخش عمده ای از احکام شرعی نیز به این امر اختصاص یافته است .

افزون بر طهارت روح و باطن که با انجام وضو

غسل یا تیمم حاصل می شود

بدن و لباس نمازگزار باید از نجاسات (آلودگیها) پاک باشد.

لباس نمازگزار

علاوه بر طهارت

شرایط دیگری نیز دارد که در بحث <<لباس نمازگزار>> خواهد آمد. <<طهارت >> غیر از

<<نظافت >> و <<نجاست >> غیر از <<کثافت >> است . ممکن است چیزی تمیز باشد ولی از نظر

احکام اسلام پاک نباشد

خواستهء اسلام

هم طهارت است و هم نظافت ; یعنی انسان باید به فکر پاکی و تمیزی خود و محیط و زندگی اش

باشد و اکنون سخن دربارهء طهارت است :

برای پاکی از نجاسات

شناخت آنها و راه پاک کردن اشیاء نجس نیز لازم است (1).

1. پاک بودن بدن و لباس اختصاص به نماز ندارد و در مواردی دیگر از جمله در حال احرام و

طواف نیز لازم است و این بحث در ابواب دیگر فقهی نیز به تناسب مطرح خواهد شد.

141

نجاسات

1- ادرار (بول)

- 2- مدفوع (غایط): انسان و حیوانهای حرام گوشت خون جهنده دارد، مانند گربه و موش . حیوانی که اگر رگ آنرا بپزند خون از آن جستن می کند خون جهنده دارد.
- 3- منی
- 4- مردار
- 5- خون : از انسان و حیوانی که خون جهنده دارد; مانند گوسفند.
- 6- سگ
- 7- خوك : که در خشکی زندگی می کند ولی دریایی آن نجس نمی باشد.
- 8- شراب و هر مایع مست کننده
- 9- آبجو (فُقَاع) - آبجوی غیرطبی
- 10- کافر
- 11- عرق شتر نجاست خوار

1- ادرار و مدفوع انسان و تمامی حیوانهای حرام گوشت که خون جهنده دارند نجس است مثل گربه و روباه .

2- ادرار و مدفوع حیوانهای حلال گوشت

مانند گاو و گوسفند و حیوانهایی که خون جهنده ندارند

مانند: مار و ماهی پاک است . (1)

3- بول و غایط حیوانهایی که گوشت آنها مکروه است پاک می باشد; مانند اسب و الاغ . (2)

4- فضلهء پرندگان حرام گوشت ; مانند کلاغ نجس است . (3)

142

احکام مردار

1 انسان مرده هر چند تازه از دنیا رفته باشد و بدنش سرد نشده باشد (بجز اجزاء بی روح او; مانند ناخن و مو و دندان) تمام بدنش نجس است مگر آن که : (4)

1. العروة الوثقی - ج 1 ص 55

2. العروة الوثقی - ج 1 ص 55

3. توضیح المسائل

م 85

4. العروة الوثقی - ج 1 ص 58 الرابع و ص 61 م 12

143

انواع نجاسات

1- ادرار (بول)

2- مدفوع (غایط):

انسان و حیوانهای حرام گوشت خون جهنده دار (211 مانند گربه و موش).

3- منی

4- مردار

5- خون

: از انسان و حیوانی که خون جهنده دارد؛ مانند گوسفند.

6- سگ

7- خوك :

که در خشکی زندگی می کند ولی دریایی آن نجس نمی باشد.

8- شراب و هر مایع مست کننده

9- آبجو (فَقَّاع) - آبجوی غیرطبی

10- کافر

11- عرق شتر نجاست خوار

144

احکام نجاسات

145

احکام ادرار و مدفوع

1- ادرار و مدفوع انسان و تمامی حیوانهای حرام گوشت که خون جهنده دارند نجس است مثل گربه و روباه.

2- ادرار و مدفوع حیوانهای حلال گوشت

مانند گاو و گوسفند و حیوانهایی که خون جهنده ندارند

مانند: مار و ماهی پاک است. (1)

3- بول و غایط حیوانهایی که گوشت آنها مکروه است پاک می باشد؛ مانند اسب و الاغ. (2)

4- فضلهء پرندگان حرام گوشت؛ مانند کلاغ نجس است. (3)

146

احکام مردار

1- انسان مرده هر چند تازه از دنیا رفته باشد و بدنش سرد نشده باشد (بجز اجزاء بی روح او؛

مانند ناخن و مو و دندان) تمام بدنش نجس است

مگر آن که : (4)

الف : شهید معرکه باشد.

ب : او را غسل داده باشند (سه غسلش تمام شده باشد).

2- کسانی که در بمب گذاریها یا ترور دشمنان به شهادت می رسند یا افرادی که در جبهه نبرد مجروح می شوند و بیرون معرکه جان می دهند

مشمول این حکم نیستند. (5)

3- معرکه

محدوده تیررس دشمن است تا آنجایی که درگیری بین نیروهای دو طرف جریان دارد و اختصاص به خط مقدم یا وقت حمله ندارد. (6)

4- مردار حیوان :

1- سگ و خوک - تمام اجزای آن نجس است .

2- غیر سگ و خوک :

الف - خون جهنده دارد:

1- اجزای روح دار; مانند گوشت و پوست

نجس است .

2- اجزای بی روح ; مانند مو و شاخ پاك است .

ب - خون جهنده ندارد: تمام اجزای آن پاك است .

5- اجزایی که در حال حیات (قبل از مردن) از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد جدا می شود

در حکم طهارت و نجاست با اجزای مردار تفاوتی ندارد; یعنی اگر جزء بی روح باشد پاك است و اگر روح دار باشد نجس است . (7)

6- اگر جزئی از بدن انسان زنده قطع شود ولی به وسیله پوست به بدن متصل باشد

هر چند آن پوست بسیار نازک باشد

تا وقتی که کاملاً جدا نشده

آن عضو پاك است و حکم مردار را ندارد. (8)

1- العرو الوثقی - ج 1 ص 55

2- العرو الوثقی - ج 1 ص 55

3- توضیح المسائل

م 85

4- العرو الوثقی - ج 1 ص 58 الرابع و ص 61 م 12

5- استغاثات

ج 1 ص 83 س 206

6- همان

ج 1 ص 504 س 42

7- العرو الوثقی

ج 1 ص 62 م 14

8- همان .

148

مواردی که حکم به طهارت آنها مشود

- 1 بول و غانط حیوانی که انسان نمی داند حلال گوشت است یا حرام گوشت ; مثلاً فضلهء پرنده ای که انسان نمی داند آن پرنده حلال گوشت است یا حرام گوشت .(1)
- 2 فضله ای که انسان نمی داند از حیوانی است که خون جهنده دارد یا از حیوانی است که خون جهنده ندارد مثلاً معلوم نباشد از موش است یا سوسک(2) .
- 3 استخوانی یافت شده که گوشت بر آن نیست و نمی دانیم از حیوان نجس العین (سگ و خوک) است یا غیر آن .(3).
- 4 استخوان انسانی پیدا شده و گوشت بر آن نیست و نمی دانیم از کافر است یا از مسلمان .(4)
- 5 پوستی که نمی دانیم از حیوان خون جهنده دار است یا از حیوانی که خون جهنده ندارد.(5)

1- العروة الوثقی

ج 1 ص 57 م 3

2- همان .

3- العروة الوثقی

ج 1 ص 62 م 17 و 18

4- همان .

5- همان .

149

حکم اشیاء چرمی

- 1- اشیایی که از اجزاء بی روح حیوان - غیر از سگ و خوک - تهیه شده پاک است هر چند رنج شرعی نشده باشد بنابراین لباسهای پشمی
کرکی
مویی
پاک است

هر چند غیرمسلمان آن را ساخته باشد و یا در بازار غیر مسلمین به فروش می رسد ولی اگر از مردار یا حیوان حرام گوشت باشد نماز خواندن با آن نپاس باطل است. (1)

2- اشیائی که از اجزاء روحدار مردار حیوان خون جهنده دار تهیه شده باشد نجس است مانند چیزهایی که از چرم تهیه می شود؛ مانند کفش

کیف

کلاه

کمر بند

کاپشن

دستکش و بند ساعت. (2)

3- چیزی که معلوم نیست چرم است یا نه محکوم به طهارت است. (3)

4- چیزی که معلوم نیست از اجزاء حیوان خون جهنده دار است یا از حیوانی که خون جهنده ندارد محکوم به طهارت است ؛ مانند کمربندی که معلوم نیست از پوست مار است یا غیر آن. (4)

5- چیزی که از چرم حیوان خون جهنده دار تهیه شده

مانند کفشی که معلوم است از چرم گاو دوخته اند

اگر ذبح شرعی آن معلوم نیست ؛ یعنی نمی دانیم به طریق شرعی ذبح شده یا نه

مسأله اقسام مختلفی دارد

بدین شرح : از مسلمان خریداری می شود و ساخت کشور اسلامی است : پاك است .

از مسلمان خریداری می شود ولی ساخت کشور غیراسلامی است ؛ مثلاً در بازار کویت کفشی می خرد که ساخت ایتالیا است : نجس است

مگر آن که معلوم شود ذبح شرعی شده و وارد کننده مسلمان

با احراز این که ذبح شرعی شده وارد کرده است .

از غیر مسلمان خریداری می شود ولی ساخت کشور اسلامی است ؛ مثلاً در لندن کفشی می خرد که ساخت سوریه می باشد: پاك است .

از غیر مسلمان خریداری می شود و ساخت کشور غیراسلامی است : نجس است .

از مسلمان می خرد لیکن معلوم نیست از چه کشوری است : پاك است .

از غیر مسلمان می خرد ولی معلوم نیست از چه کشوری است : نجس است. (5)

1- العروة الوثقی

ج 1 ص 58

151

2- همان .

3- العروة الوثقى

ج 1 ص 62

4- همان .

5- العروة الوثقى

ج 1 كتاب الصلاة

فی شرائط لباس المصلی

ص 558 م 9 و ص 559 م 10 و فی النجاسات ص 60 م 6 و 7

152

احكام فرآورده های لبنیاتی

فرآورده های لبنیاتی که از حیوان حلال گوشت زنده گرفته می شود؛ مانند شیر

ماست

پنیر

كشك

کره و خامه که از گاو و گوسفند می باشد

همگی پاك و خوردن آن حلال است

هر چند شخص کافر آن را تهیه کرده باشد و یا در بازار غیرمسلمان به فروش برسد و یا از

کشورهای غیراسلامی وارد کرده باشند

مگر آن که انسان یقین کند که با بدن کافر تماس پیدا کرده و نجس شده است و شك و احتمال کافی

نیست و نیازی به تحقیق و جستجو ندارد. (1)

153

دو حکم کلی

1- همه چیز در عالم پاك است

مگر یازده چیز و هر آنچه با اینها برخوردی مؤثر داشته باشد. (2)

2- هر چیز نجس حرام است

ولی هر حرامی نجس نیست. (3)

1- برای آشنایی بیشتر به درس 60 مراجعه کنید.

2- تحریرالوسیله

ج 1 ص 114 م 1 و ص 121

احکام خون

- 1- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است ; مانند: مرغ و گوسفند.
- 2- خون حیوانی که خون جهنده دار نیست
پاک است : مانند ماهی و پشه .
- 3- خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می شود نجس نیست
ولی بنابر احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کرد و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود
خوردن زرده هم مانعی ندارد.
- 4- خونی که از لای دندان (لثه) می آید
اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاک است و در آن صورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد.
- 5- خونی که به واسطه کوبیده شدن زیر ناخن یا زیر پوست می میرد
اگر به گونه ای عوض شود که به آن خون نگویند (استحاله شده) پاک است و اگر هنوز به آن خون گفته می شود
نجس است (تا زمانی که زیر ناخن یا پوست است و راهی به بیرون ندارد
بیرون آوردن لازم نمی باشد و برای وضو و غسل هم اشکال ندارد(I)).

در موارد زیر حکم به طهارت می شود

- 1- شیء قرمز رنگی که خون بودن آن معلوم نباشد.(2)
- 2- خونی که نمی داند از حیوان خون جهنده دار است یا نه ؟ مثل اینکه خونی در لباس خود می بیند و نمی داند خون پشه است یا بدن خودش .(3)
- 3- خون حیوانی که نمی داند آن حیوان خون جهنده دار است یا نه .(4)
- 4- آنچه از دهانه زخم بیرون می آید و نمی داند خون است یا چرک در صورتی که دهانه زخم پاک است . اما اگر نجس باشد چرک یا زردابه ای که بیرون می آید
با برخورد به محل نجس
نجس می شود.(5)
- 5- بر اثر خراش برداشتن بدن

رطوبتی از آن بیرون آید که معلوم نیست خون است یا نه ؟
 6- زردابه ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می شود
 اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است
 پاک می باشد.(6)

1- توضیح المسائل

م 96 و 98 تا 101

2- العروة الوثقی

ج 1 فی النجاسات

ص 64 م 7

3- همان .

4- همان .

5- همان

ص 65 م 8 و 9

6- توضیح المسائل

م 104

157

احکام شراب

1 شراب و هر مایع مست کننده (که در اصل مایع می باشد) گرچه به شکل جامد درآید نجس است
 (1).

2 شیء جامد مست کننده ; مانند بنگ و حشیش نجس نیست

هر چند آن را ساییده و با آب مخلوط کنند و به صورت مایع درآورند.

3 آب انگور جوش آمده اگر مست کننده باشد

نجس است و اگر مست کننده نباشد

گرچه خوردن آن حرام است ولی نجس نیست .(2)

4 خرما و کشمش را اگر همراه غذا (مثل برنج) بپزند حرام نیست

هر چند به جوش آید.(3).

158

استغناء

س - آیا الکل صنعتی که در انواع اودلکن و عطرها و برخی رنگها و داروها و امثال آن به کار می
 رود پاک است یا خیر؟

ج - الکل صنعتی پاک است

مگر آن که یقین به نجاست آن پیدا شود.(4)

1- توضیح المسائل

م 104 .

2- همان

ص 69 م 1

3- همان

ص 70 م 3

4- استفتائات

ج 1 ص 100 س 261

159

کافر و احکام آن

160

این افراد کافر و نجس هستند:

منکر خدا (کسی که وجود خداوند را انکار کند).

منکر توحید (کسی که برای خدا شریک قرار دهد).

منکر پیامبری حضرت محمد (ص)

(کسی که نبوت پیامبر اکرم را انکار کند).

منکر ضروری دین طلا در صورتی که بداند آن چیز ضروری دین است و انکار آن به انکار رسالت یا تکذیب ضروری دین

یعنی چیزی که مسلمانان جزء دین اسلام می دانند مانند نماز و روزه .

6پیامبر (ص) یا نقص دین برگردد.

کسی که به ائمه اطهار دشنام دهد یا با آنها دشمنی ورزد

هر چند با یکی از آنها.(1)

161

چند مسأله :

1 تمام بدن کافر

حتی مو و ناخن و رطوبتهای او نجس است .(2)

2 طفلی که از زنا به دنیا آمده

اگر پدر یا مادر او یا هر دو مسلمان باشند پاك است .(3)

3 گروههای شیعی غیر دوازده امامی

اگر دشمن انمه (ع) نباشند و به آنها دشنام ندهند نجس نمی باشند. (4)
 4 کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه
 پاك می باشد ولی احکام سایر مسلمانان را ندارد
 مثلاً نمی تواند زن مسلمان بگیرد و نباید در قبرستان مسلمانان دفن شود. (5)

1 - تحریبالوسیله

ج 1 ص 118 العاشر.

2 - توضیح المسائل

م 107

3- العروة الوثقی

ج 1 ص 68 م 1

4 - همان

ص 69 م 3 تحریبالوسیله

ج 1 فصل فی النجاسات

ص 119 م 12

5 - توضیح المسائل

م 109

163

چگونه چیز پاك نجس می شود؟

در عالم

همه چیز پاك است

مگر برخی از آنها

ولی چیزهای پاك هم ممکن است به وسیله برخورد با نجاسات

نجس شود

البته در صورتی که یکی از آن دو (چیز پاك یا نجس) طوری تر باشد که رطوبت یکی از آن دو به

دیگری برسد. (1)

در موارد زیر حکم به پاکی می شود:

-- نداند پاك و نجس به هم برخورد کرده اند یا نه .

-- نداند چیز پاك و نجس مرطوب بوده اند یا نه .

-- نداند رطوبت یکی به دیگری سرایت کرده است یا نه . (2) ؟

1- - توضیح المسائل

م 125

2- - توضیح المسائل

چند مسأله :

- 1 خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است (1) .
 - 2- اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می خورد یا با لباس نجس نماز می خواند لازم نیست به او تذکر دهد. (2)
 - 3- چیز پاك را اگر انسان شك کند نجس شده یا نه پاك است و جستجو و واریسی هم لازم نیست هر چند بتواند نجس بودن یا پاك بودن آن را بفهمد بنابراین در نمونه مثالهایی که آورده می شود حکم به طهارت می شود و نیاز به سوال کردن و تحقیق و پرهیز نیست. (3)
- عطر و ادکلنی که غیرمسلمان ساخته است ولی معلوم نیست که با بدن وی تماس داشته است یا نه پاك است .
- وسایل و لوازمی که در هتل ها یا منزلها - در کشورهای غیراسلامی - وجود دارد از جمله ظروف غذا
- حوله
- حمام
- دستشویی
- صابون
- رختخواب
- تخت
- فرش و سایر چیزها اگر یقین به تماس با بدن کافر به گونه ای که رطوبت سرایت کرده باشد و یا یقین به نجس شدن آن از راه دیگر نمی باشد
- پاك است .
- صندلی اتوبوس و تاکسی در کشورهای غیراسلامی
- در مواقعی که باران می بارد و بدن خیس است
- ولی یقین به نجس شدن صندلی ماشین وجود ندارد
- با نشستن بر آن

بدن نجس نمی شود.

استفاده از قاشق

چنگال

بشقاب

لیوان و سایر امکانات در رستورانها در صورتی که یقین به نجس شدن آنها نباشد
پاك است .

نوشابه ها و سایر نوشیدنیهایی که اصل آنها پاك و حلال است و معلوم نیست که با بدن کافر تماس
داشته است یا نه

پاك است . (امروزه غالباً اینگونه چیزها را بیشتر با دستگاه می سازند و پر می کنند).

خوراکی هایی از قبیل : قند

شکر

بیسکویت

شکلات

آدامس و غیره

اگر در ساخت آنها غیر مسلمان دست داشته باشد

ولی یقین به تماس با بدن وی نداریم و به گونه ای دیگر نجس نشده

پاك است .

حبوبات و سبزیجات و میوه هایی که غیرمسلمان می فروشد و یقین به نجس شدن آنها نیست

165

پاك می باشد هر چند غیرمسلمان آن را کاشته و چیده و حمل کرده باشد. روغن ; اعم از حیوانی و
غیر آن

که یقین به نجس بودن یا نجس شدن آن نباشد پاك است . مایعات مورد نیاز وسایل نقلیه یا منزل ;

اعم از بنزین

گازوئیل

نفت سفید

روغن

گریس و غیره که جاستخراج و تصفیه و توزیع آن به دست غیرمسلمان است ولی یقین به نجس
شدن آن نیست

پاك می باشد. وسایلی که برای کار به غیرمسلمان داده شده ; مانند پارچه برای دوخت لباس و

ماشین برای تعمیر

اگر پس از تحویل گرفتن

یقین به نجس شدن آن نباشد

پاك است . لباسی که برای شستن یا اتو کردن به خشك شویی داده شده و غیرمسلمان کار آن را انجام داده است در0ورتی که یقین به نجس شدن آن نباشد

پاك است . نان و دیگر پختنیها

که غیر مسلمان طبخ آن را انجام داده و مادهء اولیهء آن پاك بوده است و ما یقین به نجس شدن آن نداریم

پاك می باشد. اگر مسلمانی با کافر دست بدهد

در حالی که دست او رطوبت ندارد و یا رطوبت به حدی نیست که سرایت [ند یا یقین به سرایت نباشد

دستش نجس نمی شود.

1- توضیح المسائل

م 141

2- توضیح المسائل

م 143

3- توضیح المسائل

م 123- العروة الوثقی

ج 1 احکام النجاسات

ص 79 م 1

167

انواع مطهرات (پاك کننده ها)

168

چگونه چیز نجس پاك می شود؟

همهء اشیاء نجس پاك می شود و پاك کننده ها عبارتند از:

1- آب

2- زمین

3- آفتاب

4- استحاله

5- انتقال

6- اسلام

7- تبعیت

8- برطرف شدن نجاست

9- استبراء حیوان نجاستخوار

10- غایب شدن مسلمان (1)

1- توضیح المسائل

م 148

169

اقسام آبها

آب

بسیاری از چیزهای نجس را پاك می کند و اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای یاد گرفتن بهتر مسائل مربوط به آن كمك می کند.

170

اقسام آبها:

1- مضاف

2- مطلق :

1- آب چاه

2- آب جاری

3- آب باران

4- آب راکد:

كُر

قَلیل

آب مضاف : آبی است که از چیزی گرفته باشند؛ مانند آب سیب و هندوانه یا با چیزی مخلوط کرده باشند

به قدری که دیگر به آن آب نگویند؛ مانند شربت (1).

آب مطلق : آبی است که مضاف نباشد.

171

احکام آب مضاف

1- آب مضاف چیز نجس را پاك نمی کند (از مطهرات نیست).

- 2- با برخورد به نجاست نجس می شود
- هر چند نجاست کم باشد و بو یا رنگ یا مزهء آب عوض نشود.
- 3- وضو و غسل با آب مضاف باطل است. (2)

172

اقسام آب مطلق

<<آب>> یا از زمین می جوشد
یا از آسمان می بارد و یا نه می جوشد و نه می بارد.
به آبی که از آسمان ببارد <<باران>> گویند.
و آبی که از زمین می جوشد
اگر جریان داشته باشد <<آب جاری>> است و اگر بدون جریان باشد
به آن <<آب چاه>> گویند. (3)
آبی که از زمین نمی جوشد و از آسمان نمی بارد
<<آب راکد>> است .
<<آب راکد>> اگر مقدارش زیاد باشند
<<کر>> و اگر کم باشد <<قلیل>> است .
مقدار کُر: (4)
حجم : 42875 وجب . مقدار آبی را در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر يك حداقل 35 وجب باشد
بریزند و آن ظرف پر شود
به مقدار کر است .
وزن : 377419 کیلوگرم .
مقدار آب قلیل : آبی که از زمین نمی جوشد اگر از کر کمتر باشد قلیل است .
تنها آب مطلق
نجس را پاک می کند. گرچه ممکن است آب مضاف چیز کثیفی را تمیز کند ولی
همانگونه که پیشتر گفته شد
هرگز نجس را پاک نمی کند.

- 1- توضیح المسائل
م 15
- 2- توضیح المسائل
م 47 و 48
- 3- تحریر الوسیله

ج 1 كتاب الطهارات

ص 13 م 8

4- همان

ص 14 م 14 توضیح المسائل

م 16

174

احکام آبها

175

آب قلیل

1- آب قلیل با برخورد به نجاست

نجس می شود خواه روی چیز نجس ریخته شود یا چیز نجس به آن برسد. (1)

2- اگر آب قلیل از بالا با فشار بر چیز نجس بریزد

مقداری که به شیء نجس می رسد

نجس است و هر چه بالاتر از آن است پاک می باشد؛ مثلاً با آفتابه

آب را بر شیء نجس بریزد. (2)

3- اگر آب قلیل از پایین با فشار به بالا رود؛ مانند فواره

اگر نجاست به قسمت بالای آن برسد

پایین نجس نمی شود و اگر نجاست به پایین برسد

بالا هم نجس می شود. (3)

4- آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته می شود و از آن جدا می

گردد نجس است و باید از آبی که بعد از برطرف شدن عین نجاست برای تطهیر چیز نجس روی آن می

ریزند و از آن جدا می شود اجتناب کنند. (4)

176

احکام آب کر

جاری

چاه و باران

1- تمام اقسام آبهای مطلق - بجز آب قلیل - تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک

است و هر گاه بر اثر برخورد با نجاست

بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد نجس می شود. بنابراین

آب جاری

چاه

کر و حتی باران در این حکم مشترکند. (5)

2- آب لوله های ساختمانها

که متصل به منبع کر می باشد

در حکم آب کر است. (6)

177

برخی از خصوصیات باران

اگر بر چیز نجسی که عین نجس در آن نیست یکبار ببارد پاک می شود.

اگر بر فرش و لباس نجس ببارد پاک می شود و فشار لازم ندارد. اگر بر زمین نجس ببارد پاک می

شود. هر گاه باران در جایی جمع شود

اگر چه کمتر از کر باشد

چنانچه تا موقعی که باران می بارد چیز نجسی راج در آن بشویند

البته تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته است

پاک است. (7)

178

احکام شك در آب

1- مقدار آبی که معلوم نیست کر است یا نه : با برخورد نجاست نجس نمی شود

اما سایر احکام آب کر را ندارد.

2- مقدار آبی که پیشتر کر بوده و معلوم نیست قلیل شده یا نه : حکم آب کر را دارد.

3- آبی که معلوم نیست

پاک است یا نجس : پاک می باشد.

4- آبی که پاک بوده و شك در آن است که نجس شده یا نه : حکم آب پاک را دارد.

5- آبی که نجس بوده ولی معلوم نیست پاک شده یا نه : حکم آب نجس را دارد.

6- آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده است یا نه : حکم آب مطلق را دارد. (8)

179

دو حکم کلی :

1- مطهرات

تمام چیزهای نجس را پاک می کند

یعنی تمام اشیاء نجس

قابل پاک شدن است

هر چند بالاستحاله(9)* .

2- هیچ کدام از آبهای مضاف پاک کننده نیست و با برخورد با نجاست

نجس می شود.(10)

1- توضیح المسائل

م 26

2- همان

م 26

3- همان .

4- توضیح المسائل

م 27

5- تحریرالوسيله

ج 1 ص 13 م 4

6- توضیح المسائل

م 35

7- توضیح المسائل

م 37، 40، 41، 42

8- العروة الوثقى

ج 1 ص 49 تحریرالوسيله

ج 1 ص 15 م 15

9- تحریرالوسيله

ج 1 ص 114 م 1 و ص 121

10- تحریرالوسيله

ج 1 ص 12 م 1

180

چگونگی تطهیر اشیاء نجس با آب

آب

مایهء زندگی و از جمله مطهراتی است که همه روزه تمام افراد با آن سر و کار دارند و در تطهیر بسیاری از چیزهای نجس بکار می رود.

تطهیر اشیاء نجس (1):

الف - ظرف :

1- با آب کر: يك مرتبه

2- با آب قلیل : سه مرتبه :

بجز ظرفی که به شراب نجس شده
یا سگ یا خوک از آن چیز روان خورده است .
ب - غیرظرف :

1 به بول نجس شده :

-- با آب کر: يك مرتبه

-- با آب قلیل : دو مرتبه

2 به غیر بول نجس شده :

-- با آب کر: يك مرتبه

-- با آب قلیل : يك مرتبه

1ظرفی که سگ آن را لیسیده یا از آن چیز روان (مایع) خورده است

به احتیاط واجب 2 مرتبه

به احتیاط واجب 2 مرتبه

باید قبل از تطهیر آن را خاکمال کرد

2ظرفی که خوک از آن چیز روان خورده است

7مرتبه

به احتیاط واجب 7 مرتبه

خاکمال کردن آن احتیاط مستحب است

3ظرفی که به شراب نجس شده است

3 مرتبه و بهتر است 7رتبه بشویند

يك مرتبه

خاکمالی لازم نیست (2)

چند نکته :

الف : برای تطهیر اشیاء نجس

ابتدا باید عین نجس را برطرف کرد سپس به همان تعداد که در نمودار آمده است حآن را آب کشید.

مثلاً: ظرف نجس را بعد از برطرف کردن آلودگی

اگر يك مرتبه در آب کر بشویند کافی است .

ب : فرش و لباس و چیزهایی مانند فرش و لباس که آب را به خود می گیرد و قابل فشردن است

چنانچه باذآب قلیل تطهیر می کنند باید بعد از هر بار شستن

آن را بفشارند تا آبهای داخلش بیرون بیاید و یا به گونه ای دیگر آب آن گرفته شود و در آب کر و

جاری هم احتیاط واجب آن است که آب داخل آن گرفته شود.

ج : آب جاری و چاه در احکامی که برای تطهیر اشیاء نجس بیان شد

مانند آب کر است .تطهیر ظرف نجس ظرف نجس را می توان این گونه آب کشید: با آب کر: يك بار در آب فرو برده

بیرون آورند. با آب قلیل : آن را سه مرتبه پر از آب کرده

خالی کنند

یا سه مرتبه قدری آب در داخلش بریزند و هر مرتبه پآب را به طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس برسد و بیرون بریزند.(3)

182

دو مسأله :

1 خاکی که برای خاکمال استعمال می شود باید پاك باشد.2

ظرفی که خوك لیسیده

به احتیاط واجب حکم ظرفی دارد که از آن چیز روان خورده .(4)

183

استفتاء

س 1 آیا لباس شستن با هر نوع ماشین لباسشویی خانگی

پاك کننده می باشد یا خیر؟ اگر پاك می کند شرایط آن به چه صورت است ؟

ج - اگر بعد از زوال عین نجاست يك مرتبه با آب لوله یا دو مرتبه با آب قلیل می شوید

پاك می کند.(5)

س 2 در رابطه با لباسشویی های عمومی

با توجه به اینکه در هر منطقه و محله افرادی که طهارت اسلامی را رعایت نمی کنند کم و بیش وجود دارند

(هر چند این امر یقینی نیست لیکن احتمال آن زیاد است) آیا لباسهایی که (ر این لباسشویی ها

شسته می شوند پاکند یا خیر؟

ج - اگر لباس را پاك تحویل داده اند و شك داشته باشند که نجس شده

پاك است و همچنین اگر لباس نجس ث بوده و کسی که متصدی شستن است بگوید تطهیر نموده

است

محکوم به طهارت است .(6)

تطهیر آب نجس 1 برای تطهیر آب قلیلی که نجس شده

باید به آب کر

یا جاری

یا چاه متصل گردد یا باران بر آن ببارد و با آن مخلوط شود

و اگر بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته

باید به قدری آب با آن مخلوط شود تا بو و رنگ و مزه اش از بین برود. (7)

2 برای تطهیر آب کر

یا جاری

یا چاه

باید به قدری آب کر یا جاری یا چاه بر آن افزوده شود

یا باران بر آن خبارد که بو و رنگ و مزهء نجاست از بین برود

بنابراین اگر با افزودن ماده ای شیمیایی

رنگ و بو و طعم آن عوض! گردد

پاك نمی شود. (8)

تطهیر زمین نجس تطهیر زمین (9)

1 با آب کر: ابتدا آلودگی را برطرف کرده

سپس آب کر یا جاری بر آن گرفته

به مقداری که تمام جاهای نجس را فراگیرد. 2 با آب قلیل: 1 زمین به گونه ای است که آب بر آن

جاری نمی شود (به اصطلاح آب را به خود گرفته و می خورد): با آب قلیل پاك نمی شود. 2 آب بر

زمین جاری می شود: جایی که آب جاری شده

پاك می شود و جایی که آب جمع شده

184

نجس است. هنگام تطهیر زمین

اگر آبهای جاری شده و به داخل چاه می رود یا از آن محل بیرون می رود

تمام جاهایی که آب جاری شده

پاك می شود. (10)

آب کشیدن حبوبات 1 اگر ظاهر آن نجس شده: با فرو بردن در آب کر یا جاری و یا ریختن آب قلیل

(جاری کردن) بر آن پاك می شود. 2 اگر باطن آن هم نجس شده: پاك نمی شود

نه با آب قلیل و نه با آب کر. (11) 3 در صورتی که نجس شدن باطن آن مورد شك است: تطهیر

ظاهر آن کافی است. (12)

چند مسأله: 1 اگر موی سر و صورت را

که زیاد است

با آب قلیل آب بکشند

باید فشار دهند تا آبهای جمع شده بین موها جدا شود. (13)

2 گوشت و دنبه ای که نجس شده

مثل چیزهای دیگر آب کشیده می شود و همچنین اگر بدن یا لباس

چربی آکمی داشته باشد که از رسیدن آب به آنها جلوگیری نکند.

(14)

3 اگر چیزی با بول پسر بچه شیرخواری که غذا خور نشده و شیر خوک نخورده نجس شود

چنانچه يك مرتبه چاب روی آن بریزند که به تمام جاهای نجس برسد پاک می شود و در فرش و

لباس و مانند اینها هم فشار لازم ندارد. (15)

1- توضیح المسائل

م 150، 159، 160، 162

2- تحریر الوسیله

ج 1 ص 126. فصل فی المطهرات و توضیح المسائل

م 150 و 162

3- توضیح المسائل

م 150 و 155

4- توضیح المسائل

م 150 و 152 و 153

5- استفتائات

ج 1 ص 119 س 327

6- استفتائات

ج 1 ص 120 س 329

7- العروة الوثقی

ج 1 فصل فی المیاه

ص 43 م 2 و تحریر الوسیله

ج 1 فصل فی المیاه

ص 14 م 11

8- همان و استفتائات

ج 1 ص 119 س 324

9- توضیح المسائل

م 179-180

10- همان

م 180

11- تحریر الوسيله

ج 1 ص 128 م 5 و 6. العروة الوثقى

ج 1 ص 115 م 20

12- توضیح المسائل

م 165

13 - توضیح المسائل

م 173

14- توضیح المسائل

م 175

15- توضیح المسائل

م 161

186

شرایط مطهر بودن آب

1- مطلق باشد.

2- پاك باشد.

3- هنگام تطهیر شیء نجس مضاف نشود.

4- هنگام تطهیر شیء نجس بو یا رنگ یا مزه نجاست نگیرد.

5- پس از آب کشیدن چیز نجس عین نجاست در آن نباشد.

1- توضیح المسائل

م 149

187

استفتاء

س - اگر شخصی در عبادات یا طهارت و نجاست دچار وسواسی شده باشد و زیاد شك کند تکلیف شرعی او چیست ؟

ج - نباید به شکهای خود اعتنا کند و اگر اعتنا کند کار حرامی کرده است و هر عمل را بیش از يك بار نباید انجام دهد و اگر انجام دهد حرام است و هرگاه شك در نجاست چیزی یا صحت عمل کرد باید بنابر طهارت و صحت بگذارد و اگر بر خلاف آن عمل کرد جایز نیست. (1)

1- استفتانات

چگونگی پاک‌کنندگی زمین و شرایط آن

1- اگر کف پا یا کف کفش

هنگام راه رفتن

نجس شود

و به سبب تماس با زمین

آلودگی‌ها برطرف گردد

پاک

می‌شود. پس زمین

فقط پاک‌کننده کف پا و کف کفش است

آنهم با این شرایط:

-- زمین پاک باشد.

-- زمین خشک باشد

(تر نباشد).

-- زمینی پاک‌کننده است که خاک

شن

سنگ

آجر فرش و مانند اینها باشد. (1)

2- اگر بر اثر تماس ته کفش یا کف پا با زمین

نجاست برطرف شود پاک می‌گردد

ولی بهتر است حداقل پانزده قدم راه برود (2).

3- این اشیاء پاک‌کننده نیست :

-- موزانیک -- آسفالت -- فرش -- زمینی که با چوب فرش شده است -- حصیر -- سبزه و گیاه

مگر به قدری کم باشد که چیزی به حساب نیاید و عرفاً بگویند بر زمین راه می‌رود. (3)

4- بنا بر احتیاط واجب

زمین موارد زیر را پاک نمی‌کند:

دست و زانوی معلولانی که با دست یا زانو راه می‌روند.

نعل چهارپایان .

نوك عصا.

جوراب (مگر جورابی که کف آن از پوست باشد).
ته پای مصنوعی .
چرخ اتومبیل .(4)

190

چند مسأله :

- 1- بعد از آن که کف پا یا ته کفش پاك شد مقداری از اطراف آن هم که معمولاً به گل آلوده می شود اگر زمین یا؛ خاک به آن اطراف برسد پاك می گردد.(5)
- 2- داخل کفش و مقداری از کف پا که به زمین نمی رسد با راه رفتن پاك نمی شود.(6)
- 3- لازم نیست کف پا و ته کفش نجس تر باشد بلکه اگر خشك هم باشد با راه رفتن پاك می شود.(7)

1- توضیح المسائل

م 183 192

2- العروة الوثقی

ج 1 فصل فی المطهرات

ص 124

3- همان

ص 125

4- همان

ص 126 و توضیح المسائل

م 188

5- توضیح المسائل

م 187

6- توضیح المسائل

م 190

7- توضیح المسائل

م 186

191

چگونگی پاك كندگی آفتاب و شرایط آن

آفتاب هم با شرایطی که خواهد آمد

این موارد را پاک می کند:

زمین .

ساختمان و چیزهایی که در آن بکار رفته است ; مانند در و پنجره . درخت و گیاه . (1)

192

شرایط مطهر بودن آفتاب

چیز نجس تر باشد; به قدری که اگر چیزی به آن برسد تر شود.

با تابش آفتاب خشك شود

اگر مرطوب بماند پاك نشده است .

چیزی مانند ابر یا پرده

مانع تابش آفتاب نباشد

مگر آن که رقیق و نازك باشد و از تابش آفتاب جلوگیری نکند.

آفتاب به تنهایی آن را خشك کند; مثلاً با كمك باد خشك نشود.

هنگام تابش آفتاب عین نجاست و در آن نباشد

پس اگر عین نجاست هست

پیش از تابش آفتاب برطرف آنچه خودبخود نجس است مانند خون <<عین نجاست >> است . شود.

قسمت بیرون و درون دیوار یا زمین را یکباره خشك کند

پس اگر روی آن امروز خشك شود و درون آن فردا

تنها روی آن پاك می شود.

193

دو مسأله :

1 اگر زمین و مانند آن نجس شود

ولی رطوبتی نداشته باشد

می توانیم مقداری آب یا چیز دیگری که سبب مرطوب شدن آن شود

بر آن بریزیم تا آفتاب بتابد و آن را پاك کند(2).

2 ریگ و خاک و گل و سنگ

تا زمانی که بر زمین است و جزء آن به حساب می آید

با آفتاب پاك می شود و اگر جدا شد با آفتاب پاك نمی شود و همچنین میخ و چوب و مانند آن تا

وقتی که بر دیوار است و جزء آن به حساب می آید

حکم ساختمان را دارد و اگر جدا شد این حکم را ندارد و آفتاب پاکش نمی کند.(3)

1- العروة الوثقى

ج 1 ص 129 و تحرير الوسيله

ج 1 ص 130

2- العروة الوثقى

ج 1 ص 129 تا 131 و تحرير الوسيله

ج 1 ص 130

3- تحرير الوسيله

ج 1 ص 130 م 10

195

استحاله

1- اگر جنس چیز نجس به گونه ای عوض شود که به صورت چیز پاکى درآید

پاك مى شود

و گویند استحاله شده است ; مانند این موارد:

- مردار تبدیل به خاک شود.

- دانهء نجس تبدیل به گیاه گردد.

- چوب نجس بسوزد و خاکستر شود.

- مواد سوختی بسوزد و دود شود.

- شراب سرکه شود(1).

2- اگر جنس چیز نجس عوض نشود و فقط تغییر شکل دهد

پاك نمى شود; مثل : اینکه : - گندم نجس را آرد کنند یا نان بپزند.

- انگور نجس سرکه شود.(2)

3- چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه

نجس است .(3)

1- تحرير الوسيله

ج 1 ص 131 و توضیح المسائل

م 195

2- توضیح المسائل

م 197

3- همان

م 195 و 199

196

انتقال

اگر خون بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد

به بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده ندارد

منتقل شود و جزء بدن آن حیوان به حساب آید پاک می گردد و همچنین اگر جزئی از بدن انسان یا حیوان به بدن انسان دیگر یا حیوان زنده غیر نجس العین منتقل شود و جزء آن به حساب آید پاک می گردد؛ مثل اینکه :

- خون بدن انسان به بدن پشه یا مگس منتقل شود.

- جزئی از بدن حیوانی (مانند چشم) را جدا کرده و به بدن انسان منتقل کنند.

- مقداری از گوشت بدن را بریده و به جای دیگر بدن پیوند دهند.(1)

1- تحریرالوسیله

ج 1 ص 131 توضیح المسائل

م 205

198

اسلام

1 اگر کافر شهادتین بگوید

مسلمان می شود

و با اسلام

تمام بدن او (حتی عرق و آب دهانش) پاک می گردد؛ یعنی بگوید:

<<اشهد ان لا اله الا الله - اشهد ان محمداً رسول الله >>(1).

2 اگر کافر شهادتین بگوید و انسان نداند که قلباً مسلمان شده یا نه

پاک است . ولی اگر بداند که قلباً مسلمان نشده

بنابراحتیاط واجب باید از او اجتناب کرد(2).

3 اگر بدن کافر با نجاست دیگری (عارضی) نجس شده باشد؛ مثلاً جایی از بدن او زخم شده و به

خون آلوده است

آن نجاست با اسلام پاک نمی شود.(3)

4 لباسهایی که قبل از اسلام با رطوبت بدن کافر نجس شده

با اسلام پاک نمی شود. بلکه لباسهایی هم که در هنگام اسلام آوردن به تن دارد و با رطوبت بدن

نجس شده

بنابراحتیاط واجب باید از آنها اجتناب کرد(4).

1-تحریرالوسیله

ج 1 ص 131 توضیح المسائل

م 207

2- همان

م 209

3- العروة الوثقى

ج 1 فصل فى المطهرات

ص 141 الثامن .

4- توضیح المسائل

م 208

199

تبعیت

1 تبعیت آن است که شیء نجسی به واسطهء پاك شدن چیز دیگری پاك شود.

2 در موارد زیر اشیاء نجس به تبعیت پاك می شود.

شراب سرکه شود

ظرف آن هم پاك می شود

حتی جاهایی که هنگام جوش آمدن نجس شده . و حتی اگر پشت ظرف هم نجس شده باشد.

پس از اتمام سه غسل میت

تختی که میت را بر آن خوابانده اند و دست غسل و پارچه ای که بر میت انداخته اند (لنگ) پاك می شود.

کسی که چیزی را تطهیر می کند

اگر دست و آن چیز با هم آب کشیده شود

دست او هم پاك می شود و احتیاج به تطهیر مجدد ندارد(1).

برطرف شدن عین نجاست

در دو مورد اگر عین نجس برطرف شود

چیز نجس پاك می شود و احتیاج به آب کشیدن ندارد:

1 بدن حیوان : مثلاً منقار مرغی که نجاست خورده

هنگامی که نجس برطرف شود منقارش پاك است .

2 باطن بدن انسان : مانند داخل دهان و بینی و گوش ; بنابراین اگر هنگام مسواک کردن از لثه ها خون بیاید

یا شخصی غذای نجس بخورد

زمانی که در دهان غذای نجس و خون نباشد

یا به قدری کم است که با آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاك است و آب کشیدن داخل دهان لازم نیست .(2)

استفتاء

س - اگر دهان خونی شود و در دهان دندان مصنوعی طوری باشد که به دندان طبیعی چسبیده باشد و نشود آن را برای آب کشیدن به بیرون از دهان آورد
 آیا نحوهء تطهیرش مانند دندان طبیعی است ؟
 ج - بنا بر احتیاط واجب
 حکم دندان طبیعی را ندارد و باید تطهیر شود.(3)

1- تحریر الوسیله

ج 1 ص 131 و توضیح المسائل

م 211- 215

2- توضیح المسائل

م 216- 217

3- استفتانات

ج 1 ص 99 س 258

استبراء حیوان نجاستخوار

1 بول و غایط حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده نجس است له جهر چند حلال گوشت باشد له ج .
 2 اگر بخواهند بول و غایط چنین حیوانی پاک شود باید آن را استبراء کنند یعنی مدتی آن را از نجاست باز داشته و غذای پاک به آن بدهند.
 3 برای استبراء حیوانات بنا بر احتیاط واجب باید مدتهای زیر مراعات شود.
 شتر 40 روز گاو 20 روز گوسفند 10 روز مرغابی 5 روز مرغ خانگی 3 روز(1).

1- تحریر الوسیله

ج 1 ص 132

غایب شدن مسلمان

اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری که در اختیار اوست (مانند ظرف و فرش) نجس شود و آن مسلمان غائب گردد
 اگر انسان احتمال بدهد آن چیز را تطهیر کرده
 محکوم به طهارت است و اجتناب از آن لازم نیست(1) .

1- توضیح المسائل

م 221 تحریرالوسیله

ج 1 ص 132

205

احکام تخلی (توالت رفتن)

چون یکی از مسائل تخلی تطهیر مخرج بول و غایط است

احکام تخلی را در پایان مبحث مطهرات می آوریم :

واجب : پوشاندن عورت از دیگران حتی دیوانه و بچهء ممیز (بجز همسر)

حرام : رو به قبله یا پشت به آن بودن .

206

مستحب :

1 جایی بنشیند که کسی او را نبیند.

2 هنگام وارد شدن به توالت با پای چپ داخل شود.

3 هنگام بیرون آمدن اول پای راست را بیرون بگذارد.

4 هنگام تخلی سر را بپوشاند.

5 سنگینی بدن را روی پای چپ بیندازد.

207

مکروه :

1 توقف زیاد

2 روبروی خورشید یا ماه بودن .

3 روبروی باد.

4 حرف زدن

مگر در حال ضرورت و گفتن ذکر.

5 تطهیر با دست راست .

6 خوردن و آشامیدن در حال تخلی .

7 ایستاده بول کردن(1) .

1- العروة الوثقی

ج 1 فصل فی مستحبات التخلی و مکروهاته

ص 178، 179، 180، 181، 182 و توضیح المسائل

م 57، 59، 78، 79، 80

مکانهایی که تخلی در آنها حرام است :

1 در کوچه های بن بست که صاحبان آنها اجازه نداده باشند.

2 در ملك کسی که اجازه تخلی نداده است .

3 در جایی که برای افراد خاصی وقف شده است .

4 بر قبر مؤمنان

در صورتی که بی احترامی به آنان باشد.(1)

مکانهایی که تخلی در آنها مکروه است :

1 در جاده

خیابان

کوچه

درب خانه .

2 زیر درختی که میوه می دهد.

3 بر زمین سخت .

4 در لانه جانوران .

5 در آب .(2) و احتیاط واجب آن است که بچه را به هنگام تخلی رو به قبله یا پشت به آن نشانند

ولی اگر خود بچه بنشیند

جلوگیری از او واجب نیست .(3)

1 - توضیح المسائل

م 64

2 - توضیح المسائل

م 79 و 80

3 - توضیح المسائل

م 63

تطهیر مخرج بول و غایط

1 مخرج بول با غیر آب (سنگ

کلوخ

پارچه و...) پاک نمی شود.

2 برای تطهیر مخرج بول

بعد از برطرف شدن بول يك بار شستن آن کافی است .

3 پاك شدن مخرج غايظ با غير آب : محل تأمل است (به احتياط واجب پاك نمى شود) ولى مى توان با آن حال له جپس از برطرف كردن نجاست و قبل از تطهير با آب له ج نماز خواند.(1)

4 بر مردان مستحب است بعد از بيرون آمدن بول استبراء كنند و چنانچه انسان بعد از بول استبراء كند و بعد آبي از او خارج شود و شك كند بول است يانه

حكم بول ندارد (كيفيت استبراء در رساله توضيح المسائل آمده است).(2)

1- - توضيح المسائل

م 66 و 68

2- - همان

م 72 و 73

211

وقت نماز

برای آشنایی با مسائل و احكام وقت نماز ابتدا یادآور می شویم که نماز یا واجب است یا مستحب نمازهای واجب هم دو دسته اند؛ بعضی از آنها تکلیف هر روز می باشد و در هر شبانه روز در زمانهای خاصی باید بجا آورده شود و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی از اوقات به سببی خاص واجب می شود و برنامه همیشگی و هر روزه نمی باشد.

212

نمازهای واجب(1) :

1- هر روز (یومیّه):

- صبح

- ظهر

- عصر

- مغرب

- عشاء

2- مقطعی :

- آیات

- طواف واجب

- میّت

- قضای پدر بر پسر بزرگتر
- نمازی که با نذر واجب می شود. ن ص
1- توضیح المسائل
نمازهای واجب .

214

وقت نمازهای یومیّه

برای نمازهای یومیّه سه وقت است :

1- وقت مخصوص

2- وقت مشترك

3- وقت فضیلت

برای آشنایی با اوقات نماز شناخت این زمانها لازم است :

215

فجر دوّم

نزدیک اذان صبح

از طرف مشرق

سفیده ای رو به بالا حرکت می کند که آن را << فجر اوّل >> گویند

هنگامی که آن سفیده پهن شد

<< فجر دوّم >> و ابتدای وقت نماز صبح است (1) .

216

ظهر

اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم

وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت << ظهر شرعی >> و ابتدای وقت

نماز ظهر است. (2)

217

مغرب

<< مغرب >> موقعی است که سرخی طرف مشرق

که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بین برود. (3)

218

نیمه شب

اگر فاصله بین غروب آفتاب و اذان صبح را دو نیم کنیم
وسط آن <<نیمه شب>> و آخر وقت نماز عشاء است. (4)

219

وقت نماز صبح

از اذان صبح (طلوع فجر دوّم) تا طلوع آفتاب
وقت مخصوص نماز صبح است و چون نماز دیگری در این وقت واجب نیست
وقت مشترکی ندارد. (5)

220

وقت مخصوص و مشترك نماز ظهر و عصر

1- از اذان ظهر تا مغرب وقت خواندن نماز ظهر و عصر است که از اوّل آن به مقدار خواندن نماز
ظهر وقت چمخصوص نماز ظهر است و اگر نماز عصر در این وقت خوانده شود باطل است. و در آخر
وقت
به مقدار خواندن جنماز عصر به مغرب مانده وقت مخصوص نماز عصر است و فاصله بین این دو
زمان
وقت مشترك بین ظهر و عصر است که هر دو نماز را می توان خواند ولی نماز ظهر باید قبل از
نماز عصر خوانده شود. (6)
2- اگر کسی تا وقت مخصوص عصر
نماز ظهر را نخوانده باشد
نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند. (7)

221

وقت مخصوص و مشترك نماز مغرب و عشا

1- از اذان مغرب تا نصف شب وقت خواندن نماز مغرب و عشا است که از اوّل آن به مقدار خواندن
يك نمازشه رکعتی
وقت مخصوص نماز مغرب است و در آخر وقت
به مقدار خواندن نماز عشا وقت مخصوص نماز عشا است و فاصله این زمان
وقت مشترك بین مغرب و عشا است که هر دو نماز را می توان خواند
ولی نماز عشا(1) پس از نماز مغرب خوانده شود. (8)
2- وقت مخصوص نمازهای چهار رکعتی برای مسافر به مقدار خواندن دو رکعت نماز است و برای
کسی که؟ مسافر نیست به اندازه خواندن چهار رکعت نماز است. (9)

3- اگر عمداً یا به واسطه عذری مانند فراموشی یا خواب ماندن یا حائض بودن نماز مغرب یا عشا را تا نصف شب نخواند بنا بر احتیاط واجب باید تا قبل از اذان صبح بدون این که نیت ادا یا قضا کند بجا آورد. (10)

4- وقت نماز جمعه که در روز جمعه به جای نماز ظهر خوانده می شود اول ظهر است و احتیاط واجب آن 2ست که از اوایل وقت تأخیر نیندازد. (11)

222

وقت فضیلت نمازهای یومیّه

وقت فضیلت

زمانی است که اگر نماز در آن وقت خوانده شود ثواب بیشتری دارد.

223

وقت فضیلت نماز ظهر:

از اول ظهر است تا زمانی که سایه پدید آمده شاخص ؟ به اندازه طول شاخص افزوده شاخص جسم میله مانندی را گویند که به طور قائم بر سطح افقی نصب شده باشد مثلاً چوبی که عمود بر زمین باشد. گردد؛ مثلاً اگر طول شاخص يك متر باشد و هنگام ظهر 20سانتی متر سایه داشته باشد

پایان وقت فضیلت نماز 5هر وقتی است که سایه شاخص به 120سانتی متر برسد.

224

وقت فضیلت نماز عصر:

پس از وقت مخصوص نماز ظهر است تا زمانی که سایه شاخص دو برابر طول آن اضافه شود.

225

وقت فضیلت نماز مغرب :

از اول مغرب است تا زمانی که سرخی طرف مغرب از بین برود.

226

وقت فضیلت نماز عشا:

شروع آن از پایان وقت فضیلت نماز مغرب است و پایان آن ثلث شب ؛ به عبارت دیگر 8ز هنگام برطرف شدن سرخی طرف مغرب تا گذشتن 13شب .

وقت فضیلت نماز صبح :

وقت فضیلت نماز صبح از اذان صبح است تا زمانی که هوا روشن شود. (12)

1- توضیح المسائل

م 741

5 - همان

م 741

6- همان

م 731

7- توضیح المسائل

م 731

8- توضیح المسائل

م 736

9- توضیح المسائل

م 737

10- توضیح المسائل

م 740

11- توضیح المسائل

م 734

12- تحریر الوسیله

ج 1 ص 137

احکام وقت نماز

1- اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود

یا عمداً نماز را قبل از وقت شروع کند

باطل است. (1)

2- اگر انسان یقین کند یا دو مرد عادل بگویند وقت نماز شده و نماز را شروع کند و:

در بین نماز متوجه شود هنوز وقت داخل نشده

نمازش باطل است .

در بین نماز متوجه شود اکنون وقت نماز شده

نمازش صحیح است .

پس از نماز بفهمد تمام نماز قبل از وقت بوده

نمازش باطل است .

پس از نماز متوجه شود

بخشی از نماز قبل از وقت خوانده شده

نمازش صحیح است. (2)

3- مستحب است انسان نماز را اول وقت بخواند و در روایات بر این مطلب سفارش بسیاری شده

است و هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد بهتر است

مگر آن که تأخیر آن از جهتی بهتر باشد؛ مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند. (3)

4- اگر وقت نماز تنگ باشد

که با خواندن مستحبات بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می شود باید مستحبات را بجا نیاورد؛

مثلاً اگر بخواند قنوت بخواند

وقت می گذرد

باید قنوت نخواند. (4)

5- اگر انسان نماز ظهر و عصر را قبل از سفر

در اول وقت آن بخواند و سپس با هواپیما مسافرت را آغاز کند و زمانی به مقصد برسد که هنوز

ظهر آن روز فرا نرسیده باشد

لازم نیست نماز ظهر و عصر را دوباره بخواند و همچنین اگر زمانی برسد که هنوز وقت نماز ظهر

و عصر باقی است (5).

6- اگر پس از طلوع آفتاب

با این که نماز صبح آن روز را نخوانده است

سفر را آغاز کند و قبل از طلوع آفتاب به مقصد برسد

باید نماز صبح آن روز را به نیت ادا بخواند. (6)

7- اگر نماز ظهر و عصر را نخوانده باشد و پس از مغرب (که نمازش قضا شده) با هواپیما

مسافرت را آغاز کند و پس از اوج گرفتن هواپیما خورشید را ببیند

باید داخل هواپیما قبل از آنکه وقت بگذرد

نماز را به نیت ادا بخواند

حتی اگر به مقدار خواندن يك ركعت از نماز

وقت باقی باشد. (7)

229

8- اگر هنگام حرکت هواپیما وقت نماز فرا نرسیده؛ مثلاً پرواز قبل از اذان صبح باشد و در هواپیما

وقت نماز فرا رسیده و تمام می شود؛ یعنی قبل از طلوع آفتاب به مقصد نمی رسد

باید نماز را داخل هواپیما بخواند. یادآوری می شود که اگر هواپیما به قدری از شهر فاصله گرفته

است که دیوارهای آن دیده نمی شود و در همین فاصله به طور معمول صدای اذان آنجا شنیده نمی شود باید نماز را شکسته بخواند.

230

استفتاء

س 1 بیدار نمودن افراد خانواده برای نماز صبح با چه کیفیتی مجاز است ؟
ج - اگر بیدار نکردن آنها موجب سهل انگاری و استخفاف به امر نماز باشد باید آنها را بیدار نماید.(8)

س 2 هنگامی که میهمانی برای ما می آید و وقت نماز خواندن هم شده است ما باید کدامیک را از نظر اسلام درح آن شرایط که مهمان آمده ارجحیت بیشتری بدان دهیم
آیا باید پس از کمی که پیش مهمان نشستیم از او عذر ج بخواهیم و به خواندن نماز مشغول شویم و یا اینکه هنگامی که مهمان رفت نمازمان را بخوانیم ؟
ج - مستحب است نماز را اول وقت بخوانند.(9)

1- تحریرالوسیله

ج 1 ص 137

م 744

2- العروة الوثقی

ج 1 ص 530 و فصل فی احکام الاوقات

م 3 و توضیح المسائل

م 744

3- توضیح المسائل

م 751

4- توضیح المسائل

م 747

5- همان

م 3

6- تحریرالوسیله

ج 2 ص 632 م 4

7- همان .

8- استفتاآت

ج 1 ص 133 س 25

9- همان

ص 26

232

قبله

1- خانهء کعبه

<<قبلهء>> مسلمانان است و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند. دفن میت و ذبح حیوان نیز باید رو به قبله باشد.

2- کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن است

اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند کافی است(1) .

3- کسی که نماز واجب را ایستاده می خواند

باید طوری بایستد که بگویند رو به قبله ایستاده و لازم نیست زانوها و نوک پای او هم رو به قبله باشد.(2)

233

راههای تشخیص قبله

خود انسان یقین کند؛ یعنی جهت قبله را می داند.
دو نفر عادل بگویند.

کسی که از روی قاعدهء علمی قبله را می شناسد و مورد اطمینان است بگوید.
گمانی که از محراب مساجد و قبور مسلمین حاصل شود(3).

234

تابش خورشید و تعیین قبله

در دو روز از سال ؛ یعنی روزهای 6 خرداد و 24 تیر
هنگام ظهر

خورشید کاملاً عمود بر کعبه می تابد و در سایر مناطق جهان می توان به کمک خورشید جهت قبله را مشخص کرد؛ یعنی اگر هنگام ظهر شرعی (به وقت مکه) رو به خورشید بایستیم

به سمت قبله قرار می گیریم و دقیق تر آن که ؛ اگر در آن دو روز

هنگام ظهر (به وقت مکه) در هر جای کرهء زمین شاخصی نصب کنیم

سایهء آن از نوک سایه به سمت پایهء شاخص

جهت قبله خواهد بود.(4)

1- توضیح المسائل

م 776

2- توضیح المسائل

م 777

3- توضیح المسائل

م 782

4- مجلهء نور علم

ش 8 ص 9

235

وظیفهء کسی که جهت قبله را نمی داند

اگر انسان در موقعیتی قرار بگیرد که پس از تلاش برای پیدا کردن قبله نتواند جهت آن را تشخیص دهد

به هر طرف که گمان دارد جهت قبله است نمازش را بخواند و اگر گمان هم پیدا نشد و به طور کلی قبله بر او نامعلوم باشد

چنانچه وقت دارد باید به چهار طرف نماز بخواند و اگر بدین مقدار وقت ندارد به سه طرف و با کمبود وقت به دو طرف و در کمتر از آن به يك طرف نماز بخواند. در صورتی که نمازگزار بعد از نماز متوجه شد رو به قبله نبوده اگر:

انحراف از قبله به قدری نبوده که به سمت راست یا چپ قبله نماز خوانده باشد نمازش صحیح است .

و در صورتی که به سمت راست یا چپ قبله بوده :

- اگر در وقت نماز متوجه شود

باید نماز را اعاده کند.

- اگر پس از وقت متوجه شود

نماز خوانده شده صحیح است ولی احتیاط مستحب است که قضای آن را بجا آورد(1).

236

توضیح :

چنانچه به چهار طرف نماز بخواند

به یقین

یکی از آنها رو به قبله

یا با کمی انحراف از قبله خواهد بود.

و اگر به سه یا دو طرف نماز خوانده باشد و یکی از آنها رو به قبله

یا کمی با انحراف باشد

کافی است .

در صورتی که نمازگزار در بین نماز متوجه شود رو به قبله نیست
 اگر انحراف به حدّ سمت راست یا چپ قبله یا پشت به قبله نباشد
 باید به سمت قبله بگردد و نماز را ادامه دهد و صحیح است .
 و در صورتی که انحراف به حدّ سمت راست یا چپ قبله یا پشت به آن باشد
 اگر وقت نماز وسعت دارد باید این نماز را بر هم زند و دوباره شروع کند .
 - وقت نماز تنگ است باید به سمت قبله برگردد و نماز را ادامه دهد و احتیاط مستحب است قضای
 آن را نیز بجا آورد.(2)

حکم کلی تمام نمازها باید رو به قبله انجام شود
 مگر نماز مستحب که اگر رو به قبله هم نباشد صحیح است ولی اگر رو به قبله باشد
 ثواب بیشتری دارد.(3)

1- تحریرالوسیله

ج 1 ص 141 م 4

2- همان .

3- تحریرالوسیله

ص 113 م 6

238

لباس نمازگزار

یکی از مسائلی که قبل از شروع نماز توجه به آن لازم است
 مسأله پوشش است
 و اکنون به بیان مقدار پوشش و شرایط آن می پردازیم :

239

مقدار پوشش در نماز

- 1- مردان ; باید عورت را بپوشانند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشانند.(1)
- 2- زنان ; باید تمام بدن را بپوشانند بجز:
 - دستها تا مچ .
 - پاها تا مچ .
 - صورت به مقداری که در وضو باید شسته شود.(2)
- 3- بر زنان پوشاندن دستها و پاها و صورت
 به مقداری که در مسألهء پیش گفته شد
 در نماز واجب نیست یادآوری می شود

برای باتوان پوشاندن پاها در نماز واجب نیست ولی از نگاه نامحرم باید بپوشانند. تفصیل احکام نگاه کردن در درس 62 خواهد آمد.

گرچه پوشاندن آن هم مانع ندارد. (3)

4- لباس نمازگزار باید دارای این ویژگی ها باشد:

-- پاك باشد (نجس نباشد).

-- مباح باشد (غصبی نباشد).

-- از اجزاء مردار نباشد؛ مثلاً از پوست حیوانی که مطابق دستور اسلام ذبح نشده

تهیه نگردیده باشد

حتی کمر بند و کلاه .

-- از حیوان حرام گوشت نباشد؛ مثلاً از پوست پلنگ یا خوک تهیه نشده باشد.

-- اگر نمازگزار مرد است لباس او طلا باف یا ابریشم خالص نباشد. (4)

5- اگر لباس نمازگزار از اجزای حیوان حرام گوشت تهیه شده باشد هر چند اجزای بی روح آن

مانند پشم یا مو

*نماز خواندن با آن باطل است. (5)

6- هیچ جزئی از حیوان حرام گوشت نباید همراه نمازگزار باشد

هر چند لباس نباشد

بنابراین اگر بند ساعت تیا کمر بند یا دکمه یا بند لباس از حیوان حرام گوشت باشد

نماز باطل است. (6)

7- لباسی که از پشم و کرک و موی حیوان حلال گوشت تهیه شده

نماز خواندن با آن صحیح است

چون نه آنجس است و نه از اجزای روح دار مردار و نه حیوان حرام گوشت. (7)

8- در کشورهای غیر اسلامی لباسهایی که از اجزای روح دار حیوان تهیه شده است نماز خواندن با

آن باطل است مگر آن که ذبح شرعی آن محرز شود.

9- اگر قسمتی از لباس و حتی جزء کوچکی از آن از مردار باشد

نماز با آن باطل است. (8)

10- چیزی که از اجزای روح دار مردار - حتی مردار حیوان حلال گوشت - تهیه شده

11- اگر انسان شك داشته باشد

که لباس از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت

چه در کشور اسلامی ب و چه غیراسلامی تهیه شده باشد

نماز خواندن با آن مانعی ندارد.(10)

12 اگر از روی فراموشی با لباسی که از حیوان حرام گوشت است

نماز بخواند و بعد از آن متوجه شود

؟بنابراحتیاط واجب باید آن نماز را دوباره بخواند.(11)

13 علاوه بر لباس

بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.(12)

241

استفتاء

س - اگر خانمی با لباس محفوظ؛ مثل مانتوی گشاد و شلوار و روسری یا مقنعهء بزرگ نماز بخواند

درست است یا خیر؟

ج - اشکال ندارد.(13)

1- توضیح المسائل

م 788

2- همان

م 789

3- توضیح المسائل

م 789

4- همان

م 798

5- توضیح المسائل

م 824

6 - همان .

7 - توضیح المسائل

م 823

8- توضیح المسائل

م 821

9- توضیح المسائل

م 822

10- توضیح المسائل

م 827

11- توضیح المسائل

م 830

12- توضیح المسائل

م 799 و 800

13- استغاثات

ج 1 ص 137 س 35

242

حکم نماز خواندن با بدن و لباس نجس

243

در این موارد

نماز خواندن با بدن یا لباس نجس باطل است :

-- عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

-- در یاد گرفتن احکام شرعی کوتاهی کرده و به جهت ندانستن مسأله

با بدن یا لباس نجس نماز خوانده است. (1)

-- نجس بودن بدن یا لباس را می دانسته

ولی هنگام نماز فراموش کرده و با آن نماز خوانده است. (2)

244

در این موارد

اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند صحیح است

-- نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود. (3)

-- به واسطه زخمی که در بدن اوست

بدن یا لباسش نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن هم دشوار است .

-- لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده است ولی مقدار آلودگی کمتر از درهم است .

یک درهم

تقریباً به اندازه یک سکه دو ریالی است .

-- ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند؛ مثلاً آب برای تطهیر ندارد. (4)

245

چند مسأله :

1- اگر لباسهای کوچک نمازگزار؛ مثل دستکش و جوراب

نجس باشد

یا دستمال کوچک نجسی در جیب داشته باشد

چنانچه از اجزاء مردار یا حرامگوشت نباشد اشکال ندارد. (5)

2- پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه ترین لباسها و استعمال بوی خوش و دست کردن انگشتی عقیق در نماز

مستحب است. (6)

3- پوشیدن لباس سیاه و چرك و تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن دکمه های لباس در نماز مکروه است. (7)

حکم کلی طهارت بدن و لباس در تمام نمازها شرط است
بجز نماز میت. (8)

1- توضیح المسائل

م 800

2- توضیح المسائل

م 803

3- توضیح المسائل

م 802

4- توضیح المسائل

م 848

5- توضیح المسائل

م 861

6- توضیح المسائل

م 864

7- توضیح المسائل

م 865

8- تحریر الوسیله

ج 1 ص 143 م 8

247

شرایط مکان نمازگزار و حکم آن

مکانی که انسان بر آن نماز می خواند باید دارای شرایط زیر باشد:

-- مباح باشد.

-- بی حرکت باشد.

-- تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را به طور صحیح انجام دهد.

-- جایی که پیشانی را می گذارد پاك باشد.

-- مکان نمازگزار اگر نجس است طوری تر نباشد که به بدن یا لباس نمازگزار سرایت کند.

-- جایی که پیشانی را می گذارد از جای زانوها و بنا بر احتیاط واجب از جای انگشتان پا

بیش از چهار

انگشت بسته پست تر یا بلندتر نباشد. (1)

248

احکام مکان نمازگزار

1- یکی از شرایط مکان نمازگزار مباح بودن آن است پس در این مکانها نماز باطل است :

-- نماز در ملك دیگران بدون اجازه صاحبش .

-- نماز در ملكی که منفعت آن از دیگری است ; مثلاً نماز خواندن در خانه ای که اجاره داده شده بدون اجازه مستأجر.

-- نماز خواندن در ملكی که شريك دارد و سهم او جدا نیست (ملك مُشاع) بدون اجازه شريك .

-- اگر با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده

ملكی بخرد و در آن نماز بخواند.

-- نماز خواندن در ملك میّتی که خمس یا زکات بدهکار است .

-- نماز خواندن در ملك میّتی که به مردم بدهکار است .

-- نماز خواندن در ملك میّتی که قرض ندارد ولی بعضی از ورثه او صغیر یا دیوانه باشند

یا غایب باشند بدون اجازه قیم .

-- نماز خواندن بر تخت و فرش غضبی .

249

کسی که در مسجد نشسته اگر دیگری جای او را غضب کند و در آنجا نماز بخواند

بنا بر احتیاط واجب باید 4 باره نمازش را در محل دیگری بخواند. (2) (2) - در زمین بسیار وسیعی که

دور از ده و چراگاه حیوانات است

اگر چه صاحبش راضی نباشد

نماز خواندن ح و نشستن و خوابیدن در آن اشکال ندارد و در زمینهای زراعتی هم که نزدیک ده است

و دیوار ندارد

اگر چه ح صاحبان آن صغیر و دیوانه باشند نماز و عبور و تصرفات جزئی اشکال ندارد

ولی اگر یکی از صاحبان ناراضی 6 اشند تصرف در آن حرام و نماز باطل است. (3)

3- در جاهایی که نمی داند غضبی است یا نه

نماز خواندن اشکال ندارد.(4)

4- اگر در جایی که نمی داند غصبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد غصبی بوده نمازش صحیح است. (5)

5- یکی از شرایط مکان نمازگزار بی حرکت بودن آن است

بنابراین نماز خواندن در هواپیما

کشتی

قطار و چاتومبیل در حال حرکت اگر سبب تکان خوردن بدن بشود

مثلاً لرزش زیاد دارد

صحیح نیست

ولی اگر انسان خ ناچار شود که در آن حال نماز بخواند

مثلاً اگر بخواهد صبر کند تا در هنگام توقف نماز بخواند وقت می گذرد و خنماز قضا می شود

باید نماز را در آن حال بخواند ولی سایر شرایط نماز را در حد امکان مراعات کند؛ یعنی این گونه

عمل کند: برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند باید تیمم کند

و چنانچه تیمم هم ممکن نباشد

احتیاط مستحب است نماز را بخواند و بعد قضای آن را به جا آورد. اگر می تواند باید نماز را

ایستاده بخواند و اگر نه

در حال نشسته نماز بخواند. جهت قبله را مراعات کند

پس اگر آن وسیلهء نقلیه به طرف دیگر بگردد

نمازگزار نیز باید خود را با قبله تطبیق دهد. سجده بر کاغذ نیز صحیح است

چنانچه مهر یا خاک یا سنگ برای سجده ندارد بر آن سجده می کند. اگر برخی از شرایط نماز را

نتواند مراعات کند

باید به هر نحو که می تواند نماز را بخواند.(6)

6- در حال ناچاری نماز خواندن در مکان غصبی و در جایی که سقف آن کوتاه است و یا جایش تنگ

است؛ 9انند سنگر و در مکان ناهموار اشکال ندارد. ل(7)

250

7- انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر (ص) و امام (ع) نماز نخواند.(8)

8- بنابر احتیاط مستحب زن باید عقب تر از مرد باشد و جای سجدهء او از جای ایستادن مرد کمی

عقب تر باشد.(9)

9- اگر زن برابر مرد یا جلوتر باشد و پرده یا دیوار و مانند آن بین آنها فاصله نشود

و با هم وارد نماز شوند

6هتر آن است که نماز را دوباره بخوانند.(10)

10- بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت جایز نیست و احتیاط در نماز نخواندن در آن جاست

لیکن اگر الله خواند نمازش باطل نیست. (11)

11- کسی که در محل عبور مردم نماز می خواند

یا کسی رو بروی اوست

مستحب است جلوی خود چیزی اُبگذارد

و اگر چوب یا ریسمان یا تسبیح هم باشد کافی است. (12)

12- مستحب است

انسان نماز را در مسجد بخواند و در اسلام بر این مسأله سفارش بسیار شده است .ک همان

م 893

251

استفتاء

س - نماز خواندن در بانکها و ادارات و امثال آن و مدارس که اغلب وضعیت ملکی آنها مشخص نیست چه صورتی دارد؟

ج - اگر علم به غصب بودن محل ندارند اشکال ندارد.(13)

1- توضیح المسائل

مکان نمازگزار.

2- توضیح المسائل

م 866 تا 877

3- توضیح المسائل

م 879

4- توضیح المسائل

م 869 و تحریرالوسیله

ج 1 ص 147 م 1

5 - توضیح المسائل

م 870

6- تحریرالوسیله

ج 1 ص 108 م 7 و ص 151 م 15

7- تحریرالوسیله

ج 1 المقدمة الرابعة فی المكان

م 1 و توضیح المسائل

م 883

8- توضیح المسائل

م 884

9- توضیح المسائل

م 886

10- توضیح المسائل

م 887

11 - همان

م 886 تا 889

12- توضیح المسائل

م 899

13- استغاثات

ج 1 ص 147 س 69

252

احکام مسجد

این کارها در رابطه با مسجد حرام است :

زینت کردن مسجد با طلا (بنا بر احتیاط واجب) (1) .

فروش مسجد

هر چند خراب شده باشد و حتی فروختن زمین (2) .

نجس کردن مسجد

و چنانچه نجس شود باید فوراً تطهیر کنند. (3)

بردن خاک و ریگ از مسجد

مگر خاکهای زیادی (4) .

253

این کارها دربارهء مسجد مستحب است :

زودتر از همه به مسجد رفتن و دیرتر از همه از مسجد بیرون آمدن .

چراغ مسجد را روشن کردن .

تمیز کردن مسجد .

هنگام وارد شدن

ابتدا پای راست را داخل مسجد گذاشتن .

هنگام بیرون آمدن از مسجد اول پای چپ را بیرون گذاشتن .

خواندن دو رکعت نماز مستحبی تَحِيَّت و احترام مسجد.
خوشبو کردن خود و پوشیدن بهترین لباسها برای رفتن به مسجد.(5)
این کارها درباره مسجد مکروه است :
گلدسته ها را بیش از پشت بام مسجد بالا بردن .
عبور از مسجد
به عنوان محل عبور; بدون آن که در آنجا نماز بخواند.
انداختن آب دهان و بینی در مسجد. خوابیدن در مسجد
مگر در حال ناچاری . فریاد زدن در مسجد و صدا را بلند کردن
مگر برای اذان . خرید و فروش در مسجد. سخن گفتن از امور دنیا. رفتن به مسجد
برای کسی که سیر یا پیاز خورده و بوی دهانش مردم را آزار می دهد.(6)
همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند. مستحب است
انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود
غذا نخورد
در کارها با او مشورت نکند
؟همسایه او نشود
از او زن نگیرد و به او زن ندهد.

1- همان

م 908

2- همان

م 909

3- همان

م 900

4- العروة الوثقى

ج 1 کتاب الصلاة

فصل 15 فى بعض احكام المسجد

الرابع .

5- توضیح المسائل

م 912 و 913

6 - العروة الوثقى

ج 1 کتاب الصلاة

فصل 15 فى بعض احكام المسجد

ص 600

7- توضیح المسائل

255

ترتیب اولویت مساجد برای نماز خواندن

از نظر ثواب

1- مسجد الحرام .

2- مسجد النبی (ص) در مدینهء منوره .

3- مسجد کوفه .

4- مسجد بیت المقدس .

5- مسجد جامع هر شهر.

6- مسجد محله .

7- مسجد بازار.(1)

برای زنها نماز خواندن در خانه بهتر است

ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند

بهتر است در مسجد نماز بخوانند(2).

نماز در حرم امامان (ع) مستحب

بلکه بهتر از مسجد است و نماز در حرم امیرالمؤمنین (ع) برابر دویست هزار نماز است.(3)

1- توضیح المسائل

م 893

2- همان

م 894

3- همان

م 895

256

جاهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است :

-- حمام .

-- زمین نمکزار.

-- مقابل دری که باز است .

-- در جاده و خیابان و کوچه

اگر برای کسانی که عبور می کنند زحمت نباشد و اگر زحمت باشد حرام است ولی نماز باطل نیست .

-- مقابل آتش و چراغ .

- در آشپزخانه و هر جا که کوره آتش باشد.
- مقابل چاه و چاله ای که محل بول است .
- روبروی عکس و مجسمه انسان یا حیوان مگر آن که روی آن پرده بکشند.
- در جایی که عکس باشد هر چند روبروی نمازگزار نباشد.
- در اطاقی که شخص جنب در آن باشد.
- مقابل قبر و روی آن و بین دو قبر.
- در قبرستان. (1)

1- توضیح المسائل

م 898

258

احکام اذان و اقامه

- 1- بر نمازگزار مستحب است قبل از نمازهای یومیه ابتدا اذان و بعد از آن اقامه بگوید(1).
- 2- اذان و اقامه باید در وقت نماز گفته شود و اگر قبل از وقت بگوید باطل است. (2)
- 3- اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگوید صحیح نیست(3) .
- 4- بین جمله های اذان و اقامه باید زیاد فاصله نشود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد باید دوباره آن را از سر بگیرد.(4)
- 5- اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند کسی که با آن جماعت نماز می خواند نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.(5)
- 6- مستحب است کسی را که برای گفتن اذان معین می کنند عادل وقت شناس و صدایش بلند باشد.(6)
- 7- مستحب است در روز اولی که بچه به دنیا می آید در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.(7)

259

حکم کتبی

- هیچ يك از نمازهای مستحبی اذان و اقامه ندارد(8).

1- توضیح المسائل

م 918

2- همان

م 935

3- همان

م 931

4- همان

م 920

5- همان

م 923

6- توضیح المسائل

م 941

7- همان

م 917

8- العروة الوثقی

ج 1 ص 601

260

واجبات نماز

1- نماز با گفتن <<الله اکبر>> آغاز می شود و با سلام به پایان می رسد.

2- آنچه در نماز انجام می شود یا واجب است یا مستحب .

3- واجبات نماز

یازده چیز است که برخی رکن و برخی غیر رکن است .

261

واجبات نماز(1)

رکن :

1- نیت

2- قیام

3- تکبیرة الاحرام

4- رکوع

5- سجود

غیر رکن :

1- قرانت

- 2- ذکر
- 3- تشهد
- 4- سلام
- 5- ترتیب
- 6- موالات

262

فرق بین رکن و غیررکن :

ارکان نماز

اجزاء اساسی آن به شمار می آید و چنانچه یکی از آنها بجا آورده نشود یا اضافه شود

هر چند بر) اثر فراموشی هم باشد

نماز باطل است . واجبات دیگر

گرچه انجام آن ها لازم است ولی چنانچه از روی فراموشی کم یا زیاد شود نماز باطل نیست . (2)

1- توضیح المسائل

واجبات نماز.

2- توضیح المسائل

م 942

264

واجبات نماز

265

پ نیت

1- نمازگزار از آغاز تا پایان نماز

باید بداند چه نمازی می خواند و آن را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد. (1)

2- به زبان آوردن نیت لازم نیست

ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد. (2)

3- نماز باید از هر گونه ریا و خودنمایی بدور باشد؛ یعنی نماز را تنها برای انجام دستور خداوند

بجا آورد و چنانچه تمام نماز یا قسمتی از آن برای غیر خدا باشد

باطل است . (3)

4- اگر نمازگزار

غیر از اطاعت امر الهی
 قصد دیگری هم در نماز خواندن داشته باشد
 با سه شرط اشکال ندارد:
 قصد ریا و خودنمایی نداشته باشد.
 قصد قربت و اطاعت الهی اصل باشد و نیت دیگر فرع و ضمیمه .
 ضمیمه هم امری مباح یا مطلوب باشد. بنابراین اگر برای اطاعت الهی نماز بخواند و در ضمن به
 دیگری هم نماز خواندن یاد دهد اشکال ندارد.(4)

266

عدول از نیت

1- برگرداندن نیت از يك نماز به نماز دیگر در این موارد اشکال ندارد:
 از نماز عصر به نماز ظهر
 در صورتی که بین نماز عصر متوجه شود نماز ظهر را نخوانده یا باطل بوده
 واجب است نیت را به نماز ظهر برگرداند.
 از قضای عصر به قضای ظهر.
 از عشاء به مغرب .
 از قضای عشاء به قضای مغرب .
 از اداء به قضاء.
 از جماعت به فرادا.
 2- برگرداندن نیت در این موارد صحیح نمی باشد:
 از نماز ظهر به نماز عصر.
 از مغرب به عشاء.
 از قضاء به اداء.
 از فرادا به جماعت (بنابراحتیاط واجب).
 از مستحبی به واجب .
 از مستحب به نماز مستحبی دیگر.
 از واجب به مستحب
 مگر در این دو مورد:
 الف : در ظهر روز جمعه برای کسی که خواندن سورهء جمعه را فراموش کرده و سورهء دیگری
 شروع کرده و به نصف آن سوره رسیده یا از نصف گذشته است .
 ب : مشغول نماز واجب باشد و داخل در رکوع رکعت سوم نشده باشد و نماز جماعت بر پا شود و

خوف آن داشته باشد که از جماعت عقب بماند. 5)

267

تکبیر الاحرام

تکبیر اول نماز را <<تکبیر الاحرام>> می گویند. چون با همین تکبیر است که بسیاری از کارها که قبل از نماز جایز بوده بر نمازگزار حرام می شود؛ مانند خوردن و آشامیدن خندیدن و گریستن .

268

واجبات تکبیر الاحرام :

- 1- به عربی صحیح گفته شود.
- 2- هنگام گفتن <<الله اکبر>> بدن آرام باشد.
- 3- تکبیر الاحرام را طوری بگوید که اگر مانعی در کار نباشد خودش بشنود؛ یعنی بسیار آهسته نگوید.
- 4- بنا بر احتیاط واجب آن را به چیزی که پیش از آن می خواند وصل نکند. 6)
- مستحب است موقع گفتن تکبیر الاحرام و تکبیرهای بین نماز دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد. 7)

269

قیام

قیام یعنی ایستاده بودن که در بعضی موارد از ارکان نماز است و ترك آن نماز را باطل می کند ولی افرادی که نمی توانند ایستاده نماز بخوانند وظیفه ای دارند که در مسائل آینده خواهد آمد.

270

افسام قیام :

271

رکن :

- 1 قیام هنگام تکبیر الاحرام
- 2 قیام پیش از رکوع (متصل به رکوع)

غیررکن :

1 قیام هنگام قرائت

2 قیام بعد از رکوع. (8)

احکام قیام

1 واجب است پیش از گفتن تکبیرالاحرام و بعد از آن

مقداری بایستد تا یقین کند که تکبیر را در حال قیام گفته است. (9)

2 قیام متصل به رکوع بدان معنی است که در حالت ایستاده به رکوع برود

بنابراین اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید

باید کاملاً بایستد سپس به رکوع برود و پس از آن سجده ها را بجا آورد. (10)

3 اموری که در حال قیام باید از آن پرهیز شود:

بدن را حرکت دادن .

به طرفی خم شدن .

به جایی یا چیزی تکیه کردن .

پاها را زیاد باز گذاشتن .

پاها را از زمین بلند کردن. (11)

4 نمازگزار باید هنگام ایستادن

هر دو پا را بر زمین بگذارد

ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی يك پا هم باشد اشکال ندارد. (12)

5 اگر انسان در نماز بخواهد کمی جلو یا عقب برود

یا کمی بدن را به طرف راست یا چپ حرکت دهد

باید به هنگام حرکت چیزی نگوید. (13)

6 حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد اشکال ندارد

گرچه احتیاط مستحب آن است که آنها را هم حرکت ندهد. (14)

7 اگر هنگام خواندن حمد و سوره یا تسبیحات

بی اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن خارج شود

احتیاط واجب آن است که بعد از آرام گرفتن بدن

آنچه را در حال حرکت خوانده دوباره بخواند. (15)

8 کسی که به هیچ وجه نتواند ایستاده نماز بخواند

باید نشسته و رو به قبله نماز بخواند و اگر نشسته هم نتواند

باید خوابیده بخواند. (16)

9 کسی که خوابیده نماز می خواند باید به پهلو راست

رو به قبله بخوابد و اگر نمی تواند

به پهلو چپ رو به قبله بخوابد و اگر آن هم ممکن نیست به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای

او

رو به قبله [باشد. (17)

274

10 واجب است بعد از رکوع به طور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام عمداً

ترك شود نماز باطل است. (18)

275

استفتاء

س 1 برای شخص مریض که نشسته نماز می خواند قیام متصل به رکوع چه وضعی دارد؟

ج - باید از حالت نشسته به رکوع رود. (19)

س 2 آیا تکانهای مختصر

هنگام خواندن اذکار نماز

چنانچه سهواً انجام شود و نمازگزار نتواند مانع آن شود

باعث اشکال در نماز می شود؟

ج - اشکال ندارد. (20)

276

قرانت

1 در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیّه

انسان باید اول حمد و بعد از آن يك سورهء تمام بخواند. (21)

2 در رکعت سوم و چهارم نماز

باید سورهء حمد

یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر يك مرتبه هم بخواند کافی است. (22)

3 اگر نمازگزار در رکعت سوم و چهارم حمد بخواند

بنابر احتیاط واجب باید <<بسم الله الرحمن الرحيم >> آن را نیز آهسته بگوید. (23)

احکام قرائت

1 در رکعت سوم و چهارم نماز حمد یا تسبیحات باید آهسته خوانده شود ولی حکم حمد و سوره در رکعت اول و دوم نماز به این شرح است: (24)

نماز	نمازگزار	حکم
ظهر و عصر	مرد (25) وزن	باید آهسته بخوانند
مغرب		
عشاء		
صبح	مرد	باید بلند بخواند
مغرب		
عشاء		
صبح	زن	اگر نامحرم صدای او را نمی شنود می تواند بلند بخواند و اگر می شنود

بنابر احتیاط واجب باید آهسته بخواند

2- اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند

عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند

عمداً بلند بخواند

نمازش باطل است

ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد

صحیح است. (26)

3- اگر در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است

(مثلاً می بایست بلند بخواند ولی آهسته خوانده است) لازم نیست مقداری را که خوانده

دوباره بخواند. (27)

4- انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که اصلاً نمی تواند صحیح آن را یاد بگیرد

باید هر طور که می تواند بخواند و احتیاط مستحب است که نماز را به جماعت بجا آورد. (28)

5- احتیاط مستحب آن است که در نماز

وقف به حرکت و وصل به سکون ننمایند. (29)

6- اگر در نماز یکی از چهار سوره ای را که آیهء سجده دارد عمداً بخواند

نمازش باطل است. (30)

7- اگر بعد از حمد مشغول خواندن سورهء <<قل هو الله احد>> یا سورهء <<قل یا ایها الکافرون >> شود

نمی تواند آن را رها کند و سورهء دیگری بخواند ولی در نماز جمعه و نماز ظهر روز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سورهء جمعه و منافقون یکی از این دو سوره را بخواند تا به نصف نرسیده می تواند آن را رها کند و سورهء جمعه و منافقون را بخواند. (31)

8- اگر در نماز

غیر سورهء <<قل هو الله احد>> و <<قل یا ایها الکافرون >> سورهء دیگری بخواند تا به نصف نرسیده می تواند رها کند و سورهء دیگری بخواند. (32)

9- اگر مقداری از سوره را فراموش کند

278

می تواند آن سوره را رها کند و سورهء دیگری بخواند گرچه از نصف گذشته باشد یا سوره ای که می خواند <<قل هو الله احد>> یا <<قل یا ایها الکافرون >> باشد. (33)

10- اگر انسان کلمه ای را صحیح بداند؛ مثلاً کلمه <<عبده >> را در تشهد <<عبده >> می دانسته و در نماز همانطور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده است

لازم نیست دوباره نماز را بخواند. (34)

11- در این موارد نمازگزار نباید در رکعت اول و دوم

سوره بخواند و تنها به خواندن حمد اکتفا می کند:

وقت نماز تنگ باشد.

ناچار باشد که سوره نخواند؛ مثلاً بترسد که اگر سوره را بخواند دزد یا درنده یا چیز دیگری به او صدمه می زند. (35)

12- در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را يك مرتبه بگوید. (36)

13- احتیاط واجب آن است که برای یاد دادن واجبات نماز مزد نگیرند

ولی برای مستحبات آن اشکال ندارد. (37)

279

استغناء

س - با توجه به اینکه تلفظ حرف <<ض >> در تجوید چند قول است

بفرمایید شما به کدام قول عمل می کنید؟ يك قول می گوید: که برخورد نوك زبان با دندان آسیا و يك

قول هم می گوید: که برخورد کناره عُن زبان با دندان آسیا.
 ج - شناختن مخارج حروف طبق قول علماء تجوید واجب نیست
 باید تلفظ هر حرف به نحوی باشد که در عرف عرب صدق کند آن حرف ادا شده. (38)

280

جابجایی حمد و تسبیحات

1- در دو رکعت اول

به خیال این که در دو رکعت آخر است تسبیحات بگوید:

الف : اگر پیش از رکوع بفهمد

باید حمد و سوره را بخواند و نماز صحیح است .

ب : اگر در رکوع یا پس از آن بفهمد

نماز را ادامه می دهد و صحیح است .

2- در دو رکعت آخر:

به خیال اینکه رکعت اول است حمد بخواند

نمازش صحیح است .

می خواست حمد بخواند

تسبیحات به زبانش آمد

یا می خواست تسبیحات بخواند

حمد به زبانش آمد

باید رها کند و دوباره حمد یا تسبیحات بخواند ولی اگر عادتش خواندن چیزی بوده که به زبانش

آمده و در خزانه قلبش آن را قصد داشته

می تواند همان را تمام کند و نمازش صحیح است .

عادت دارد تسبیحات بخواند ولی بدون قصد مشغول خواندن حمد می شود

باید آن را رها کند و دوباره مشغول خواندن حمد یا تسبیحات شود. (39)

281

بعضی از مستحبات قرائت: (40)

1- در رکعت اول پیش از حمد بگوید: <<اعوذ بالله من الشیطان الرجیم >>.

2- در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر <<بسم الله الرحمن الرحیم >> را بلند بگوید.

3- حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند; یعنی آن را به آیه بعد نچسباند.

4- در حال خواندن حمد و سوره به معنای آن توجه داشته باشد.

5- در تمام نمازها در رکعت اول
سوره <<اَنَا انزلناه >> و در رکعت دوم سوره <<قل هو الله احد>> را بخواند.
6- اگر نماز را به جماعت می خواند
بعد از تمام شدن حمد امام و اگر فرادا می خواند
بعد از تمام شدن حمد خودش
بگوید: <<الحمد لله رب العالمين >>.
7- بعد از خواندن سوره قل هو الله احد
يك يا دو يا سه مرتبه بگوید: <<كذلك الله ربّي >> يا سه مرتبه بگوید: <<كذلك الله ربنا>>.

282

ذکر

یکی از واجبات رکوع و سجده ذکر است
یعنی گفتن <<سبحان الله >> یا <<الله اكبر>> و مانند آن
که تفصیل هر يك خواهد آمد.

283

رکوع

1- در هر رکعت بعد از قرانت
نمازگزار باید به اندازه ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را <<رکوع >>
می گویند. (41)

284

واجبات رکوع :

- 1- خم شدن به مقداری که بیان شد.
- 2- ذکر.
- 3- آرامش بدن در حال گفتن ذکر رکوع .
- 4- ایستادن بعد از رکوع .
- 5- آرامش بدن بعد از رکوع . (42)

285

ذکر رکوع

در رکوع
هر ذکری گفته شود کافی است

ولی احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه <<سبحان الله>> یا يك مرتبه <<سبحان ربی العظیم و بحمده>> کمتر نباشد. (43)

286

آرامش بدن در رکوع

1 در رکوع باید به مقدار ذکر واجب

بدن آرام باشد. (44)

2 اگر پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد

عمداً ذکر رکوع را بگوید

نمازش باطل است. (45)

3 اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب

عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است. (46)

287

ایستادن و آرامش بعد از رکوع

بعد از تمام شدن ذکر رکوع

باید بایستند و پس از آرام گرفتن بدن به سجده برود و اگر عمداً پیش از ایستادن

یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده برود نمازش باطل است. (47)

288

وظیفه کسی که نمی تواند به طور معمول رکوع انجام دهد

1 کسی که نمی تواند به مقدار رکوع خم شود

باید به هر اندازه که می تواند خم شود.

2 کسی که در حالت ایستاده اصلاً نتواند خم شود

باید نشسته رکوع کند.

3 کسی که نشسته رکوع می کند

باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوهای برسد و بهتر است به قدری خم شود که صورت

نزدیک جای سجده برسد.

289

فراموش کردن رکوع

1 اگر رکوع را فراموش کند و پیش از آنکه به سجده برسد یادش بیاید

باید بایستد بعد به رکوع رود و چنانچه به حالت خمیدگی به رکوع برگردد نمازش باطل است. (48)

2 اگر بعد از آن که پیشانی به زمین برسد
یادش بیاید که رکوع نکرده
بنابر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند. (49)

290

برخی از مستحبات رکوع :

ذکر رکوع را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگوید.
پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید.
در حال رکوع بین دو قدم (روی زمین) را نگاه کند.
پیش از ذکر رکوع یا بعد از آن صلوات بفرستد.

بعد از رکوع

هنگامی که ایستاد و بدن آرام گرفت بگوید:

<<سمع الله لمن حمده >> (50)

291

سجود

1 نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب

بعد از رکوع دو سجده بجا آورد. (51)

2 سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست) را بر زمین بگذارد.

292

واجبات سجده :

1- گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین .

2- ذکر.

3- آرامش بدن در حال ذکر سجده .

4- سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده .

5- بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر.

6- مساوی بودن جاهای سجده (پست و بلند نبودن).

7- گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است .

8- پاك بودن جایی که پیشانی را می گذارد.

9- موالات بین دو سجده .

10- مواظبت بر عربی بودن ذکر و حفظ ترتیب و موالات آن. (52)

ذکر:

در سجده هر ذکرى بگوید کافى است ولى احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه <<سبحان الله >> یا يك مرتبه <<سبحان ربى الاعلى و بحمده >> کمتر نباشد. (53)

آرامش :

1 در سجده باید به مقدار ذکر واجب

بدن آرام باشد و موقع گفتن ذکر مستحب نیز

اگر آن را به قصد ذکرى که برای سجده دستور داده اند بگوید

آرام بودن بدن لازم است. (54)

2 اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و آرام گیرد

عمداً ذکر را بگوید

نماز باطل است و چنانچه از روی فراموشی باشد

باید دوباره در حال آرام بودن

ذکر را بگوید. (55)

293

سر برداشتن از سجده :

1- بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشینند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود. (56)

2- اگر پیش از تمام شدن ذکر

عمداً سر از سجده بردارد

نماز باطل است. (57)

3- اگر پیشانی بی اختیار از جای سجده بلند شود

چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد

و این يك سجده حساب می شود

چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه و اگر نتواند سر رانگهدارد و بی اختیار دوباره به جای سجده

برسد

با هم يك سجده حساب می شود و اگر ذکر نگفته باشد

باید بگوید. (58)

294

بر زمین بودن هفت عضو:

1- اگر موقعی که ذکر سجده را می گوید

یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد

نماز باطل می شود

ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست اگر غیر از پیشانی

جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد

اشکال ندارد.(59)

2- اگر همراه با انگشتان شست پا

انگشتان دیگر هم بر زمین باشد مانع ندارد.(60)

295

مساوی بودن مواضع سجده :

1- جای پیشانی نمازگزار باید از جای زانوهایش پست تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.(61)

2- احتیاط واجب آن است که جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتان پایش هم پست تر و بلندتر از

چهار انگشت بسته نباشد.(62)

گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است :

1- در سجده باید پیشانی را بر زمین

یا آنچه از زمین می روید ولی خوراکی و پوشاکی نیست قرار دهد.(63)

2- نمونه هایی از چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است :

خاک

سنگ

گل پخته

گچ

چوب

چمن .

3- جایی که انسان باید تقیه کند می تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید و لازم نیست برای نماز به

جای دیگر برود.(64)

4 سجده بر چیزهای معدنی ; مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه

صحیح نیست : (65)

5- سجده کردن برای غیر خداوند حرام است . (66)

6- سجده بر چیزهایی که از زمین می روید و خوراک حیوان است ; مثل علف و گاه

صحیح است . (67)

7- سجده بر کاغذ

اگر چه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد صحیح است. (68)

8- برای سجده

296

بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهداء (ع) می باشد و بعد از آن بدین ترتیب :

خاک

سنگ

کیاه. (69)

9- اگر در سجده اول

مُهر به پیشانی بچسبد و بدون اینکه مُهر را بردارد دوباره به سجده رود نماز باطل است. (70)

297

استفتاء

س - نماز خواندن بر مهر شکسته صحیح می باشد یا نه ؟

ج - اشکال ندارد. (71)

کم یا زیاد کردن سجده

عمداً: نماز باطل است .

سهواً:

دو سجده در يك ركعت : نماز باطل است .

يك سجده :

زیاد شود - نماز صحیح است .

کم شود: 1 قبل از رکوع رکعت بعد یادش بیاید

باید برگردد و بجا آورد و نماز صحیح است .

2 در رکوع رکعت بعد یا پس از آن یادش بیاید

نماز صحیح است ولی پس از سلام نماز باید آن را قضا کند و دو سجدهء سهو بجا آورد. (72)

298

وظیفه کسی که نمی تواند بطور معمول سجده کند

1 کسی که نمی تواند پیشانی را به زمین برساند

باید به قدری که می تواند خم شود و مهر را بر جای بلندی ; مثل بالش بگذارد و پیشانی را طوری

بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است

ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول بر زمین بگذارد. 73

2 اگر نمی تواند خم شود

باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند

ولی احتیاط واجب آن است که مهر را بالا بیاورد و پیشانی را بر آن بگذارد. (74-)

299

بعضی از مستحبات سجده :

1 در این موارد

مستحب است تکبیر بگوید:

بعد از رکوع و قبل از سجده اول .

بعد از سجده اول

در حالی که نشست و بدنش آرام گرفت .

قبل از سجده دوم

در حالی که نشسته است و بدنش آرام است .

بعد از سجده دوم .

2 طول دادن سجده ها مستحب است .

3 گفتن <<استغفر الله ربی و اتوب الیه >> بعد از سجده اول در حالی که بدنش آرام گرفت مستحب است .

4 صلوات فرستادن در سجده ها مستحب است . (75)

300

سجده واجب قرآن

1 در چهار سوره قرآن

آیهء سجده وجود دارد (76) که اگر انسان آن آیه را بخواند یا وقتی که دیگری آن را می خواند به آن گوش دهد

بعد از تمام شدن آن آیه باید فوراً سجده کند. (77)

2 چنانچه سجده را فراموش کند

هر وقت یادش آمد باید سجده کند. (78)

3 اگر آیهء سجده را از ضبط صوت بشنود

لازم نیست سجده کند. (79)

آ؛ 4 اگر آیه سجده را از بلندگو یا رادیو یا تلویزیون بشنود
 چنانچه صدای انسان را می رساند و از نوار استفاده نمی شود
 یعنی همان وقت که صدا پخش می شود
 شخصی در حال خواندن آن آیه است و این وسیله
 صدای او را می رساند واجب است سجده کند. (80)
 5 هنگام سجده برای این آیه ها
 نمی شود بر چیزهای خوراکی و پوشاکی سجده کرد ولی مراعات سایر شرایط سجده
 لازم نیست. (81)
 6 گفتن ذکر در این سجده واجب نیست
 اما مستحب می باشد. (82)

301

تشهد

1 در رکعت دوم و آخر نماز
 نمازگزار باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن
 تشهد بخواند
 یعنی بگوید:
 >>اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل على محمد و
 ال محمد<<. (83)
 2 اگر تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یارش بیاید که تشهد را نخوانده
 باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود
 بخواند و نماز را تمام کند و اگر در رکوع یا بعد از آن یارش بیاید
 باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز
 تشهد را قضا کند و بنابر احتیاط واجب دو سجدهء سهو بجا آورد. (84)

302

سلام

1 در رکعت آخر هر نماز پس از تشهد باید سلام دهد و نماز را به پایان ببرد.
 2 مقدار واجب سلام یکی از این دو جمله است :
 >>السلام علينا و على عباد الله الصالحين<<.
 >>السلام عليكم و رحم الله و بركاته<<. (85)

3 مستحب است قبل از این دو سلام بگوید:
 <<السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ>>. و هر سه را نیز بگوید. (86)

303

ترتیب

1 نماز باید بدین ترتیب خوانده شود: تکبیر الاحرام
 قرائت
 رکوع
 سجود
 و در رکعت دوم پس از سجود
 تشهد بخواند و در رکعت آخر
 پس از تشهد
 سلام دهد.

2 اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد؛ مثلاً پیش از آن که رکوع کند
 دو سجده نماید
 نماز باطل است. (87)

3 اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست بجا آورد؛ مثلاً پیش از آن که
 دو سجده کند تشهد بخواند
 باید رکن را به جا آورد و آنچه را که به اشتباه پیش از آن خوانده دوباره بخواند. (88)
 4 اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد؛ مثلاً حمد را فراموش کند و
 مشغول رکوع شود
 نمازش صحیح است. (89)

304

مُوالات

1 موالات یعنی پشت سر هم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها.
 2 اگر بقدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که نگویند نماز می خواند
 نمازش باطل است. (90)
 3 طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره های بزرگ
 موالات را به هم نمی زند. (91)

- 1- توضيح المسائل
م 943 و 944
- 2- همان
م 943
- 3- همان
م 946- 947
- 4- تحرير الوسيله
ج 1 كتاب الصلا
فصل فى افعال الصلا
ص 157 م 3
- 5- تحرير الوسيله
ج 1 ص 159 م 12 و 13 فصل فى صلا الجماع
ص 266 م 6 و 7
- 6- توضيح المسائل
م 948 و 949 و 951 و 952
- 7- توضيح المسائل
م 955
- 8- توضيح المسائل
م 958
- 9- توضيح المسائل
م 959
- 10- توضيح المسائل
م 960
- 11- همان
م 961 و 963 و 964
- 12- همان
م 963
- 13- توضيح المسائل
م 965
- 14- همان
م 967
- 15- همان
م 968
- 16- توضيح المسائل
م 970 و 971
- 17- توضيح المسائل

م 971

18-تحریرالوسیله

ج 1 ص 162 م 1 و العرو الوثقی

ج 1 ص 665 الرابع .

19-استفتآت

ج 1 ص 153 س 92

20-همان

ص 154 س 93

21-توضیح المسائل

م 978

22-توضیح المسائل

م 1005

23-توضیح المسائل

م 1008

24-توضیح المسائل

م 992 تا 994 و 1007

25-احکامی که برای مردان گفته می شود

پسرها هم همین احکام را دارند. و همچنین احکامی که برای بانوان گفته می شود

دختران هم همین احکام را دارند.

26-توضیح المسائل

م 995

27-همان .

28-توضیح المسائل

م 997

29-توضیح المسائل

م 1004

30-توضیح المسائل

م 983

31-توضیح المسائل

م 988

32-توضیح المسائل

م 990

33-توضیح المسائل

م 991

34-توضیح المسائل

م 1001

35-توضيح المسائل

م 979

36-توضيح المسائل

م 1006

37-توضيح المسائل

م 999

38-استفتآت

ج 1 ص 160 س 119

39-توضيح المسائل

م 1011 تا 1013

40-توضيح المسائل

م 1017 و 1018

41-توضيح المسائل

م 1022

42-العرو الوثقى

ج 1. ص 664

43-توضيح المسائل

م 1028

44-توضيح المسائل

م 1030

45-توضيح المسائل

م 1032

46-توضيح المسائل

م 1033

47-توضيح المسائل

م 1040

48-توضيح المسائل

م 1041

49-توضيح المسائل

م 1042

50-توضيح المسائل

م 1029 و 1043

51-توضيح المسائل

م 1045

52-العرو الوثقى

ج 1 ص 673

53-توضيح المسائل

م 1049

54-توضيح المسائل

م 1050

55-توضيح المسائل

م 1051 و 1052

56-توضيح المسائل

305

م 1056

57-توضيح المسائل

م 1051

58-توضيح المسائل

م 1071

59-توضيح المسائل

م 1054

60-تحرير الوسيله

ج 1 ص 173 م 2 و العرو الوثقى

ج 1 ص 676 م 7

61-توضيح المسائل

م 1057

62-توضيح المسائل

م 1057

63-توضيح المسائل

م 1076

64-توضيح المسائل

م 1072

65-توضيح المسائل

م 1076

66-توضيح المسائل

م 1090

67-توضيح المسائل

م 1078

68-توضيح المسائل

م 1082

69-توضيح المسائل

م 1083

70-توضیح المسائل

م 1086

71-استفتاءات

ج 1 ص 165 س 138

72-توضیح المسائل

م 1046 و 1047 و 1244 و 1245

73-توضیح المسائل

م 1068

74-توضیح المسائل

م 1069

75-توضیح المسائل

م 1091

76-نام سوره های سجده دار قرآن و شماره آیات آن در درس 10 گذشت .

77-توضیح المسائل

م 1093

78-توضیح المسائل

م 1093

79-توضیح المسائل

م 1096

80-توضیح المسائل

م 1096

81-توضیح المسائل

م 1097

82-توضیح المسائل

م 1099

83-توضیح المسائل

م 1100

84-توضیح المسائل

م 1102

85-توضیح المسائل

م 1105

86-توضیح المسائل

م 1105

87-توضیح المسائل

م 1109

88-توضیح المسائل

م 1110

89-توضیح المسائل

م 1111

90- توضیح المسائل

م 1114

91-توضیح المسائل

م 1116

306

قنوت

1- مستحب است در رکعت دوم نماز

بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع

قنوت بخواند.

- در نماز جمعه

در هر رکعت يك قنوت 0

- در نماز آیات پنج قنوت

- در نماز عید فطر و قربان

در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت . و در نماز وتر که يك رکعت است

خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب است .(1)

2- در قنوت هر دعا یا ذکرى بگويد اگر چه يك <<سبحان الله>> باشد كافی است و می تواند این دعا را بخواند.

<<ربنا اتنا فى الدنيا حسنة و فى الآخرة حسنة و قنا عذاب النار>>. (2)

3- اگر نمازگزار بخواند قنوت بخواند

بنابر احتیاط واجب باید دستها را بلند کند و مستحب است دستها را تا

مقابل صورت بالا آورد و کف دستها رو به آسمان باشد.(3)

307

تعقیب نماز

مستحب است انسان پس از نماز مشغول تعقیب شود

یعنی ذکر و دعا و قرآن بخواند.

1- بهتر است در حال تعقیب رو به قبله باشد.

2- لازم نیست تعقیب به عربی باشد

ولی بهتر است چیزهایی را که در کتابهای دعا دستور داده اند بخواند.

3- گفتن تسبیح حضرت زهرا؛ یعنی : 34 مرتبه <<الله اکبر>> و 33 مرتبه <<الحمد لله >> و 33 مرتبه <<سبحان الله >> مستحب است. (4)

308

استفتاء

س - آیا بعد از نمازها شعارهای اسلامی بگوییم یا تسبیحات حضرت زهرا (علیهاالسلام) را؟ با توجه به تأکید فراوان روایات درباره تسبیحات حضرت زهرا بعد از نماز.
ج - اختیار با نمازگزار است و جمع بین هر دو بهتر است. (5)

1- توضیح المسائل

م 1117 و م 1512

2- توضیح المسائل

م 1119

3- توضیح المسائل

م 1118

4- توضیح المسائل

م 1122

5- استفتاءات

ج 1 ص 167 ص 148

309

مُبطلات نماز

آنگاه که نمازگزار

تکبیرة الاحرام می گوید و نماز را شروع می کند

تا پایان آن

بعضی از کارها بر او حرام می شود که اگر در نماز

یکی از آنها را انجام دهد نمازش باطل است

مبطلات نماز عبارت است از:

از بین رفتن یکی از شرطهای نماز.

پیش آمدن چیزی که وضو یا غسل را باطل می کند.

خوردن و آشامیدن .

سخن گفتن .

خندیدن .

گریستن .

روی از قبله برگرداندن .

کم یا زیاد کردن ارکان نماز.

بر هم زدن صورت نماز.

دستها را بر هم گذاشتن .

آمین گفتن بعد از حمد.

پیش آمدن یکی از شکهایی که مبطل نماز است .(1)

شکهایی که نماز را باطل می کند به تفصیل خواهد آمد.

1- توضیح المسائل

م 1126

311

احکام مبطلات نماز

1- اگر در بین نماز یکی از شرایط صحیح بودن آن از بین برود؛ مثلاً در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است

نماز باطل است .(1)

2- اگر در بین نماز وضویش باطل شود یا یکی از موجبات غسل پیش آید

نماز باطل است .(2)

3- اگر در بین نماز خوابش ببرد نمازش باطل می شود.(3)

4- اگر در حال سجده از خواب بیدار شود و شك کند که در سجده آخر نماز است یا در سجدهء شکر

باید نماز را دوباره بخواند.(4)

312

سخن گفتن

1- اگر نمازگزار عمداً کلمه ای بگوید و بخواند با آن معنایی را برساند

نمازش باطل است

اگر چه آن کلمه

معنایی نداشته باشد و يك حرف هم باشد.(5)

2- سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن نماز را باطل نمی کند ولی گفتن <<آخ >> و <<آه >> و

مانند اینها که دو حرف

است

اگر عمدی باشد نماز را باطل می کند. (6)

3- در نماز نباید به کسی سلام کرد

ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند واجب است جواب او را بدهد و باید

سلام را مقدم بدارد؛ مثلاً بگوید: <<السلام عليك>> یا <<السلام عليكم>> و نباید <<عليكم السلام>> بگوید. (7)

4- اگر کلمه ای را به قصد ذکر بگوید؛ مثلاً بگوید: <<الله اكبر>> و در موقع گفتن آن

صدا را بلند کند که چیزی را به

دیگری بفهماند اشکال ندارد ولی اگر به قصد این که چیزی به کسی بفهماند بگوید

اگر چه قصد ذکر هم داشته

باشد

نماز باطل است

چون قصد غیر ذکر اصل است و قصد ذکر فرع بر آن (8).

313

استفتاء

س - اگر کسی به نمازگزار سلام کند و فقط بگوید: <<سلام>> نمازگزار چگونه باید پاسخ دهد؟

ج - جواب واجب است و در جواب یا باید به لفظ <<سلام>> اکتفا کند

یا بگوید: <<سلام عليكم>>. (9)

314

خندیدن و گریستن

1- اگر نمازگزار عمداً با صدا بخندد

نمازش باطل است .

2- لبخند زدن نماز را باطل نمی کند.

3- اگر نمازگزار برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند نمازش باطل است .

4- گریهء بدون صدا و گریه از ترس خدا یا برای آخرت - هر چند با صدا باشد - نماز را باطل نمی

کند. (10)

315

روی از قبله برگرداندن :

1- اگر عمداً به مقداری روی خود را از قبله برگرداند

به طوری که نگویند رو به قبله است

نماز باطل است .

2- اگر سهواً تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره پبخواند. ولی اگر به طرف راست یا چپ قبله نرسیده است نماز صحیح است. (11)

316

بر هم زدن صورت نماز

اگر در بین نماز کاری کند که صورت نماز را بر هم زند؛ مثل دست زدن به هوا پریدن و مانند اینها هر چند 5 روی فراموشی باشد نماز باطل می شود. (12)

2 اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می خواند نمازش باطل می شود. (13)

3 رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) حرام است مگر در حال ناچاری ; مانند این موارد:

-- حفظ جان

-- حفظ مال

-- جلوگیری از ضرر مالی و بدنی 4 شکستن نماز برای پرداخت بدهی مردم با این شرایط اشکال ندارد:

-- طلبکار

طلب خود را می خواهد.

-- وقت نماز تنگ نیست ; یعنی می تواند پس از پرداخت بدهی نماز را در وقت آن بخواند.

-- در بین نماز نمی تواند بدهی را بپردازد. (14)

5 اگر در بین نماز متوجه شود که مسجد نجس است و: وقت نماز تنگ است : باید نماز را تمام کند و پس از نماز مسجد را تطهیر کند. وقت نماز وسعت دارد: اگر نمی تواند در بین نماز مسجد را تطهیر کند

باید نماز را رها کند و مسجد را تطهیر نماید و بعد نماز را بخواند. (15)

6 شکستن نماز برای مالی که اهمیّت ندارد مکروه است. (16)

317

دستها را بر هم گذاشتن

اگر نمازگزار مثل بعضی افراد که شیعه نیستند در حال نماز دستها را روی هم بگذارد نماز باطل است. (17)

318

آمین گفتن

اگر بعد از حمد عمداً <<آمین >> بگوید نماز باطل است ولی اگر اشتباهاً یا از روی تقیه بگوید نمازش باطل نیست. (18)

1- توضیح المسائل

م 1126

2- همان .

3- همان .

4- توضیح المسائل

م 1129

5- توضیح المسائل

ص 154

6- توضیح المسائل

م 1133

7- توضیح المسائل

م 1137

8- توضیح المسائل

م 1134

9- استفتائات

ج 1 ص 300 س 560

10- توضیح المسائل

ص 156 هفتم و هشتم از مبطلات نماز.

11- توضیح المسائل

م 1131

12- توضیح المسائل

ص 156 نهم از مبطلات نماز.

13- توضیح المسائل

م 1152

14- توضیح المسائل

م 1159 تا 1161

15- توضیح المسائل

م 1162

16- توضیح المسائل

م 1160

17 - توضیح المسائل

ص 153 سوم از مبطلات نماز.

18 - توضیح المسائل

ص 154 چهارم از مبطلات نماز.

319

چیزهایی که در نماز مکروه است

1- برهم گذاشتن چشمها.

2- بازی کردن با انگشتان و دستها.

3- سکوت کردن هنگام خواندن حمد یا سوره یا ذکر

برای شنیدن حرف کسی .

4- هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد.

5 برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (چون اگر زیاد باشد نماز را باطل می

کند).(1)

1- توضیح المسائل

م 1157

321

شکّیات نماز

322

اقسام شك در نماز(1)

1- شك در اجزای نماز:

-- شك در انجام جزء

-- شك در صحت جزء

2- شك در رکعات نماز:

-- شکهایی که نماز را باطل می کند

-- شکهایی که نماز را باطل نمی کند

-- شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد

3- شك در اصل نماز:

-- شك در انجام نماز

شك در اجزای نماز

اگر در انجام جزئی از اجزای نماز شك کند؛ یعنی نمی داند آن جزء را به جا آورده است یا نه
اگر جزء بعدی را شروع نکرده است؛ یعنی هنوز از محل آن جزء نگذشته است؛ باید آن را بجا
آورد. ولی اگر از محل آن گذشته است؛ به چنین شکی اعتنا نمی شود و نماز را ادامه می دهد و صحیح
است؛ مثلاً اگر پس از سجده قبل از شروع کردن تشهد

شك کند يك سجده به جا آورده یا دو سجده

باید يك سجده دیگر بجا آورد ولی اگر تشهد را شروع کرده باشد

لازم نیست سجده دیگر انجام دهد و نماز صحیح است. (2)

اگر در صحت جزئی از نماز شك کند؛ یعنی نمی داند جزئی که بجا آورده

صحیح انجام شده یا نه

بنا می گذارد بر صحیح بودن آن و نماز را ادامه می دهد و صحیح است؛ مثلاً در صحت کلمه یا آیه

ای که خوانده است شك می کند

به شك خود اعتنا نمی کند. (3)

اگر هنگام رفتن به سجده شك کند که رکوع کرده یا نه

به شك خود اعتناء نکند. (4)

اگر در حال برخاستن شك کند که سجده را بجا آورده یا نه باید برگردد و بجا آورد ولی اگر شك کند

تشهد بجا آورده یا نه

به شك خود اعتناء نکند. (5)

شك در رکعات

شکهایی که نماز را باطل می کند:

شك در تعداد رکعات نمازهای دو رکعتی؛ مثل نماز صبح و نماز مسافر.

شك در تعداد رکعات نماز مغرب.

شك بین يك و بیشتر از يك.

شك بین دو و بیشتر از آن

پیش از تمام شدن دو سجده.

ندانند چند رکعت خوانده است.

به علاوه شك بين >>2و 5 - >>3و 6 - >>4و 6 نیز نماز را باطل می کند. (6)
 مسأله: اگر یکی از شکهای باطل کننده برای نمازگزار پیش آید
 نمی تواند نماز را به هم بزند ولی اگر بقدری فکر کند که شك پا برجا شود
 به هم زدن نماز مانعی ندارد. (7)

325

شکهایی که نماز را باطل نمی کند:

اگر در نماز چهار رکعتی یکی از این شکها برای نمازگزار پیش آمد باید طبق وظیفه ای که گفته می شود عمل کند و نمازش صحیح است .

326

شك در رکعات نماز چهار رکعتی (8)

		وظیفه نماز گزار در مواردی که نماز صحیح است	بعد از سجده دوم	در سجده	بعد از رکوع	در رکوع	در حال قیام	شك
یا دو رکعت نشسته می خواند	يك رکعت نماز احتیاط ایستاده	بنابر سه گذاشته و يك رکعت دیگر می خواند و پس از سلام	صحیح	باطل	باطل	باطل	باطل	بين 2 و 3
		بنابر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده می خواند.	صحیح	باطل	باطل	باطل	باطل	بين 2 و 4

<p>دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته بجا می آورد</p>	<p>بنابر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز</p>	<p>صحیح</p>	<p>صحیح</p>	<p>صحیح</p>	<p>صحیح</p>	<p>صحیح</p>	<p>بین 2 و 3 و 4</p>
	<p>بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می خواند</p>	<p>صحیح</p>	<p>صحیح</p>	<p>صحیح</p>	<p>صحیح</p>	<p>صحیح</p>	<p>بین 3 و 4</p>
	<p>اگر در حال قیام شك پیش آمده</p>	<p>صحیح</p>	<p>باطل</p>	<p>باطل</p>	<p>باطل</p>	<p>صحیح</p>	<p>بین 4 و 5</p>
						<p>بنابر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا می آورد.</p>	<p>بدون رکوع می نشیند و نماز را تمام می کند و يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می خواند</p>

واگر در
حالت
نشسته
پیش
آمده
است

بجز مواردی که در جدول آمده
موارد دیگری نیز هست که کمتر اتفاق می افتد و حکم آنها از آنچه بیان شد و قواعدی که خواهد آمد
روشن می شود.

327

چند قانون کلی

- 1- اگر یکی از شکهای صحیح پیش آید نباید نماز را بشکند
بلکه باید مطابق وظیفه ای که گفته شد عمل کند و اگر نماز را بر هم بزند
معصیت کرده است. (9)
- 2- اگر یکی از شکهای صحیح پیش آید
باید مقداری فکر کند
پس اگر یقین یا گمان به يك طرف پیدا کرد همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند و گرنه به
دستورهایی که گفته شد عمل کند.
- 3- در شکهای صحیح باید بنا را بر بیشتر گذاشت
مگر آنکه یکی از اطراف شك
از چهار گذشته باشد
مثلاً در شك بین 4 و 5 بنا بر بیشتر گذاشته نمی شود.
- 4- نماز احتیاط
برای رفع کمبود احتمالی نماز است
بنابراین در شك بین 3 و 4 که احتمال کمبود
يك رکعت است
يك رکعت نماز احتیاط لازم است ولی در شك بین 2 و 4 دو رکعت نماز احتیاط لازم است .
- 5- سجده سهو
در موارد احتمال زیادی سهوی است
پس در شك بین 4 و 5 بعد از سجده دوم و شك بین 5 و 6 در حالت ایستاده
سجده سهو لازم است .

- 6- در مواردی که يك رکعت نماز احتیاط واجب است می توان به جای آن دو رکعت نشسته خواند.
- 7- در مواردی که دو رکعت نماز احتیاط واجب است نمی توان به جای آن چهار رکعت نشسته خواند.
- 8- اگر برای نمازگزار در حالت ایستاده یکی از شکهای صحیح پیش آید بجز شك 3 و 4 در بقیه موارد باید بدون رکوع بنشیند و پس از نشستن از هر طرف شك يك عدد کم می شود; مثلاً در شك بين 4 و 5 ایستاده پس از نشستن به شك 3 و 4 بر می گردد و همان وظیفه را باید انجام دهد. (10)

328

شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد

- شك بعد از محل (توضیح آن در <<شك در اجزاء>> گذشت).
- شك پس از سلام .
- شك بعد از وقت نماز.
- شك كثيرالشك .
- شك امام و مأموم در نماز جماعت .
- شك در نماز مستحبی. (11)

329

توضیح

- شك بعد از سلام
- 1- اگر پس از سلام نماز شك کند که نمازش صحیح بوده یا نه ; مثلاً شك کند در رکعت دوم يك سجده به جا آورده یا دو سجده یا پس از سلام نماز چهار رکعتی شك کند چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت به شك خود اعتنا نمی کند و لازم نیست نماز را دوباره بخواند. (12)
- 2- اگر پس از سلام شك کند و دو طرف شك باطل باشد; مثل آن که شك کند نماز چهار رکعتی را سه رکعت خوانده یا پنج رکعت نمازش باطل است. (13)

330

شك بعد از وقت

- 3- اگر بعد از گذشتن وقت نماز شك کند که نماز خوانده یا نه ؛ مثلاً در شب شك کند نماز ظهر و عصر را خوانده یا نه
به شك خود اعتنا نمی کند.
- 4- اگر بعد از گذشتن وقت شك کند نمازی که خوانده صحیح بوده یا نه
به شك خود اعتنا نمی کند.(14)

331

شك كثيرالشك

- كثيرالشك کسی است که در يك نماز سه مرتبه شك کند
یا در سه نماز پشت سر هم
مثلاً نماز صبح
ظهر و عصر شك کند.(15)

332

وظیفه كثيرالشك

333

الف - شك در ركعات نماز:

- 1- طرف بیشتر شك
نماز را باطل نمی کند؛ مثلاً در نماز چهار رکعتی شك بین سه و چهار برایش پیش می آید: بنا را بر بیشتر می گذارد.
- 2- طرف بیشتر شك
نماز را باطل می کند: بنا را بر کمتر می گذارد؛ مثلاً در شك بین چهار و پنج
بنا را بر چهار می گذارد.

334

ب - شك در اجزای نماز:

- 1- انجام آن نماز را باطل نمی کند: باید بنا بگذارد که آن را بجا آورده ؛ مثلاً شك کند يك سجده بجا آورده یا دو سجده : بنا می گذارد بر انجام دو سجده .

2- انجام آن نماز را باطل می کند: باید بنا بگذارد که آن را انجام نداده ; مثلاً شك کند يك ركوع به جا آورده یا دو تا: بنا می گذارد بر انجام يك ركوع. (16)

335

شك امام و ماءموم

در نماز جماعت اگر امام جماعت شك کند ولی ماءموم شك نداشته باشد و مثلاً با گفتن <<الله اكبر>> امام را مطلع کند

امام جماعت به شك خود اعتنا نمی کند و همچنین اگر ماءموم شك کند ولی امام جماعت شك نداشته باشد

همانگونه که امام جماعت

نماز را انجام می دهد او هم عمل می کند و صحیح است. (17)

336

شك در نماز مستحبی (18)

337

وظیفه نمازگزار:

1- در رکعات نماز مستحبی شك کند: مانند وظیفه ای که برای کثیرالشك گفته شد عمل می کند.

2- در اجزاء نافله شك کند

خواه رکن باشد یا غیر رکن :

محل آن نگذشته : باید آن را بجا آورد.

محل آن گذشته : به شك اعتنا نمی کند.

338

شك در اصل نماز(19)

339

شك در انجام نماز

قبل از گذشتن وقت - باید نماز را بخواند.

پس از گذشتن وقت - لازم نیست آن نماز را بخواند.

340

شك در صحت نماز

- اعتنا نمی شود.

341

مسأله :

کسی که در انجام نماز کثیرالشک است حکم افراد عادی را دارد ولی وسواسی به شک خود اعتنا نمی کند

هر چند در وقت نماز شك کند.(20)

342

حکم گمان در نماز

در اصل نماز: حکم شك را دارد.(21)

در رکعات نماز: حکم یقین را دارد.(22)

در اجزاء و افعال نماز: در مواردی که با وظیفهء شك مخالف است

بنابر احتیاط واجب

باید احتیاط کند؛ مثلاً اگر در حال قیام قبل از رفتن به سجده گمان به انجام رکوع دارد ولی یقین

ندارد(23)

رکوع رابجا می آورد و نماز را هم اعاده می کند.(24)

1- بحث شکیات بجز آنچه از توضیح المسائل می باشد از تحریرالوسیله

ج 1 ص 198 تا 200 آورده شده است .

2- همان و توضیح المسائل

م 1168

3- همان .

4- توضیح المسائل

م 1171

5- همان

م 1172

6- توضیح المسائل

م 1165

7- توضیح المسائل

م 1166

8- توضیح المسائل

م 1199 و العرو الوثقی

ج 2 ص 20 م 3

9- توضیح المسائل

م 2000

10- توضیح المسائل

م 1199

11- توضیح المسائل

م 1167

12- توضیح المسائل

م 1179

13- توضیح المسائل

م 1179

14- توضیح المسائل

م 1180 و 1181

15- همان

م 1184

16- تحریر الوسیله

ج 1 کتاب الصلأ

القول فی الشكوك التي لا اعتبار بها

ص 207 و توضیح المسائل

م 1185

17- همان .

18- همان

م 1193 و 1195

19- تحریر الوسیله

ج 1 کتاب الصلأ

القول فی الشك

ص 198- 206

20- همان

ص 200 م 8

21- همان

ص 198 م 1

22- همان

ص 209 م 1

23- در این فرض اگر شك می داشت

به شك خود اعتناء نمی كرد و ركوع بجا نمی آورد

پس وظیفهء شك

ترك ركوع است ولی گمان به انجام ركوع دارد.

24- همان .

343

نماز احتیاط

1- در مواردی که نماز احتیاط واجب می شود؛ مثل شك بین 3 و 4 باید بعد از سلام نماز بدون آن که صورت نماز را بهم بزند یا مبطلی از مبطلات نماز را انجام دهد
برخیزد و بدون اذان و اقامه تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند. (1)

344

فرق نماز احتیاط با نمازهای دیگر:

-- نیت آن را نباید به زبان آورد.

-- سوره و قنوت ندارد (هر چند دو رکعتی باشد).

-- حمد را باید آهسته بخواند (بنابر احتیاط واجب).

2- اگر يك رکعت نماز احتیاط واجب باشد

پس از سجده ها

تشهد می خواند و سلام می دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد

نباید در رکعت اول تشهد و سلام بخواند

بلکه باید يك رکعت دیگر هم (بدون تکبیرة الاحرام) بخواند و در پایان رکعت دوم

تشهد خوانده

سلام می دهد. (2)

3- اگر پس از سلام نماز

نماز احتیاط را عمداً یا سهواً نخواند

بنابر احتیاط واجب باید نماز احتیاط را بخواند و نماز را هم اعاده کند. (3)

4- کسی که نشسته نماز می خواند اگر شکی برایش پیش آید که باید دو رکعت نماز احتیاط ایستاده

بخواند

یا شکی کند که باید برای آن يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند

باید دو رکعت نشسته بجا آورد. (4)

345

استغناء

س - کسی که وظیفه اش خواندن نماز به طور خوابیده است

اگر شك بین 3 و 4 کند باید يك رکعت نماز احتیاط بخواند یا دو رکعت؟ یا بستگی به نیت دارد؟

ج - مخیر است بین يك رکعت خوابیده به جای يك رکعت ایستاده یا دو رکعت خوابیده به جای دو

رکعت نشسته (5) .

1- همان

القول فى ركعات الاحتياط

ص 210 م 1 و 2

2- توضیح المسائل

م 1215 و 1216

3- تحریر الوسیله

ج 1 ص 210 م 1

4- توضیح المسائل

م 1212

5 استغنائات

ج 1 ص 168 س 155

347

سجدهء سهو

1- در مواردی که سجده سهو واجب می شود

باید بعد از سلام نماز

به سجده رود و بگوید: بسم الله و بالله اللهم صل على محمد و آل محمد و بهتر است بگوید: بسم الله و بالله السلام عليك ايها النبي و رحمة الله و بركاته و بعد بنشینند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالا را بگوید سپس بنشینند و تشهد و سلام را بجا آورد(1).

2- سجده سهو تکبیرة الاحرام ندارد.

3- موارد سجده سهو:

348

واجب :

1- در بین نماز سهواً حرف بزند.

2- يك سجده را فراموش کند و پس از وارد شدن به رکوع رکعت بعد یادش بیاید.

3- در نماز چهار رکعتی

شك بین 4 و 5 در حالت نشسته یا 5 و 6 در حالت ایستاده پیش آید.(2)

349

احتیاط واجب :

1- سلام بی جا؛ مثلاً در رکعت سوم نماز چهار رکعتی سهواً سلام بدهد.

2- تشهد را فراموش کند.

احتیاط مستحب : مقداری از سلام واجب نماز بی جا گفته شود.(3)

4- اگر چیزی را که غلط خوانده دوباره صحیح بخواند

سجدهء سهو واجب نیست (4) .

5 اگر در نماز سهواً مدتی حرف بزند و تمام آن يك مرتبه حساب شود

دو سجدهء سهو کافی است(5) .

1- توضیح المسائل

م 1250

2- یادآوری می شود اگر در حالت ایستاده

شك بین 5 و 6 پیش آید

نمازگزار باید بدون رکوع بنشیند که در این صورت به شك بین 4 و 5 در حالت نشسته برگشت

می کند.

3- توضیح المسائل

م 1236 و 1242

4- توضیح المسائل

م 1239

5- توضیح المسائل

م 1240

350

اجزای فراموش شده نماز

1- اگر یکی از اجزاء واجب نماز عمداً ترك شود

نماز باطل است و اگر واجبات غیر رکنی سهواً ترك شود

نماز باطل نیست و قضا کردن آن لازم نیست

به جز تشهد و يك سجده که سهواً ترك شده باشد.(1)

2- اگر نمازگزار

سجده یا تشهد را فراموش کند

بنابراحتیاط واجب

پس از سلام نماز

بدون آن که صورت نماز را بر هم بزند

باید قضای آن را بجا آورد و سپس سجدهء سهوی که لازم شده است بجا آورد.(2)

3- اگر بین نماز و قضای تشهد یا سجده

کاری کند که عمدی و سهوی آن
نماز را باطل می کند؛ مثلاً پشت به قبله کند
باید قضای سجده را به جا آورد و نمازش صحیح است (3) .
4- کسی که باید سجده یا تشهد را قضا کند
اگر برای کار دیگری هم سجده سهو بر او واجب شده باشد
باید بعد از نماز
سجده یا تشهد را قضا کند
بعد سجده سهو را بجا آورد. (4)

1- تحریرالوسیله

ج 1 ص 212 م 1

2- همان .

3- توضیح المسائل

م 1255

- توضیح المسائل

م 1261

352

نماز مسافر

انسان باید در سفر
با شرایطی که خواهد آمد
نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت (یعنی شکسته) به جا آورد:
1 سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی (1) نباشد.
2 از اول مسافرت قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد.
3 به حدّ ترخّص برسد.
4 در بین راه
پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برنگردد.
5 نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد
یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند.
6 برای کار حرام سفر نکند و خود سفر هم حرام نباشد.
7 بیابانگرد نباشد.
8 شغل او مسافرت نباشد. (2)

شرط اول

- 1 کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است
اگر رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد باید نماز را شکسته بخواند
ولی اگر رفتن کمتر از چهار فرسخ باشد
مثلاً سه فرسخ می رود و پنج فرسخ برمی گردد
باید نماز را تمام بخواند. (3)
- 2 اگر شك کند که سفرش هشت فرسخ است یا کمتر:
اگر تحقیق کردن برایش مشقت ندارد: بنابر احتیاط واجب باید تحقیق کند.
اگر تحقیق کردن برایش مشقت دارد: باید نمازش را تمام بخواند (4).
- 3 اگر بین دو محلی که فاصله آنها کمتر از چهار فرسخ است
چند مرتبه رفت و آمد کند
گرچه روی هم رفته هشت فرسخ شود
باید نماز را تمام بخواند. (5)
- 4 اگر شهر دیوار دارد
باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوار شهر حساب کند و اگر دیوار ندارد باید از خانه های آخر شهر
حساب کند. (6)
- 5 اگر به جایی می رود که دو راه دارد؛ يك راه آن کمتر از هشت فرسخ است و راه دیگرش هشت
فرسخ یا بیشتر
اگر از راهی که هشت فرسخ است برود
باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود باید نماز را چهار رکعتی
بخواند. (7)

شرط دوم

- 1 اگر از ابتدا قصد مسافرت هشت فرسخ نداشته باشد و به جایی مسافرت کند که کمتر از هشت
فرسخ است و بعد از رسیدن به آن جا
تصمیم بگیرد که سفر را ادامه دهد
پس اگر بخواهد:
هشت فرسخ دیگر برود یا چهار فرسخ برود و برگردد
و مجموع رفت و برگشت

کمتر از هشت فرسخ نباشد
 باید نماز را شکسته بخواند.
 به جایی برود که با مقدار راه آمده
 هشت فرسخ می شود و خود به تنهایی هشت فرسخ نیست
 چون از اوّل قصد هشت فرسخ را نداشته
 نمازش تمام است. (8)
 2 کسی که در سفر به اختیار دیگری است
 مانند فرزند که همراه پدر و مادر به سفر می رود یا سربازی که با فرمانده است
 چنانچه بداند سفر او هشت فرسخ است
 باید نماز را شکسته بخواند. (9)

355

شرط سوم

1 کسی که به مسافرت می رود
 وقتی که به حدّ ترخص رسید باید نماز را شکسته بخواند؛ یعنی حداقل به مقداری دور شود که
 دیوارهای آنجا را نبیند و اذان آنجا را هم نشنود و چنانچه کمتر از این مقدار دور شود باید تمام
 بخواند. (10)

2 هرگاه شهر یا روستا در بلندی باشد که از دور دیده شود
 یا به قدری گود باشد که اگر انسان کمی دور شود دیوار آن را نبیند
 کسی که از آن شهر یا روستا مسافرت می کند
 وقتی به اندازه ای دور شود که اگر آن شهر و زمین هموار بود
 دیوارش از آنجا دیده نمی شد
 باید نماز را شکسته بخواند و نیز اگر پستی و بلندی خانه ها بیشتر از معمول باشد
 باید ملاحظهء معمول را بنماید. (11)

3 اگر از محلی مسافرت می کند که خانه و دیوار ندارد
 وقتی به جایی برسد که اگر آن محل دیوار داشت
 از آنجا دیده نمی شد
 و اذان آنجا را نیز نمی شنود
 باید نماز را شکسته بخواند. (12)

4 کسی که به سفر می رود
 اگر به جایی برسد که اذان را نشنود ولی دیوار شهر را ببیند

یا دیوارها را نبیند و صدای اذان را بشنود
چنانچه بخواند در آنجا نماز بخواند
بنابر احتیاط واجب باید هم شکسته و هم تمام بخواند. (13)
5 مسافری که به وطنش بر می گردد
وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود
باید نماز را تمام بخواند
ولی اگر به جایی می رود که می خواهد ده روز در آنجا بماند
بنابر احتیاط واجب
باید نماز را تا آخرین بیندازد تا به منزل برسد
یا نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند. (14)

356

شرط چهارم

اگر در بین راه از ادامه سفر منصرف شود:
پیش از رسیدن به چهار فرسخ منصرف شود
باید نماز را تمام بخواند.
بعد از رسیدن به چهار فرسخ:
1 بخواند همانجا بماند و بعد از ده روز برگردد - 2 مردّد شود که بماند یا برگردد:
نماز را تمام بخواند.
3 بخواند برگردد
باید نماز را شکسته بخواند. (15)

357

شرط پنجم

1 کسی که می خواهد
در بین راه
پیش از پیمودن هشت فرسخ
از وطن خود عبور کند
یا ده روز در محلی بماند
باید نماز را تمام بخواند
چون با رسیدن به وطن یا جایی که ده روز می ماند

سفر تمام می شود و این سفر کمتر از هشت فرسخ است. (16)

2 اگر در سفر

پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد یا جایی ده روز در محلی بماند

اگر باقیمانده سفر هشت فرسخ باشد

یا چهار فرسخ باشد و بخواد برود و برگردد

باید در باقیمانده سفر

نماز را شکسته بخواند. (17)

358

شرط ششم

1 اگر سفر

به خودی خود حرام باشد؛ مثل فرار از جبهه جهاد

یا برای کار حرام باشد؛ مانند سفر برای سرقت

در چنین سفری نماز تمام است. (18)

2 کسی که سفر او حرام نیست و برای کار حرام هم سفر نمی کند

اگر چه معصیتی انجام دهد؛ مثلاً غیبت کند

باید نماز را شکسته بخواند. (19)

359

شرط هفتم

1 صحرائشینانی که در بیابانها گردش می کنند و هر جا آب و خوراک برای خود و حیوانهایشان پیدا

کنند می مانند و بعد از چندی به جای دیگر می روند

در این سفرها باید نماز را تمام بخوانند. (20)

2 اگر صحرائشین برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند اینها مسافرت کند

باید نماز را شکسته بخواند. (21)

360

شرط هشتم

1 کسی که شغل او مسافرت است؛ مانند خلبان

ملوان و راننده

در سفرهایی که شغل اوست باید در غیر سفر اول نماز را تمام بخواند

ولی در سفر اول

هر چند طول بکشد

نمازش شکسته است. (22)

2 کسی که شغلش مسافرت است

اگر برای کار دیگری ; مثلاً برای زیارت یا حج مسافرت کند

باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر مثلاً راننده مسافران را می برد و کرای می گیرد و خودش نیز

زیارت می کند

باید نمازش را تمام بخواند.(23)

3 راننده و دوره گردی که در دو سه فرسخی شهر رفت و آمد می کند

شغل او مسافرت نیست و چنانچه اتفاقاً سفر هشت فرسخی برود

باید نماز را شکسته بخواند.(24)

4 کسی که شغلش مسافرت است

اگر ده روز یا بیشتر در وطن یا غیروطن بماند و به مسافرت شغلی نرود

باید در سفر اولی که بعد از ده روز می رود

نماز را شکسته بخواند.(25)

361

استفتاء

س - شخصی در يك شرکت

ناظر خرید است

چند سال است که هر روز صبح از وطن خود به محل کار که بیش از حدّ شرعی فاصله دارد می رود

و غروب بر می گردد و گاهی شخصاً رانندگی می کند

آیا این شخص مسافر است یا دائم السفر؟

ج - در محل کار و بین راه حکم مسافر دارد.(26)

1- شت فرسخ شرعی تقریباً 45 کیلومتر است .

2- توضیح المسائل

نماز مسافر.

3- توضیح المسائل

م 1272

4- توضیح المسائل

م 1274

5- توضیح المسائل

م 1278

6- توضیح المسائل

م 1280

7- توضیح المسائل

م 1279

8- توضیح المسائل

نماز مسافر

شرط دوم .

9- توضیح المسائل

م 1284

10- توضیح المسائل

نماز مسافر

شرط هشتم .

11- توضیح المسائل

م 1320

12- توضیح المسائل

م 1321

13- توضیح المسائل

م 1318

14- توضیح المسائل

م 1319

15- توضیح المسائل

نماز مسافر

شرط سوّم و مساءله 1287 و 1288

16- توضیح المسائل

نماز مسافر

شرط چهارم .

17- توضیح المسائل

م 1294

18- توضیح المسائل

نماز مسافر

شرط پنجم .

19- توضیح المسائل

م 1296

20- توضیح المسائل

نماز مسافر

شرط ششم .

21- توضیح المسائل

م 1306

22- توضیح المسائل

نماز مسافر

شرط هفتم .

23- توضیح المسائل

م 1307

24- توضیح المسائل

م 1311

25- توضیح المسائل

م 1312 و 1313

26- استفتائات

ج 1 ص 246 ص 379

362

مکانهایی که نماز تمام است

1- در وطن .

2- در جایی که می داند ده روز می ماند

یا بنا دارد بماند.

3- در جایی که سی روز با تردید مانده ; یعنی معلوم نبوده است که می ماند یا می رود و تا سی روز

به همین حالت مانده

و از آنجا به جایی هم نرفته است

در این صورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند. (1)

363

وطن کجاست ؟

1- وطن

جایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است

مثلاً يك شهر یا روستا

خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد یا خودش آن جا را برای زندگی اختیار کرده

است. (2)

2- تا انسان قصد ماندن همیشه در غیروطن اصلی خودش را نداشته باشد

آنجا وطن او حساب نمی شود. (3)

- 3- اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلی او نیست مدتی بماند و بعد به جای دیگری برود آنجا وطن او حساب نمی شود؛ مانند دانشجویی که مدتی برای تحصیل در شهری می ماند. (4)
- 4- کسی که در دو محل زندگی می کند؛ مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر می ماند و هر دو را برای زندگی همیشگی اختیار کرده است . هر دو وطن اوست . و اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد اشکال دارد و باید احتیاط مراعات شود. (5)
- 5- اگر انسان بدون قصد ماندن همیشگی در جایی آن قدر بماند که مردم او را اهل آنجا بدانند آن جا برای او حکم وطن را دارد. (6)
- 6- اگر به جایی برود که بیشتر وطن او بوده ولی هم اکنون از آن جا صرف نظر کرده است نباید نماز را تمام بخواند
- اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد. (7)

364

استفتاء

س - در مورد همسر و یا فرزندی که تکلیف شده و در منزل تابع شوهر و یا پدر خود می باشند آیا در مسألهء ترك وطن تابع پدر و یا شوهر خود هستند و اگر پدر و یا شوهر ترك وطن نمود آنها هم همان حکم را پیدا می کنند و یا باید مستقلاً تصمیم بگیرند؟

ج - زن و فرزندی که از حد تبعیت بالطبع بیرون آمده و صاحب اراده است در اتخاذ وطن و اعراض از آن و قصد اقامه تابع نیست و میزان تصمیم خود او است. (8)

365

قصد ده روز

- 1- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بیش از ده روز در آنجا بماند تا وقتی که مسافرت نکرده باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند. (9)
- 2- اگر مسافر از قصد ده روز برگردد:
 - الف : قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد: باید نماز را شکسته بخواند.
 - ب : بعد از خواندن يك نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد: تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند. (10)

366

استفتاء

س - عده ای که سالهاست در منطقه ای ساکن عمارات و ساختمانهای دولتی بوده و خود نیز از کارکنان دولت هستند

اخیراً در بین آنان شایع شده که چون شما نمی دانید چند مدت در اینجا خواهید بود نماز و روزه شما قصر است و بعضی هم اکنون در خانه های مسکونی خود نمازهای خود را شکسته می خوانند آیا در فتاوی امام امت

چنین موردی هست یا خیر؟

ج - اگر وطن اصلی آنها نیست و قصد ماندن همیشه در آنجا ندارند بدون قصد ماندن ده روز در آنجا حکم مسافر دارند. (11)

367

مسافری که نمازش را تمام خوانده

اگر:

الف : نمی دانست که مسافر باید نماز را شکسته بخواند: نمازی که خوانده صحیح است. (12)

ب : حکم سفر را می دانست ولی بعضی از جزئیات را نمی دانست

یا نمی دانست که مسافر است : نمازی را که خوانده

باید دوباره بخواند. (13)

368

غیرمسافری که نمازش را شکسته خوانده است :

کسی که باید نماز را تمام بخواند

اگر شکسته به جا آورد

در هر صورت نمازش باطل است. (14)

1-توضیح المسائل

شرط چهارم و مسئله 1328. 1335. 1353

2-توضیح المسائل

م 1329

3-توضیح المسائل

م 1331

4-توضیح المسائل

م 1330

5-توضیح المسائل

م 1332

6-توضیح المسائل

م 1331

7-توضیح المسائل

م 1334

8-استفتاءات

ج 1 ص 264 س 428

9-توضیح المسائل

م 1347

10-توضیح المسائل

م 1342

11-استفتاءات

ج 1 ص 260 س 417

12-توضیح المسائل

م 1359

13-توضیح المسائل

م 1360-1361-1362

14-توضیح المسائل

م 1363

370

مکانهایی که میتوان نماز را تمام یا شکسته خواند

در این مکانها مسافر می تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند:

-- مسجد الحرام

-- مسجد النبی (ص) در مدینهء منوره

-- مسجد کوفه

-- حرم امام حسین (ع) (1).

1- توضیح المسائل

م 1356

371

نماز قضا

انسان باید نمازهای واجب را در وقت خود بخواند و چنانچه بدون عذر نمازی از او قضا شود

گناهکار است و باید توبه کرده

قضای آن را هم به جا آورد.

1- در دو مورد به جا آوردن قضای نماز واجب است :

- نماز واجب را در وقت آن نخوانده باشد.
- بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده باطل بوده است (1).
- 2- کسی که نماز قضا دارد نباید در خواندن آن کوتاهی کند ولی واجب نیست فوراً آن را به جا آورد (2).
- 3- حالت‌های مختلف انسان نسبت به نماز قضا: -- می داند نماز قضا ندارد: چیزی واجب نیست . -- شك دارد نماز قضا دارد یا نه : چیزی واجب نیست . -- احتمال می دهد نماز قضایی دارد یا نمازهایی را که خوانده صحیح نبوده : مستحب است احتیاطاً قضای آن را به جا آورد.
- می داند نماز قضا دارد ولی شماره آنها را نمی داند; مثلاً نمی داند چهار تا بوده یا پنج تا: چنانچه کمتر را بخواند کافی است .
- شماره آنها را فراموش کرده : اگر مقدار کمتر را بخواند کفایت می کند.
- شماره آن را هم می داند: باید قضای آن را به جا آورد (3) .
- 4- قضای نمازهای یومیّه لازم نیست به ترتیب خوانده شود; مثلاً کسی که يك روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده لازم نیست اول نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا کند. ولی در نمازهایی که ادای آنها باید (4) به ترتیب خوانده شود; مثل نماز ظهر و عصر يك روز باید قضای آن را نیز به ترتیب به جا آورد.
- 5- نماز قضا را با جماعت می توان خواند; چه نماز امام جماعت ادا باشد و چه قضا و لازم نیست هر دو يك نماز را بخوانند; مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد (5).
- 6- اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند نماز ظهر یا عصر یا عشاء از او قضا شود باید آن را دو رکعتی به آجا آورد

حتی روزه قضا

ولی نماز قضا می توان به جا آورد و تفصیل این مسأله در روزه گرفتن در سفر در چند مورد استثنای شده و صحیح است که از جمله آنها روزه نذری است به شرط آن که نذر کرده باشد در سفر بگیرد یا روزه معینی را نذر کرده روزه بگیرد و آن روزه مسافر است. بحث روزه مسافر خواهد آمد. (7)

8 اگر در سفر بخواهد نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده

به جا آورد

باید نمازهای ظهر و عصر و عشاء را چهار رکعتی قضا کند. (8)

9 نماز قضا را در هر وقت می توان به جا آورد؛ یعنی قضای نماز صبح را می توان ظهر یا شب

خواند. (9)

373

استفتاء

س 1- شخصی که مدت 2 یا 3 روز بی هوش بوده

آیا نمازهایی را که در این مدت نخوانده قضا لازم است یاخیر؟

ج - اگر تمام وقت بی هوش بوده و به دست خود بیهوش نشده قضا ندارد. (10)

س 2- پدر و مادر من پسری بزرگتر از من داشتند که در سنین کودکی (دو سالگی) مرده است و بعد

از مرگ اوخ اولاد ارشد پدر و مادر

من هستم

آیا بعد از مرگ پدر و مادرم طبق مسائل موجود در توضیح المسائل نماز و روزه 8ضای پدرم بر من

(که پسر دوشم هستم) واجب است یا نه؟

ج - در فرض مرقوم شما پسر بزرگتر هستید. (11)

1- توضیح المسائل

م 1370. 1371

2- توضیح المسائل

م 1372

3- توضیح المسائل

م 1374 و 1383

4- توضیح المسائل

م 1375

5- توضیح المسائل

م 1388

6- توضیح المسائل

م 1368

7- تحریر الوسيله

ج 1 ص 224 م 5 و العروة الوثقى

ج 1 ص 734 م 10

8- توضیح المسائل

م 1368

9- تحریر الوسيله

ج 1 ص 293 م 1 العروة الوثقى

ج 1 ص 734 م 10

10- استغاثات

ص 173 س 176

11- استغاثات

ج 1 ص 187 س 218

375

نماز قضاى پدر

1- تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز خود عاجز باشد شخص دیگر نمی تواند نماز برایش انجام دهد(1).

2- پس از مرگ پدر

نمازها و روزه هایی را که به جا نیاورده

بر پسر بزرگتر او واجب است آن نمازها و روزه ها را قضا کند

و احتیاط مستحب است نماز و روزه هایی را که از مادرش قضا شده به جا آورد.(2) .

3- حالتهاى مختلف پسر نسبت به نماز قضاى پدر:

الف : می داند پدر نماز قضا داشته است :

-- تعداد آن را هم می داند: باید آنها را قضا کند.

-- تعداد آن را نمی داند: اگر مقدار کمتر را به جا آورد کافی است .

-- شك دارد که خودش به جا آورده است یا نه : بنابر احتیاط واجب باید قضا کند(3) ..

ب : شك دارد که پدر

نماز قضا داشته است یا نه : چیزی بر او واجب نیست(4).

4- اگر پسر بخواهد نماز پدر یا مادر را بخواند

باید به تکلیف خود عمل کند؛ مثلاً نماز قضاى صبح و مغرب و عشاء را باید بلند بخواند.(5)

5- اگر پس از مرگ پدر

پسر بزرگتر

پیش از آن که نماز و روزهء پدر را قضا کند
از دنیا برود
بر پسر دوم چیزی واجب نیست(6).

376

استفتاء

س - کسی که خودش نماز و روزهء قضا دارد
آیا می تواند نماز و روزهء استیجاری به عهده بگیرد و در صورت توانستن
آیا از دو نفر هم می تواند قبول کند؟
ج - مانع ندارد(7).

1- توضیح المسائل

م 1387

2- توضیح المسائل

م 1390

3- توضیح المسائل

م 1390 - 1392

4- توضیح المسائل

م 1391

5- توضیح المسائل

م 1395

6- توضیح المسائل

م 1398

7- استفتاءات

ج 1 ص 192 س 232

377

نماز جماعت

وحدت امت اسلامی از مسائلی است که اسلام به آن اهمیت بسیار داده است و برای حفظ و ادامهء آن
برنامه های ویژه ای دارد که یکی از آنها نماز جماعت است .

378

اهمیت نماز جماعت

گذشته از آن که در روایات
برای نماز جماعت اجر و پاداش بسیاری وارد شده است

با دقت در برخی از مسائل فقهی

به اهمیت این عبادت پی می بریم و در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم :

1- مستحب است نمازهای واجب

به خصوص نمازهای یومیّه

را به جماعت بخوانند.

2- شرکت در نماز جماعت برای هر کس مستحب است

به ویژه برای همسایهء مسجد.

3- مستحب است

انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

4- نماز جماعت

هر چند اول وقت خوانده نشود

از نماز فرادای اول وقت بهتر است .

5- نماز جماعتی که مختصر خوانده می شود

از نماز فرادایی که طول بدهد بهتر است .

6- سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترك کند.

7- حاضر نشدن در نماز جماعت از روی بی اعتنائی به آن

جایز نیست .

8- وقتی که جماعت بر پا می شود

مستحب است کسی که نمازش را فرادا خوانده دوباره به جماعت بخواند.

9- امام یا ماعوم می تواند نمازی را که به جماعت خوانده

دوباره به جماعت بخواند

در صورتی که جماعت دوّم و اشخاص آن غیر از اول باشد.(1)

379

استغناء

س - اگر کسی در نماز جماعت توجه کافی نداشته باشد ولی در منزل و به طور فرادا نمازش از توجه بیشتری برخوردار باشد می تواند در منزل نماز بخواند به جای جماعت ؟

ج - مانع ندارد و جماعت بهتر است .(2)

1- توضیح المسائل

م 1399 تا 1404

2- استغنائات

381

شرایط نماز جماعت

هنگام برپایی نماز جماعت

شرایط زیر باید مراعات شود:

مأموم از امام جلوتر نایستد و احتیاط واجب آن است که کمی عقب تر بایستد.

جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین بالاتر نباشد.

فاصله امام و مأموم و فاصله صف ها

زیاد نباشد.

بین امام و مأموم و همچنین بین صف ها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد

ولی نصب پرده بین صف مردها و زنها اشکال ندارد. (1)

382

توضیح :

مأمومین باید با امام جماعت مرتبط باشند و ارتباط آنها یا بدون واسطه است که بین امام و مأموم

نباید بیش از يك گام فاصله باشد؛ یعنی از محل سجده مأموم تا محل ایستادن امام

یا با واسطه سایر مأمومین که از جلو یا سمت راست یا چپ باید این ارتباط برقرار باشد

و این ارتباط دو شرط دارد:

بین نمازگزار و صف جلو

یا کسی که طرف راست یا چپ او قرار دارد

بیش از يك گام فاصله نباشد.

اگر در صف اول ایستاده

نباید مقابل او مانعی باشد که نتواند امام جماعت را ببیند

پس اگر امام جماعت در محراب باشد

کسانی که دو طرف محراب پشت دیوار می ایستند و امام جماعت را نمی بینند

نمی توانند اقتدا کنند. ولی اگر مانعی در کار نباشد و به جهت طولانی بودن صف

امام جماعت را نبیند اشکال ندارد.

اگر در صفوف بعدی ایستاده است

باید مانعی از دیدن صف جلو وجود نداشته باشد

پس اگر صفوف جماعت تا در شبستان برسد

کسی که بیرون شبستان مقابل در ایستاده که صف جلو را می بیند و کسانی که پشت سر او ایستاده اند نمازشان صحیح است ولی کسانی که دو طرف پشت دیوار ایستاده اند و از صف جلو کسی (حتی يك نفر) را نمی بینند نمازشان باطل است. (2)

383

استفتاء

س - طبقهء دوّم مسجد

مأمومین زن یا مرد اقتدا می نمایند و لبهء این طبقه يك دیوار نیم متری وجود دارد آیا وجود این دیوار ضرری به جماعت آنها می زند یا خیر؟

ج - اشکال ندارد. (3)

1- العرو الوثقی

ج 1 ص 777 و 778 فصل 46 و توضیح المسائل

م 1415 م 1432 و 1433

2- توضیح المسائل

م 1411 تا 1414 و 1435 و 1436

3- استفتانات

ج 1 ص 283 س 498

384

شرایط امام جماعت

385

امام جماعت باید این شرایط را دارا باشد:

بلوغ و عقل .

عدالت .

رجولیت (مرد بودن) .

نماز را بطور صحیح بخواند.

مسلوس و مبطون (1) نباشد.

به واسطهء عذری با لباس نجس نماز نخواند.

بیماری خوره یا پیسی نداشته باشد. (2)

386

مسئله :

کسی که ایستاده نماز می خواند نمی تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می خواند اقتدا کند. (3)

387

استفتاء

س - آیا ماعمومی که قرائتش فصیحتر از امام جماعت است می تواند برای نماز جماعت به این امام اقتدا کند؟

ج - اقتدا صحیح است. (4)

س - آیا می شود به ماعمومی که در نماز چهار رکعتی دو رکعت آن را به جماعت خوانده و دو رکعت باقی مانده را فرادا می خواند اقتدا کرد؟

ج - مانع ندارد. (5)

1- سلوس کسی است که کنترل ادرار ندارد و مبطون کسی است که مدفوع را نمی تواند کنترل کند.

2- توضیح المسائل

م 1453 1455 تا 1459

3- توضیح المسائل

م 1455

4- استفتائات

ج 1 ص 280 س 489

5- همان ، ص 294 ، ص 537

389

نمازها و حالتهاى مختلفى که جماعت صحیح است :

شماره	نماز امام جماعت	نماز ماموم	توضیح
1	ادای یومیّه	ادای یومیّه	هر کدام از نمازهای یومیّه را می توان به دیگری اقتدا کرد؛ مثلاً نماز ظهر را به عصر. (45)
2	قضای یومیّه	قضای یومیّه	هر چند هماهنگ نباشد مثلاً امام جماعت قضای ظهر را می خواند و ماموم قضای صبح را. (1)
3	ادای یومیّه	قضای یومیّه	هر کدام از قضای یومیّه را می توان به نماز ادا اقتدا کرد؛ مثلاً نماز قضای صبح را

	به ادای ظهر. (2)			
هر چند هماهنگ نباشد.	هر کدام که باشد	ادای یومیّه	قضای یومیّه	4
	هر چند آیات متحد نباشد؛ مثلاً یکی نماز برای زلزله می خواند دیگری برای صاعقه (3).	آیات	آیات	5
	به قصد رجاء در زمان غیبت اشکال ندارد. (4)	عیدین	عیدین	6
ولی مکروه است؛ یعنی ثوابش کمتر است. (5)	صحیح	شکسته	تمام	7
ولی مکروه است؛ یعنی ثوابش کمتر است. (6)	صحیح	تمام	شکسته	8
	صحیح است. (7)	میّت	میّت	9

390

مسئله :

اگر امام جماعت نماز قضاء یومیّه خود یا دیگری را می خواند در صورتی که نماز قضای قطعی باشد اقتدای به او اشکال ندارد ولی در صورتی که احتیاطاً نماز را قضا می کند

نمی توان به او اقتدا کرد. (52)

1- همان

م 1409

2- همان

م 1409

3- تحریرالوسیله

ج 1 کتاب الصلأ

القول فی صلأ الآیات

م 12

4- توضیح المسائل

م 1407

5- همان

م 1490

6- تحریرالوسیله

ج 1 کتاب الطهار

القول فی الصلاة علی میت

ص 79

7- توضیح المسائل

م 1409

391

نمازها و حالتهاى مختلفى كه جماعت صحيح نيست :

1- نمازهاى مستحبى

به جز نماز طلب باران و نمازهاى واجب كه به جهتي مستحب شده است ؛ مانند نماز عيدين در زمان غيبت

كه به قصد رجاء به جماعت صحيح است .

2- هيچكدام از نمازهاى يوميّه را نمى توان به نمازهاى آيات

اموات

احتياط اقتدا كرد و عكس آن نيز صحيح نيست(1).

3- صحيح بودن نماز طواف نيز به جماعت محل اشكال است .(2)

4- اگر انسان نداند نمازى را كه امام جماعت مى خواند نماز واجب يوميّه است يا نماز مستحب

نمى تواند به او اقتدا كند(3).

392

استفتاء

س - آيا در غير حج

شييعيان مى توانند به امام جماعت اهل تسنن اقتدا نمايند يا خير؟

ج - مى توانند.(4).

1- العروة الوثقى

ج 1 ص 765 و 766 كتاب الصلاة

فصل فى صلاة جماعة

م 4 و 6 تحريرالوسیله

ج 1 كتاب الصلاة

فصل فى صلاة الجماعة

م 1

2- تحريرالوسیله

ج 1 ص 265 م 1

3- توضیح المسائل

م 1410

4- استفتائات

ج 1 ص 279 س 484

394

چگونگی اقتدا به امام جماعت

395

رکعت اوّل

1- در بین قرائت - مأموم حمد و سوره را نمی خواند و بقیه اعمال را با امام جماعت به جا می آورد.

2- در رکوع - رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت به جا می آورد. (1).

396

رکعت دوّم

1- در بین قرائت - مأموم حمد و سوره را نمی خواند و با امام قنوت و رکوع و سجده را به جا می آورد و آنگاه که امام جماعت تشهد می خواند بنا بر احتیاط واجب باید به صورت نیم خیز بنشیند و اگر نماز دو رکعتی است يك رکعت دیگر به تنهائی بخواند و نماز را تمام کند و اگر سه یا چهار رکعتی است

در رکعت دوّم که امام جماعت در رکعت سوّم می باشد حمد و سوره بخواند (هر چند امام جماعت تسبیحات بخواند) و آنگاه که امام جماعت رکعت سوّم را تمام کرد

و برای رکعت چهارم بر می خیزد

مأموم باید پس از دو سجده

تشهد بخواند

و برخیزد و قرائت رکعت سوّم را به جا آورد و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهد و سلام نماز را به پایان می برد يك رکعت دیگر می خواند (2).

2- در رکوع - رکوع را با امام جماعت به جا می آورد و بقیه نماز را همانگونه که گفته شد انجام می دهد.

3- در قنوت - قنوت را با امام جماعت می خواند و همانند آنچه برای اقتدای در بین قرائت گفته شد

عمل می کند.

397

رکعت سوّم

1- در بین حمد یا تسبیحات - چنانچه می داند که اگر اقتدا کند برای خواندن حمد و سوره و یا حمد تنها

وقت دارد

می تواند اقتدا کند و باید حمد و سوره یا حمد را بخواند

و اگر می داند فرصت ندارد

بنابر احتیاط];

واجب باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود

سپس به او اقتدا کند. 2- در رکوع - چنانچه در رکوع اقتدا کند

رکوع را با امام به جا می آورد و حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است

و بقیه نماز را همانگونه که قبلاً بیان شد به جا می آورد. (3)

398

رکعت چهارم

1- در بین حمد یا تسبیحات - حکم اقتدا در رکعت سوّم را دارد

و آنگاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز خبرای تشهد و سلام می نشیند

مأموم می تواند برخیزد و نمازش را به تنهایی ادامه دهد

و می تواند

به طور نیم خیز; بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد.

2- در رکوع - رکوع و سجده ها را با امام به جا می آورد

(اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اوّل مأموم است) و بقیه نماز را همانگونه که گذشت انجام می

دهد. (4)

1- توضیح المسائل

م 1427

2- توضیح المسائل

م 1439- 1440

3- توضیح المسائل

م 1442- 1443 و تحریر الوسیله

ج 1 ص 271- 272 م 5- 6- 8

4- همان .

399

وظیفهء مأموم در نماز جماعت

1- مأموم نباید تکبیرة الاحرام را پیش از امام بگوید بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده تکبیر نگوید(1).

2- مأموم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند ولی اگر رکعت اول یا دوم او رکعت سوم یا چهارم امام باشد باید حمد و سوره را بخواند(2).

400

چگونگی پیروی مأموم

از امام جماعت :

-- در اقوال ; مانند حمد

سوره

ذکر و تشهد

جلو افتادن از امام یا عقب افتادن از او اشکال ندارد

مگر در تکبیرة الاحرام .

-- در اعمال ; مانند رکوع

سر برداشتن از رکوع و سجده

پیش افتادن جایز نیست

پس اگر عمداً قبل از امام به رکوع برود یا از رکوع برخیزد

یا به سجده برود معصیت کرده

گرچه نمازش صحیح است

ولی عقب افتادن اگر زیاد نباشد اشکال ندارد(3).

401

مسأله :

اگر موقعی که امام جماعت در رکوع است اقتدا کند

ممکن است یکی از این حالت ها را داشته باشد:

-- قبل از تمام شدن ذکر رکوع امام جماعت به رکوع می رسد - نمازش به جماعت صحیح است .

-- وقتی به حد رکوع می رسد

ذکر رکوع امام جماعت تمام شده ولی هنوز امام در رکوع است - نمازش به جماعت صحیح است .

-- به رکوع رود ولی به رکوع امام هم نرسد - نمازش به طور فرادا صحیح است . (4)

اگر مأوم

سهواً پیش از امام : 1 به رکوع رود - واجب است برخیزد و با امام جماعت به رکوع برود. 2 از

رکوع برخیزد - چنانچه امام در رکوع باشد باید به رکوع برگردد و با امام سر از رکوع بردارد و در

این آصورت زیاد شدن رکوع که رکن است

نماز را باطل نمی کند. (5)

3- به سجده رود - واجب است

سر از سجده بردارد و با امام به سجده رود. (6)

4- سر از سجده بردارد - باید به سجده برگردد. (7)

1- توضیح المسائل

م 1467

2- توضیح المسائل

م 1461

3- توضیح المسائل

م 1467- 1469 و 1470 العروة الوثقی

ج 1 ص 785 م 7

4- توضیح المسائل

م 1427

5- توضیح المسائل

م 1471

6- همان

م 1478

7- العروة الوثقی

ج 1 ص 786 م 12 و توضیح المسائل

م 1472

در صورتی که بلندی آن به مقدار متعارف باشد اشکال ندارد؛ مثل آن که امام در صحن مسجد و مأموم در پشت بام به نماز بایستند ولی اگر مثل ساختمانهای چند طبقه این زمان باشد جماعت اشکال دارد. (1).

2- اگر بین کسانی که در يك صف ایستاده اند بچه‌ها ممیز؛ یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد فاصله شود و فاصله بیش از يك گام باشد و : می‌دانند نماز او صحیح است - می‌توانند اقتدا کنند. می‌دانند نماز او باطل است - نمی‌توانند اقتدا کنند.. بودن يك كودك در حال نماز هر چند نمازش باطل باشد اشکال ندارد.

نمی‌دانند نمازش صحیح است یا باطل - می‌توانند اقتدا کنند. (2).

3- بعد از تکبیر امام جماعت

اگر صف جلو آماده نماز و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد کسی که در صف بعد ایستاده می‌تواند تکبیر بگوید. (3).

4- اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا همه آنها نیت فرادا نمایند اگر فاصله به اندازه يك قدم بزرگ نباشد نماز صف بعد به طور جماعت صحیح است و اگر بیشتر از این مقدار باشد فرادا می‌شود و صحیح است. (4)

5- اگر امام ایستاده باشد و مأموم نداند که در کدام رکعت است می‌تواند اقتدا کند

ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و اگر چه بعد بفهمد که امام در رکعت اول یا دوم بوده نمازش صحیح است. (5).

استفتاء

س - در صف جماعت اگر در يك صف یا صفها بین مردان که در يك طرف قرار دارند و زنان که در طرف دیگرند حجابی نباشد آیا نماز آنها اشکال ندارد؟

405

برخی از مستحبات و مکروهات نماز جماعت

مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و کمال و تقوا در صف اول بایستند. 2 مستحب است صفهای جماعت منظم باشد و بین کسانی که در يك صف ایستاده اند فاصله نباشد. 3 مستحب است بعد از گفتن <<قد قامت الصلوة>> مأمومین برخیزند. 4 مستحب است امام جماعت حال مأمومی را که از دیگران ضعیف تر است رعایت کند و عجله نکند

تا افراد ضعیف برسند و قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد

مگر آن که بداند همه کسانی که به او اقتدا کرده اند به طولانی شدن مایلند. 5 اگر در صف های جماعت جا باشد

مکروه است انسان تنها بایستد. 6 مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود. (7)

1- توضیح المسائل

م 1416

2- توضیح المسائل

م 1417

3- توضیح المسائل

م 1418

4- توضیح المسائل

م 1438

5- توضیح المسائل

م 1446

6- استفتاءات

ج 1 ص 280 س 490

7- توضیح المسائل

م 197-198

406

نماز جمعه

یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان <<نماز جمعه>> است و نمازگزاران در روز جمعه می توانند به جای نماز ظهر نماز جمعه بخوانند. (1).

407

اهمیت نماز جمعه

امام خمینی قدس سره در اهمیت نماز جمعه چنین نگاشته اند:

>> نماز جمعه و دو خطبه آن

مانند حج و نماز عید فطر و قربان

از مراسم بزرگ مسلمانان است

ولی متأسفانه

مسلمانان از وظایف مهم سیاسی این عبادت

غافل و ناآگاهند

در صورتی که انسانی

با اندک مطالعه و دقت در احکام کشوری

سیاسی

اجتماعی و اقتصادی اسلام در می یابد که اسلام دین سیاست است و کسی که دین را از سیاست جدا

می داند

نادانی است که نه اسلام را می شناسد و نه سیاست را(2).

1- تحریرالوسیله

ص 231 م 1

2- تحریرالوسیله

ج 1 ص 234 م 9

409

چگونگی نماز جمعه و شرایط آن

410

واجبات :

نماز جمعه دو رکعت است ; مانند نماز صبح

ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه

قبل از نماز ایراد می شود.(1)

411

مستحبات :

1- خواندن حمد و سوره با صدای بلند (توسط امام جمعه).

2- خواندن سورهء <<جمعه>> بعد از حمد

در رکعت اول (توسط امام جمعه).

3- خواندن سوره <<منافقون>> پس از حمد

در رکعت دوم (توسط امام جمعه).

4- خواندن دو قنوت ; یکی در رکعت اول پیش از رکوع

دیگری در رکعت دوم پس از رکوع . (2)

412

شرایط نماز جمعه

1- تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود

در نماز جمعه هم معتبر است ; مثل اتصال صفوف .

2- باید به جماعت برگزار شود و فرادا صحیح نیست .

3- حداقل تعداد افراد برای برپایی نماز جمعه پنج نفر است ; يك نفر امام و چهار نفر مأوم .

4- بین دو نماز جمعه

حداقل باید يك فرسخ فاصله باشد.(3)

1- همان

ج 1 کتاب الصلاة

فروع تلحق بصلاة الجمعة

فرع الخامس .

2- تحریرالوسیله

ج 1 ص 232 الثانی .

3- تحریرالوسیله

ج 1 ص 231

413

وظیفهء امام جمعه هنگام ایراد خطبه ها

1- باید ایستاده خطبه بخواند.

2- بنا بر احتیاط واجب

با صدای بلند خطبه بخواند; به طوری که همه مستمعین بشنوند و می تواند از بلندگو استفاده کند.

3- باید بین دو خطبه کمی بنشیند.

4- و مستحب است :

-- عمامه بر سر بگذارد.

-- نظیف ترین لباسها را بپوشد و خود را معطر کند.

-- در آغاز خطبه به مستمعین سلام کند.

- رو به مردم باشد.
- بر چوب یا عصا یا شمشیری تکیه کند.
- هنگام ایراد خطبه نیز با طهارت باشد.(1)

414

محتوای خطبه ها

415

خطبهء اول :

- 1- حمد و سپس ثنای الهی را به جا آورد.
- 2- صلوات بر پیامبر و آل او بفرستد (بنابر احتیاط واجب).
- 3- مردم را به تقوا توصیه کند.
- 4- سورهء کوتاهی از قرآن بخواند.

416

خطبهء دوم :

- 1- حمد و سپاس الهی را به جا آورد.
 - 2- بر پیامبر و آل او صلوات بفرستد.
 - 3- مردم را به تقوا توصیه کند (بنابر احتیاط واجب).
 - 4- سورهء کوتاهی از قرآن بخواند (بنابر احتیاط واجب).
 - 5- بر ائمهء مسلمین (ع) درود بفرستد و برای مردان و زنان مؤمن طلب آموزش کند (بنابر احتیاط مستحب).
- (2).
- و سزاوار است این مطالب را نیز بگوید. 1 آنچه مسلمانان در زندگی دنیا و آخرت به آن نیاز دارند. 2 مردم را از آنچه در جهان می گذرد و به سود و زیان مسلمانان است آگاه کند. 3 از مسائل سیاسی و اقتصادی که در استقلال و آزادی آنان دخالت دارد و چگونگی رفتار آنها با سایر ملت ها سخن بگوید. 4 مسلمانان را از دخالت دولت های ستمگر و استعمارگر در امور سیاسی و اقتصادی که منجر به بهره کشی از آنان می شود آگاه کند. (3)

1-تحریرالوسیله

ج 1 ص 231 م 12 تا 14

2- تحریرالوسیله

ج 1 کتاب الصلاة

القول فی شرائط صلاة الجمعة

م 7

3- تحریرالوسيله

ج 1 ص 233 و 234 م 7-8. 9

418

ویژگیهای امام جمعه

سزاوار است که امام جمعه این ویژگیها را داشته باشد:

-- خطیب بلیغ باشد و مقتضای حال را با عبارتهای فصیح خالی از پیچیدگی بیان کند.

-- نسبت به آنچه در کشورهای اسلامی به ویژه کشور خودش می گذرد آشنا باشد.

-- مصالح اسلام و مسلمین را بشناسد.

-- شجاع باشد و سرزنش هیچکس او را از طریق الهی باز ندارد.

-- در اظهار حق و ابطال باطل صریح باشد.

-- آنچه سبب تأثیر کلامش در نفوس می شود مراعات کند; از جمله :

در شکل و شمایل صالحان باشد.

کردارش با موعظه هایش هماهنگ باشد.

از آنچه سبب سرزنش کردن خودش یا مسخره کلامش می باشد

حتی زیاد حرف زدن و مزاح کردن پرهیزد.

همهء اینها را برای رضای خدا و به دور از حب دنیا و ریاست مراعات کند.(1)

419

استفتاء

س - آیا شرکت بانوان در نمازهای جماعت و نماز جمعه کراهت دارد یا خیر؟

ج - کراهت ندارد

بلکه در بعضی موارد مطلوب است. (2)

1- تحریرالوسيله

ج 1 كتاب الصلاة

القول فى شرايط صلاة الجمعة

م 14

2- استفتاآت

ج 1 ص 272 س 456

420

وظیفهء نمازگزاران جمعه :

1- بنا بر احتیاط واجب باید به خطبه ها گوش دهند.

2- احتیاط مستحب است از سخن گفتن بپرهیزند و چنانچه سخن گفتن سبب از بین رفتن فایدهء خطبه ها و یا گوش ندادن به آنها شود ترك آن واجب است .

3- احتیاط مستحب است

شنوندگان هنگام ایراد خطبه ها

رو به امام جمعه بنشینند و بیش از مقداری که در نماز اجازه داده شده به اطراف نگاه نکنند.(1)

- تحریرالوسیله

ج 1 ص 235 م 14

422

اسباب وجوب نماز آیات

یکی از نمازهای واجب <<نماز آیات >> است که به سبب برخی حوادث آسمانی یا زمینی واجب می شود؛ مانند:

-- زلزله

-- خسوف (ماه گرفتگی)

-- کسوف (خورشید گرفتگی)

هر چند کسی هم از آن نترسد

-- رعد و برق و بادهای زرد و سرخ و سیاه و مانند آن

اگر بیشتر مردم بترسند.(1)

1- توضیح المسائل

م 1491 و تحریرالوسیله

کتاب الصلاة

القول فی صلاة الآيات

م 1

423

چگونگی نماز آیات

1- نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد.

2- در نماز آیات

قبل از هر رکوع

سوره حمد و سوره دیگری از قرآن خوانده می شود

که در این صورت

در دو رکعت

ده حمد و ده سوره خوانده می شود

ولی می توان يك سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع يك قسمت از آن را خواند

که در این صورت

در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می شود.(1)

در اینجا با تقسیم سوره <<اخلاص >> چگونگی نماز آیات را می آوریم .

424

رکعت اول

حمد و <<بسم الله الرحمن الرحيم - رکوع .

قل هو الله احد - رکوع .

الله الصمد - رکوع .

لم يلد و لم يولد - رکوع .

و لم يكن له كفواً احد - رکوع .

و سپس سجده ها را به جا آورده

برای رکعت دوّم بر می خیزد.

425

رکعت دوّم

رکعت دوّم را نیز مانند رکعت اول به جا می آورد و سپس با تشهد و سلام

نماز را به پایان می برد.(2)

1- توضیح المسائل

م 1507 و 1508

2- توضیح المسائل

م 15086

427

احکام نماز آیات

1- اگر یکی از سبب های نماز آیات در شهری اتفاق بیفتد

فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست .(1)

2- اگر در يك رکعت از نماز آیات

پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر يك حمد بخواند و سوره را تقسیم کند صحیح است
(2).

3- مستحب است پیش از رکوع دوّم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر تنها يك قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است. (3)

4- هر يك از رکوع های نماز آیات رکن است که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود نماز باطل است. (4)

5- نماز آیات را می توان به جماعت خواند

که در این صورت حمد و سوره ها را تنها امام جماعت می خواند. (5)

6- اگر سبب وجوب نماز آیات تکرار شود

باید به تعداد همهء آنها نماز آیات خوانده شود

مثلاً چندین بار زلزله شود. (6)

1- توضیح المسائل

م 1494

2- توضیح المسائل

م 1509

3- توضیح المسائل

م 1512

4- توضیح المسائل

م 1515

5- العروة الوثقی

ج 1 ص 730 م 13

6- العروة الوثقی

ج 1 ص 731 م 21

428

غفيله

1- نماز مستحب را <<نافله>> گویند.

2- نمازهای مستحب بسیار است و این نوشته گنجایش تمام آنها را ندارد

اما برخی از آنها را که اهمیت

بیشتری دارد می آوریم: (1)

429

نماز غفيله

يكي از نمازهاي مستحبي

نماز <<غُفِيلَه>> است كه پس از نماز مغرب خوانده مي شود.

430

كَيْفِيَّتِ نَمَازِ غُفِيلَه

نماز غُفِيلَه دو ركعت است

در ركعت اوّل

پس از حمد

به جاي سوره

اين آيه خوانده مي شود: (2)

و ذا النّون اذ ذهب مغاضبا فظنّ ان لن نقدر عليه فنادى فى الظّلمات ان لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظّالمين فاستجبنا له و نجّيناه من الغمّ و كذلك نجى المؤمنين .

و در ركعت دوّم

پس از حمد

به جاي سوره

اين آيه خوانده مي شود:

و عنده مفاتيح الغيب لا يعلمها الا هو و يعلم ما فى البرّ و البحر و ما تسقط من ورقه الا يعلمها و لا حبة فى ظلمات الارض و لا رطب و لا يابس الا فى كتاب مبين .

و در قنوت آن اين دعا خوانده مي شود:

431

اللّهم انى اسألك بمفاتيح الغيب التى لا يعلمها الا انت ان تصلى على محمّد و آل محمّد و ان تغفر لى ذنوبى

حجّ اللّهم انت ولىّ نعمتى و به جاي جمله <<ان تغفر لى ذنوبى>> مى تواند حاجت ديگرى از خدا بخواهد.

القادر على طلبتى تعلم حاجتى فأسألك بحقّ محمّد و آل محمّد عليه و عليهم السّلام لما قضيتها لى (3).

1- توضيح المسائل

م 764

2- توضيح المسائل

م 775

3- توضیح المسائل

م 775

433

نافله نمازهای یومیّه

نام نماز	تعداد رکعات نافله	وقت نافله
نماز صبح	2 رکعت	قبل از نماز صبح و احتیاط آن است که قبل از فجر اول نخوانند
نماز ظهر	4 نماز 2 رکعتی (8 رکعت)	قبل از نماز ظهر
نماز عصر	4 نماز 2 رکعتی (8 رکعت)	پیش از نماز عصر
نماز مغرب	2 نماز 2 رکعتی (4 رکعت)	پس از نماز مغرب تا وقتی که سرخی طرف مغرب که پس از غروب آفتاب پدید می آید از بین برود
نماز عشا'	2 رکعت نشسته (1)	پس از نماز عشاء تا نصف شب (2)

17 رکعت نماز واجب که در شبانه روز خوانده می شود

(در غیر سفر و روز جمعه) 23 رکعت نافله دارد که به علاوه 11 رکعت نماز شب

جمعاً 34 رکعت می شود

یعنی دو برابر تعداد رکتهای نماز واجب .

434

دو مسأله :

1- در روز جمعه بر شانزده رکعت نافله ظهر و عصر

چهار رکعت اضافه می شود. (3)

2- نافله ظهر و عصر را در سفر نباید خواند ولی نافله عشا را به نیت این که شاید مطلوب باشد

(به قصد رجاء) می توان خواند. (4)

1- به نافله نماز عشاء

نماز وُتیره گفته می شود و بنا بر احتیاط واجب باید نشسته خوانده شود.

2- توضیح المسائل

م 764 و 768 تا 772

3- توضیح المسائل

م 764

4- توضیح المسائل

م 767

435

نماز شب

نماز شب 11 رکعت است که بدین ترتیب خوانده می شود:

دو رکعت - به نیت نافلهء شب .

دو رکعت - به نیت نافلهء شب .

دو رکعت - به نیت نافلهء شب .

دو رکعت - به نیت نافلهء شب .

دو رکعت - به نیت نافلهء شَفَع .

یک رکعت - به نیت نافلهء وتر. (1)

436

وقت نماز شب

1- وقت نماز شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود. (2)

2- مسافر و کسی که برای او سخت است نافلهء شب را بعد از نصف شب بخواند

می تواند در اوّل شب به جا آورد. (3)

1- توضیح المسائل

م 765

2- توضیح المسائل

م 773

3- توضیح المسائل

م 774

438

نماز عید

در دو عید <<فطر>> و <<قربان>> خواندن نماز مخصوص عید مستحب است. (1)

439

وقت نماز عید

- 1- وقت نماز عید از طلوع آفتاب تا ظهر است. (2)
- 2- مستحب است نماز عید قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخوانند.
- 3- مستحب است در عید فطر بعد از بلند شدن آفتاب افطار کنند و زکات فطره را هم بدهند سپس نماز عید را بخوانند. (3)

440

چگونگی نماز عید

- 1- نماز عید فطر و قربان دو رکعت است با نه قنوت و اینگونه خوانده می شود:
 - در رکعت اول نماز پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود و بعد از هر تکبیر يك قنوت و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده .
 - در رکعت دوم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می شود و بعد از هر تکبیر يك قنوت و بعد از قنوت چهارم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده و تشهد و سلام. (4)
 - در قنوت های نماز عید هر دعا و ذکر بخوانند کافی است ولی بهتر است به امید ثواب این دعا را بخوانند:
- >>اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظْمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا وَشَرَفًا وَكَرَامَةً وَمَزِيدًا
- أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَدْخُلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ
- صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمَخْلُصُونَ <<. (5)

441

احکام کلی

- 1 تمام نمازهای مستحبی دو رکعت است مگر نماز وتر و اعرابی .

- اعرابی یعنی عرب صحرائشین - روایت شده است که روزی يك عرب صحرائشین خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید و عرض کرد که مادر صحرا زندگی می کنیم و با مدینه فاصله زیاد داریم و نمی توانیم هر هفته به شهر بیاییم و در نماز جمعه شرکت کنیم
 عملی به من بیاموزید تا در روز جمعه انجام دهم و فضیلت جمعه را دریابم
 حضرت

نمازی به او یاد دادند که جمعاً ده رکعت است
 ابتدا دو رکعت و سپس دو نماز چهار رکعتی با آداب خاص که در کتب ادعیه آمده است . محلقات مفاتیح الجنان (باقیات الصالحات) نمازهای مستحبی .
 2 هیچ کدام از نمازهای مستحبی اذان و اقامه ندارد.
 3 در هیچکدام از نمازهای مستحبی خواندن سوره پس از حمد لازم نیست
 مگر آن که خواندن سورهء معینی در آن شرط شده باشد.(6)

1- توضیح المسائل

م 1516

2- توضیح المسائل

م 1517

3- توضیح المسائل

م 1518

4- همان

م 1519

5- همان

م 1520

6- العروة الوثقی

ج 1 ص 515 م 1 و تحریر الوسیله

ج 1 ص 165 م 2

442

اقسام روزه (1)

1- واجب

2- حرام

3- مستحب

4- مکروه

443

روزه های واجب

-- روزه ماه مبارك رمضان .

-- روزه قضا.

-- روزه كفاره

-- روزه استيجارى

روزه استيجارى : روزه هاى كه شخص مزد مى گيرد و به نيابت از ميت انجام مى دهد.

-- روزه روز سوّم ايام اعتكاف

بحث اعتكاف در درس 42 خواهد آمد.

-- روزه بدل قربانى حج

اگر حاجى نتواند قربانى کند

بايد به جاى آن

سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگيرد.

-- روزه اى كه به سبب نذر واجب شود.

-- روزه قضای پدر كه بر پسر بزرگتر واجب است .(2)

444

روزه های حرام(3)

-- روزه عيد فطر (روز اول ماه شوال).

-- روزه عيد قربان (روز دهم ماه ذى حجه).

-- روزه نذر معصيت .

-- روزه ايام تشريق (11 12 و 13 ذى الحجه) براى كسى كه در منا است .

-- روزه سكوت .--

روزه گرفتن با اين نيت كه با كسى سخن نگويد.

-- روزه وصال .

-- طح روزه گرفتن دو روز پى در پى بدون آن كه در بين آنها مبطلی انجام دهد

با قصد وصال نه به طور اتفاقی .

-- روزه آخر شعبان به نيت اول رمضان .

-- روزه مستحبى فرزند كه سبب اذيت و آزار پدر و مادر شود.

-- روزه مستحبى فرزند كه پدر يا مادر او را از آن نهى کرده باشند (به احتياط واجب).--

روزه مستحبى زن كه شوهرش او را از آن نهى کرده باشد (به احتياط واجب).(4)

445

روزه های مستحب

روزه گرفتن در تمام ایام سال بجز روزه های حرام و مکروه مستحب است ولی نسبت به بعضی از روزه ها تأکید و سفارش بیشتری شده است که برخی از آنها بدین شرح است :

- هر پنجشنبه و جمعه .
- اولین چهارشنبه بعد از دههء اوّل هر ماه .
- روز مبعث (27 ماه رجب) .
- عید غدیر (18 ذی حجه) .
- روز میلاد پیامبر اکرم (ص) (17 ربیع الاول) .
- روز اوّل تا نهم ذی الحجه .
- روز عرفه چنانچه روزه گرفتن سبب بازماندن از دعاهاى آن روز نشود .
- روز اوّل و سوّم محرّم .
- تمام ماه رجب و شعبان .
- روز اوّل فروردین .
- 13 و 14 و 15 هر ماه . (5)

446

استغناء

س - کسی که نماز مغربش را بخواند و نماز عشاء را فراموش کند فردای آن شب روزه بر او واجب است یانه ؟

ج - واجب نیست

اگر چه موافق احتیاط است . (6)

447

روزه های مکروه

- روزهء مستحبی مهمان بدون اجازهء میزبان .
- روزهء مستحبی مهمان با نهی میزبان .
- روزهء مستحبی فرزند بدون اجازهء پدر .
- روزهء عاشورا .

-- روزه عرفه اگر سبب بازماندن از دعاهای آن روز بشود.

-- روزه روزی که نمی داند عرفه است یا عید قربان. (7)

1 - العروة الوثقی

ج 2 کتاب الصوم

فصل 15 ص 240

2- العروة الوثقی

ج 2 ص 240 و 241 و توضیح المسائل

م 1390

3- العروة الوثقی

ج 2 کتاب الصوم

فصل 15 ص 243 و 244

4ج - توضیح المسائل

م 1739 تا 1742

5چ - توضیح المسائل

م 1748 و العروة الوثقی

ج 2 کتاب الصوم

فصل 15 ص 240

6چ - استغناآت

ج 1 ص 327 س 70

7- توضیح المسائل

م 1747 و همان ص 242

449

نیت روزه

450

نیت روزه

1- روزه از عبادات است و باید برای انجام فرمان خداوند به جا آورده شود. (1)

2- انسان می تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن

نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم روزه همه ماه را نیت کند. (2)

3- در روزه واجب

نیت روزه نباید بدون عذر از اذان صبح تاخیر بیفتد. (3)

4- در روزه واجب

اگر به واسطه عذری ; مانند فراموشی یا سفر

نیت روزه نکرده

اگر کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد

تا ظهر می تواند نیت روزه کند. (4)

5- لازم نیست نیت روزه را به زبان بگوید بلکه همین قدر که برای انجام دستور خداوند عالم

از اذان صبح تا مغرب

کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد کافی است. (5)

6- وقت نیت روزه مستحبی

از اول شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب مانده باشد که اگر تا این وقت

کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحبی کند

صحیح است. (6)

7- کسی که برای به جا آوردن روزه مییتی اجیر شده

اگر روزه مستحبی بگیرد اشکال ندارد

ولی کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد

نمی تواند روزه مستحبی بگیرد و چنانچه فراموش کرده باشد و قبل از ظهر یادش بیاید

می تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند و اگر بعد از ظهر یادش بیاید

روزه اش باطل است. (7)

8- اگر روزی را که شك دارد آخر شعبان است یا اول رمضان

به نیت روزه قضا و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است باید نیت

روزه رمضان کند و اگر بعد معلوم شود رمضان بوده

از رمضان حساب می شود. (8)

استفتاء

س - آیا کسی که قضای روزه رمضان بدهکار است می تواند نذر کند و روزه نذر به جا آورد؟

ج - نمی تواند. (9)

1- توضیح المسائل

م 1550

2- توضیح المسائل

م 1551

3- توضیح المسائل

م 1554. 1561

4- توضیح المسائل

م 1554 ـ 1561

5- توضیح المسائل

م 1550

6- توضیح المسائل

م 1553

7- توضیح المسائل

م 1563

8- توضیح المسائل

م 1568 و 1569

9- استفتاءات

ج 1 ص 336 س 97

452

چه چیزهایی روزه را باطل میکند

روزه دار باید از <<اذان صبح>> تا <<مغرب>> از برخی کارها بپرهیزد و اگر پرهیز نکند

روزه اش باطل می شود

به مجموعه این کارها <<مُبطَلاتِ روزه>> گفته می شود

که عبارتند از:

-- خوردن و آشامیدن .

-- دروغ بستن به خدا و پیغمبر (ص) و جانشینان آن حضرت (ع).

-- رساندن غبار غلیظ به حلق .

-- فرو بردن تمام سر در آب .

-- قی کردن .

-- آمیزش .

-- استمناء.

-- باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح .

-- اماله کردن با چیزهای روان .(1)

453

خوردن و آشامیدن

1- اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد

روزه اش باطل می شود هر چند خوردن و آشامیدن آن معمول نباشد؛ مانند خاك و نفت(2) .

2- اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است فرو برد

روزه اش باطل می شود(3).

3- فرو بردن آب دهان

روزه را باطل نمی کند

هر چند زیاد باشد.(4)

4- اگر روزه دار به سبب فراموشی (نمی داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد

روزه اش باطل نمی شود.(5)

5- انسان نمی تواند

بخاطر ضعف

روزه را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی شود آن را

تحمل کرد

خوردن روزه اشکال ندارد.(6)

6- فرو بردن اخلاط سر و سینه

تا به فضای دهان نرسیده روزه را باطل نمی کند

ولی اگر داخل فضای دهان

شود

احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد.(7)

454

تزریق آمپول

آمپول اگر به جای غذا نباشد تزریق آن

روزه را باطل نمی کند

هر چند عضو را بی حس کند ولی احتیاط واجب

آن است از آمپولی که به جای غذا به کار می رود پرهیز کند.(8)

455

رساندن غبار غلیظ به حلق

1- اگر روزه دار غبار غلیظی به حلق برساند

روزه اش باطل می شود; چه غبار خوراکی ها باشد دمانند آرد

یا غیر خوراکی مانند خاک .

2- در این موارد

روزه باطل نمی شود.

-- به حلق نرسید. (فقط به داخل دهان برسد).

-- بی اختیار به حلق برسد.

-- نمی داند روزه است .

-- شك كند غبار غلیظ به حلق رسیده است یا نه ؟(9)

456

دروغ بستن به خدا و پیغمبر

در تمام موارد زیر

دروغ بستن از روی عمد

به خدا

پیغمبر(ص) یا امام (ع) روزه را باطل می کند. و بنا بر احتیاط

واجب دروغ بستن به حضرت زهرا³ و سایر پیامبران : همین حکم را دارد:

- در امور دنیوی باشد یا اخروی .

- دروغ نسبت به اقوال آنان باشد یا افعال .

- با گفتار باشد یا نوشتار یا اشاره یا انجام کاری که از آن

نسبت دروغ فهمیده شود.- به صراحت باشد یا کنایه .- دروغ را خودش ساخته باشد یا دیگری .-

اخبار باشد یا پاسخ به سؤال دیگری .- دروغی که قبلاً گفته

تصدیق کند؛ یعنی بگوید آنچه گفته ام راست است .- راستی که قبلاً گفته است

تکذیب کند.(10)

457

در این موارد روزه باطل نیست :

-- اگر قصد راستگویی داشته باشد و دروغ در آید.

-- اگر قصد دروغگویی داشته باشد و راست در آید.

-- بازگویی دروغی که دیگری ساخته یا گفته

بر وجه نقل قول یا حکایت اشکال ندارد؛ مثلاً در حالی که روزه است ب بگوید: یزید گفت : <<لعبت

هاشم بالملك فلا خبر جاء ولا وحی نزل(11)

فرو بردن تمام سر در آب 1 اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب مطلق فرو برد

روزه اش باطل می شود. 2- احتیاط واجب آن است که سر را در گلاب فرو نبرد ولی در آبهای

مضاف دیگر در چیزهایی که روان است اشکال ندارد.

3- در این موارد روزه باطل نیست :

-- سهواً سر را زیر آب ببرد.
 -- قسمتی از سر را زیر آب ببرد.
 -- نصف سر را یکبار و نصف دیگر را بار دیگر در آب فرو برد.
 -- بی اختیار در آب بیفتد.
 -- شخص دیگری به زور سر او را در آب فرو برد.
 -- شك کند تمام سر زیر آب رفته است یا نه؟ (12)
 3- اگر در حال روزه ماه رمضان برای غسل سر را در آب فرو برد
 غسل و روزه او باطل است
 مگر آنکه زیر آب دتوبه کند و در حال خارج شدن از آب نیت غسل کند که در این صورت
 غسل او صحیح و روزه باطل است. (13)

458

قی کردن

1 هرگاه روزه دار عمداً قی کند
 هر چند به سبب بیماری باشد
 روزه اش باطل می شود (14).
 2- اگر روزه دار بی اختیار قی کند
 روزه اش باطل نمی شود. (15)
 استمناء 1 اگر روزه دار <<استمنا>> کند؛ یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید
 روزه اش باطل می شود. (16)
 2- اگر بی اختیار منی از او بیرون آید؛ مثلاً در خواب جنب شود
 روزه اش باطل نیست. (17)
 باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح اگر شخص جنب
 تا اذان صبح غسل نکند و یا اگر وظیفه او تیمم است
 تیمم نکند
 در برخی موارد روزه اش باطل می شود؛ اینک برخی از مسائل آن را می آوریم :
 1 اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند و یا اگر وظیفه اش تیمم است تیمم نکند:
 -- در روزه ماه رمضان: روزه اش باطل است .
 -- در قضای آن :
 -- در بقیه روزه ها روزه اش صحیح است. (18)
 2 اگر جنب در روزه ماه رمضان غسل یا تیمم را فراموش کند و پس از يك یا چند روز یادش

بباید: باید آن روزه هارا قضا کند. (19)

3 اگر روزه دار

در خواب جنب شود

واجب نیست فوراً غسل کند و روزه اش صحیح است. (20)

4 اگر شخص جنب در شب ماه رمضان می داند برای غسل

قبل از اذان صبح بیدار نمی شود

نباید بخوابد و اگر خوابد و بیدار نشود

روزه اش باطل است. (21)

باقی ماندن بر حیض و نفاس 1 اگر زن قبل از اذان صبح از خون پاك شود: الف : عمداً تا اذان غسل

نکند

یا اگر وظیفه اش تیمم است تیمم نکند

روزه اش باطل است. ب: برای غسل وقت ندارد: در روزه رمضان و قضای آن

باید تیمم کند و روزه اش صحیح است. در روزه واجب دیگر یا مستحب

گرچه روزه اش بدون تیمم صحیح است

ولی احتیاط مستحب است که تیمم هم بکند. 2 اگر نزدیک اذان صبح پاك شود

و برای تیمم یا غسل وقت نداشته باشد

459

روزه اش صحیح است. 3 اگر بعد از اذان بفهمد که قبل از اذان پاك شده روزه اش صحیح است. 4

اگر بعد از اذان پاك شود

روزه اش باطل است. 5 اگر در روز حیض یا نفاس ببیند

گرچه نزدیک مغرب باشد

روزه اش باطل است. اگر مستحاضه غسلهای خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شده به

جا آورد روزه اش صحیح است. (22)

حکم کلی هیچکدام از مبطلات روزه اگر سهواً انجام شود روزه را باطل نمی کند.

1- توضیح المسائل

م 1572

2- توضیح المسائل

م 1573

3- توضیح المسائل

م 1577

- 4- توضيح مسائل
م 1579
- 5- توضيح المسائل
م 1575
- 6- توضيح المسائل
م 1583
- 7- توضيح المسائل
م 1580
- 8- توضيح المسائل
م 1576
- 9- تحرير الوسيله
ج 1 ص 285 و 286 الثامن - توضيح المسائل
م 1603 تا 1607
- 10- همان .
- 11- تحرير الوسيله
ج 1 ص 284 و 285 توضيح المسائل
م 1596 تا 1602
- 12- توضيح المسائل
م 1610 . 1913 . 1615 . العروة الوثقى
ج 2 ص
187 م 36
- 13- توضيح المسائل
م 1617
- 14- توضيح المسائل
م 1646
- 15- توضيح المسائل
م 1646
- 16- توضيح المسائل
م 1588
- 17- توضيح المسائل
م 1589
- 18- توضيح المسائل
م 1619 تا 1631
- 19- توضيح المسائل
1622
- 20- توضيح المسائل

م 1632

21- توضیح المسائل

م 1625

22- توضیح المسائل

م 1643

461

کارهایی که بر روزه دار مکروه است

- 1- انجام دادن هر کاری که سبب ضعف شود؛ مانند خون دادن .
- 2- بوییدن گیاهان معطر (عطر زدن مکروه نیست).
- 3- خیس کردن لباسی که بر تن دارد.
- 4- مسواک کردن با چوب تر.
- 5- کشیدن دندان و هر کاری که به سبب آن از دهان خون بیاید. (1)

1- توضیح المسائل

م 1657

462

قضا و کفاره روزه

463

روزه قضا

اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد
باید روز دیگری
به جای آن روزه بگیرد
پس روزه ای که بعد از وقت آن
به جا آورده می شود
<<روزه قضا>> نام دارد.

464

کفاره روزه

کفاره

همان جریمه ای است که برای باطل کردن روزه معین شده است و عبارت است از:
-- آزاد کردن يك برده

-- دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن باید پی در پی باشد

-- سیر کردن شصت فقیر

یا دادن یک مد طعام به هر یک از آن ها.

کسی که کفاره بر او واجب شود

باید یکی از این سه را انجام دهد و چون امروزه <<برده >> به معنای فقهی آن یافت نمی شود

مورد دوم یا سوم را انجام می دهد

و اگر هیچ یک از اینها برایش مقدور نیست هر مقدار که می تواند باید به فقیر طعام بدهد و اگر اصلاً

نتواند طعام بدهد

باید استغفار کند. (1)

در این موارد به جا آوردن قضای روزه واجب است ولی کفاره ندارد:

1- روزه دار عمداً قی کند.

2- در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت

یک یا چند روز روزه بگیرد.

3- در ماه رمضان

بدون اینکه تحقیق کند صبح شده یا نه؟ کاری کند که روزه را باطل می کند

مثلاً آب بخورد

و بعداً معلوم شود صبح بوده است .

4- کسی بگوید صبح نشده و روزه دار به گفته او

کاری کند که روزه را باطل می کند

و بعداً معلوم شود صبح بوده است. (2)

5- روزه هایی که به واسطه سفر باطل شده است. (3)

6- روزه های ایام حیض و نفاس بانوان. (4)

7- بر اثر ندانستن مسأله

مبطلی انجام داده ولی نمی توانسته مسأله را یاد بگیرد

یا اصلاً ملتفت نبوده. (5)

-- اگر عمداً روزه رمضان را نگیرد

یا عمداً آن را باطل کند

قضا و کفاره واجب می شود. (6)

مواردی که فقط باید برای هر یک روز یک مد طعام به فقیر داده شود:

1- به واسطه مرض نتواند روزه بگیرد و مرض او تا سال بعد طول بکشد و اگر چنانچه مرض او تا چندین سال طول بکشد قضای سال آخر را باید به جا آورد و سالهای گذشته را برای هر يك روز يك مد طعام به فقیر بدهد(7)

2- کسی که به واسطه پیری

روزه گرفتن برایش مشقت دارد و بعد از رمضان هم نمی تواند قضای آن را به جا آورد.(8)

3- مرضی دارد که زیاد تشنه می شود و روزه گرفتن برایش مشقت دارد و بعد از رمضان هم نمی تواند قضای آن

را به جا آورد(9).

مواردی که باید قضای روزه را به جا آورد و برای هر يك روزه يك مد طعام به فقیر بدهد:

1- به واسطه عذری ; مثلاً سفر روزه نگرفته و بعد از ماه رمضان عذر برطرف شده و تا رمضان سال بعد عمداً

قضای آن را به جا نیاورده است .(10)

2- به واسطه عذری روزه نگرفته و بعد از رمضان عذر او برطرف شده و تا چند سال قضا آن را تأخیر انداخته

(قضا و يك كفاره 10 سیری)

كفاره تکرار نمی شود.(11)

3- موقعی که عذر دارد

تصمیم او بر این است که بعد از برطرف شدن عذر

قضا روزه را به جا آورده و عذر برطرف شد و پیش از آن که قضا کند در تنگی وقت عذری برایش پیدا شود

قضا آن واجب و يك مد طعام احتیاط واجب است(12) .

4- در قضا روزه کوتاهی کند و وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری برایش پیش آید.(13)

5- مرضی دارد که زیاد تشنه می شود و روزه گرفتن برایش مشقت دارد ; اضافه بر يك مد طعام

بنابر احتیاط واجب (قضای آن را هم به جا آورد).(14)

6- زنی که زانیدن او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد و نمی تواند روزه بگیرد.(15)

7- زنی که زانیدن او نزدیک است و روزه برای خودش ضرر دارد و نمی تواند روزه بگیرد قضای آن را باید به ت جا آورد و بنابر احتیاط واجب برای هر يك روز

يك مد طعام به فقیر بدهد.(16)

8- زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه برای بچه ای که شیر می دهد ضرر دارد(17).

9- زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه برای خودش ضرر دارد

466

قضای روزه را باید به جا آورد و اینابر احتیاط واجب برای هر روز يك مد طعام به فقیر بدهد. (18)

10- به واسطه عذری

غیر مرض مانند مسافرت

روزه رمضان را نگیرد و عذر او تا رمضان سال بعد طول بکشد

حقضا آن را باید به جا آورد و احتیاط مستحب آنست که برای هر روز يك مد طعام به فقیر

بدهد. (19)*

1- توضیح المسائل

م 1660، 1661

2- توضیح المسائل

م 1688

3- تحریرالوسیله

ج 1 ص 298 م 4

4- العروة الوثقی

ج 2 ص 390 م 3

5- همان

م 1659

6- همان

م 1658 و 1710

7- توضیح المسائل

م 1703 و 1707

8- توضیح المسائل

م 1726

9- توضیح المسائل

م 1727

10- توضیح المسائل

م 1705

11- توضیح المسائل

م 1709

12- توضیح المسائل

م 1706

13- توضیح المسائل

م 1706

14- توضیح المسائل

م 1727

15- توضیح المسائل

م 1728

16- توضیح المسائل

م 1728

17- توضیح المسائل

م 1729

18- توضیح المسائل

م 1729

19- توضیح المسائل

م 1703

468

احکام قضا و کفارهء روزه

- 1- لازم نیست قضای روزه را فوراً به جا آورد
ولی بنابر احتیاط واجب باید تا رمضان سال بعد انجام دهد. (1)
- 2- اگر چند ماه رمضان روزهء قضا دارد
هر کدام را اول بگیرد اشکال ندارد
ولی اگر وقت قضای روزهء آخرین ماه رمضان تنگ است ; مثلاً ده روز از رمضان آخر
قضا دارد و ده روز به رمضان مانده است
باید اول قضای آن را بگیرد. (2)
- 3- انسان نباید در انجام کفاره کوتاهی کند
ولی لازم نیست
فوراً آن را انجام دهد. (3)
- 4- اگر کفاره بر انسان واجب شود
چند سال بر آن بگذرد و به جا نیاورد
چیزی بر آن اضافه نمی شود. (4)
- 5- اگر روزهء خود را با کار حرامی ; مانند استمنا باطل کند
بنابر احتیاط واجب کفارهء جمع لازم می شود; یعنی باید يك برده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و به
شصت فقیر طعام بدهد; اگر هر سه برایش ممکن نیست
هر کدام از آن ها را که می تواند باید انجام دهد. (5)

6- کسی که قضای روزهء رمضان را گرفته

اگر بعد از ظهر عمداً آن را باطل کند

باید به ده فقیر هر کدام يك مدّ طعام بدهد. و اگر نمی تواند طعام بدهد

بنابر احتیاط واجب باید سه روز پی در پی روزه بگیرد. (6)

469

استغناء

س - کسانی که نماز و روزه شان شکسته است و همیشه سر کارند

به جز تعطیلات

پس باید روزه های قضا شده را چگونه و کی به جا آورند؟

ج - باید در طول سال قضا نمایند

علی الاحوط. (7)

س - زنی مدتهاست که یا حامله است و یا بچه شیر می دهد و در ماه رمضان نمی تواند روزه بگیرد

تکلیفش در مورد قضای روزه چگونه است ؟ ج - وجوب قضا ساقط نیست. (8)

در این موارد نه قضا واجب است و نه كفّاره : 1 روزه های ایّام کفر برای تازه مسلمان ؛ یعنی اگر

کافری مسلمان شود قضای روزه های گذشته واجب نیست. (9)

2- کسی که به واسطهء پیری نمی تواند روزه بگیرد و بعد از رمضان هم نمی تواند قضای آن را

انجام دهد. ولی اگر ثروزه گرفتن برایش دشوار است

باید برای هر روز

يك مدّ طعام به فقیر بدهد. (10)

روزهء قضای پدر و مادر پس از مرگ پدر

پسر بزرگ او باید نمازها و روزه های قضا شدهء او را به جا آورد و احتیاط مستحب است قضای

نماز و روزه های مادر را هم به جا آورد. (11)

1- العروة الوثقی

ج 2 ص 230 م 7 و تحریر الوسيله

ج 1 ص 298 م 4

2- توضیح المسائل

م 1698

3- توضیح المسائل

م 1684

4- توضیح المسائل

م 1685

5- توضیح المسائل

م 1665

6- توضیح المسائل

م 1687

7- استغاثات

ج 1 ص 331 س 84

8- همان

ص 332 س 87

9- توضیح المسائل

م 1695

10- توضیح المسائل

م 1725، 1726

11- این بحث به تفصیل در درس 33 گذشت .

470

روزهء مسافر

مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر

دو رکعت بخواند

نباید در آن سفر روزه بگیرد ولی باید قضای آن را به جا آورد و مسافری که نمازش را تمام می

خواند؛ مثل کسی که شغل او سفر است

باید در سفر روزه بگیرد. (1)

471

حکم روزهء مسافر

472

1- به سفر رفتن

-- قبل از ظهر به مسافرت می رود وقتی به حد ترخص رسید

باید روزه اش را باطل کند و اگر قبل از آن روزه را باطل کند

به احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

-- بعد از ظهر به مسافرت می رود روزه اش صحیح است و نباید آنرا باطل کند.

473

2- از سفر برگشتن

-- قبل از ظهر به وطن یا جایی که بنا دارد ده روز بماند برسد.

- کاری که روزه را باطل می کند

انجام نداده است : باید نیت روزه کردن و روزه آن روز را تمام کند و صحیح است .

- کاری که روزه را باطل کند انجام داده است

روزه آن روز بر او واجب نیست و باید قضا آن را به جا آورد.

-- بعد از ظهر پرسد روزه اش باطل است و باید قضا آن را به جا آورد. (2)

مسأله : مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد

ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است. (3)

1- توضیح المسائل

م 1714.

2- توضیح المسائل

م 1714، 1721، 1722، 1723

3- توضیح المسائل

م 1715

475

راههای ثابت شدن اول ماه

1- خود انسان ماه را ببیند.

2- عده ای که از گفته آنان یقین پیدا می شود بگویند ماه را دیده ایم و همچنین است هر چیزی که بواسطه آن یقین پیدا شود.

3- دو مرد عادل بگویند که در شب ماه را دیده ایم .

4- سی روز از اول شعبان بگذرد

اول رمضان ثابت می شود و سی روز از اول رمضان بگذرد اول شوال ثابت می شود.

5- حاکم شرع حکم کند که اول ماه است. (1)

476

چند مسأله

1- اول ماه با پیشگویی منجمان ثابت نمی شود ولی اگر انسان از گفته آنان یقین پیدا کند باید به آن عمل نماید. (2)

2- بلند بودن ماه یا دیر غروب کردن آن

دلیل نمی شود که شب پیش

شب اول ماه بوده است. (3)

3- اگر در شهری

اول ماه ثابت شود

برای مردم شهر دیگر فایده ندارد؛ مگر آن دو شهر به هم نزدیک باشند یا انسان بداند که افق آن ها یکی است. (4)

4- روزی را که انسان نمی داند آخر رمضان است یا اول شوال

باید روزه بگیرد

ولی اگر پیش از مغرب بفهمد که اول شوال است باید افطار کند. (5)

5- اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است

کسی هم که از او تقلید نمی کند باید به حکم او عمل کند ولی کسی که می داند حاکم شرع اشتباه کرده است نمی تواند به حکم او عمل کند. (6)

1- توضیح المسائل

م 1730

2- توضیح المسائل

م 1732

3- توضیح المسائل

م 1733

4- توضیح المسائل

م 1735

5- توضیح المسائل

م 1737

6- توضیح المسائل

م 1731

477

شرایط وجوب حج

حج یکی از وظایف مهم مسلمانان و اعمال حج

از بزرگترین واجبات سیاسی - عبادی اسلام است .

بر کسانی که شرایط وجوب آن را داشته باشند

در عمر يك بار واجب می شود.

478

شرایط وجوب حج

-- بالغ و عاقل و آزاد باشد.

-- برای انجام حج مجبور نشود کار واجبی که اهمیتش از حج بیشتر است ترك کند

یا کار حرامی که ترک آن

مهمتر از حج است مرتکب شود. (1)

-- مستطیع باشد و استطاعت اقسامی به این شرح دارد:

- مالی (به تفصیل خواهد آمد)

- بدنی (صحت و توانایی)

- طریقی (باز بودن و امنیت راه)

- زمانی (داشتن وقت کافی) (2)

479

میزان استطاعت مالی :

1- داشتن مخارج رفت و برگشت به حج

2- داشتن ضروریات زندگی

3- داشتن شغل یا ملك یا راه کسب دیگری که پس از برگشت مجبور نشود به سختی زندگی کند. (3)

1- مناسک حج

شرایط وجوب حجة الاسلام

ص 3

2- توضیح المسائل

م 2036 و تحریرالوسيله

ج 1 ص 372

3- تحریرالوسيله

ج 1 ص 372 و 373

481

اقسام حج

حج به تناسب موقعیت و محل زندگی مسلمان به سه دسته تقسیم می شود:

1- قران

2- افراد

3- تمتع

نوع اول و دوم

مخصوص اهالی مکه و اطراف آن

تا فاصله 16 فرسخ می باشد که احکام و شرایط آن در کتب مفصل فقهی آمده است . ولی حجاج

ایرانی و آنان که از بیرون مکه برای انجام حج می روند. باید نوع سوّم را انجام دهند و قبل از اعمال

حج باید <<عمرهء تمتع >> به جا آورند. (1)

1- تحریرالوسیلہ

ج 1 ص 403 کتاب الحج

القول فی اقسام الحج .

482

اعمال عمرهء و حج تمتع و سیر مکانی آن

اعمال عمرهء تمتع پنج تاست که با احرام آغاز می شود بدین ترتیب :

1- به میقات (1) (مثلاً مسجد شجره یا جُحْفَه) می روند برای احرام .

2- سپس عازم مسجدالحرام می شوند

برای انجام طواف و نماز طواف .

3- بعد از آن در مسیر بین صفا و مروه برای انجام سعی .

4- و آنگاه تقصیر می کنند و اعمال عمره تمام می شود (تقصیر مکان معینی ندارد). (2)

483

اعمال حج تمتع و سیر مکانی آن

اعمال حج تمتع سیزده تاست که بدین ترتیب انجام می شود.

1- در مکه مُحْرَم می شوند به احرام حج تمتع .

2- روز عرفه (9ذی حجه) به عرفات می روند برای وقوف در عرفات .

3- شب عید قربان به مشعرالحرام می روند برای وقوف در مشعر.

4- فردای آن شب (روز عید قربان) به مِنَا می روند برای رمی جمرهء عقبه و قربانی و حلق یا

تقصیر. بعد از سه عمل روز عید

در مِنَا می مانند برای بیتوته یا به مکه می روند برای اعمال بعد از مِنَا.

5- اگر حاجی به مکه رفت

به مسجد الحرام می رود برای طواف حج و نماز آن .

6- سپس به مسعی می رود برای انجام سعی بین صفا و مروه .

7- باز به مسجدالحرام بر می گردد برای طواف نساء و نماز آن .

8- پس از اتمام این اعمال

به مِنَا بر می گردد برای ماندن شبهای 1112در آنجا و رمی جمرات سه گانه در روزهای 1112ذی

حجه .

9- بعد از ظهر روز دوازدهم حجاج از مِنَا خارج می شوند و اعمال حج به پایان می رسد. کسانی که

تا کنون اعمال مکه (طواف حج

نماز طواف

سعی و طواف نساء) را انجام نداده اند
پس از برگشت به مکه آن اعمال را انجام می دهند. (3)

484

توضیح اعمال عمره و حج

485

احرام

مردان

باید تمام لباسهای دوخته را از تن در آورند و دو تکه لباس غیر دوخته بر تن کنند که یکی را مانند لنگ برآکمر می بندند و دیگر را بر شانه می اندازند و با نیتِ احرام می گویند: <<لَبَّيْ اللَّهُمَّ لَبَّيْ لَبَّيْ لَا شَرِيَّ لَنَا رَبِّي>> و احتیاط مستحب است پس از آن بگویند: <<إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لِلَّهِ وَالْمُلْ لَشَرِيٍّ لَنَا رَبِّي>> بانوان می توانند لباس دوخته بپوشند و بیرون آوردن آن ها و پوشیدن دو تکه پارچهء دوخته بر آن ها واجب نیست. پس بانوان هم نیت کرده و لبیک ها را می گویند. (4)

486

طواف

یکی از اعمال عمره و حج

طواف است

یعنی هفت مرتبه به دور کعبه گشتن. 1 طواف باید از مقابل گوشه ای از کعبه که <<حَجْرُ الْأَسْوَدِ>> در آن است آغاز و در همان جا به پایان برسد. 2 خانهء کعبه در حال طواف باید در طرف چپ طواف کننده باشد؛ بنابراین اگر در حال حرکت رو به کعبه باشد یا! عقب عقب برود
طواف باطل است. 3 طواف کننده باید به دور <<حَجْرِ اسْمَاعِيلَ>> فج هم بگردد
یعنی هنگام طواف داخل <<حَجْر>> نرود.
- حجر اسماعیل
فضایی است بین کعبه و نیم دایره ای به عرض حدود 10 متر که از زاویهء شمالی تا زاویهء غربی کعبه امتداد دارد
شهرگاه باران بر بام کعبه ببارد از ناودان رحمت در این فضا می ریزد
اینجا مدفن حضرت اسماعیل (ع) و مادرش هاجر و پیامبران بسیاری است.

4- طواف کننده باید با طهارت طواف کند؛ یعنی با وضو باشد و غسلی بر عهده او نباشد و نیز بدن و لباس وی پاک

باشد

همانگونه که نماز می خواند.(در بین اعمال عمره و حج
تنها طواف و نماز طواف
باید با طهارت باشد).(5)

488

نماز طواف

1 پس از انجام طواف

باید دو رکعت نماز

به نیت نماز طواف بخواند.2 نماز طواف مانند نماز صبح است

ولی اذان و اقامه ندارد و مردان می توانند حمد و سوره را بلند یا آهسته بخواند ولی بانوان در

صورتی که نامحرم صدایشان را می شنود

باید آهسته بخوانند.3 نماز طواف را باید در مسجدالحرام

نزد مقام ابراهیم (ع)

بخواند و بنا بر احتیاط واجب باید پشت مقام به جا(6).

آورد به طور که سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه واقع شود.(7)

489

سعی

1 پس از انجام نماز طواف

باید هفت مرتبه فاصله بین <<صفا>> و <<مروه>> را که امروزه به صورت سالی ساخته شده

(و کنار مسجدالحرام قرار دارد ببیند).2 سعی باید از <<صفا>> آغاز و به <<مروه>> ختم شود.3

پیمودن فاصله <<صفا>> تا <<مروه>> یک مرتبه و برگشتن از <<مروه>> به <<صفا>>

مرتبه دوم به حساب می آید

بنابراین 6ین هفت شَوَط سعی بر <<مروه>> ختم می شود.(8)

490

تقصیر

در عمره تمتع

پس از سعی باید <<تقصیر>> کند

یعنی مقداری از ناخن یا موی سر یا صورت خود را بچیند و در عمره ۴مفرد مردان می توانند به جای تقصیر سر بتراشند. (9)

491

وقوف در عرفات

حاجیان باید از ظهر روز نهم ذی حجه تا مغرب همان روز در عرفات بمانند و از آنجا خارج نشوند. (10)

492

وقوف در مشعر الحرام

1 بعد از مغرب روز نهم ذی حجه (شب عید قربان) حاجیان از عرفات خارج می شوند و برای انجام عملی دیگر از اعمال حج به طرف مشعرالحرام حرکت می کنند. 2 بنابر احتیاط واجب باید شب دهم را تا اذان صبح برای اطاعت امر الهی در مشعر بمانند و از اذان صبح نیت <<وقوف در مشعرالحرام کنند و تا طلوع آفتاب در آنجا بمانند. 3 در عرفات و مشعر بجز ماندن در آنجا کار دیگری واجب نیست گرچه مستحبات بسیاری دارد. (11)

493

اعمال روز عید قربان

پس از طلوع آفتاب روز دهم ذی حجه (عید قربان) حجاج برای انجام بقیه اعمال حج از مشعرالحرام بیرون آمده روانه منی می شوند. اعمال روز عید در منی عبارت است از: رمی جمره عقبه قربانی تراشیدن سر یا تقصیر. (12)

رمی جمره عقبه

وقتی که حجاج از مشعرالحرام به منی وارد می شوند در آخر وادی سه ستون سنگی وجود دارد که اولین آن هاخ <<جرمه اولی >> و دومین آنها جمره وسطی و سومی را جمره عقبه می نامند

اولین کار واجب در روز عید قربان زدن ۷فت عدد سنگ به جمره عقبه است (13)

قربانی

پس از سنگ زدن به جمره عقبه

مجاج برای انجام یکی دیگر از واجبات حج به قربانگاه می روند و يك شتر

یا 1 او

یا گوسفند

قربانی می کنند. (14)

حلق و تقصیر

1 پس از قربانی

حاجی باید سر بتراشد (حلق) یا مقداری از ناخن و موی خود را بچیند (تقصیر). 2 کسانی که سال اول حج آنهاست

بنابر احتیاط واجب باید سر بتراشد و تقصیر کفایت نمی کند

ولی افرادی که آبار اول آنها نیست می توانند تقصیر کنند یا سر بتراشند (15)

بیتوته در منی

1 یکی دیگر از واجبات حج بیتوته (ماندن در شب) به منی است. 2 حاجیان باید شب یازدهم ذی حجه و شب دوازدهم را از غروب آفتاب تا نیمه شب

با قصد قربت در منی باشند. (16)

رمی جمرات

1 در روز یازدهم و دوازدهم ذی حجه حجاج باید به هر يك از سه ستون هفت عدد سنگ بزنند. 2 ترتیب رمی جمرات بدین گونه است ابتدا به جمره اولی . سپس به <<وسطی>> و بعد از آن به <<جمره عقبه>>. (17)

494

طواف نساء و نماز آن

1 یکی از اعمال عمره مفرده و حج

طواف نساء و نماز آن است. 2 طواف نساء و نماز آن اختصاص به مردان ندارد

بلکه بر تمام کسانی که عمره مفرده یا حج به جا می آورند واجب است. 3 پس از انجام طواف نساء و نماز آن

زن و مردی که به سبب احرام بر یکدیگر حرام شده بودند

حلال می شوند. (18)

1- <<میقات>> مکانی است که برای احرام مشخص شده است و آن پنج محل است :

<<مسجد شجره>> <<حجفه>> <<وادی عقیق>> <<قرن المنازل>> و <<یلملم>>.

2- تحریرالوسیله

ج 1 کتاب الحج القول فی صورة الحج المتمتع اجمالاً.

3- تحریرالوسیله

ج 1 کتاب الحج

القول فى صورة الحج التمتع اجمالاً.

4- تحريرالوسيله

ج 1 ص 413القول فى كيفية الاحرام .

5- تحريرالوسيله

ج 1 ص 430 القول فى واجبات الطواف .

6- مقام ابراهيم : سنگى است كه حضرت ابراهيم (ع) هنگام ساختن كعبه زير پاى خود

مى گذاشته و اثر پاى آن حضرت بر سنگ مانده باست و اکنون در مسجدالحرام

نزديك كعبه در يك محفظه بلورين نگهدارى مى شود.

7- تحريرالوسيله

ج 1 ص 436 القول فى صلاة الطواف .

8- تحريرالوسيله

ج 1 ص 437 القول فى السعى .

9- تحريرالوسيله

ج 1 ص 439 القول فى التقصير.

10- تحريرالوسيله

ج 1 ص 440 القلول فى الوقوف بعرفات .

11- تحريرالوسيله

ج 1 ص 441 القول فى الوقوف بالمشعرالحرام .

12- تحريرالوسيله

ج 1 ص 444القول فى واجبات منى .

13- همان .

14- همان ص 446

15- همان . ص 450

16- همان ص 454

17- همان 454 القول فى رمى الجمار الثلاث .

18- همان

ص 451 و 453

495

مُحَرَّمَاتِ احِرَام

فرد زائر پس از پوشیدن لباس احرام و نیت و گفتن لبیک

مُحَرَّم مى باشد و در مدت احرام باید از کارهایی که بر مُحَرَّم حرام است پرهیز کند. مجموع کارهای

حرام بیست و چهارتاست که چهارتای آن فقط بر مردان و دوتای آن بر بانوان و بقیه آن ها

هم بر مرد مُحَرَّم حرام است و هم بر زن مُحَرَّم .

496

محرمات مشترك بين زن و مرد:

- 1- شكار حيوان صحرايى .
- 2- آميزش يا هرگونه استفاده شهوانى ديگر.
- 3- عقد كردن
- 4- استمنا
- 5- استعمال عطريات (گرفتن بينى از بوى بد نيز حرام است).
- 6- سرمه كشيدن .
- 7- نگاه كردن در آينه .
- 8- فسوق (دروغ گفتن و فحش دادن و فخرفروشى).
- 9- جدال (گفتن <<لا و الله و >> بلى و الله >>).
- 10- كشتن جانورانى كه در بدن ساكن مى شوند.
- 11- انگشتر به دست كردن براى زينت .
- 12- روغن ماليدن به بدن .
- 13- زدودن مو از بدن .
- 14- بيرون آوردن خون از بدن .
- 15- ناخن گرفتن .
- 16- كندن دندان 17 كندن درخت يا گياهمى كه در محدودهء محرم (1) روييده باشد.
- 18 سلاح به تن داشتن . (2)

497

آنچه فقط بر مردان حرام است :

- 1- پوشيدن جامهء دوخته .
- 2- پوشيدن چيزى كه تمام روى پا را بگيريد.
- 3- پوشاندن سر.
- 4- سايه قرار دادن بالاى سر.(3) در حال حركت بين دو منزل ; مثلاً از ميّات تا مكه .

498

آنچه بر زنان محرم حرام است

- پوشيدن زيور براى زينت . 2 پوشاندن روى خود با نقاف و روبند.(4)
- 1- شهر مكه و قسمتى از اطراف آن كه حدود معينى دارد <<حرم >> است كه داراى احكام خاصى مى باشد.

- 2- تحریرالوسیلہ
- ج 1 کتاب الحج
- القول تروك الاحرام .
- 3- همان .
- 4- همان .

500

اعمال عمرهء مفرده

در طول سال کسانی که به مکه مشرف می شوند و حج بر آن ها واجب نیست و قصد انجام آن را ندارند یا وقت حج نیست

باید عمرهء مفرده را انجام دهند که اعمال آن عبارت است از:

- 1- احرام
- 2- طواف
- 3- نماز طواف
- 4- سعی
- 5- تقصیر یا حلق
- 6- طواف نساء
- 7- نماز طواف نساء(1)

1- تحریرالوسیلہ

ج 1 القول فی صورة حج التمتع اجمالاً

م 9

501

محرم و نامحرم

محرم کسی است که در نگاه به او و نگاه او محدودیتی که نسبت به سایر افراد هست نیم باشد. و ازدواج با او حرام است
بجز شوهر و همسر که خود با ازدواج محرم می شوند.

502

اسباب محرمیت :

- 1- نسب - همزاد بودن
- 2- سبب - ازدواج

3- رضاع - شیر دادن

503

محارم نسبی

هفت دسته از زنها و مردها به سبب خویشاوندی بر یکدیگر محرمند و نمی توانند با هم ازدواج کنند:

- 1- مادر و مادر بزرگ .
- 2- دختر و دختر فرزند.
- 3- خواهر.
- 4- خواهرزاده (دختر خواهر).
- 5- برادر زاده (دختر برادر).
- 6- عمه (عمه خودش به عمه پدر و مادرش).
- 7- خاله (خاله خودش و خاله پدر و مادرش).

504

دو مسأله :

- 1- عمه عمه و خاله خاله در صورتی که عمه و خاله پدر یا مادر نباشند محرم نیستند ; مثل این که عمه انسان با پدر روی فقط از طریق مادر منسوب باشد که در این صورت عمه عمه عمه پدر نمی باشد(1).
- 2- بجز افرادی که نوشته شد و برخی افراد دیگر که به سبب شیر خوردن محرم می شوند زنها و دخترهای دیگر نامحرمند حتی همسر برادر و خواهر همسر
گر چه ازدواج با خواهر زن تا مدتی که خواهرش همسر اوست حرام می باشد یعنی ازدواج با دو خواهر جایز نیست مگر آنکه اولی را طلاق بدهد یا از دنیا برود(2).

505

افرادی که بر دخترها و زنان محرمند:

- 1- پدر و پدر بزرگ .
- 2- پسر و پسر فرزند (نوه).
- 3- برادر.
- 4- خواهرزاده (پسر خواهر).

5- برادر زاده (پسر برادر).

6- عمو (عموی خودش و عموی پدر و مادرش).

7- دایی (دایی خودش و دایی پدر و مادرش). (3)

506

محارم سببی

افرادی که به واسطه ازدواج بر پسرها و مردها محرم می شوند عبارتند از:

1- همسر

2- مادر همسر و مادر بزرگ او.

3- دختر همسر

هر چند دختر خودش نباشد. (در صورتی که با آن زن همبستر شده باشد و عقد تنها سبب محرمیت نمی شود.)

4- زن پدر (نامادری).

5- زن پسر (عروس) (4)

افرادی که به واسطه ازدواج بر دخترها و زنها محرم می شوند عبارتند از:

1- شوهر.

2- پدر شوهر و پدر بزرگ او.

3- پسر شوهر

هر چند فرزند خودش نباشد و نوه او.

4- شوهر مادر (به شرط آن که با هم آمیزش کرده باشند).

5- شوهر دختر (داماد) (5)

به جز این افراد و برخی که به سبب شیر خوردن محرم می شوند

دیگر مردها نامحرمند

حتی شوهر خواهر و برادر شوهر. (6) ولی همچنانکه گذشت ازدواج با شوهر خواهر حرام است .

507

محارم رضاعی

اگر کودکی با شرایطی که خواهد آمد

از زنی شیر بخورد

موجب محرمیت برخی افراد می شود.

شرایط شیر دادنی که سبب محرمیت می شود:

كودك

شیر زن زنده را بخورد.

شیر آن زن از حرام نباشد (شیر مادری که از زنا حامله شده فایده ندارد).

كودك شیر

را از پستان بمکد (اگر بدوشند و به او بدهند فایده ندارد).

شیر خالص باشد (با چیزی مخلوط نکرده باشند).

دو سال بچه تمام نشده باشد (یعنی 24 ماه قمری).

شیر از يك شوهر باشد (زنی که از شیر خود کودکی را چند مرتبه شیر دهد

بعد شوهر دیگری اختیار کند و از آن شوهر نیز شیردار شود و شیردادن را تکمیل کند

اینگونه شیردادن سبب محرمیت نمی شود).

كودك

به سبب بیماری شیر راقی نکند.

حداقل يك شبانه روز شیر سیر بخورد و در بین آن

غذا یا شیر زن دیگری را نخورد

یا 15 مرتبه شیر بخورد و در بین 15 مرتبه شیر زن دیگری را نخورد. یا مقداری شیر بخورد که

باعث رویش گوشت و محکم شدن استخوان كودك شود. (7)

اگر کودکی که شیر خورده

پسر باشد با این افراد محرم می شود:

1- زنی که به او شیر داده .

2- مادر و مادر بزرگ آن زنی .

3- خواهران آن زنی

4- دختران و نوه های او

5- عمه و خالهء آن زن

و شوهر آن زن که از او شیردار شده نیز پدر رضاعی این كودك به حساب می آید.

و اگر کودکی که شیر خورده

دختر باشد

با این افراد محرم می شود:

1- شوهر زنی که كودك را شیر داده و شیر از اوست .

2- پدر آن شوهر

3- پسرها و نوه های او

4- برادران او

5- عمو و دایی او

6- برادران آن زن که او را شیر داده است

7- فرزندان و نوه های آن زن

8- پدر و پدربزرگ او

9- عمو و دانی او

و زنی که به او شیر داده مادر رضاعی او به حساب می آید

508

افرادی که گفته شد تنها به کودکی که شیر خورده است محرم می شوند

نه با خویشاوندان او

حتی به پدر و برادران وی هم محرم نمی شوند(8).

509

محارم سببی

افرادی که به واسطه ازدواج بر پسرها و مردها محرم می شوند عبارتند از:

1- همسر

2- مادر همسر و مادر بزرگ او.

3- دختر همسر

هر چند دختر خودش نباشد. (در صورتی که با آن زن همبستر شده باشد و عقد تنها سبب محرمیت نمی شود.)

4- زن پدر (نامادری).

5- زن پسر (عروس). (9)

افرادی که به واسطه ازدواج بر دخترها و زنها محرم می شوند عبارتند از:

1- شوهر.

2- پدر شوهر و پدر بزرگ او.

3- پسر شوهر

هر چندفرزند خودش نباشد و نوه او.

4- شوهر مادر (به شرط آن که با هم آمیزش کرده باشند).

5- شوهر دختر(داماد)(10)

به جز این افراد و برخی که به سبب شیر خوردن محرم می شوند

دیگر مردها نامحرمند

حتی شوهر خواهر و برادر شوهر.<<] ولی همچنانکه گذشت ازدواج با(11) شوهر خواهر حرام است

510

محارم رضاعی

اگر کودکی با شرایطی که خواهد آمد

از زنی شیر بخورد

موجب محرمیت برخی افراد می شود.

شرایط شیر دادنی که سبب محرمیت می شود:

كودك

شیر زن زنده را بخورد.

شیر آن زن از حرام نباشد (شیر مادری که از زنا حامله شده فایده ندارد).

كودك شیر

را از پستان بمکد (اگر بدوشند و به او بدهند فایده ندارد).

شیر خالص باشد (با چیزی مخلوط نکرده باشند).

دو سال بچه تمام نشده باشد (یعنی 24 ماه قمری).

شیر از يك شوهر باشد (زنی که از شیر خود کودکی را چند مرتبه شیر دهد

بعد شوهر دیگری اختیار کند و از آن شوهر نیز شیردار شود و شیردادن را تکمیل کند

اینگونه شیردادن سبب محرمیت نمی شود).

كودك

به سبب بیماری شیر راقی نکند.

حداقل يك شبانه روز شیر سیر بخورد و در بین آن

غذا یا شیر زن دیگری را نخورد

یا 15 مرتبه شیر بخورد و در بین 15 مرتبه شیر زن دیگری را نخورد. یا مقداری شیر بخورد که

باعث رویش گوشت و محکم شدن استخوان كودك شود.(12)

اگر کودکی که شیر خورده

پسر باشد با این افراد محرم می شود:

1- زنی که به او شیر داده .

2- مادر و مادر بزرگ آن زنی .

3- خواهران آن زنی

4- دختران و نوه های او

5- عمه و خالهء آن زن

و شوهر آن زن که از او شیردار شده نیز پدر رضاعی این کودک به حساب می آید. و اگر کودکی که شیر خورده

دختر باشد

با این افراد محرم می شود:

1- شوهر زنی که کودک را شیر داده و شیر از اوست .

2- پدر آن شوهر

3- پسرها و نوه های او

4- برادران او

5- عمو و دایی او

511

6- برادران آن زن که او را شیر داده است 7- فرزندان و نوه های آن زن 8- پدر و پدربزرگ او 9- عمو و دایی او و زنی که به او شیر داده مادر رضاعی او به حساب می آید افرادی که گفته شد تنها به کودکی که شیر خورده است محرم می شوند

نه باب خویشاوندان او

حتی به پدر و برادران وی هم محرم نمی شوند. (13)

1 - تحریر الوسيله

ج 2 كتاب النكاح

ص 263- 264

2 - همان

ص 280 م 15

3 - تحریر الوسيله

ج 2 ص 263- 264 كتاب النكاح .

4 - تحریر الوسيله

ج 2 ص 277 م 1

5 - همان

ص 277 م 1

6 - تحریر الوسيله

ج 2 ص 280 م 15

7 - تحریر الوسيله

ج 2 ص 265 و توضیح المسائل

م 2474

8 - تحرير الوسيله

ج 2 ص 268 م 7

9 - تحرير الوسيله

ج 2 ص 277 م 1

10 - همان

ص 277 م 1

11 - تحرير الوسيله

ج 2 ص 280 م 15

12 - تحرير الوسيله

ج 2 ص 265 و توضيح المسائل

م 2474

13 - تحرير الوسيله

ج 2 ص 268 م 7

513

نگاه کردن

یکی از نعمت های الهی

قدرت بینایی است

انسان باید از این نعمت بزرگ در راه کمال و ترقی خود و همنوعان استفاده کند و آن را از نگاه به نامحرمان باز دارد

گرچه نگاه به طبیعت و زیبایی های آن

اگر تجاوز به حقوق دیگران نباشد

اشکال ندارد

ولی حفظ دیده از نگاه به دیگران و حفظ خود از نگاه نامحرمان

احکام خاصی دارد که در این بخش به برخی از آنها می پردازیم :

1- زن و شوهر به تمام بدن یکدیگر می توانند نگاه کنند

هر چند برای لذت بردن باشد. (1)

2- بجز زن و شوهر

نگاه کردن هر فرد انسانی به فرد دیگر

اگر برای لذت بردن باشد حرام است

خواه همجنس باشد مانند نگاه مرد به مرد دیگو و یا غیر همجنس مانند نگاه مرد به زن

و خواه از محارم باشد و یا غیر محارم و هر جای بدن باشد همین حکم را دارد. (2)

514

حکم نگاه :

515

1- به محارم

-- همسر - مانع ندارد

-- غیر همسر

1- با قصد لذت - حرام

2- بدون قصد لذت - به غیر عورتین مانع ندارد.

516

2- به غیر محارم :

1- با قصد لذت - حرام

2- بدون قصد لذت:

1- به صورت و دستها - مانع ندارد.

2- به غیر صورت و دستها(*) - حرام. (3)

3- مرد برای معالجه زن نامحرم و زن برای معالجه مرد نامحرم

در صورتی که پزشك همجنس نباشد و ناچار باشد او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد

ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه

کند نباید او را نگاه کند. (4)

4- نگاه کردن به زن غیر مسلمان

بدون قصد لذت اشکال ندارد و احتیاط آن است که به جاهایی از بدن که به طور متعارف نمی پوشانند

اکتفا شود (5).

5- مردی که تصمیم دارد با زنی ازدواج کند می تواند به او نگاه کند به شرط آن که :

فا قصد لذت نگاه نکند و هدف او ازدواج باشد.

احتمال توافق ازدواج را بدهد.

زنی باشد که اکنون بتواند با او ازدواج کند ; مثلا شوهرداریا در عده نباشد. با نگاه کردن شناختش

نسبت به وی افزوده شود.

با شرایطی که گذشت

مرد می تواند به تمام بدن زن مورد خواستگاری بجز عورت نگاه کند

گر چه احتیاط مستحب آن است که تنها به صورت و دستها و نیکونیهای او اکتفا کند و همچنین

مستحب است پشت لباس نازك نگاه کند.(6)

6- لمس بدن نامحرم حرام است حتی لمس دست و صورت

بدون قصد لذت . بث(7)

7- زن و مرد نامحرم نمی توانند به هم دست بدهند (مصافحه کنند) مگر از زیر لباس

که در آن صورت هم بنا بر احتیاط واجب نباید دست یکدیگر را بفشزند.(8)

517

استفتاء

س - در حال نگاه کردن به فیلمهای تلویزیونی که گاهی زنهای بی حجاب نیز دارد و گوش دادن به صدای نازی که نواخته می شود

چه صورت دارد ؟

ج - نظر به فیلم اجنبیه که صاحبش را نمی شناسد و ریبه و فساد در آن نیست اشکال ندارد و

موسیقی مطرب

حرام است و صداهای مشکوک اشکال ندارد.(9)

1- تحریر الوسيله

ج 2 ص 243 تا 15 تا 19

(*). - به فتوای برخی از مراجع معظم تقلید

نگاه کردن به زن به موی سر و گردن مرد نامحرم به مقداری که به طور متعارف نمی

پوشانند

بدون قصد لذت اشکال ندارد.

2- همان .

3- تحریر الوسيله

ج 2 ص 242 تا 243 م 15 تا 19

4- همان

م 22; توضیح المسائل

م 2441

5- تحریر الوسيله

ج 2 ص 244 م 27

6- تحریر الوسيله

ج 2 ص 245 م 28

7- تحریر الوسيله

ج 2 ص 243 م 20

8- همان .

9- استفتائات

518

پوشش

- 1- بر زن واجب است تمام بدن خود را از نامحرم بپوشاند. ولی پوشاندن صورت به مقاری که در وضو شسته می شود و دستها تا مچ واجب نیست. (1)
- 2- اگر زن بفهمد که زنی یا مرد محرمی (بجز همسر) با قصد لذت به او نگاه می کند باید تمام بدن را از او بپوشاند. (2)
- 3- انسان باید عورتین خود را از تمام افراد بجز همسر بپوشاند. (3)
- 4- بچهء غیر ممیز از احکامی که در باب نگاه کردن و پوشش بیان شد خارج است ولی احتیاط واجب آن است که زن بدن و موی خود را از پسری که بالغ نشده ولی خوب و بد را می فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است بپوشاند. (4).

1 - تحریر الوسيله

ج 2 ص 244 م 23

2 - همان

م 24

3 - همان . م 25

4 - همان

م 26

520

حکم ازدواج و صفات همسر

- کسی که به واسطه نداشتن همسر به حرام می افتد
مثلا به نامحرم نگاه می کند
واجب است ازدواج کند. (1)

521

همسر شایسته

- سزوار است که انسان به صفات کسی که می خواهد با ازدواج کند توجه داشته باشد و تنها به زیبایی و مال اکتفا نشود.
برخی از صفات همسر شایسته از نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عبارتند از:
با محبت باشد.
عقیف و پاکدامن باشد.

در میان خانواده خود عزیز باشد.
نسبت به شوهرش متواضع باشد.
تنها برای شوهر خود زینت و آرایش کند.
از شوهر خود اطاعت کند.(2)
صیغه ازدواج در کتب مفصل فقهی آمده است .

522

همسر ناشایسته

برخی از صفات همسر ناشایسته در روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
چنین آمده است :
در میان خانواده خود خوار باشد.
حسود و کینه توز.
بی تقوا.
برای دیگران آرایش کند.
از شوهر اطاعت نکند.(3)

523

عقد ازدواج

1- در ازدواج باید صیغه مخصوص آن خوانده شود و تنها راضی بودن دختر و پسر و علاقه داشتن
کافی نیست
بنابراین
خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج خوانده نشده
سبب محرم شدن نیست و با سایر زنان نامحرم تفاوتی ندارد(4).<<
2- اگر يك حرف از عقد ازدواج غلط خوانده شود که معنای آن عوض شود عقد باطل است .(5)

524

حکم کلی

ازدواج با تمام افرادی که محرم انسان هستند - چه به نسب یا ازدواج یا شیر خوردن حرام است .(6)

1 - توضیح المسائل

م 2443

2 - تحریر الوسيله

ج

ص 237

3 - همان .

4 - توضیح المسائل

م 2363

5 - توضیح المسائل

م 2371

6 - همان

فصل فی اسباب التحريم

ص 262

525

عقیقه

1- عقیقه

گوسفند یا حیوان دیگری است که روزهای نخست تولد نوزاد برای او قربانی می کنند.

2- مستحب است برای پسر

حیوان نر و برای دختر

حیوان ماده عقیقه کنند.

3- مستحب است عقیقه را روز هفتم انجام دهند و اگر از روز هفتم تأخیر افتاد

همچنان مستحب است حتی اگر فرزند بالغ شد

مستحب است که برای خودش عقیقه کند.

4- حیوانهایی که می توان عقیقه کرد:

گوسفند

گاو

شتر

همان حیوانهایی که می توان در حج قربانی کرد و همانها که از متعلقات زکات و کفارهء مرحمات احرام زکات است .

5- صدقه دادن پول حیوان به جای عقیقه کافی نیست و جای آن را نمی گیرد.

6- مستحب است

پاچه و ران عقیقه را به <<ماما>> بدهند. (1)

7- در عقیقه مخیرند بین انیکه گوشت خام یا پخته شده را تقسیم کنند

یا بپزند

و عده ای از مؤمنین - حداقل ده نفر - را دعوت کنند و به آنها غذا بدهند. (2)

1 - تحرير الوسله

ح 2 كتاب النكاح

فى استحباب العقيقه

ص 311 م .

2 - همان

م 10

527

طلاق

طلاق در لغت به معنای آزاد کردن و در اصطلاح فقهی به معنای جدایی زن و شوهر از یکدیگر با شرایط آن می باشد.

اسلام برای ازدواج برقراری بنیان خانواده و دوان آن اهمیت بسیار زیادی قابل شده است و برای آن که از طلاقهای بی مورد جلوگیری شود سفارشهای بسیاری درباره دقت در انتخاب همسر در آغاز و خوشرفتاری زن و شوهر در طول زندگی کرده است . و بعد از آن مراحل اگر بر اثر برخی موانع و مشکلات چاره ای نیز اجرای طلاق نبود شرایط سنگینی قرار داده است تا حتی المقدور طلاق کمتر واقع شود و کانون گرم خانواده با اندک کدورت و ناراحتی به هم نخورد.

528

شرایط طلاق

1- مردی که زن خود را طلاق می دهد باید:

عاقل و بنابر احتیاط واجب بالغ باشد.

به اختیار خود طلاق دهد

او را بر طلاق مجبور نکرده باشند.

قصد طلاق داشته باشد

به شوخی صیغهء طلاق را نگوید.

2- زن

در وقت طلاق باید: از حیض و نفاس پاک باشد.

شوهرش در مدتی که از آخرین خون (حیض یا نفاس) پاک شده یا در مدت حیض یا نفاس که پیش از این پاک بود با او آمیزش نکرده باشد.
 همسر دائمی شوهرش باشد.
 در ازدواج موقت طلاق نیست و جدا شدن زن و شوهر به تمام شدن مدت عقد است یا این که مرد مدت را به او ببخشد
 به این ترتیب که بگوید: مدت را به تو بخشیدم
 و شاهد گرفتن و پاک بودن از حیض لازم نیست. (1)
 و اما صیغه طلاق:
 باید به عربی صحیح خوانده شود.
 هنگام اجرای آن دو مرد عادل حاضر باشند و صیغه طلاق را بشنوند.

529

اقسام طلاق

طلاق بر دو نوع است: رجعی و بائن.

طلاق رجعی

آن است که بعد از طلاق تا مدت معینی که زن در عده است مرد می تواند به او رجوع کند؛ یعنی بدون خواندن عقد مجدد او را به همسری قبول کند.

طلاق بائن

آن است که بعد از طلاق مرد حق ندارد به زن خود رجوع کند. در شش صورت اگر زنی را طلاق دهند بائن است:

1- زنی که نه سالش تمام نشده باشد.

2- زنی که یائسه باشد.

3- زنی که شوهرش بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد.

4- زنی که او را سه مرتبه طلاق داده باشند.

5- زنی که به ادامه زندگی با شوهر مایل نیست و با بخشیدن مهر خود یا مال دیگری به شوهرش از او تقاضای طلاق می کند که به این طلاق <<خلع>> گفته می شود.

6- زنی که به سبب بی میلی هر دو به ادامه همسری طلاق داده می شود و زن مالی به مرد بدهد که او را طلاق بدهد

به این طلاق <<مبارات>> گفته می شود. (2)

530

عدهء طلاق

<<عده>> مدت زمانی است که زن

پس از جدایی از همسر خود

نمی تواند شوهر کند.

زنی که طلاق داده شده اگر دارای شرایطی که خواهد آمد باشد

نگهداشتن عده بر او واجب است :

نه سالش تمام شده باشد.

یائسه نباشد.

شوهرش با او آمیزش کرده باشد.

مدت عده

الف - اگر زن حامله است تا به دنیا آمدن یا سقط شدن کودک باید صبر کند

پس اگر يك ساعت پس از طلاق

بچه به دنیا بیاید

عده تمام می شود.

ب - اگر حامله نیست ولی حیض می بیند تا ابتدای حیض سوم باید عده نگه دارد

یعنی پس از آن که دوبار حیض دید و پاک شد

همین که حیض سوم را ببیند

عدهء او تمام می شود.

ج - و اگر حامله نیست و یائسه هم نیست ولی خون حیض نمی بیند

باید تا سه ماه صبر کند.(3)

531

عدهء وفات

چون عدهء طلاق به تناسب بحث مطرح شد

بجاست عدهء زنی که شوهرش از دنیا رفته نیز در اینجا آورده شود.

مدت عدهء وفات

آبستن نیست - چهار ماه و ده روز.

آبستن است - تا موقع زاییدن

ولی اگر وضع حمل

قبل از چهار ماه و ده روز اتفاق افتاد

باید تا چهار ماه و ده روز پس از وفات شوهر صبر کند.(4)

532

چند مسأله :

- 1- زنی که در عدهء وفات است این کارها بر او حرام است : ازدواج (چه دائم و چه موقت)
پوشیدن لباسهای زنگارنگ سرمه کشیدن و هر کاری که زینت حساب شود.(5)
- 2- ابتدای عدهء وفات از موقعی است که زن از مرگ شوهر خود مطلع می شود.(6)
- 3- زنی که شوهرش گم شده
اگر بخواهد به دیگری شوهر کند
باید نزد مجتهد عادل برود و به دستور او عمل کند.(7)

533

اقسام طلاق

طلاق بر دو نوع است : رجعی و بائن .

طلاق رجعی

آن است که بعد از طلاق تا مدت معینی که زن در عده است مرد می تواند به او رجوع کند ; یعنی بدون خواندن عقد مجدد او را به همسری قبول کند.

طلاق بائن

آن است که بعد از طلاق مرد حق ندارد به زن خود رجوع کند. در شش صورت اگر زنی را طلاق دهند بائن است :

- 1- زنی که نه سالش تمام نشده باشد.
- 2- زنی که یائسه باشد.
- 3- زنی که شوهرش بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد.
- 4- زنی که او را سه مرتبه طلاق داده باشند.
- 5- زنی که به ادامه زندگی با شوهر مایل نیست و با بخشیدن مهر خود یا مال دیگری به شوهرش از او تقاضای طلاق می کند که به این طلاق <<خلع>> گفته می شود.
- 6- زنی که به سبب بی میلی هر دو به ادامهء همسری طلاق داده می شود و زن مالی به مرد بدهد که او را طلاق بدهد
به این طلاق <<مبارات>> گفته می شود.(8)

534

عدهء طلاق

<<عده>> مدت زمانی است که زن

پس از جدایی از همسر خود

نمی تواند شوهر کند.

زنی که طلاق داده شده اگر دارای شرایطی که خواهد آمد باشد

نگهداشتن عده بر او واجب است :

نه سانش تمام شده باشد.

یائسه نباشد.

شوهرش با او آمیزش کرده باشد.

مدت عده

الف - اگر زن حامله است تا به دنیا آمدن یا سقط شدن کودک باید صبر کند

پس اگر يك ساعت پس از طلاق

بچه به دنیا بیاید

عده تمام می شود.

ب - اگر حامله نیست ولی حیض می بیند تا ابتدای حیض سوم باید عده نگه دارد

یعنی پس از آن که دوبار حیض دید و پاک شد

همین که حیض سوم را ببیند

عده او تمام می شود.

ج - و اگر حامله نیست و یائسه هم نیست ولی خون حیض نمی بیند

باید تا سه ماه صبر کند.(9)

535

عدهء وفات

چون عدهء طلاق به تناسب بحث مطرح شد

بجاست عدهء زنی که شوهرش از دنیا رفته نیز در اینجا آورده شود.

مدت عدهء وفات

آبستن نیست - چهار ماه و ده روز.

آبستن است - تا موقع زاییدن

ولی اگر وضع حمل

قبل از چهار ماه و ده روز اتفاق افتاد

باید تا چهار ماه و ده روز پس از وفات شوهر صبر کند.(10)

536

چند مسأله :

1- زنی که در عدهء وفات است این کارها بر او حرام است : ازدواج (چه دائم و چه موقت)

537

پوشیدن لباسهای زنگارنگ

سرمه کشیدن و هر کاری که زینت حساب شود.(11)

2- ابتدای عدهء وفات از موقعی است که زن از مرگ شوهر خود مطلع می شود.(12)

3- زنی که شوهرش گم شده

اگر بخواهد به دیگری شوهر کند

باید نزد مجتهد عادل برود و به دستور او عمل کند.(13)

1 - توضیح المسائل

م 2498 و 2499 و 2508; تحریر الوسيله

ج

2 کتاب الطلاق

ص 325 م 1 و ص 331 م

2 - توضیح المسائل

م 2522 و 2528 و 2531

3 - تحریر الوسيله

ج 2 ص 335 توضیح المسائل

م 2510 تا 2512 و 2514

4 - توضیح المسائل

م 2517

5 - توضیح المسائل

م 2518

6 - توضیح المسائل

م 2540

7 - توضیح المسائل

م 2520

8 - توضیح المسائل

م 2522 و 2528 و 2531

9 - تحریر الوسيله

ج 2 ص 335 توضیح المسائل

م 2510 تا 2512 و 2514

10 - توضیح المسائل

م 2517

11 - توضیح المسائل

م 2518

12 - توضیح المسائل

م 2540

13 - توضیح المسائل

م 2520

538

محتضرو وظیفهء دیگران نسبت به آن

539

محتضر

<<محتضر>> کسی است که در حال جان دادن می باشد.

540

وظیفهء دیگران نسبت به محتضر

واجب است : او را به پشن طوری بخوابانند که کف پاهای او به طرف قبله باشد.

541

مستحبات :

شهادتی و اقرار به دوازده امام علیه السلام و سایر عقاید حقه را بر او بخوانند به طوری که بفهمد.

آنچه که گفته شد تا وقت مرگ تکرار شود.

کسی که سخت جان یم دهد

اگر ناراحت نمی شود او را به جایی که نماز خوانده ببرند.

برای راحت شدن وی

بر بالین او سورهء <<یس>>

<<صافات>>

<<احزاب>>

<<آیت الکرسی>>. آیهء 54 سورهء اعراف <<ان ربکم الله...>> و سه آیه آخر سورهء بقره و هر

چه از قرآن ممکن است بخوانند.

دعاهایی که وارد شده است بر او بخوانند.

542

مکروهات :

تنها گذاشتن او
گذاشتن چیز سنگین بر شکم او
بودن جنب و زن حیض نزد او
زیاد حرف زدن نزد او
گریه کردن نزد او
تنها گذاشتن زنها نزد او(1)

543

مستحبات پس از مرگ

دهان و چشمان میت را بر هم بگذارند که باز نماند.
جانهء او را ببندند.
دست و پای او را داز کنند
پارچه ای روی او بیندازند.
اگر در شب فوت کرده
در محل فوت او چراغ روشن کنند.
برای تشییع جنازهء او مؤمنین را خبر کنند.
در دفن او عجله کنند
ولی اگر یقین به مردن او ندارند
باید صبر کنند تا معلوم شود و نیز اگر میت حامله باشد و بچه در شکم او زنده باشد
باید به قدری دفن را تأخیر اندازند که پهلوی چپ را بشکافند و طفل را بیرون آورند و پهلوی را
بدوزند(2).

544

واجبات پس از مرگ و غسل میت

غسل دادن .
حنوط کردن .
کفن کردن .
نماز خواندن بر او.
دفن(3) .

545

غسل میت

- 1- هرگاه مؤمنی از دنیا برود بر همهء مکلفین واجب است که او را غسل داده و کفن کنند و بر او نماز بخوانند و سپس دفن کنند و اگر بعضی انجام دهند از دیگران ساقط می شود(4).
- 2- واجب است میت را سه غسل بدهند:
اول : با آبی که به سدر مخلوط باشد.
دوم : با آبی که به کافور مخلوط باشد.
سوم : با آب خالص. (5)
- 3- کیفیت غسل میت با سایر غسلها تفاوتی - به جز در نیت - ندارد و احتیاط واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است میت را غسل ارتعاسی ندهند. (6)
- 4- سدر و کافور باید به اندازه ای زیاد نباشد که آب را مضاف کند و به اندازه ای هم کم نباشد که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است(7) .
- 5- اگر سدر و کافور یا یکی از یانها پیدا نشود باید به جای هر کدام که ممکن نیست میت را با آب خالص غسل بدهند. (8)

546

افرادی که باید غسل میت داد

- زن یا مرد مسلمان دوازده امامی .
بچهء مسلمان
هر چند از زنا به دنیا آمده باشد.
کسی که از کودکی دیوانه بوده دیوانه بوده و به حال دیوانگی بالغ شده در صورتی که پدر و مادر او یا یکی از آنها مسلمان باشد.
کودک سقط شدهء مسلمان
اگر چهار ماه یا بیشتر دارد(9).
- 7- غسل و کفن و دفن کافر و اولاد او جایز نیست. (10)
 - 8- برای غسل و کفن و نماز و دفن میت باید از ولی او اجازه گرفت. (11)
 - 9- ولی زن که در غسل و کفن و دفن او دخالت می کند شوهر اوست و بعا از او مردهایی که از میت ارث می برند مقدم بر زنهای ایشانند و هر کدام که در ارث بردن مقدم هستند در این امر نیز مقدمند. (12)

- شرایط کسی که میت را غسل می دهد

مسلمان دوازده امام باشد.

عاقل باشد.

بنا بر احتیاط واجب بالغ باشد.

اگر میت مرد است

مرد او را غسل دهد و اگر زن است

زن او را غسل دهد. (13)

11- زن می تواند شوهر خود را غسل دهد و شوهر هم می تواند زن خود را غسل دهد

گرچه احتیاط مستحب آن است که زن

شوهر خود و شوهر زن خود را غسل ندهد. (14)

12- مرد می تواند دختر بچه ای را که سن او از سه سال بیشتر نیست غسل دهد

زن هم می تواند پسر بچه ای را که سه سال بیشتر ندارد غسل دهد. (15)

13- نگاه کردن به عورت میت حرام است و کسی که میت را غسل می دهد

اگر نگاه کند معصیت کرده ولی غسل باطل نمی شود. (16)

14- جایز نیست برای غسل دادن میت مزد بگیرند

ولی مزد گرفتن برای کارهای مقدماتی غسل

حرام نیست. (17)

15- اگر آب نباشد

یا استعمال آن مانعی داشته باشد

باید عوض هر غسل

میت را يك تمیم بدهند. (18)

حنوط و کفن میت

1- بعد از غسل

واجب است میت را حنوط کنند ; یعنی به پیشانی و کف دستها

و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند.

2- مستحب است سر بینی میت هم کافور بمالند.

3- کافور باید ساییده و تازه باشد و اگر بواسطه کهنه بودن عطر آن از بین رفته

باشد کافی نیست. (19)

4- بهتر آن است که میت را پیش از کفن کردن حنوط نمایند
اگر چه در بین کفن
کردن و بعد از آن هم مانعی ندارد(20).

549

کفن میت

550

مقدار لازم در کفن میت :

1- لنگ

که باید از ناف تا زانو

اطراف بدن را بپوشاند و بهتر آن است که از سینه تا روی پا برسد.

2- پیراهن : بنابر احتیاط واجب باید از سر شانه تا نصف ساق پا
تمام بدن را بپوشاند.

3- سر تا سری : باید دارزی به قدری باشد که بست دو سر آن - از طرف سر و پای میت - ممکن باشد
و پهنای آن باید به اندازه ای باشد که يك طرف آن روی طرف دیگر بیاید.(21)

551

شرایط کفن میت

بنابر احتیاط واجب به قدری نازک بناشد که بدن میت از زیر آن پیدا باشد. مباح باشد
حتی اگر چیز مباحی هم پیدا نشود
کفن کردن میت با چیز غصبی جایز نیست .
پاک باشد.

از پوست مردار نباشد.

از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد.

پارچه ابریشمی خالص نباشد.

بنابر احتیاط واجب پارچهء طلا باف نیز نباشد.(22)

تمام شرایطی که گفته شد- جز مباح بودن کفن

مربوط به حال اختیار است و در حال ناچاری اشکال ندارد

مگر کفن غصبی که در حال اضطرار نیز جایز نمی باشد.(23)

552

نماز میت

553

نماز میت

پس از غسل و حنوط کردن میت

باید بر او نماز بخوانند و سپس او را دفن کنند. بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگویند: <<اشهد ان لا اله الا الله و ان محمد رسول الله >>. و بعد از تکبیر دوم بگویند: <<اللهم صل على محمد و آل محمد >>.

و بعد از تکبیر سوم بگویند: <<اللهم اغفر للمؤمنين و المؤمنات >>.

و بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگویند: <<اللهم اغفر لهذا الميت >> و اگر زن است بگویند: <<اللهم اغفر لهذه الميت >> و بعد از تکبیر پنجم را بگویند.

بهتر است نماز میت را به تفصیلی که در رساله های توضیح المسائل آمده است بخوانند گرچه این مقدار نیز کفایت می کند.

554

شرایط نماز میت

555

قصد قربت و اخلاص .

تعیین میت به طوری که ابهام برطرف شود ; مثلاً نیت کند نماز می خوانم بر میت حاضر
قربة الى الله .

رو به قبله بودن نمازگزار.

ایستاده خواندن (نشسته صحیح نیست) مگر آن که کسی که بتواند ایستاده بخواند نباشد.

میت را مقابل نمازگزار به پشت بخوابانند به طوری که سر او به طرف راست نمازگزار و پای او به طرف چپ باشد.

بین میت و نمازگزار

پرده و دیوار یا چیزی مانند اینها فاصله نشود

ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد اشکال ندارد.

نمازگزار از میت دور نباشد

اگر نماز میت به جماعت خوانده می شود و صفها متصل است دور بودن مأموم اشکال ندارد.

مکان نمازگزار از جای میت

بلندتر یا پایین تر نباشد ولی پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد.

نماز پس از غسل و حنوط و کفن باشد
مگر نماز بر شهید معرکه که این امور (غسل
حنوط و کفن) نسبت به او ساقط است.
عورت میت پوشیده باشد. (24)

556

احکام و آداب نماز میت

1- در نماز میت

- باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخوانند که نماز از صورت خود خارج نشود. (25)
- 2- نماز میت به جماعت نیز صحیح است ولی امام و مأوم هر دو باید تکبیرها و دعاها را بخوانند. (26)
- 3- کسی که نماز بر میت می خواند
لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمم باشد و بدن و لباسش پاک و مباح باشد
گرچه احتیاط مستحب آن است که تمام چیزهایی را که در نمازهای دیگر لازم است رعایت کند (27).
- 4- اگر میت وصیت کرده باشد که شخص معینی بر او نماز بخواند
احتیاط واجب آن است که آن شخص از ولی میت اجازه بگیرد و بنابر احتیاط واجب بر ولی هم واجب است که اجازه بدهد (28).
- 5- اگر بخواهند بر چند میت نماز بخوانند بهتر آن است که جدا جدا خوانده شود
هر چند خواندن يك نماز بر چند جنازه نیز مانع ندارد. (29)

557

مستحبات نماز میت

- 1- کسی که نماز بر میت می خواند با طهارت باشد.
- 2- اگر میت مرد است
امام جماعت یا کسی که فردا بر او نماز می خواند
مقابل وسط قامت او بایستد و اگر میت زن است
مقابل سینه اش بایستد.
- 3- پا برهنه نماز بخواند.
- 4- برای هر تکبیر دستها را بلند کند.
- 5- فاصلهء او با میت به قدری کم باشد که اگر باد لباسش را حرکت دهد به جنازه برسد.

6- نماز را به جماعت بخوانند.

7- امام جماعت

تکبیر و دعاها را بلند و مأمومین آهسته بخوانند.

8- مأموم پشت سر امام بایستد

نه در ردیف امام جماعت

هر چند مأموم يك نفر باشد.

9- نمازگزار برای میت و مؤمنان زیاد دعا کند.

10- پیش از نماز سه مرتبه بگوید <<الصلاة>>.

11- نماز را در جایی بخوانند که مردم برای نماز میت بیشتر به آنجا می روند.

12- زن حیض اگر در نماز جماعت میت شرکت کرده

در صفی تنها بایستد. (1) خواندن نماز میت در مساجد مکروه است

بجز مسجد الحرام. (2)

558

تشبیح جنازه و آداب آن

فضیلت و ثواب تشبیح جنازه بسیار زیاد است . در روایت آمده است

کسی که در تشبیح جنازه شرکت می کند تا وقتی که بر می گردد

برای هر قدمی که بر می دارد يك میلیون (هزار هزار) حسنه نشوته می شود و يك میلیون گناه

بخشیده می شود و يك میلیون درجه بر درجات او افزوده می گردد و برای تشبیح جنازه آدابی است که

برخی از آنها را در اینجا می آوریم :

559

مستحبات

1- هنگام حمل جنازه بگویند: <<بسم الله و بالله و صلی الله علی و محمد و آل محمد

اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات >>.

2- جنازه را بر شانه خود حمل کنند

نه بر حیوانو ماشین و امثال آن مگر آن که عذی مانند دوری مسافت وجود داشته باشد.

3- با خشوع و تفکر باشند.

4- پیاده بروند

و سواره رفتن مکروه است

مگر با عذر ولی در برگشت مکروه نیست .

5- دو طرف جنازه یا پشت سر آن حرکت کنند و پشت سر جنازه افضل است .

560

مکروهات :

- 1- خندیدن و بازی کردن و سخن بیهوده گفتن .
- 2- تند رفتن
به خصوص دویدن
بلکه بهتر حد وسط در حرکت است .
- 3- و بهتر آن است که زنان جوان در تشبیه جنازه شرکت نکنند. (1)

561

وظایف صاحب عزا

- 1- مستحب است انسان در مرگ خویشان ; به خصوص در مرگ فرزند صبر کند.
- 2- مستحب است در تشبیه جنازه
پا برهنه باشد و ردا را بردارد یا به گون های دیگر که مناسب مصیبت دیده باشد
تابین دیگران شناخته شود.
- 3- مستحب است هر وقت به یاد میت می افتد
بگوید: انالله و انا الیه راجعون .
- 4- مستحب است برای میت قرآن بخوانند و سر قبر پدر و مادر از خداوند حاجت بخواهند.
- 5- پس از رفتن کسانی که تشبیه جنازه کرده اند
مستحب است ولی میت یا کسی که از طرف ولی اجازه دارد
دعاهایی که دستور داده شده به میت تلقین کند.
- 6- احتیاط واجب آن است که در گریه بر میت صدا را خیلی بلند نکنند.
- 7- پاره کردن یقه در مرگ غیر پدر و برادر جایز نیست .
- 8- اگر مرد در مرگ زن یا فرزند یقه یا لباس خود را پاره کند
یا زن در عزای میت
صورت خود را بخرشد
به طوری که خون بیاید یا موی خود را بکند
باید يك بنده آزاد کند یا به ده فقیر طعام بدهد
یا آنها را بپوشاند
و اگر نتواند

باید سه روز روزه بگیرد

بلکه اگر خون هم نیاید

بنا بر احتیاط واجب باید به این دستور عمل کند.(1)

562

کیفیت دفن میت .

1- میت را طوری دفن کنند که بوی او بیرون نیاید

درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند.

2- میت را باید در قبر به پهلو راست

رو به قبله بخوابانند.

3- اگر دفن میت

در زمین ممکن نباشد

می توانند به جای دفن

او را در بنا یا تابوت بگذارند.

4- اگر کسی در کشتی بمیرد

چنانچه جسد او فاسد نمی شود و بودن او در کشتی مانعی ندارد

باید صبر کنند تا به خشکی برسند و او را در زمین دفن کنند

و گرنه باید در ببندند و او را به دریا بیندازند

یا او را خمره بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیندازند و اگر ممکن است باید او در جایی رها

کنند که فوراً طعمه حیوانات نشود.

5- اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد

باید در چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند. و اگر چاه از خود او نیست

صاحب چاه را راضی کنند.(1)

563

مکانهایی که دفن میت جایز نیست

دفن مسلمان در قبرستان کفار و کفن کافر در قبرستان مسلمان. دفن مسلمان در جایی که بی

احترامی به او باشد ; مثلا در محل زباله و خاکروبه . در مکان غصبی .

در مسجد و مکانی که برای غیر دفن وقف شده است .

در قبر مردهء دیگری که سبب نیش قبر شود.(2)

564

آنچه در کیفیت دفن مستحب است :

- 1- جنازه را در چند قدمی بر زمین بگذارند و تا سه مرتبه کم کم ببرند و در هر مرتبه زمین بگذارند و برداند و در نوبت چهارم وارد قبر کنند.
- 2- اگر میت مرد است در دفعه سوم طوری زمین بگذارند که سر او طرف قبلهء قبر بگذارند و پهنا وارد قبر کنند در موقع وارد کردن جنازه پارچه ای روی قبر بگیرند.
- 3- جنازه را به آرامی از تابوت بگیرند و وارد قبر کنند.
- 4- بعد از آن که میت را در لحد گذاشتند
- گره هایی کفن را باز کنند و صورت میت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سر او بسازند و پشت میت خشت خام یا کلوخی بگذارند که میت به پشت بر نگردهد.
- 5- غیر از خویشان میت کسانی که حاضرند با پشت دست خاک بر قبر بریزند و بگویند: <<انالله و انا الیه راجعون >>.
- 6- دو چوب تر همراه میت در قبر بگذارند و بهتر آن است که از چوب نخل باشد و یکی را در سمت راست و دیگری را سمت چپ وی بگذارند.
- 7- دعاهایی که برای دفن میت وارد شده است بخوانند و عقاید حقه را نیز به وی تلقین کنند. (1)

565

احکام شهید

- 1- کسی که به امر معصوم علیه السلام یا نایب او به جبهه جهاد برود و در میدان نبرد کشته شود شهید است و غسل و حنوط و کفن از او ساقط است بلکه با لباس خودش دفن می شود (1).
- 2- این حکم اختصاص به شهدی دارد که در معرکه جان داده باشد ولی اگر در میدان نبرد مجروح شود و پشت جبهه به شهادت برسد غسل و حنوط و کفن از او ساقط نیست (2).
- 3- اگر شهید لباس بر تن نداشته باشد باید او را کفن کنند. (3)

566

دو مسأله :

- 1- بعد از رفتن مستحب است صاحبان عزا را سر سلامتی دهند

ولی اگر مدتی گذشته است که به واسطهء سر سلامتی دادن مصیبت یادشان می آید ترك آن بهتر است .

2- مستحب است پس از دفن تا سه روز برای اهل خانهء میت غذا بفرستند و غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان مکروه است .(4)
بر کسی که میت را در قبر می گذارد چند چیز مستحب است :
با طهارت
سر برهنه و پابرهنه باشد.
از طرف پای میت از قبر بیرون بیاید.
اگر میت زن است شوهرش یای کی زا فردای که با او محرمند او را در قبر بگذارد و بند کفنش را باز کند(5).

567

مخارج کفن و دفن

1- اگر میت نسبت به این مخارج وصیتی داشته باشد با در نظر گرفتن شرایط وصیت مطابق آن عمل می شود.
و اگر میت وصیتی ندارد:
1- میت

زنی است که شوهر دارد: کفن و سایر مخارج تجهیز او بر عهدهء شوهر است . هر چند آن زن از خودش مالی داشته است .
میت غیر زوجه است : کفن و صدر و کافور و قیمت زمین برای دفن (اگر برای زمین دفن هم پول گرفته می شود) و مزد حمال و قبر کن و سایر مخارج تجهیز میت از اصل ترکه خارج می شود
و کفن میت حتی بر دیون و وصایا و حق ورثه نیز مقدم است .(1)
2- آنچه بر مسلمان واجب می باشد کفن کردن میت است
نه کفن دادن
گرچه آنهم مستحب است .(2)

568

نیش قبر

1- نبش قبر مسلمان ; یعنی شکافتن قبر او اگر چه طفل یا دیوانه باشد حرام است

مگر در این موارد: میت بدون غسل دفن شده باشد یا غسلش باطل بوده .

میت بدون کفن دفن شده باشد یا به غیر دستور شرع کفن شده باشد.

او را رو به قبله نگذاشته باشند. در این موارد

در صورتی که شکافتن قبر موجب بی احترامی به میت نشود جایز است میت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالك زمین راضی نشود.

کفن یا چیز دیگری که با میت دفن شده غصبی باشد و صاحب آن راضی نشود که در قبر بماند.

چیزی از مال خود میت که به ورثه رسیده با او دفن شده و ورثه راضی نشوند که در قبر بماند

مگر آن که چیز مختصری باشد که مانند آن در قبر احجاف به ورثه نباشد که در این صورت احتیاط واجب آن است که قبر را نبش نکنند.

برای ثابت شدن حقی

بخواهند بدن میت را ببینند.

میت را در جایی که بی احترامی به اوست ; مثل قبرستان کفار یا جای که خاکروبه می ریزند دفن کرده باشند.

برای هر يك مطلب شرعی که اهمیت آن را شکافتن قبر بیشتر است

قبر را نبش کنند ; مثلا بخواهند بچه زنده ای را از شکم زن حامله ای که دفن کرده اند بیرون آورند.

بترسند که دشمن یا دنده ای او را بیرون آورد یا سیل او را ببرد. قسمتی از بدن میت که با او دفن نشده بخواهند دفن کنند

ولی احتیاط واجب آن است که آن قسمت را طوری در قبر بگذارند که بدن میت دیده نشود. بدن میت از بین رفته و خاک شده باشد.(1)

2- نبش قبر امامزاده ها و شهدا و علما و صلحا

اگر چه سالها بر آن گذشته باشد

در صورتی که زیارتگاه باشد حرام است

بلکه اگر زیارتگاه هم نباشد

بنابر احتیاط واجب نباید آن را نبش کرد.(2)

1 - توضیح المسائل

م 533 تا 540

2 - توضیح المسائل

م 541

3 - توضیح المسائل

م 542- 585
4 - توضيح المسائل
م 542
5 - توضيح المسائل

570

م 550
6 - توضيح المسائل
م 565
7 - توضيح المسائل
م 551
8 - توضيح المسائل
م 554
9 - توضيح المسائل
م 558 557 542
10 - توضيح المسائل
م 557
11 - توضيح المسائل
م 452
12 - توضيح المسائل
م 547
13 - توضيح المسائل
م 558 557 542
14 - توضيح المسائل
م 559
15 - توضيح المسائل
م 560.
16 - توضيح المسائل
م 563
17 - توضيح المسائل
م 567

- 18 - توضيح المسائل
م 568
- 19 - توضيح المسائل
م 585
- 20 - توضيح المسائل
م 586
- 21 - توضيح المسائل
م 570-571
- 22 - تحرير الوسيله
ج 1 القول فى تكفين الميت
ص 73 م 1 و توضيح المسائل
578 تا 581
- 23 - تحرير الوسيله
ج 1 ص 73 م 2
- 24 - تحرير الوسيله
ج 1 ص 83 القول فى شرايط صلاة الميت
توضيح المسائل
م 597 تا 604
- 25 - توضيح المسائل
م 609
- 26 - توضيح المسائل
م 610
- 27 - توضيح المسائل
م 596
- 28 - توضيح المسائل
م 605
- 29 - تحرير الوسيله
ج 1 القول فى شرايط صلاة الميت
ص 86 م 9
- 30 - توضيح المسائل

م 611

31 - توضيح المسائل

م 612

32 - تحرير الوسيله

ح 1 القول فى تشبيح الجنازة

ص 77

33 - تحرير الوسيله

ج 1 القول فى تشبيح الجنازه

ص 78; توضيح المسائل

م 631 635 636

34 - توضيح المسائل

م 613 تا 616 و 625

35 - توضيح المسائل

م 620 تا 623

36 - تحرير الوسيله

همان

ص 79 توضيح المسائل

م 628 و 629

37 - تحرير الوسيله

ج 1 فى غسل الميت

ص 66 م 1; استفتات

ج 1 ص 79 تا 83

38 - همان .

39 - همان .

40 - توضيح المسائل

م 632

41 - تحرير الوسيله

ج 1 القول فى مستحبات الدفن و مكروهاته

ص 90

42 - تحرير الوسيله

ج 1 ص 74 م 4 و 5

43 - همان .

44 - توضیح المسائل

م 641 643

45 - توضیح المسائل

م 642

571

مستحبات پس از مرگ

دهان و چشمان میت را بر هم بگذارند که باز نماند.

جانهء او را ببندند.

دست و پای او را دارز کنند

پارچه ای روی او بیندازند.

اگر در شب فوت کرده

در محل فوت او چراغ روشن کنند.

برای تشییع جنازهء او مؤمنین را خبر کنند.

در دفن او عجله کنند

ولی اگر یقین به مردن او ندارند

باید صبر کنند تا معلوم شود و نیز اگر میت حامله باشد و بچه در شکم او زنده باشد

باید به قدری دفن را تأخیر اندازند که پهلوی چپ را بشکافند و طفل را بیرون آورند و پهلوی را

بدوزند(1).

1 - توضیح المسائل

م 541

572

واجبات پس از مرگ

غسل دادن .

حنوط کردن .

کفن کردن .

نماز خواندن بر او.

دفن(1) .

غسل میت

- 1- هرگاه مؤمنی از دنیا برود بر همهء مکلفین واجب است که او را غسل داده و کفن کنند و بر او نماز بخوانند و سپس دفن کنند و اگر بعضی انجام دهند از دیگران ساقط می شود(2).
- 2- واجب است میت را سه غسل بدهند:
اول : با آبی که به سدر مخلوط باشد.
دوم : با آبی که به کافور مخلوط باشد.
سوم : با آب خالص .(3)
- 3- کیفیت غسل میت با سایر غسلها تفاوتی - به جز در نیت - ندارد و احتیاط واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است میت را غسل ارتماسی ندهند.(4)
- 4- سدر و کافور باید به اندازه ای زیاد نباشد که آب را مضاف کند و به اندازه ای هم کم نباشد که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است(5) .
- 5- اگر سدر و کافور یا یکی از یانها پیدا نشود باید به جای هر کدام که ممکن نیست میت را با آب خالص غسل بدهند.(6)

1 - توضیح المسائل

م 542- 585

2 - توضیح المسائل

م 542

3 - توضیح المسائل

م 550

4 - توضیح المسائل

م 565

5 - توضیح المسائل

م 551

6 - توضیح المسائل

م 554

این افراد را باید غسل داد:

زن یا مرد مسلمان دوازده امامی .

بچهء مسلمان

هر چند از زنا به دنیا آمده باشد.

کسی که از کودکی دیوانه بوده دیوانه بوده و به حال دیوانگی بالغ شده در صورتی که پدر و مادر او یا یکی از آنها مسلمان باشد.

كودك سقط شدهء مسلمان

اگر چهار ماه یا بیشتر دارد(1).

7- غسل و کفن و دفن کافر و اولاد او جایز نیست. (2)

8- برای غسل و کفن و نماز و دفن میت

باید از ولی او اجازه گرفت. (3)

9- ولی زن که در غسل و کفن و دفن او دخالت می کند شوهر اوست و بعا از او مردهایی که از میت ارث می برند مقدم بر زنهای ایشانند و هر کدام که در ارث بردن مقدم هستند در این امر نیز مقدمند. (4)ئ

1 - توضیح المسائل

م 558 557 542

2 - توضیح المسائل

م 557

3 - توضیح المسائل

م 452

4 - توضیح المسائل

م 547

576

10. شرایط کسی که میت را غسل می دهد:

مسلمان دوازده امام باشد.

عادل باشد.

بنابر احتیاط واجب بالغ باشد.

اگر میت مرد است

مرد او را غسل دهد و اگر زن است

زن او را غسل دهد. (1)

11- زن می تواند شوهر خود را غسل دهد و شوهر هم می تواند زن خود را غسل دهد

گرچه احتیاط مستحب آن است که زن

شوهر خود و شوهر زن خود را غسل ندهد. (2)

- 12- مرد می تواند دختر بچه ای را که سن او از سه سال بیشتر نیست غسل دهد
زن هم می تواند پسر بچه ای را که سه سال بیشتر ندارد غسل دهد. (3)
- 13- نگاه کردن به عورت میت حرام است و کسی که میت را غسل می دهد
اگر نگاه کند معصیت کرده ولی غسل باطل نمی شود. (4)
- 14- جایز نیست برای غسل دادن میت مزد بگیرند
ولی مزد گرفتن برای کارهای مقدماتی غسل
حرام نیست. (5)
- 15- اگر آب نباشد
یا استعمال آن مانعی داشته باشد
باید عوض هر غسل
میت را يك تمیم بدهند. (6)
- 1 - توضیح المسائل
م 558 557 542
- 2 - توضیح المسائل
م 559
- 3 - توضیح المسائل
م 560.
- 4 - توضیح المسائل
م 563
- 5 - توضیح المسائل
م 567
- 6 - توضیح المسائل
م 568

578

حنوط

- 1- بعد از غسل
واجب است میت را حنوط کنند ; یعنی به پیشانی و کف دستها
و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند.
- 2- مستحب است سر بینی میت هم کافور بمالند.
- 3- کافور باید ساییده و تازه باشد و اگر بواسطه کهنه بودن عطر آن از بین رفته
باشد کافی نیست. (1)
- 4- بهتر آن است که میت را پیش از کفن کردن حنوط نمایند

اگر چه در بین کفن

کردن و بعد از آن هم مانعی ندارد(2).

1 - توضیح المسائل

م 585

2 - توضیح المسائل

م 586

579

کفن میت

580

مقدار لازم در کفن میت :

1- لنگ

که باید از ناف تا زانو

اطراف بدن را بپوشاند و بهتر آن است که از سینه تا روی پا برسد.

2- پیراهن : بنابر احتیاط واجب باید از سر شانه تا نصف ساق پا

تمام بدن را بپوشاند.

3- سر تا سری : باید دارزی به قدری باشد که بست دو سر آن - از طرف سر و پای میت - ممکن باشد

و پهنای آن باید به اندازه ای باشد که يك طرف آن روی طرف دیگر بیاید.(1)

581

شرایط کفن میت

بنابر احتیاط واجب به قدری نازک نباشد که بدن میت از زیر آن پیدا باشد. مباح باشد

حتی اگر چیز مباحی هم پیدا نشود

کفن کردن میت با چیز غصبی جایز نیست .

پاک باشد.

از پوست مردار نباشد.

از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد.

پارچه ابریشمی خالص نباشد.

بنابر احتیاط واجب پارچهء طلا باف نیز نباشد.(2)

تمام شرایطی که گفته شد. جز مباح بودن کفن

مربوط به حال اختیار است و در حال ناچاری اشکال ندارد

مگر کفن غصبی که در حال اضطرار نیز جایز نمی باشد. (3)

1 - توضیح المسائل

م 570- 571

2 - تحریر الوسيله

ج 1 القول فی تکفین المیت

ص 73 م 1 و توضیح المسائل

578 تا 581

3 - تحریر الوسيله

ج 1 ص 73 م 2

583

نماز میت

پس از غسل و حنوط کردن میت

باید بر او نماز بخوانند و سپس او را دفن کنند. بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید: <>اشهد ان لااله الا الله و ان محمد رسول الله <<. و بعد از تکبیر دوم بگوید: <>اللهم صل علی محمد و آل محمد<<.

و بعد از تکبیر سوم بگوید: <>اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات <<.

و بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید: <>اللهم اغفر لهذا المیت << و اگر زن است بگوید: <>اللهم اغفر لهذا المیت << و بعد از تکبیر پنجم را بگوید.

بهتر است نماز میت را به تفصیلی که در رساله های توضیح المسائل آمده است بخوانند گرچه این مقدار نیز کفایت می کند.

584

شرایط نماز میت

585

قصد قربت و اخلاص .

تعیین میت به طوری که ابهام برطرف شود ; مثلاً نیت کند نماز می خوانم بر میت حاضر
قربة الى الله .

رو به قبله بودن نمازگزار.

ایستاده خواندن (نشسته صحیح نیست) مگر آن که کسی که بتواند ایستاده بخواند نباشد.

میت را مقابل نمازگزار به پشت بخوابانند به طوری که سر او به طرف راست نمازگزار و پای او به طرف چپ باشد.

بین میت و نمازگزار

پرده و دیوار یا چیزی مانند اینها فاصله نشود

ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد اشکال ندارد.

نمازگزار از میت دور نباشد

اگر نماز میت به جماعت خوانده می شود و صفها متصل است دور بودن مأموم اشکال ندارد.

مکان نمازگزار از جای میت

بلندتر یا پایین تر نباشد ولی پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد.

نماز پس از غسل و حنوط و کفن باشد

مگر نماز بر شهید معرکه که این امور (غسل

حنوط و کفن) نسبت به او ساقط است .

عورت میت پوشیده باشد. (1)

1 - تحریر الوسيله

ج 1 ص 83 الفول فی شرایط صلاة الميت

توضیح المسائل

م 597 تا 604

586

احکام و آداب نماز میت

1- در نماز میت

باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخوانند که نماز از صورت خود خارج نشود. (1)

2- نماز میت به جماعت نیز صحیح است ولی امام و مأموم هر دو باید تکبیرها و دعاها را بخوانند. (2)

3- کسی که نماز بر میت می خواند

لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمم باشد و بدن و لباسش پاك و مباح باشد

گرچه احتیاط مستحب آن است که تمام چیزهایی را که در نمازهای دیگر لازم است رعایت کند. (3)

4- اگر میت وصیت کرده باشد که شخص معینی بر او نماز بخواند

احتیاط واجب آن است که آن شخص از ولی میت اجازه بگیرد و بنابر احتیاط واجب بر ولی هم واجب است که اجازه بدهد. (4)

5- اگر بخواهند بر چند میت نماز بخوانند بهتر آن است که جدا جدا خوانده شود

هر چند خواندن يك نماز بر چند جنازه نیز مانع ندارد. (5)

1 - توضیح المسائل

م 609

2 - توضیح المسائل

م 610

3 - توضیح المسائل

م 596

4 - توضیح المسائل

م 605

5 - تحریر الوسیله

ج 1 الفول فی شرایط صلاة المیت

ص 86 م 9

588

مستحبات نماز میت

- 1- کسی که نماز بر میت می خواند با طهارت باشد.
- 2- اگر میت مرد است
امام جماعت یا کسی که فردا بر او نماز می خواند
مقابل وسط قامت او بایستد و اگر میت زن است
مقابل سینه اش بایستد.
- 3- پا برهنه نماز بخواند.
- 4- برای هر تکبیر دستها را بلند کند.
- 5- فاصلهء او با میت به قدری کم باشد که اگر باد لباسش را حرکت دهد به جنازه برسد.
- 6- نماز را به جماعت بخوانند.
- 7- امام جماعت
تکبیر و دعاها را بلند و مأمومین آهسته بخوانند.
- 8- مأموم پشت سر امام بایستد
نه در ردیف امام جماعت
هر چند مأموم يك نفر باشد.
- 9- نمازگزار برای میت و مؤمنان زیاد دعا کند.
- 10- پیش از نماز سه مرتبه بگوید <<الصلاة>>.
- 11- نماز را در جایی بخوانند که مردم برای نماز میت بیشتر به آنجا می روند.
- 12- زن حایض اگر در نماز جماعت میت شرکت کرده

در صفی تنها بایستد. (1) خواندن نماز میت در مساجد مکروه است

بجز مسجد الحرام. (2)

1 - توضیح المسائل

م 611

2 - توضیح المسائل

م 612

589

تشبیح جنازه و آداب آن

فضیلت و ثواب تشبیح جنازه بسیار زیاد است . در روایت آمده است

کسی که در تشبیح جنازه شرکت می کند تا وقتی که بر می گردد

برای هر قدمی که بر می دارد یک میلیون (هزار هزار) حسنه نشوته می شود و یک میلیون گناه

بخشیده می شود و یک میلیون درجه بر درجات او افزوده می گردد و برای تشبیح جنازه آدابی است که

برخی از آنها را در اینجا می آوریم :

590

متحبات :

1- هنگام حمل جنازه بگویند: <<بسم الله و بالله و صلی الله علی و محمد و آل محمد

اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات >>.

2- جنازه را بر شانه خود حمل کنند

نه بر حیوانو ماشین و امثال آن مگر آن که عذی مانند دوری مسافت وجود داشته باشد.

3- با خشوع و تفکر باشند.

4- پیاده بروند

و سواره رفتن مکروه است

مگر با عذر ولی در برگشت مکروه نیست .

5- دو طرف جنازه یا پشت سر آن حرکت کنند و پشت سر جنازه افضل است .

591

مکروهات :

1- خندیدن و بازی کردن و سخن بیهوده گفتن .

2- تند رفتن

به خصوص دویدن

بلکه بهتر حد وسط در حرکت است .

3- و بهتر آن است که زنان جوان در تشبیه جنازه شرکت نکنند. (1)

1 - تحرير الوسيله

ح 1 القول فى تشبیه الجنازه

ص 77

593

وظایف صاحب عزا

1- مستحب است انسان در مرگ خویشان ; به خصوص در مرگ فرزند صبر کند.

2- مستحب است در تشبیه جنازه

پا برهنه باشد و ردا را بردارد یا به گون های دیگر که مناسب مصیبت دیده باشد تابین دیگران شناخته شود.

3- مستحب است هر وقت به یاد میت می افتد

بگوید: انالله و انا الیه راجعون .

4- مستحب است برای میت قرآن بخوانند و سر قبر پدر و مادر از خداوند حاجت بخواهند.

5- پس از رفتن کسانی که تشبیه جنازه کرده اند

مستحب است ولی میت یا کسی که از طرف ولی اجازه دارد

دعاهایی که دستور داده شده به میت تلقین کند.

6- احتیاط واجب آن است که در گریه بر میت صدا را خیلی بلند نکنند.

7- پاره کردن یقه در مرگ غیر پدر و برادر جایز نیست .

8- اگر مرد در مرگ زن یا فرزند یقه یا لباس خود را پاره کند

یا زن در عزای میت

صورت خود را بخرشد

به طوری که خون بیاید یا موی خود را بکند

باید يك بنده آزاد کند یا به ده فقیر طعام بدهد

یا آنها را بپوشاند

و اگر نتواند

باید سه روز روزه بگیرد

بلکه اگر خون هم نیاید

بنا بر احتیاط واجب باید به این دستور عمل کند. (1)

1 - تحرير الوسيله

ح 1 القول فى تشبیه الجنازه

594

کیفیت دفن میت .

- 1- میت را طوری دفن کنند که بوی او بیرون نیاید
درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند.
 - 2- میت را باید در قبر به پهلو راست
رو به قبله بخوابانند.
 - 3- اگر دفن میت
در زمین ممکن نباشد
می توانند به جای دفن
او را در بنا یا تابوت بگذارند.
 - 4- اگر کسی در کشتی بمیرد
چنانچه جسد او فاسد نمی شود و بودن او در کشتی مانعی ندارد
باید صبر کنند تا به خشکی برسند و او را در زمین دفن کنند
و گرنه باید در ببندند و او را به دریا بیندازند
یا او را خمره بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیندازند و اگر ممکن است باید او در جایی رها
کنند که فوراً طعمهء حیوانات نشود.
 - 5- اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد
باید در چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند. و اگر چاه از خود او نیست
صاحب چاه را راضی کنند. (1)
مکانهایی که دفن میت جایز نیست :
- دفن مسلمان در قبرستان کفار و کفن کافر در قبرستان مسلمان . دفن مسلمان در جایی که بی
احترامی به او باشد ; مثلا در محل زباله و خاکروبه . در مکان غصبی .
در مسجد و مکانی که برای غیر دفن وقف شده است .
در قبر مردهء دیگری که سبب نبش قبر شود. (2)

1 - توضیح المسائل

م 613 تا 616 و 625

2 - توضیح المسائل

م 620 تا 623

آداب دفن

آنچه درحفر و نبای قبر و محل آن مستحب است :

- 1- قبر را به اندازه قد انسان متوسط گود کنند.
- 2- در زمینهای سخت برای قبر لحد در آوردند ; یعنی حفره ای با اندازه جسد در دیوار قبر در سمت قبله در آوردند.
- 3- قبر را مربع یا مستطیل بسازند.
- 4- به اندازه چهار انگشت قبر را از زمین بالا آورند.
- 5- قبر را محکم بسازند که زود خراب نشود.
- 6- نشانه ای روی قبر بگذارند که اشتباه نشود.
- 7- اسم میت را بر سنگی یا لوحی بنویسند و بالای سر او روی قبر بگذارند.
- 8- میت را در نزدیکترین قبرستان دفن کنند مگر آن که قبرستان دورتر از جهتی بهتر باشد ; مثل آن که مردمان خوب در آنجا دفن شده باشد یا مردم برای فاتحه ء اهل قبور بیشتر به آنجا بروند.
- 9- اقوام و خویشان را نزدیک هم دفن کنند. (1)

1 - تحرير الوسيله

ج 1 القول فی مستحبات الدفن و مکروهانه

ص 89; العروة الوثقى

ج 1 فصل فی المستحبات قبل الدفن و حینه و بعده

ص 440 439

آنچه در کیفیت دفن مستحب است :

- 1- جنازه را در چند قدمی بر زمین بگذارند و تا سه مرتبه کم کم ببرند و در هر مرتبه زمین بگذارند و برداند و در نوبت چهارم وارد قبر کنند.
- 2- اگر میت مرد است در دفعه سوم طوری زمین بگذارند که سر او طرف قبله قبر بگذارند و پهنا

وارد قبر کنند در موقع وارد کردن جنازه پارچه ای روی قبر بگیرند.

3- جنازه را به آرامی از تابوت بگیرند و وارد قبر کنند.

4- بعد از آن که میت را در لحد گذاشتند

گره هایی کفن را باز کنند و صورت میت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سر او بسازند و پشت میت خشت خام یا کلوخی بگذارند که میت به پشت بر نگردهد.

5- غیر از خویشان میت

کسانی که حاضرند با پشت دست خاک بر قبر بریزند و بگویند: <<انا لله و انا الیه راجعون >>.

6- دو چوب تر همراه میت در قبر بگذارند و بهتر آن است که از چوب نخل باشد و یکی را در سمت راست و دیگری را سمت چپ وی بگذارند.

7- دعاهایی که برای دفن میت وارد شده است بخوانند و عقاید حقه را نیز به وی تلقین کنند.(1)
برخی از احکام شهید در درس 15 گذشت .

1 - تحرير الوسيله

همان

ص 79 توضیح المسائل

م 628 و 629

599

احکام شهید

1- کسی که به امر معصوم علیه السلام یا نایب او به جبه جهاد برود و در میدان نبرد کشته شود شهید است و غسل و حنوط و کفن از او ساقط است بلکه با لباس خودش دفن می شود(1).

2- این حکم اختصاص به شهدی دارد که در معرکه جان داده باشد ولی اگر در میدان نبرد مجروح شود و پشت جبه به شهادت برسد غسل و حنوط و کفن از او ساقط نیست(2) .

3- اگر شهید

لباس بر تن نداشته باشد

باید او را کفن کنند.(3)

600

دو مسأله :

1- بعد از رفتن مستحب است صاحبان عزا را سر سلامتی دهند ولی اگر مدتی گذشته است که به واسطهء سر سلامتی دادن

مصیبت یادشان می آید

ترك آن بهتر است .

2- مستحب است پس از دفن تا سه روز برای اهل خانهء میت غذا بفرستند و غذا خوردن نزد آنان و

در منزلشان مکروه است .(4)

بر کسی که میت را در قبر می گذارد

چند چیز مستحب است :

با طهارت

سر برهنه و پابرهنه باشد.

از طرف پای میت از قبر بیرون بیاید.

اگر میت زن است

شوهرش یای کی زا فردای که با او محرمند او را در قبر بگذارد و بند کفنش را باز کند(5).

1 - تحریر الوسيله

ج 1 فی غسل الميت

ص 66 م 1; استفتات

ج 1 ص 79 تا 83

2 - همان .

3 - همان .

4 - توضیح المسائل

م 632

5 - تحریر الوسيله

ج 1 القول فی مستحبات الدفن و مکروهاته

ص 90

601

مخارج کفن و دفن

1- اگر میت نسبت به این مخارج وصیتی داشته باشد

با در نظر گرفتن شرایط وصیت

مطابق آن عمل می شود.

و اگر میت وصیتی ندارد:

1- میت

زنی است که شوهر دارد: کفن و سایر مخارج تجهیز او بر عهدهء شوهر است . هر چند آن زن از

خودش مالی داشته است .

میت غیر زوجه است : کفن و صدر و کافور و قیمت زمین برای دفن (اگر برای زمین دفن هم پول گرفته می شود) و مزد حمال و قبر کن و سایر مخارج تجهیز میت از اصل ترکه خارج می شود و کفن میت حتی بر دیون و وصایا و حق ورثه نیز مقدم است. (1)
 2- آنچه بر مسلمان واجب می باشد کفن کردن میت است
 نه کفن دادن

گرچه آنهم مستحب است. (2)

1 - تحریر الوسیله

ج 1 ص 74 م 5 و 4

2 - همان .

603

نبش قبر

1- نبش قبر مسلمان ؛ یعنی شکافتن قبر او اگر چه طفل یا دیوانه باشد حرام است مگر در این موارد: میت بدون غسل دفن شده باشد یا غسلش باطل بوده .
 میت بدون کفن دفن شده باشد یا به غیر دستور شرع کفن شده باشد.
 او را رو به قبله نگذاشته باشند. در این موارد
 در صورتی که شکافتن قبر موجب بی احترامی به میت نشود جایز است میت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالك زمین راضی نشود.
 کفن یا چیز دیگری که با میت دفن شده غصبی باشد و صاحب آن راضی نشود که در قبر بماند.
 چیزی از مال خود میت که به ورثه رسیده با او دفن شده و ورثه راضی نشوند که در قبر بماند
 مگر آن که چیز مختصری باشد که ماندن آن در قبر احجاف به ورثه نباشد که در این صورت احتیاط واجب آن است که قبر را نبش نکنند.
 برای ثابت شدن حقی
 بخواهند بدن میت را ببینند.
 میت را در جایی که بی احترامی به اوست ؛ مثل قبرستان کفار یا جای که خاکروبه می ریزند دفن کرده باشند.
 برای هر يك مطلب شرعی که اهمیت آن را شکافتن قبر بیشتر است
 قبر را نبش کنند ؛ مثلا بخواهند بچه زنده ای را از شکم زن حامله ای که دفن کرده اند بیرون آورند.
 بترسند که دشمن یا دنده ای او را بیرون آورد یا سیل او را ببرد. قسمتی از بدن میت که با او دفن نشده بخواهند دفن کنند

ولی احتیاط واجب آن است که آن قسمت را طوری در قبر بگذارند که بدن میت دیده نشود. بدن میت از بین رفته و خاک شده باشد.(1)

2- بنش قبر امامزاده ها و شهدا و علما و صلحا

اگر چه سالها بر آن گذشته باشد

در صورتی که زیارتگاه باشد حرام است

بلکه اگر زیارتگاه هم نباشد

بنابر احتیاط واجب نباید آن را نبش کرد.(2)

1 - توضیح المسائل

م 641 643

2 - توضیح المسائل

م 642

604

ارث و مصارف ترکهء (اموال) میت

با مرگ انسان

مالکیت او نیز زایل می شود و اموال وی به دیگران می رسد

اسلام با در نظر گرفتن مصالح فرد و اجتماع

سهم هر يك از بازماندگان میت را مشخص کرده و به تمام نزاعها و مشکلاتی که بر تقسیم اموال میت

وجود داشته

خاتمه داده است .

605

مصارف ترکهء (اموال) میت

ترکهء میت در مصارف زیر به ترتیب مصرف می شود:

1- پرداخت بدهی هایی که متعلق به عین ترکه است ; مانند خمس و زکاتی که در مال وجود دارد ;

یعنی اموالی که هم اکنون موجود است . متعلق خمس می باشد ولی پرداخت نشده است .

2- تجیز میت

به مقدار متعارف و در شأن میت ; مانند کفن

دفن

خرید سدر و کافور

خرید زمین قبر و آنچه مربوط به دفن است مگر آنکه میت

زنی است شوهر دار که در این صورت انیگونه مخارج بر عهده شوهر اوست . یا وصیتی در این

مورد داشته باشد.

3- دیونی که بر ذمهء میت است ; مانند خمس و زکاتی که بدهکار است هر چند اموال موجود متعلق خمس نباشد و همچنین بدهکاری به افراد.

4- وصیت میت بر ثلث

مثلا میت وصیت کرده ثلث مال یا بخشی از آن را به مصرفی برسانند امام وصیت زیادتر از ثلث با اجازهء ورثه قابل عمل است .

5- آنچه پسر بزرگتر

از پدر ارث می برد (قرآن

انگشتر

لباس).

6- بقیهء اموال میت مطابق قانون ارث به ورثهء به ورثهء او می رسد.(1)

606

طبقات ارث

کسانی که به واسطه خویشاوندی نسبی

از میت ارث می برند

به سه گروه (طبقه) تقسیم می شوند:

گروه اول : 1- پدر و مادر

2- فرزندان

گروه دوم : 1- جد و جده

2- برادر و خواهر

گروه سوم : 1- عمو و عمه

2- دایی و خاله

با وجود گروه اول

گروه دوم و سوم ارث نمی برند

حتی اگر يك نفر از آنها زنده باشد

و با وجود گروه دوم چیزی به گروه سوم نمی رسد.(2)

زن و شوهر با وجود گروههای سه گانه از یکدیگر ارث می برند و وجود هیچ يك از این طبقات

مانع تمام ارث آن دو از یکدیگر نیست .

607

سهام ورثه

سهام جمع سهم و سهم مقدار مالی است که وارث از میت ارث می برد.

608

انواع سهم

- 1- بالفرض : مقدار سهمی است که در قرآن به صراحت بیان شده است .
 - 2- بالقرباه : سهمی که در قرآن به صراحت بیان نشده و ادله دیگر آن را بیان می کند.(3)
- سهام مفروض در سوره نساء آمده است و آیات آن بدین شرح است :
- يك دوم : آیه 10 و 12 و 175
- يك سوم : آیه 11 و 12
- يك چهارم : آیه 12
- يك ششم : آیه 11 و 12
- يك هشتم : آیه 12
- دو سوم : آیه 11 و 175

609

اقسام وارث

ورثه میت از نظر سهمی که از ترکه میت دارند به پنج دسته تقسیم می شوند:

- 1- کسی که بجز سهم بالفرض خود سهم دیگری از ترکه ندارد که زوجه میت می باشد.
- 2- کسانی که همیشه سهم بالفرض را دارند و گاهی چیزی هم اضافه می برند مانند مادر و شوهر.
- 3- کسانی که گاهی سهم بالفرض خود را می برند و گاهی بالقرباه مثل پدر که اگر میت فرزند داشته باشد سهم بالفرض دارد و اگر فرزند نداشته باشد بالقرباه .
- 4- کسانی که سهم بالفرض ندارند و تنها بالقرباه ارث می برند ; مانند فرزند جد
- 5- کسانی که نه سهم بالفرض دارند و نه بالقرباه بلکه در صورت نبود وارث ترکه میت به آنها می رسد مانند حاکم شرع چون بیان تمام سهام ارث و صاحبان آنها از گنجایش این کتاب بیرون است تنها به بیان سهام بالفرض و صاحبان آنها اکتفا می کنیم و عزیزان و در وقت نیاز می توانند به رساله توضیح المسائل یا سایر کتب فقهی مراجعه فرمایند.

610

سهام مفروض و صاحبان آنها

يك دوم : 1- شوهر

در صورتی که میت فرزند یا فرزندزاده نداشته باشد.

2- يك دختر

در صورتی که میت فرزند دیگری که از او ارث ببرد نداشته باشد.

3- يك خواهر پدر و مادری یا پدری

در صورتی که میت برادر پدر و مادری یا پدری نداشته باشد.

يك سوم : 1- مادر

هرگاه میت فرزند یا برادرانی نداشته باشد

يك برادر مانع نیست .

2- برادران و خواهران مادری میت

در صورتی که متعدد باشند.

يك چهارم : 1- شوهر در صورتی که میت

فرزند یا فرزندزاده داشته باشد.

2- زن در صورتی که میت

فرزند یا فرزندزاده داشته باشد.

يك ششم : 1- پدر

در صورتی که میت فرزند دارد.

2- مادر

هرگاه میت دو برادر یا چهار خواهر پدر و مادری داشته باشد یا میت فرزند دارد.

3- برادر یا خواهر مادری اگر متعدد نباشد.

يك هشتم : زوجه در صورتی که میت (شوهر او) فرزند یا فرزندزاده داشته باشد.

دو سوم : 1- دو دختر میت یا بیشتر در صورتی که میت پسر نداشته باشد.

2- دو خواهر پدری و مادری یا بیشتر از دو نفر

در صورتی که برادر پدر و مادری نداشته باشند ع.

3 دو خواهر پدری در صورتی که برادر پدری نداشته باشد.(4)

توارث همسران

1- زن و شوهر در صورتی از یکدیگر ارث می برند که عقد آنها دائمی باشد.(5)

2- اگر زن بمیرد

شوهر او از تمام اموال وی ارث می برد (چه منقول و چه غیر منقول) ولی اگر شوهر بمیرد همسر وی از زمین ارث نمی برد و از ساختمان و درخت و کشتزار نیز فقط از قیمت آن ارث می برد و از اصل آن ارث نمی برد. (6)

اگر شوهر بمیرد: 1- میت فرزند ندارد: يك چهارم به همسر و سه چهارم به سایر ورثه می رسد.

2- میت فرزند دارد: يك هشتم به همسر و هفت هشتم به سایر ورثه می رسد.

اگر زن بمیرد: 1- میت فرزند ندارد

يك دوم به شوهر و يك دوم به سایر ورثه می رسد.

2- میت فرزند دارد: يك چهارم به شوهر و سه چهارم به سایر ورثه می رسد. (7)

612

طبقات ارث

کسانی که به واسطه خویشاوندی نسبی

از میت ارث می برند

به سه گروه (طبقه) تقسیم می شوند:

گروه اول: 1- پدر و مادر

2- فرزندان

گروه دوم: 1- جد و جده

2- برادر و خواهر

گروه سوم: 1- عمو و عمه

2- دایی و خاله

با وجود گروه اول

گروه دوم و سوم ارث نمی برند

حتی اگر يك نفر از آنها زنده باشد

و با وجود گروه دوم چیزی به گروه سوم نمی رسد. (8)

زن و شوهر با وجود گروههای سه گانه از یکدیگر ارث می برند و وجود هیچ يك از این طبقات

مانع تمام ارث آن دو از یکدیگر نیست .

613

سهام ورثه

سهام جمع سهم و سهم مقدار مالی است که وارث از میت ارث می برد.

614

انواع سهم

- 1- بالفرض : مقدار سهمی است که در قرآن به صراحت بیان شده است .
 - 2- بالقرباه : سهمی که در قرآن به صراحت بیان نشده و ادلهء دیگر آن را بیان می کند.(9)
- سهم مفروض در سورهء نساء آمده است و آیات آن بدین شرح است :
- يك دوم : آیه 10 و 12 و 175
- يك سوم : آیه 11 و 12
- يك چهارم : آیه 12
- يك ششم : آیه 11 و 12
- يك هشتم : آیه 12
- دو سوم : آیه 11 و 175

615

اقسام وارث

ورثهء میت از نظر سهمی که از ترکه میت دارند به پنج دسته تقسیم می شوند:

- 1- کسی که بجز سهم بالفرض خود سهم دیگری از ترکه ندارد که زوجه میت می باشد.
 - 2- کسانی که همیشه سهم بالفرض را دارند و گاهی چیزی هم اضافه می برند مانند مادر و شوهر.
 - 3- کسانی که گاهی سهم بالفرض خود را می برند و گاهی بالقرباه مثل پدر که اگر میت فرزند داشته باشد سهم بالفرض دارد و اگر فرزند نداشته باشد بالقرباه .
 - 4- کسانی که سهم بالفرض ندارند و تنها بالقرباه ارث می برند ; مانند فرزند جد
 - 5- کسانی که نه سهم بالفرض دارند و نه بالقرباه بلکه در صورت نبود وارث ترکه میت به آنها می رسد
- مانند حاکم شرع چون بیان تمام سهام ارث و صاحبان آنها از گنجایش این کتاب بیرون است تنها به بیان سهام بالفرض و صاحبان آنها اکتفا می کنیم و عزیزان و در وقت نیاز می توانند به رساله توضیح المسائل یا سایر کتب فقهی مراجعه فرمایند.

616

سهم مفروض و صاحبان آنها

- يك دوم : 1- شوهر
- در صورتی که میت فرزند یا فرزندزاده نداشته باشد.

2- يك دختر

در صورتی که میت فرزند دیگری که از او ارث ببرد نداشته باشد.

3- يك خواهر پدر و مادری یا پدری

در صورتی که میت برادر پدر و مادری یا پدری نداشته باشد.

يك سوم : 1- مادر

هرگاه میت فرزند یا برادرانی نداشته باشد

يك برادر مانع نیست .

2- برادران و خواهران مادری میت

در صورتی که متعدد باشند.

يك چهارم : 1- شوهر در صورتی که میت

فرزند یا فرزندزاده داشته باشد.

2- زن در صورتی که میت

فرزند یا فرزندزاده داشته باشد.

يك ششم : 1- پدر

در صورتی که میت فرزند دارد.

2- مادر

هرگاه میت دو برادر یا چهار خواهر پدر و مادری داشته باشد یا میت فرزند دارد.

3- برادر یا خواهر مادری اگر متعدد نباشد.

يك هشتم : زوجه در صورتی که میت (شوهر او) فرزند یا فرزندزاده داشته باشد.

دو سوم : 1- دو دختر میت یا بیشتر در صورتی که میت پسر نداشته باشد.

2- دو خواهر پدری و مادری یا بیشتر از دو نفر

در صورتی که برادر پدر و مادری نداشته باشند.

3 دو خواهر پدری در صورتی که برادر پدری نداشته باشد. (10)

617

توارث همسران

1- زن و شوهر در صورتی از یکدیگر ارث می برند که عقد آنها دائمی باشد. (11)

2- اگر زن بمیرد

شوهر او از تمام اموال وی ارث می برد (چه منقول و چه غیر منقول) ولی اگر شوهر بمیرد

همسر وی از زمین ارث نمی برد و از ساختمان و درخت و کشتزار نیز فقط از قیمت آن ارث می برد

و از اصل آن ارث نمی برد. (12)

- اگر شوهر بمیرد: 1- میت فرزند ندارد: يك چهارم به همسر و سه چهارم به سایر ورثه می رسد.
2- میت فرزند دارد: يك هشتم به همسر و هفت هشتم به سایر ورثه می رسد.
اگر زن بمیرد: 1- میت فرزند ندارد
يك دوم به شوهر و يك دوم به سایر ورثه می رسد.
2- میت فرزند دارد: يك چهارم به شوهر و سه چهارم به سایر ورثه می رسد. (13)

1 - رسالهء ارث

تألیف حاج ملا هاشم خراسانی با حواشی امام خمینی

ص 31 به بعد.

2 - تحرير الوسيله

ج 3 كتاب الارث

ص 378

3 - همان

ص 396 م 1 توضیح المسائل

م 273 1- تحرير الوسيله

ج 2 ص 373 و 374

4 - تحرير الوسيله

ج 1 ص 373 الام الثالث فى السهام .

5 - تحرير الوسيله

ج 2 ص 396 م 2

6 - تحرير الوسيله

ج 2 ص 397 م 5

7 - توضیح المسائل

م 2771 و 2770

8 - تحرير الوسيله

ج 3 كتاب الارث

ص 378

9 - همان

ص 396 م 1 توضیح المسائل

م 273 1- تحرير الوسيله

ج 2 ص 373 و 374

10 - تحرير الوسيله

ج 1 ص 373 الام الثالث فى السهام .

11 - تحرير الوسيله

ج 2 ص 396 م 2

12 - تحرير الوسيله

ج 2 ص 367 م 5
13 - توضیح المسائل
م 2771 و 2770

619

انواع خوراکی ها و احکام آن

برای حفظ جان انسانها و سلامتی جسم و روح آنها و بقای نسلها و احترام به حقوق دیگران قوانین و مقرراتی در رابطه با خوراکیها و آشامیدنیها در فقه اسلامی وجود دارد که به بیان برخی از آنها می پردازیم :

620

انواع خوراکی ها

1- گیاهی : 1- میوه ها

2- سبزیجات

2- حیوانی : 1- چهار پایان

2- پرندگان

3- آبزیان (دریایی)

1- چهار پایان - اهلی

وحشی

621

احکام خوراکیها

غذاهای گیاهی

تمام میوه ها و سبزیجات حلال است
مگر آنچه برای بدن ضرر داشته باشد.

غذاهای حیوانی

622

1- چهارپایان :

1- حلال گوشت

2- مکروه

3- حرام گوشت

623

1- حلال گوشت :

- 1- انواع گوسفندان
- 2- گاو گاو میش 3- شتر

624

2- مکروه :

- 1- اسب
- 2- قاطر
- 3- الاغ

625

3- حرام گوشت :

- 1- سگ
- 2- گربه
- 3- سایر حیوانات
- 2- چهارپایان وحشی : 1- حلال گوشت
- 2- حرام گوشت

626

1- حلال گوشت :

- 1- آهو
- 2- گاو
- 3- بز کوهی
- 4- گورخر

627

2- حرام گوشت :

- 1- تما حیوانهای درنده مانند گرگ و پلنگ حرام می باشند. (1)

628

چند مسأله :

- 1- تمام حیوانهای درنده حرام گوشت هستند
هر چند از نظر قدرت درندگی ضعیف باشند ; مانند روباه .

2- خوردن گوشت خرگوش حرام است .

3- تمام انواع حشرات

حرام می باشند. (2)

629

پرندگان

این دسته از پرندگان حلال گوشت هستند:

تمام اقسام کبوترها (قمری هم نوعی کبوتر است).

تمام اقسام گنجشکها (بلبل هم نوعی گنجشک است).

مرغ و خروس

انی دسته از پرندگان حرام گوشت هستند:

خفاش

طاووس .

کلاغ (زاغ هم نوعی کلاغی است).

تمام پرندگانی که چنگال دارند ; مانند عقاب. (3)

630

چند مسأله :

1- خوردن گوشت پرستو و هدهد مکروه است. (4)

2- تخم مرغ و سایر پرندگان حلال گوشت

حلال و تخم پرندگان حرام گوشت

حرام است. (5)

3- ملخ از پرندگان است و حلال گوشت می باشد. (6)

631

آبزیان

1- از حیوانهای دریایی

ماهی پولک دار و برخی از پرندگان دریایی حلال گوشت است .

2- میگو که همان ملخ دریایی و از پرندگان است

حلال گوشت می باشد. (7)

632

اجزاء حرام حیوانهای حلال گوشت

خون

فضله (ادرار و مدفوع)

بچه دان

غدد

که آن را دشول می گویند.

تخم

که آن را دنبلال می گویند (بخز تخم پرندگان حلال گوشت).

چیزی که در مغز کله است و به شکل نخود می باشد.

مغز حرام که در میان تیره پشت است .

پی که در دو طرف تیره پشت است .

نری (آلت تناسلی حیوان مذکر)

فرج (شرمگاه)

زهره دان

طحال (سپرز)

مثانه (بول دادن)

حذقه چشم

چیزی که در میان سم حیوان است و به آن ذلت الاشاجع می گویند.(8)

633

چند مسأله :

1- خوردن گل حرام است(9) .

2- خوردن کمی از تربت سیدالشهدا(ع) برای شفا یافتن از بیماری اشکال ندارد(10).

3- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است و خوراندن عین نجس به اطفال حرام است ولی

خوراندن غذای متنجس به اطفال حرام نیست(11) .

4- خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد حرام است . مثلا خوردن غذای چرب برای مریض که

غذای چرب برایش ضرر دارد حرام است(12) .

5- نوشیدن شراب و هر مایع مست کننده دیگر حرام است .(13)

6- بر هر مسلمانی واجب است مسلمان دیگری را که نزدیک است از گرسنگی یا تشنگی بمیرد

نان و آب داده و از مرگ نجات دهد.(14)

7- غذاهای غیر گوشتی

که در کشورهای غیر اسلامی تولید شده است ; اعم از سبزیجات

حبوبات

میوه ها و فرآورده های لبنی مانند: پنیر

ماست

کره

خامه که از حیوان حلال گوشت گرفته می شود

تخم مرغ و سایر پرندگان حلال گوشت

نان

بیسکویت

شکلات

آدامس

شیرینی و سایر خوردنیهایی که از گوشت حیوان نیست

پاک و خوردن آنها حلال است

مگر آن که انسان یقین کند نجس شده است .

بنابراین مسأله چند صورت دارد

می داند که با بدن کافر تماس نداشته و به نحو دیگری نیز نجس شده است - پاک و حلال است .

شك دارد نجس شده است یا نه - پاک و حلال است .

احتمال می دهد نجس شده باشد ولی یقین ندارد - پاک و حلال است .

می داند بر اثر تماس با بدن کافر یا به گونه ای دیگر نجس شده است - نجس و حرام است (15) .

634

دو حکم کلی

1- هر نجسی حرام است ولی هر حرامی نجس نیست .

2- خوردن هر نوع خاک و گل حرام است

مگر قدری از تربت امام حسین علیه السلام برای شفا یافتن از بیماری . (16)

635

حکم خوردن غذای دیگران بدون اذن و رضایت صاحبش

1- خوردن غذای دیگران بدون اذن و رضایت صاحبش حرام است هر چند کافری باشد که اموالش

محترم است ; مانند اهل ذمه . (17)

2- خوردن غذا در خانه این افراد بدون اجازه جایز است .

پدر و مادر

فرزندان

برادران و خواهران

همسر

وکیل در خانهء موکل خود

در صورتی که حفظ اموال و کارهای خود را به او واگذار کرده باشد. (18)

3- افرادی که در مسأله قبل گفته شده اگر بدانند

صاحبخانه رضایت ندارد نمی توانند از غذای خانه او استفاده کنند

ولی در صورت شك اشکال ندارد (19).

4- احتیاط آن است که افراد فوق تنها به خوردن غذاهایی مانند نان

خرما و خورشید و میوه های متعارف اکتفا کنند و از خوردن غذاها و میوه های گران قیمت که

معمولا برای میهمان و مواقع نیاز ذخیره می شود پرهیز کنند (20).

636

در مورد ذیل خوردن و آشامیدن چیزهای حرام اشکال ندارد

حفظ جان متوقف بر حرام باشد ; مثلا در موقعیتی قرار گرفته است که به جز غذای حرام چیز دیگری

نیست و اگر نخورد از گرسنگی می میرد.

مداوی مرضی که تحمل آن به طور معمول ممکن نیست

متوقف بر خوردن یا آشامیدن حرام باشد و به تشخیص پزشکان ماهر و مورد اطمینان معالجهء آن

منحصر در استفاده از همان دارو باشد.

او را به خوردن یا آشامیدن حرام وادار کرده اند

به گونه ای که اگر نخورد جانش یا آبرویش یا مقدار قابل توجهی از اموالش در خطر است

و همچنین است اگر جان یا آبروی افراد محترمی در خطر باشد.

در مقام تقیه که خوف از جان و مال و آبرو داشته باشد

همانگونه که در فرض قبل گذشت. (21)

مسأله : در تمام مواردی که خوردن یا آشامیدن حرام

جایز می شود

باید به مقدار ضرورت اکتفا کنند و زیاده بر آن جایز نیست. (22)

637

آداب غذاخوردن

638

مستحبات

- 1- دستها را قبل از غذا و پس از آن بشوید.
- 2- در اول غذا (بسم الله) و در پایان (الحمد لله) بگویند.
- 3- با دست راست غذا بخورد.
- 4- نغمه را کوچک بردارد.
- 5- غذا را خوب بجود.
- 6- میوه را پیش از خوردن با آب بشوید.
- 7- اگر چند نفر سر سفره نشسته اند هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد.
- 8- میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد.(23)

639

مکروهات

- 1- در حال سیری غذا خوردن .
- 2- پر خوری (زیاد غذا خوردن) .
- 3- نگاه کردن به صورت دیگران هنگام غذا خوردن .
- 4- خوردن غذای داغ .
- 5- فوت کردن به غذایی که می خورد.
- 6- پاره کردن نان با کارد.
- 7- گذاشتن نان زیر ظرف غذا.
- 8- دور انداختن میوه
پیش از آن که کاملاً را بخورد.(24)

640

آداب آب نوشیدن

641

مستحبات :

- 1- در روز ایستاده آب بخورد.
- 2- پیش از آشامیدن آب <<بسم الله>> و بعد از آن <<الحمد لله>> بگویند.
- 3- به سه نفس اب بیاشامد.

4- پس از آشامیدن آب

حضرت امام حسین - علیه السلام - و خاندان و یاران او را یاد و قاتلان ایشان را لعن کند. (25)

642

مکروهات

- 1- زیاد آشامیدن .
- 2- آشامیدن آب بعد از غذای چرب .
- 3- با دست چپ آب نوشیدن .
- 4- در شب
ایستاده آب نوشیدن . (26)

643

اجزاء حرام حیوانهای حلال گوشت

خون

فضله (ادرار و مدفوع)

بچه دان

غدد

که آن را دشول می گویند.

تخم

که آن را دنبلال می گویند (بخز تخم پرندگان حلال گوشت) .

چیزی که در مغز کله است و به شکل نخود می باشد.

مغز حرام که در میان تیره پشت است .

پی که در دو طرف تیره پشت است .

نری (آلت تناسلی حیوان مذکر)

فرج (شرمگاه)

زهره دان

طحال (سپرز)

مثانه (بول دادن)

حدقه چشم

چیزی که در میان سم حیوان است و به آن ذلت الاشاجع می گویند. (27)

644

چند مسأله :

- 1- خوردن گل حرام است(28) .
- 2- خوردن کمی از تربت سیدالشهدا(ع) برای شفا یافتن از بیماری اشکال ندارد(29).
- 3- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است و خوراندن عین نجس به اطفال حرام است ولی خوراندن غذای متنجس به اطفال حرام نیست(30) .
- 4- خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد حرام است . مثلا خوردن غذای چرب برای مریض که غذای چرب برایش ضرر دارد حرام است(31) .
- 5- نوشیدن شراب و هر مایع مست کنندهء دیگر حرام است .(32)
- 6- بر هر مسلمانی واجب است مسلمان دیگری را که نزدیک است از گرسنگی یا تشنگی بمیرد
نان و آب داده و از مرگ نجات دهد.(33)
- 7- غذاهای غیر گوشتی
که در کشورهای غیر اسلامی تولید شده است ؛ اعم از سبزیجات
حبوبات
میوه ها و فرآورده های لبنی مانند: پنیر
ماست
کره
خامه که از حیوان حلال گوشت گرفته می شود
تخم مرغ و سایر پرندگان حلال گوشت
نان
بیسکویت
شکلات
آدامس
شیرینی و سایر خوردنیهایی که از گوشت حیوان نیست
پاک و خوردن آنها حلال است
مگر آن که انسان یقین کند نجس شده است .

بنابراین مسأله چند صورت دارد:

- می داند که با بدن کافر تماس نداشته و به نحو دیگری نیز نجس شده است - پاک و حلال است .
شك دارد نجس شده است یا نه - پاک و حلال است .

احتمال می دهد نجس شده باشد ولی یقین ندارد - پاك و حلال است .
می داند بر اثر تماس با بدن كافر یا به گونه ای دیگر نجس شده است - نجس و حرام است(34) .

646

دو حکم کلی

- 1- هر نجسی حرام است ولی هر حرامی نجس نیست .
 - 2- خوردن هر نوع خاك و گل حرام است
- مگر قدری از تربت امام حسین علیه السلام برای شفا یافتن از بیماری .(35)

647

1- خوردن غذای دیگران بدون اذن و رضایت صاحبش حرام است هر چند

- کافری باشد که اموالش محترم است ; مانند اهل ذمه .(36)
 - 2- خوردن غذا در خانه این افراد بدون اجازه جایز است .
- پدر و مادر
فرزندان
برادران و خواهران
همسر
وکیل در خانهء موکل خود
- در صورتی که حفظ اموال و کارهای خود را به او واگذار کرده باشد.(37)
- 3- افرادی که در مسأله قبل گفته شده اگر بدانند صاحبخانه رضایت ندارد نمی توانند از غذای خانه او استفاده کنند ولی در صورت شك اشکال ندارد(38).
 - 4- احتیاط آن است که افراد فوق تنها به خوردن غذاهایی مانند نان خرما و خورشت و میوه های متعارف اکتفا کنند و از خوردن غذاها و میوه های گران قیمت که معمولاً برای میهمان و مواقع نیاز ذخیره می شود پرهیز کنند(39).

648

در مورد ذیل خوردن و آشامیدن چیزهای حرام اشکال ندارد:

- حفظ جان متوقف بر حرام باشد ; مثلاً در موقعیتی قرار گرفته است که به جز غذای حرام چیز دیگری نیست و اگر نخورد از گرسنگی می میرد.
- مداوی مرضی که تحمل آن به طور معمول ممکن نیست
- متوقف بر خوردن یا

اشامیدن حرام باشد و به تشخیص پزشکان ماهر و مورد اطمینان معالجه آن منحصر در استفاده از همان دارو باشد.

او را به خوردن یا آشامیدن حرام وادار کرده اند

به گونه ای که اگر نخورد جانش یا

آبرویش یا مقدار قابل توجهی از اموالش در خطر است

و همچنین است اگر جان یا

آبروی افراد محترمی در خطر باشد.

در مقام تقیه که خوف از جان و مال و آبرو داشته باشد

همانگونه که در فرض

قبل گذشت. (40)

مسأله : در تمام مواردی که خوردن یا آشامیدن حرام

جایز می شود

باید به مقدار ضرورت اکتفا کنند و زیاده بر آن جایز نیست. (41)

649

3- با دست راست غذا بخورد.

4- لقمه را کوچک بردارد.

5- غذا را خوب بجود.

6- میوه را پیش از خوردن با آب بشوید.

7- اگر چند نفر سر سفره نشسته اند

هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد.

8- میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد. (42)

650

مکروهات

1- در حال سیری غذا خوردن .

2- پر خوری (زیاد غذا خوردن).

3- نگاه کردن به صورت دیگران هنگام غذا خوردن .

4- خوردن غدی داغ .

5- فوت کردن به غذایی که می خورد.

6- پاره کردن نان با کارد.

7- گذاشتن نان زیر ظرف غذا.

8- دور انداختن میوه

پیش از آن که کاملاً را بخورد. (43)

651

آداب آب نوشیدن

652

مستحبات :

1- در روز

ایستاده آب بخورد.

2- پیش از آشامیدن آب <<بسم الله>> و بعد از آن <<الحمد لله>> بگوید.

3- به سه نفس آب بیاشامد.

4- پس از آشامیدن آب

حضرت امام حسین - علیه السلام - و خاندان و یاران او را یاد و قاتلان ایشان را لعن کند. (44)

653

مکروهات

1- زیاد آشامیدن .

2- آشامیدن آب بعد از غذای چرب .

3- با دست چپ آب نوشیدن .

4- در شب

ایستاده آب نوشیدن. (45)

1- تحرير الوسيله

ج 2 كتاب الاطعمه و الاشربه

م 5

2- همان .

3- تحرير الوسيله

ج 2 كتاب الاطعمه و الاشربه

ص 156 م 6 و 7

4- توضيح المسائل

م 2624

5- تحرير الوسيله

ج 2 كتاب الاطعمه و الاشربه

ص 158 م 12

6- توضيح المسائل

م 2622

7- همان

م 1

8 - توضيح المسائل

م 2626

9 - تحرير الوسيله

ج 2 كتاب الطعمه و اشربه

م 7

10 - توضيح المسائل

م 2628

11 - توضيح المسائل

م 141

12 - توضيح المسائل

م 2630

13 - توضيح المسائل

م 111

14 - توضيح المسائل

م 2635

15 - استفتاءات

ج 2 ص 507 و 508 و 509

16 - تحرير الوسيله

ج 2 ص 156 م 5

17 - تحرير الوسيله

ج 2 كتاب الطعمه و اشربه

م 7

18 - همان

م 29

19 - همان .

20 - همان .

21 - همان

م 30 تا 34

22 - همان .

23 - توضيح المسائل

- م 2636
24 - توضيح المسائل
م 2637
25 - توضيح المسائل
م 2638
26 - توضيح المسائل
م 2639
27 - توضيح المسائل
م 2626
28 - تحرير الوسيله
ج 2 كتاب الطعمه و اشربه
م 7
29 - توضيح المسائل
م 2628
30 - توضيح المسائل
م 141
31 - توضيح المسائل
م 2630
32 - توضيح المسائل
م 111
33 - توضيح المسائل
م 2635
34 - استفتائات
ج 2 ص 507 و 508 و 509
35 - تحرير الوسيله
ج 2 ص 156 م 5
36 - تحرير الوسيله
ج 2 كتاب الاطعمه و الاشربه .
37 - همان
م 29
38 - همان .
39 - همان .
40 - همان
م 30 تا 34
41 - همان .
42 - توضيح المسائل

م 2636

43 - توضیح المسائل

م 2637

44 - توضیح المسائل

م 2638

45 - توضیح المسائل

م 2639

654

ذبح و شکار حیوانات و شرایط سر بریدن آن

اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که بعدا گفته می شود سر ببرند چه وحشی باشد چه اهلی بعد از جان دادن گوشت آن حلال و بدنش پاک است. (1)

655

دستور ذبح حیوان

دستور سر بریدن حیوان (بجز شتر) آن است که چهار رگ بزرگ گردن آن را از پایین بر آمدگی زیر گلو به طور کامل ببرند و اگر آنها را بشکافند کافی نیست. (2)

656

شرایط سر بریدن حیوان

کسی که سر حیوان را می برد مسلمان باشد. با آهن سر حیوان را ببرد ولی در حال ناچاری با چیز تیز دیگری مانند شیشیه و سنگ تیز هم مانع ندارد. هنگام سر بریدن قسمت جلوی بدن حیوان رو به قبله باشد. وقتی که می خواهد سر حیوان را ببرد یا کارد به گلویش بگذارد به نیت سر بریدن نام خدا را ببرد و همین قدر که بگوید <<بسم الله >> کافی است. حیوان بعد از سر بریدن حرکتی نکند که معلوم شود زنده بوده است. (3)

مسأله: سر بریدن حیوان با غیر فلز و حتی فلزی که آهن نیست یا آهن بودن آن مشکوک است صحیح نمی باشد. (4)

657

دشتور کشتن شتر

برای کشتن شتر

باید با پنج شرطی که برای سر بریدن حیوان گفته شد

کارد یا چیز دیگری را که از آهن و برنده باشد

در گودی بین گودی و سینه اش فرو کنند. پس اگر مانند گوسفند آن را سر ببرند

حرام و نجس است. (5)

658

شرایط حلال وپاک بودن شکار با اسلحه

اگر حیوان حلال گوشت وحشی را با سلاح شکار کنند

با پنج شرط

حلال و بدنش پاک است :

سلاح شکار

مانند کارد و شمشیر برنده باشد

یا مثل نیزه و تیر

تیز باشد که بدن حیوان را پاره کند.

سلاح را برای شکار کردن به کار ببرد

گس اگر جایی را نشان کند و بطور اتفاقی حیوانی را بکشد

آن حیوان

پاک و حلال نیست .

در وقت به کار بردن سلاح

نام خدا را ببرد.

وقتی به حیوان برسد که مرده باشد

یا اگر زنده است

به مقدار سر بریدن آن وقت نباشد

ولی چنانچه به مقدار سر بریدن وقت باشد و سر حیوان را نبرد تا بمیرد

حرام است .

کسی که شکار می کند باید مسلمان یا بچه مسلمان باشد که خوب و بد را بفهمد و اگر کافر یا کسی

که اظهار دشمنی با اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می کند حیوانی را شکار نماید آن شکار

حلال نیست. (6)

659

شرایط حلال وپاك بودن شكار با سگ

اگر سگ شکاری

حیوان وحشی حلال گوشتی را شکار کند

پاك بودن و حلال بودن آن حیوان شش شرط دارد:

آن سگ برای شکار تربیت شده باشد

به طوری که هر وقت آن را برای گرفتن شکار بفرستند برود و هر وقت از رفتن جلوگیری کنند

بایستد. صاحبش آن را برای شکار بفرستد و اگر از پیش خود حیوانی را شکار کند. خوردن آن حیوان

حرام است .

کسی که شگ را برای شکار می فرستد

مسلمان باشد.

وقت فرستادن

نام خدا را ببرد.

شکار به واسطهء زخمی که از دندان سگ پیدا کرده

بمیرد

پس اگر سگ شکار را فخر کند

یا شکار از دویدن یا ترس بمیرد

حلال نیست .

کسی که سگ را فرستاده

وقتی برسد که حیوان مرده باشد

یا اگر زنده است به اندازهء سر بریدن آن وقت نباشد

ولی اگر وقت باشد و حیوان را سر نبرد تا بمیرد

حلال نیست .(7)

660

صيد ماهی

1- اگر ماهی فلس دار را زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد

پاك و خوردن آن حلال است اما اگر در آب بمیرد

چون خون جهنده ندارد

پاك است ولی خوردن آن حرام است .(8)

2- کسی که ماهی را صید می کند لازم نیست مسلمان باشد و در موقع گرفتن

نام خدا را ببرد

ولی مسلمانی که از آن ماهی استفاده می کند

باید بداند که آن را زنده گرفته اند و در خارج آن مرده است. (9)

3- خوردن ماهی زنده اشکال ندارد. (10)

1 - توضیح المسائل

م 2583

2 - توضیح المسائل

م 2591

3 - توضیح المسائل

م 2594

4 - استغاثات

ج 2 ص 497 س 10. مناسک حج

مسائل متفرقه هدی

س 18

5 - توضیح المسائل

م 2595

6 - توضیح المسائل

م 2601

7 - توضیح المسائل

م 2609

8 - توضیح المسائل

م 2615

9 - توضیح المسائل

م 2617

10 - توضیح المسائل

م 2619

662

غصب و احکام آن

غصب آن است که انسان به ناحق و از روی ظلم و ستم

بر اموال دیگران یا حقوق آنان مسلط شود.

غصب از گناهان بزرگ است و انجام دهنده آن در قیامت به عذاب سخت گرفتار می شود.

اقسام غصب : 1- اموال : 1- شخصی ; مانند سرقت از منزل یا مغازه کسی .

2- عمومی : مانند برداشتن لوازم اداره

نپرداختن خمس و زکات .

2- حقوق : 1- شخص ; مانند نماز خواندن در محلی که دیگری در مسجد برای خود گرفته است .

2- عمومی ; مانند جلوگیری از استفاده مردم از مسجد یا پل و خیابان و سد معبر(1).

663

احکام غضب

1- تمام اقسام غضب حرام است و از گناهان بزرگ به شمار می رود.(2)

2- اگر انسان چیزی را غضب کند

علاوه بر آن که کار حرامی کرده است

باید عوض آن را به او بدهد(3).

3- اگر چیزی را که غضب کرده

خراب کند

باید آن را با مزد ساختش به صاحب آن بدهد و اگر تفاوت قیمت ساخته و نساخته آن بیشتر از مزد ساخت باشد

باید تفاوت قیمت آن را هم بدهد(4).

4- اگر چیزی را که غضب کرده

تغییری در آن داده که از اولش بهتر شده باشد ; مثل این که طلای غضب کرده را گوشواره بسازد

اگر صاحب مال بگوید

آن را به همین صورت بده

باید به او بدهد

و نمی تواند برای زحمتی که کشیده مزد بگیرد

و حق ندارد آن را تغییر دهد که مثل اولش بشود.(5)

664

احکام غضب

1- تمام اقسام غضب حرام است و از گناهان بزرگ به شمار می رود.(6)

2- اگر انسان چیزی را غضب کند

علاوه بر آن که کار حرامی کرده است

باید عوض آن را به او بدهد(7).

3- اگر چیزی را که غضب کرده

خراب کند

باید آن را با مزد ساختش به صاحب آن بدهد و اگر تفاوت قیمت ساخته و نساخته آن بیشتر از مزد ساخت باشد

باید تفاوت قیمت آن را هم بدهد(8).

4- اگر چیزی را که غصب کرده

تغییری در آن داده که از اولش بهتر شده باشد ; مثل این که طلای غصب کرده را گوشواره بسازد

اگر صاحب مال بگوید

آن را به همین صورت بده

باید به او بدهد

و نمی تواند برای زحمتی که کشیده مزد بگیرد

و حق ندارد آن را تغییر دهد که مثل اولش بشود.(9)

1 - تحریر الوسيله

ج 2 کتاب الغصب

ص 173 م 1

2 - همان .

3 - همان

م 3

4 - توضیح المسائل

م 2553

5 - توضیح المسائل

م 2554

6 - همان .

7 - همان

م 3

8 - توضیح المسائل

م 2553

9 - توضیح المسائل

م 2554

665

دروغ و غیبت

666

دروغ

- 1- دروغ گفتن از کارهای حرام و از گناهان بزرگ است. (1)
- 2- اگر امر بسیار مهمی در پیش باشد
مثل کشته شدن يك فرد
یا بهم خوردن نظام خانواده
گفتن دروغ که از آن جلوگیری کند
اشکال ندارد. (2)

667

غیبت

اگر صفتی ناروا در شخصی باشد
یا کاری انجام داده باشد
که خلاق است و دیگران از آن بی اطلاعند و دوست ندارد کسی آن را برای دیگران بازگو کند
بازگو کردن آن پشت سر او پیش دیگران << غیبت >> است. (3)

1- غیبت

هم برای گوینده و هم برای شنونده حرام است. (4)

2- اگر کسی

از شخصی غیبت کرده باید از آن گناه توبه کند

و لازم نیست به او بگوید. (5)

3- اگر شخصی نماز نمی خواند ولی این گناه خود را آشکار نمی کند

غیبت او جایز نیست گرچه باید او را امر به معروف کرد. (6)

1 - استغناءات

ج 2 ص 616 س 4 و 2

2 - همان

سؤال 1

3 - استغناءات

ج 2 ص 618 س 9

4 - همان .

5 - همان

ص 620 س 15 و 16

6 - همان مدرک

س 18

669

غنا

<<غنا>> تنها زیبا کردن صدا نیست

بلکه کشیدن صدا و بالا و پایین کردن آن است با کیفیت خاصی که مطرب باشد و با مجالس لهو و محافل طرب و ابزار لهو و ادوات موسیقی تناسب داشته باشد(1).

670

احکام غنا

- 1- اشتغال به کار غنا و شنیدن و کسب از این راه حرام است. (2)
- 2- غنای زنهای آوازه خوان در عروسی ها استثنا شده است و این بعید نیست و احتیاط واجب آن است که به هنگام شب زفاف و مجلسی که قبل از آن تدارک شده اکتفا شود نه هر مجلسی بلکه احتیاط این است که مطلقا و بطور کلی اجتناب شود(3).
- 3- یادگیری و یادان غنا حرام است. (4)
- 4- گوش دادن به صداهای مشکوک - اعم از آهنگ یا آواز - که غنا بودن آن معلوم نیست اشکال ندارد(5).

671

استفتاء

- س 1- بعضی از سرودهایی که از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش می شود. آهنگهای تندی دارد که حتی انسان را از حالت طبیعی خارج می کند شنیدن این نوع سرودها چه حکمی دارد؟ و آیا شنیدن کلیه آهنگهایی که از رادیو پخش می شود موافق شرع است؟ و دیگر این که نواختن آهنگ بار نوازنده چه حکمی دارد؛ مثلا شخصی که آهنگهای سرود شهید مطهری را می نوازد و این غم انگیز است برای او چه حکمی دارد؟
- ج - موسیقی مطرب حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد. (6)
- س 2- موزیک نظامی و سرودهایی که از رادیو و تلویزیون پخش می شود و همچنین سرودهایی که به وسیله خانمها در حضور مردها اجرا می شود. شرعا جایز هستند یا خیر؟
- ج - اشکال ندارد مگر محرز شود که موسیقی مطرب است. (7)
- س 3- آیا آواز خواندن زوجه برای زوج خود در صورتی که منجر به غنا شود جایز است یا خیر؟
- ج - حرام است. (8)
- س 4- آیا مطالعه در کتابخانه ای که صدای موسیقی به گوش می رسد جایز است؟
- ج - مطالعه جایز است و مجرد رسیدن صدا

بدون استماع (گوش دادن) حرام نیست (9) .

672

حکم کلی

- 1- مطرب بودن آن معلوم است - حرام .
- 2- مطرب نبودن آن معلوم است - جایز .
- 3- مطرب بودن آن معلوم نیست - جایز .

1 - تحریر الوسيله

ج 1 فى المكاسب المحرمه

ص 497 م 13

2 - همان .

3 - همان .

4 - استغاثات

ج 2 ص 12 س 26

5 - همان

س 25 و 27 و 28 و 29

6 - همان

ص 17 س 40

7 - همان

ص 18 س 24

8 - همان

ص 15 س 34

9 - همان

ص 21 س 55

673

استفتاء

س 1- بعضی از سرودهایی که از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش می شود.

آهنگهای تندی دارد که حتی انسان را از حالت طبیعی خارج می کند

شنیدن این نوع سرودها چه حکمی دارد ؟ و آیا شنیدن کلیه آهنگهایی که از رادیو پخش می شود

موافق شرع است ؟ و دیگر این که نواختن آهنگ بار نوازنده چه حکمی دارد ؛ مثلا شخصی که

آهنگهای سرود شهید مطهری را می نوازد و این غم انگیز است برای او چه حکمی دارد ؟

ج - موسیقی مطرب حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد.(1)

س 2- موزیک نظامی و سرودهایی که از رادیو و تلویزیون پخش می شود و همچنین سرودهایی که

به وسیلهء خانمها در حضور مردها اجرا می شود. شرعا جایز هستند یا خیر؟

ج - اشکال ندارد مگر محرز شود که موسیقی مطرب است. (2)

س 3- آیا آواز خواندن زوجه برای زوج خود در صورتی که منجر به غنا شود جایز است یا خیر؟

ج - حرام است. (3)

س 4- آیا مطالعه در کتابخانه ای که صدای موسیقی به گوش می رسد جایز است؟

ج - مطالعه جایز است و مجرد رسیدن صدا

بدون استماع (گوش دادن) حرام نیست (4).

674

حکم کلی

آهنگ یا آواز: 1- مطرب بودن آن معلوم است - حرام .

2- مطرب نبودن آن معلوم است - جایز.

3- مطرب بودن آن معلوم نیست - جایز.

1 - همان

ص 17 س 40

2 - همان

ص 18 س 24

3 - همان

ص 15 س 34

4 - همان

ص 21 س 55

676

رقص

رقص

چون مظنهء تحريك غزیزهء جنسی را دارد بنا بر احتیاط واجب حرام است

مگر رقص همسر برای همسر. (1)

677

استغناء

س - آیا زن می تواند برای همسر خود برقصد و همینطور مرد؟

ج - مانع ندارد. (2)

1 - استغناء از دفتر امام خمینی .

2 - استغاثات

ج 2 ص 15 س 35

678

ستم و كمك به ستمكاران

1- ظلم بر ديگران و يارى ظلمان در ستمى كه به ديگران روا مى دارد
بلكه در هر كارى حرام كه مرتكب مى شود

حرام است . و در اين خصوص روايات زيادى از پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم و ائمه عليه السلام وارد شده است . (1)

2- كمك به ستمگران در غير كار حرام تا وقتى كه جزو اعوان و اطرافيان و منسوبان آنها به حساب
نيايد

و اسمش در دفتر و ديوان آنها ثبت نشود و كمك او سبب زيادى قدرت و شوكت آنان نباشد
جايز است . (2)

1 - تحرير الوسيله

ج 1 فى المكاسب المحرمه

ص 497 م 14

2 - همان .

680

رشوه

1- گرفتن و دادن رشوه براى صدور حكم باطل

قطعا حرام است ولى چنانچه كسى براى رسيدن به حقتش چاره اى جز پرداخت رشوه نداشته باشد
براى رشوه دهنده جايز ولى براى گيرنده حرام است (1) .

2- تغيير عنوان رشوه سبب حلال شدن آن نمى شود ; مثلا به عنوان
هديه

بخشش

شيرينى يا هر عنوانى ديگر. (2)

1 - تحرير الوسيله

ج 2 كتاب القضاء

ص 365 م 6

2 - همان .

681

مجسمه سازى

1- ساخت مجسمه بر دو گونه است :

مجسمهء جانداران ; مانند انسان و حیوان
حرام است .

مجسمهء غیر جانداران ; مانند درختان و گلها
اشکال ندارد.(1)

2- کسب از راه مجسمه سازی و مزد گرفتن برای ساختن آن حرام است .(2)

3- خرید و فروش و نگهداری و استفاده از مجسمه اشکال ندارد.(3)

4- نقاشی کردن جانداران ; مانند انسان و حیوان
اشکال ندارد هر چند احتیاط مستحب ترك آن است(4) .

1 - تحرير الوسيله

ج 2 فى المكاسب المحرمه

ص 496 م 12

2 - همان .

3 - همان .

4 - همان .

683

سحر

شعبده

هیپنوتیزم

سحر (جادو) آن است که با نوشتن

سخن

گفتن یا نقاشی کردن یا دمیدن

گره زدن یا دور کردن چیزی یا کار دیگری در جسم یا دل یا عقل کسی تأثیر بگذارد ; مثلاً در احضار
یا خواب یا بیهوش کردن یا دوستی و دشمنی کردن او اثر کند(1).

1- جادویی کردن

یاد گرفتن

یاد دادن و کاسبی کردن با آن حرام است .(2).

2- تسخیر جن یا فرشته و احضار روح یا جن ملحق به جادوگری و حرام است .(3).

3- شعبده بازی که یا به سحر ملحق است یا از سحر است

حرام می باشد و آن

عملی است که به سبب حرکت سریع غیر واقع را واقع نشان دهد.(4).

استفتاء

س 1- کسی که سحر ساحر را باطل می کند و شخصی را نجات می دهد آیا این کار حرام است و گناه دارد یا خیر؟

ج - اگر سحر می کند جایز نیست و اگر حفظ نفس یا واجب دیگری بر آن موقوف باشد با ملاحظه اهمیت واجب دیگر مانع ندارد(5).

س 2- آیا هیپنوتیزم از نظر اسلام حرام است؟ اگر هیپنوتیزم در جهت انجام عمل خیر و نیکو انجام شود چه حکمی دارد؟

ج - جایز نیست (6).

1 - تحریر الوسيله

ج 2 فى المكاسب المحرمه

ص 498 م 16

2 - همان .

3 - همان .

4 - همان .

5 - استفتاات

ج 2 ص 21 س 54

6 - همان

س 55

قمار

هر نوع بازی

که شرط کنند شخص برنده از کسی که بازی را باخته پول یا چیز دیگری بگیرد >> قمار و حرام است

به جز در مسابقات اسب دوانی (سبق) و تیر اندازی (رمایه) (1).

مقصود از برد و باخت آن است که برنده از بازنده چیزی بگیرد

بنابراین اگر تنها برنده و بازنده اعلام می شود و گرفتن چیزی در بین نیست

یا مؤسسه و سازمانی به برنده جایزه ای می دهد

اشکال ندارد.

انجام مسابقه - ورزشی یا غیر آن - اگر همراه با حرام نباشد

از نظر اسلام بی اشکال و گاهی پسندیده است . آنچه موجب مسابقات می شود

معمولا دو امر است :

- 1- به کار گرفتن ابزار قمار در مسابقات .
- 2- شرط برد و باخت و گرفتن چیزی از طرف مقابل .

بنابراین

احکام مسابقات و بازیها را می توان اینگونه خلاصه کرد:

بازی : 1- با ابزار قمار

2- بدون ابزار قمار

1- با ابزار قمار: حرام

چه بدون برد و باخت و چه با آن .

2- بدون ابزار قمار: 1- بدون برد و باخت - جایز.

2- با برد و باخت - حرام .(2)

686

استفتاء

س 1- بازیهای سرگرم کننده ولی بدون شرط بندی ; مانند شطرنج و تخته نرد و غیره چگونه است ؟

ج - بازی با آلات قمار

مطلقا حرام است .

س 2- اگر شطرنج

آلت قمار بودن خود را به کلی از دست داده باشد و چون امروزه

تنها به عنوان يك ورزش فکری از آن استفاده گردد

بازی با آن چه صورتی دارد ؟

ج - بر فرض مذکور اگر برد و باختی در بین نباشد اشکال ندارد.(3)

1 - استفتات

ج 2 ص 9 و 10

2 - استفتات

ج 2 ص 9 و 10 و 11

3 - همان

ص 10 س 21

688

ریش تراشی

س 1- آیا تراشیدن ریش با ماشین برقی از نظر شرعی مقدس اسلام حرام است یا نه ؟
 ج - ریش تراشیدن خواه با تیغ باشد یا با ماشین
 حرام است علی الاحوط.(1)

س 2- کوتاه کردن ریش با ماشینهای معمولی دستی تا حدود يك میلی متر چگونه است ؟
 ج - بنا بر احتیاط باید طوری باشد که صدق ریش کند.(2)
 س 3- کسانی هستند که ریش را تمام نمی گذارند
 به قول غربیها پروفیسوری
 است . آیا مقدار تراشیده شدن
 فعل حرام است یا خیر ؟
 ج - تراشیدن بعض ریش حکم تراشیدن تمام آن را دارد.(3)

1 - استغنائات

ج 2 ص

30 س 79

2 - همان

ص 31 س 81

3 - همان

ص 32 س 84

689

عقیم سازی

جلوگیری از بارداری با شرایط ذیل اشکال ندارد:
 با رضایت شوهر باشد.

برای بدن مضر نباشد و عضوی از بین نرود.

موجب عقیم شدن زن نشود.

موجب لمس و نگاه حرام نباشد ; یعنی اگر برای جلوگیری لازم باشد

پزشك - زن یا مرد - عورت او را ببیند یا مرد نامحرم جایی از بدن او را ببیند یا لمس کند جایز نیست

(1)

1 - استغناء از دفتر امام خمینی (قدس سره).

691

تخلف از مقررات دولت اسلامی

1- مراعات مقررات دولت اسلامی لازم و تخلف از آن جایز نیست .(1)

2- اجناسی که از سوی دولت اسلامی قاچان اعلام شده

خرید و فروش آنها باید مطابق مقررات اعلام شده باشد.(2)

692

استفتاء

س 1- الف :کارمندان دولت در مواردی از مزایایی برخوردار هستند ؛ مانند داشتن دفترچه تعاونی و دفترچه خدماتی درمانی و استفاده از بلیط هواپیما

آیا می توانند حق خود را به دوستان یا نزدیکترین ارحام خود واگذار نمایند ؟

ب : اگر شخصی نیاز به اجناس جیره بندی شده ندارد

آیا می تواند حق خود را به دیگری واگذار نماید ؟

ج - هر عملی که بر خلاف مقررات دولت اسلامی باشد

جایز نیست(3) .

س 2- سهم قند و شکر که به قنادیها و... می دهند

اگر بفروشند

سود آن حلال است ؟

ج - باید مقررات دولت اسلامی را مراعات نمایند.(4)

س 3- شخصی از انشعاب آب خانه یا مغازه اش علاوه بر مصرف خودش بدون اجازه سازمان آب

به دیگران هم آب می دهد و پول آن را می گیرد

این کار برای صاحب انشعاب و برای کسانی که با دادن پول آب و هزینه انشعاب فرعی از آن آب

استفاده می کند چه حکمی دارد ؟

ج - تصرف در آب مزبور بدون مقررات دولت اسلامی جایز نیست .(5) .

س 4- عده ای می گویند

اجناس قاچاق که معاملات آن غیر مجاز اعلام شده منحصر به اسلحه

مواد مخدر و از این قبیل اجناس می باشد و معاملات سایر اجناس قاچاق از قبیل قماش

خرازی و غیره را مجاز می دانند خواهشمند است نظر خود را در این زمینه اعلام فرمایید.

ج - فروش اجناس قاچاق باید با مقررات دولت اسلامی باشد و چنانچه دولت مزاحمتی ندارد و در

بازار فروخته می شود

مانع ندارد.(6)

1 - استفتائات

ج 1 ص 74 س 177

2 - همان

ص 47 س 132

3 - همان

ص 54 س 148

4 - همان

ص 53 س 144

5 - همان

ص 50 س 135

6 - استفتات ح 2 ص 47 س 132

693

مسائل متفرقه

س 1- اطاعت از پدر و مادر تا چه حد بر فرزند لازم است و آیا اجداد و جدات هم حکم پدر و مادر را دارند؟

ج - در اموری که انجام آن موجب ناراحتی آنها است از حیث شفقت پدر و مادری اطاعت شود و فرقی بین پدر و مادر و اجداد نیست. (1)

س 2- همسایه ما روی منزل خود دو طبقه دیگر ساخته است اما به بهانه این يك متر حیاط خلوت به طرف حیاط ما دارد

در هر دو طبقه پنجره گرفته است و شیشه های پنجره را ساده انداخته که کاملاً بر حیاط ما اشراف دارد و آرامش ما را سلب کرده

آیا این همسایه چنین حقی دارد یا نه؟

ج - ساختمان در ملك خودش اشکال ندارد

ولی چنانچه ساده بودن شیشه ها موجب مزاحمت همسایه است باید طوری عمل کند که مزاحمت مرتفع شود. (2)

س 3- چیدن میوه از باغ کشاورزی برای خوردن در همان محل بدون اجازه از صاحب باغ آیا حلال است یا خیر

و اینکه می گویند به اندازه خوردن حلال است و برای بردن حلال نیست چگونه است؟

ج - اگر درخت میوه در سر راه رهگذر قرار داشته باشد

می تواند در حال عبور از خیابان از میوه آن درخت برای خوردن در همانجا استفاده کند به شرط آنکه از حد سیری و احتیاج تجاوز نکند. (3)

س 4- آیا انسان می تواند از نظر شرعی با خویشاوندانی که بی تقوا و بی نماز و ضد انقلابند ؛ از قبیل پدر

مادر

خواهر و غیره قطع رحم نماید؟

ج - قطع رحم جایز نیست

ولی باید آنها را با مراعات موازین

امر به معروف و نهی از منکر نمایند. (4)

س 5- آیا استخاره درست است و وقتی يك عمل خیری پیش آمد و ما استخاره کردیم بد آمد استخاره ملاك عمل است و باید به آن اعتقاد داشت ؟

ج - از اصول اعتقادیه نیست که اعتقاد به آن لازم باشد و در مورد تحیر به قصد رجاء اشکال ندارد. (5)

694

س 6- عده ای با خواندن زیارت و دعا و شرکت در مجالس عزاداری مخالفت می کنند و می گویند قرآن خواندن

در صورت نفهمیدن معانی آیات

فایده ای ندارد و با خواندن قرآن در مجالس ترحیم نیز مخالفت می نمایند

نظر اما چیست ؟

ج - خواندن زیارات و ادعیهء مأثوره و عزاداری برای سید مظلومان و صلوات بر پیغمبر و آل از افضل قربات و آدم ساز است و قرائت قرآن از مستحبات و اهدای ثواب آن به اموات "موجب" مثبت است. (6)

1 - توضیح المسائل

ص 432 س 85

2 - استغاثات

ج 2 ص 582 س 32

3 - استغاثات

ج 2 ص 510 س 19

4 - استغاثات

ج 1 ص 488 س 18

5 - استغاثات

ج 2 ص 28 س 74

6 - همان

ص 30 س 78

696

اقسام زکات و موارد وجوب زکات اموال

یکی از وظایف مهم اقتصادی مسلمانان

پرداخت زکات است .

از اهمیت زکات همین بس که در قرآن مجید

پس از نماز آمده و نشانهء ایمان و عامل رستگاری شمرده شده است .(1)

در روایات متعددی که از معصومین - علیهم السلام - نقل شده

آمده است : >>کسی که از پرداخت زکات جلوگیری کند

از دین خارج است .(2)

زکات موارد معینی دارد

يك قسم از آن مالیان بدن و حیات است که هر سال يك مرتبه در روز عید فطر پرداخت می شود و

تنها بر کسانی که قدرت مالی پرداخت آن را دارند واجب است .

قسم دیگر

زکات اموال است

که متعلقات معینی دارد و می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

697

موارد وجوب زکات اموال : (3)

1- غلات :

-- گندم

-- جو

-- خرما

-- کشمش

2- دام ها:

-- شتر

-- گاو

-- گوسفند

3- سگه ها :

-- طلا

-- نقره

1 - مانند آیات 177 بقره

4 مؤمنون

11 توبه . 78 حج و بسیاری دیگر.

2 - وسائل الشیعه

ج 6 ص 18

3 - توضیح المسائل

م 1853

698

نصاب غلات و مقدار زکات آن

زکات این اشیاء در صورتی واجب می شود که به مقدار مشخصی برسد که به آن مقدار <<حدّ نصاب>> می گویند؛ یعنی اگر محصول به دست آمده و یا تعداد دام یا طلا و نقرهء موجود از حدّ نصاب کمتر باشد زکات ندارد.

699

نصاب غلات (1)

تمام غلات چهارگانه يك نصاب دارد که حدود 85 کیلوگرم است بنابراین اگر محصول به دست آمده از این مقدار کمتر باشد زکات ندارد. (2)

700

مقدار زکات غلات

چنانچه یکی از این محصول ها به حدّ نصاب برسد باید مقداری از آن به عنوان زکات پرداخت شود ولی مقدار زکات غلات بستگی به چگونگی آبیاری آنها دارد و از این نظر می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد: مقدار زکات محصولی که با آب باران و رودخانه آبیاری می شود یا دیمی باشد 11 است . مقدار زکات محصولی که با دلو و یا موتور پمپ آبیاری می شود 12 است . محصولی که به هر دو طریق - هم از آب باران یا رودخانه و هم آب دستی آبیاری شده زکات نصف آن 10/1 و نصف دیگر 20/1 می باشد. (3)

1- نصاب غلات به طور دقیق 84727 کیلوگرم است .
2- توضیح المسائل

م 1864

3- توضیح المسائل

م 1875 تا 1879

702

نصاب دامها و مقدار زکات آن

703

گوسفند

اولین نصاب گوسفند

چهل عدد است و زکات آن يك گوسفند می باشد و تعداد گوسفندان

تا به چهل نرسد

زکات ندارد و نصابهای بعدی آن بدین شرح است :

شماره	نصاب	مقدار زکات
1	121 گوسفند	2 گوسفند
2	201 گوسفند	3 گوسفند
3	301 گوسفند	بنابر احتیاط واجب 4 گوسفند
4	400 گوسفند و بیشتر از آن	هر صد تاى آن يك گوسفند

اگر تعداد گوسفندان از يك نصاب بگذرت ولی به نصاب بعدی نرسد

زکات نصاب پایین را باید پردازد؛ مثلاً کسی که 115 گوسفند داشته باشد

زکات آن يك گوسفند است (1) .

704

گاو

اولین نصاب گاوسی رأس است و زکات آن يك گوساله است که يك سال آن تمام شده و وارد سال

دوم شده باشد. و نصاب بعدی آن چهل عدد است و زکات آن يك گوسالهء ماده ای است که وارد سال

سوم شده باشد و در بیشتر از چهل

تا به شصت نرسیده فقط باید زکات چهل تاى آن را بدهد و بعد از آنکه به شصت رسید

باید دو گوساله بدهد و بیشتر از شصت

باید با دد سی یا چهل یا هر دو حساب کرد ولی باید طوری حساب شود که چیزی باقی نماند یا اگر

چیزی باقی می ماند از نه تا بیشتر نباشد. (2)

شتر

شتر دوازده نصاب دارد بدین شرح :

شماره	نصاب	مقدار زکات
1	5 شتر	1 گوسفند
2	10 شتر	2 گوسفند
3	15 شتر	3 گوسفند
4	20 شتر	4 گوسفند
5	25 شتر	5 گوسفند
6	26 شتر	یک شتری که وارد سال دوم شده باشد
7	36 شتر	یک شتری که وارد سال سوم شده باشد
8	46 شتر	یک شتری که وارد سال چهارم شده باشد
9	61 شتر	یک شتری که وارد سال پنجم شده باشد
10	76 شتر	دو شتری که وارد سال سوم شده باشد
11	91 شتر	دو شتری که وارد سال چهارم شده باشد
12	121 شتر و بیشتر از آن	برای هر چهل شتری که وارد سال چهارم شده باشد (3)

نصاب طلا و نقره نصاب طلا 15 مثقال و نصاب نقره 15 مثقال است

و زکات هر دو 1/40 می باشد (4).

1 - توضیح المسائل

م 1913 و 1914

2 - توضیح المسائل

م 1912

3 - توضیح المسائل

م 1910

4 - توضیح المسائل

م 1897 - 1897

احکام زکات

1- آنچه برای گندم

خرما و انگور خرج کرده است ; مانند قیمت بذر

مزد کارگر

و مزد تراکتور و... می تواند از حاصل کسر کند

ولی مقدار نصاب

قبل از کم کردن این مخارج محاسبه می شود و اگر قبل از کسر مخارج به حد نصاب برسد

پرداخت زکات واجب شده است ولی زکات باقیمانده را می پردازد.(1)

2- زکات دام ها در صورتی واجب می شود که :

یک سال مالک آنها باشد; بنابر این اگر مثلاً 1 عدد گاو را خریداری کند و پس از 9 ماه بفروشد; زکات

واجب نیست .(2)

حیوان در تمام سال بیکار باشد

بنابر این گاو یا شتری که در کار مزرعه یا حمل بار از آن استفاده می شود زکات ندارد.(3)

حیوان در تمام سال از علف بیابان بچرد

پس اگر در تمام سال یا مقداری از آن

از علف چیده شده یا کاشته شده بخورد

زکات ندارد(4).

3- زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سکه ای باشد که معامله با آن رواج دارد

بنابر این آنچه امروز بانوان به عنوان زیور استفاده می کنند

زکات ندارد اگر چه رواج باشد.(5)

1 - توضیح المسائل

م 188 0

2 - توضیح المسائل

م 1856

3 - توضیح المسائل

م 1908

4 - همان

5 - توضیح المسائل

م 1899 و 19 00

مصرف زکات در هشت جا است که می توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد:

1- فقیران .

2- مسکینان

آنان که به کتبی درمانده و بینوایند.

3- کسی که از طرف امام (ع) یا نایب او مأمور جمع آوری و نگهداری و توزیع زکات است (عاملین).

4- برای الفت دادن دلها به اسلام و مسلمانان ; مانند غیر مسلمانان که اگر به آنها کمکی بشود

به دین اسلام می گروند یا در جنگ به مسلمانان کمک می کنند (مؤلفه قلوبهم).

5- خریداری بنده ها و آزاد کردن آنان (فی الرقاب).

6- بدهکارانی که نمی توانند قرض خود را بدهند (غارمین).

7- در راه خدا; یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم می رسد و مورد رضایت خداست ; مانند ساختن

جاده

پل

مسجد (فی سبیل الله).

8- مسافری که در سفر درمانده است و خرج برگشت به وطن را ندارد

هر چند در وطن خود فقیر نباشد (ابن السبیل). (1)

709

احکام مصرف زکات

1- فقیری که زکات دریافت می کند باید دارای این شرایط باشد:

شیعه دوازده امامی باشد

واجب النفقهء زکات دهنده نباشد; مانند همسر و فرزند.

اگر زکات دهنده سید نیست

زکات گیرنده نیز سید نباشد.

زکات را در معصیت مصرف نکند.

و بنا بر احتیاط واجب

آشکارا معصیت کبیر نکند(2).

2- به کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد

اگر چه مخارج او بر انسان واجب باشد

می تواند

زکات داد.(3)

3- اگر پسر به کتابهای علمی دینی احتیاج داشته باشد

پدر می تواند برای خریدن آن کتابها به او زکات بدهد.(4)

4- کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می تواند برای معاش خود کسب کند

چنانچه

تحصیل آن علم

واجب یا مستحب باشد

می توان به او زکات داد و اگر تحصیل آن علم

واجب یا مستحب نباشد

زکات دادن به او اشکال دارد.(5)

5- پدر می تواند به پسرش زکات بدهد که برای خود زن بگیرد.(6)

6- به کسی که معلوم نیست سید است یا نه

می توان زکات داد.(7)

7- پرداخت زکات از عبادات است و باید به قصد قربت ; یعنی برای اطاعت دستور خداوند بپردازد و

در نیت

معین کند که زکات مال است یا زکات فطره .(8)

8- وقت پرداخت زکات :

- زکات طلا و نقره و دامها را پس از تمام شدن يك سال

- زکات گندم و جو را موقعی که از گاه جدا می کنند باید به فقیر بدهد یا از مال خود جدا کند - زکات

خرما و انگور را موقع خشك شدن پس از جدا کردن زکات

لازم نیست فوراً آن را به مستحق بدهد

ولی اگر به کسی آکه می شود زکات داد دسترسی دارد

احتیاط مستحب آن است که دادن زکات را "تأخیر نیندازد.(9)

9- اگر زکات قبل از پرداخت تلف شود:

الف : پرداخت آن ممکن نبوده --- (ضامن نیست و پرداختن عوض آن واجب نمی باشد).

710

ب : پرداخت آن ممکن بوده

1- در پرداخت یا حفظ آن کوتاهی نکرده است -- ضامن نیست .

2- در پرداخت یا حفظ آن کوتاهی کرده است - ضامن است(10) .

10- اگر زکات را از مال خود کنار بگذارد

می تواند در بقیه آن تصرف کند و اگر ج قیمت آن را کنار بگذارد (نه از خود آن)

می تواند در تمام آن مال تصرف کند(11).

11- انسان نمی تواند زکاتی را که کنار گذاشته

برای خود بردارد و چیز دیگری به جای آن بگذارد.(12)

711

مستحبات پرداخت زکات :

1- خویشان خود را بر دیگران

-- و اهل علم و کمال را بر غیر آنان

-- و کسانی را که گدایی نمی کنند بر گدایان مقدم دارد.

2- زکات دامها را به فقیرهایی آبرومند بدهد.

3- زکات را آشکارا و صدقهء مستحبی را پنهانی بپردازد.(13)

1 - توضیح المسائل

م 1925

2 - توضیح المسائل

م 1942 - 1946 تا 1948 و 1956

3- همان

م 1947

4 - همان

م 1950

5 - همان

م 1990

6 - همان

1951

7 - همان

م 1956

8 - همان

م 1957

9 - همان

م 1961 و 1962

10- تحریر الوسیله

ج 1 ص 343 م 7 و 8

11 - توضیح المسائل

م 1965

12 - توضیح المسائل

م 1966

13 - توضیح المسائل

م 1973 و 1974

712

وجوب زکات فطره و شرایط آن

پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان ; یعنی در شب عید فطر

افرادی که دارای شرایط باشند

باید زکاتی بپردازند که مقدار و موارد مصرف آن خواهد آمد. این زکات به نام زکات فطره خوانده می شود.

افرادی که در شب عید فطر دارای این شرایط باشند زکات فطره بر آنها واجب است :

1- بالغ باشد.

2- عاقل باشد.

3- بندهء کسی نباشد.

4- فقیر نباشد(1).

فردی که دارای شرایط فوق باشد باید زکات خود و کسانی که در مغرب شب عید فطر نان خور او هستند را بپردازد

کوچک باشند یا بزرگ

مسلمان باشند یا کافر

خرج آنان بر او واجب باشد یا نه

در شهر خود او باشند یا در شهر دیگر (یعنی حتی اگر فرزند او که نان خور اوست به مسافرت رفته باشد باید زکات او را بدهد) و همچنین مهمانی که با رضایت او پیش از غروب شب عید فطر وارد خانه اش شده باشد

باید زکات او را بدهد.(2)

مقدار زکات فطره : هر نفری يك صاع که تقریباً 3کیلو است .(3)

جنس زکات فطره : گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اینها(4).

وقت وجوب زکات فطره : شب عید فطر.(5)

وقت پرداخت زکات فطره : از شب عید تا ظهر روز عید فطر و بهتر آن است که در روز عید بدهد و

اگر نماز عید می خواند بنابر احتیاط واجب قبل از نماز عید بپردازد.(6)

مصرف زکات فطره : همان مصرف زکات مال است

گر چه احتیاط مستحب آن است که فقط به فقراى مؤمن واطفان آنها و به مساکین بدهد.(7)

1 - توضیح المسائل

م 1991

2 - توضیح المسائل

م 1991 و 1995

3 - توضیح المسائل

م 1991

4 - همان .

5- تحریر الوسيله

ج 1 ص 348

6 - تحریر الوسيله

ج 1 ص 348 توضیح المسائل

م 2029

7 - توضیح المسائل

م 2014

714

احکام زکات فطره

- 1- کسی که مخارج سال خود و اهل و عیالش را ندارد و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و اهل و عیالش را تأمین کند فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست. (1)
- 2- فطرهء مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر بدون رضایت صاحبخانه وارد می شود در صورتی که نان خور او حساب شود واجب است و همچنین است فطره کسی که انسان را مجبور کرده اند که خرجی او را بدهد. (2)
- 3- فطرهء مهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می شود بر صاحبخانه واجب نیست
اگر چه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند. (3)
- 4- کسی که دیگری باید فطرهء او را بدهد واجب نیست فطرهء خود را بدهد. (4)
- 5- اگر فطرهء انسان بر کسی واجب باشد و او فطرهء او را ندهد بر خودش واجب نمی شود. (5)
- 6- کسی که سید نیست نمی تواند به سید فطره بدهد
حتی اگر سیدی نان خور او باشد نمی تواند فطرهء او را به سید دیگر بدهد. (6)
- 7- فقیری که فطه به او می دهند لازم نیست عادل باشد ولی احتیاط واجب آن است که به شرابخوار و کسی که آشکارا معصیت کبیره می کند فطره ندهند. (7)
- 8- به کسی که فطرهء او را در معصیت مصرف می کند نباید فطره بدهند. (9)
- 9- احتیاط واجب آن است که به يك فقير بیش از مخارج سالش و کمتر از يك صاع فطره ندهند. (10)

1- اگر فطره را کنار بگذارد

نمی تواند آن را برای خودش بردارد و مالی دیگر را برای فطره بگذارد. (11)

11- اگر در محل خودش مستحق پیدا شود احتیاط واجب آن است که فطره را به جای دیگر نبرد و

اگر به جای دیگر ببرد و تلف شود باید عوض آن را بدهد. (12)

1 - توضیح المسائل

م 1992

2 - توضیح المسائل

م 1996

3 - توضیح المسائل

م 1997

4 - توضیح المسائل

م 2005

5 - توضیح المسائل

م 2006

6 - توضیح المسائل

م 2009

7 - توضیح المسائل

م 2016

715

9 - توضیح المسائل

م 2017

10 - توضیح المسائل

م 2018

11 - توضیح المسائل

م 2023

12 - توضیح المسائل

م 2035.

716

خمس و مواردی که خمس واجب است

یکی دیگر از تکالیف اقتصادی مسلمانان

پرداختن <<خمس>> است

بدین معنا که در برخی موارد

باید 15 مال خود را برای مصارف مشخصی به حاکم اسلامی بپردازند.

717

در هفت چیز

خُمس واجب است

1- آنچه از خرج سال زیاد بیاید (منفعت کسب).

2- معدن .

3- گنج .

4- غنائم جنگی .

5- جواهری که به واسطه فرو رفتن در دریا به دست آید.

6- مال حلال مخلوط به حرام .

7- زمینی که کافر ذمی (1) از مسلمانی بخرد. (2)

پرداخت خمس نیز مانند نماز و روزه از واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که یکی از موارد هفتگانه را داشته باشند باید به آن عمل کنند.

1 - ذمه عهد و پیمان

غیر مسلمانی که در ممالک اسلامی زندگی می کنند و با آنان پیمان بسته اند که مقررات اجتماعی مسلمانان را مراعات کنند و مالیات معینی هم بپردازند و در عوض جان و مال آنها در امان باشد کفار ذمی هستند.

2 - توضیح المسائل

م 1751

719

خمس منفعت کسب

یکی از موارد هفتگانه خمس که بیشتر افراد جامعه را در بر می گیرد >>خمس چیزی است که خرج سال انسان و خانواده اش زیاد بیاید.<<

برای روشن شدن این مسأله باید به پاسخ دو سؤال بپردازیم :

1- مراد از خرج سال چیست ؟

2- آیا يك سال

با ماههای قمری محاسبه می شود یا شمسی و آغاز آن چه وقت است .

720

مخارج سال

اسلام به کسب و کار افراد احترام گذاشته و تأمین نیاز خودشان را بر پرداخت خمس مقدم داشته است

بنابر این

هرکس در طول سال می تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال اگر چیزی اضافه

نیامد

پرداخت خمس واجب نیست

ولی پس از آن که به طور متعارف و در حد نیاز خود زندگی را گذراند - نه در

مصرف

زیاده روی کرد و نه بر خود تنگ گرفت - اگر در پایان هم چیزی اضافه آمد

1/5 آن را باید برای مصارف

مشخصی بپردازد و 4/5 را برای خود پس انداز کند.

پس

مراد از مخارج

تمام چیزهایی است که در زندگی خود و خانواده اش بدان نیاز دارد که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم :

1- خوراك و پوشاك .

2- اثاثیه منزل مانند ظرف

فرش و...

3- وسیله نقلیه ای که تنها برای کسب و کار نیست .

4- مخارج مهمانی .

5- مخارج ازدواج .

6- کتاب های مورد نیاز.

7- آنچه در راه زیارت مصرف می کند.

8- جوایز و هدایایی که به کسی می دهد.

9- صدقه و نذر و یا کفاره ای که پرداخت می کند.(1)

یکسال از اولین درآمد که به دست آورده است
 خمس مازاد برمخارج سال گذشته را بپردازد
 بنا بر این در محاسبه خمس
 ابتدای سال

اولین درآمد و پایان آن گذشتن يك سال شمسی از آن تاریخ است .
 پس ؛ ابتدای سال برای :

کشاورز -- (اولین محصولی که برداشت می کند).
 و برای کارمند -- (اولین حقوقی است که دریافت می کند).
 و برای کارگر -- (اولین مزدی که می گیرد).
 و برای مغازه دار -- (اولین معامله ای که انجام می دهد). (2)

1 - العروة الوثقی

ج 2 کتاب الخمس

فصل 1 ص 394

2 - همان

م 60

722

ا موالی که خمس ندارد

- 1- مالی که از میت به انسان ارث برسد.
- 2- چیزی که به انسان بخشیده اند.
- 3- جایزه هایی که دریافت کرده است .
- 4- آنچه به عنوان عیدی به انسان داده اند.
- 5- مالی که به عنوان خمس یا زکات یا صدقه دریافت کرده است .
- 6- مهریه ای که زن می گیرد. (1)

1- العروة الوثقی

ص 389 - السابع ص 390 ، م 51 ، توضیح المسائل ، م 1753 و 1754

724

چند مسأله :

- 1- اگر به واسطه قناعت کردن
 چیزی از مخارج سالتش زیاد بیاید
 باید خمس آن را بدهد. (1)

2- اگر اثثیه ای که برای منزل خریده

نیازش از آن برطرف شود

واجب است که خمس آن را بدهد

مثل آن که

یخچال بزرگتری بخرد و به یخچال قبلی نیاز نداشته باشد(2).

3- آذوقه ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده ; مانند برنج

روغن و چای

اگر در آخر سال زیاد بیاید

باید خمس آن را بدهد.(3)

5- جهیزیه ای که به طور متناوب تهیه می شود با دو شرط خمس ندارد:

نتواند یکجا جهیزیه را تهیه کند.

مجبور باشد که هر سال مقداری از آن را تهیه کند

یا در آن محل

معمولاً هر سال مقداری از جهیزیه دختر را تهیه

می کنند

به طوری که تهیه نکردن آن عیب است .(4)

725

استفتاء

س - میوه ها و زراعتهایی که سر سال خمسی

وقت چیدن آنها نرسیده است آیا باید خمسشان داده شود؟

ج - باید به همان قیمت سر سال

خمس آن را بدهد.(5)

س - زن و شوهری هر دو کار می کنند و درآمد دارند

آیا به پول زن هم خمس تعلق می گیرد؟

ج - در زاید بر آنچه در بین سال خرج زندگی کرده

خمس واجب است .(6)

1 - توضیح المسائل

م 1756

2 - توضیح المسائل

م 1781

3 - توضیح المسائل

م 178

4 - توضیح المسائل

م 1777

5 - استغاثات

ج 1 ص 348 م 9

6 - همان

ص 286 س 128

726

خمس سرمایه و معدن

- 1- سرمایه کسب و ابزار کار اگر از درآمد کسب و حقوق تهیه شده خمس دارد(1).
- 2- اگر زمین موات را برای کشاورزی احیا کند اصل زمین نیز خمس دارد.(2)

727

استغناء

- س - باغی را احداث کرده هم برای کسب و امرار معاش و هم استفاده شخصی از میوه های آن آیا اصل درختهای میوه خمس دارد یا نه ؟ و آیا جزء رأس المال است یا نه ؟
- ج - خمس دارد(3).

728

معدن

- هر آنچه که در عرف مردم معدن نامیده شود
- اگر محصول آن به حدّ نصاب برسد خمس دارد که از جمله معادن می توان : طلا
- نقره
- سرب
- مس
- نفت
- ذغال سنگ
- فیروزه
- عقیق و نمک را نام برد.(4)

729

نصاب معدن

اگر قیمت آنچه از معدن به دست آمده پس از کسر مخارج به قیمت 15 مثقال نقره یا 15 مثقال طلا
برسد

بنابر احتیاط واجب باید 15 آن به عنوان خمس پرداخت شود. (5)

1 - استفتاآت

ص 349 س 15

2 - همان

ص 347 س 6

3 - همان

ص 347 س 7

4 - توضیح المسائل

م 1798

5 - توضیح المسائل

م 1799

731

گنج و شرایط خمس آن**گنج**

مالی است که در زمین یا درخت یا کوه یا دیوار پنهان باشد و کسی آن را پیدا کند و طوری باشد که
به آن گنج بگویند. (1)

732

نصاب گنج

اگر قیمت گنج یافت شده

پس از کسر مخارج به 15 مثقال نقره یا 15 مثقال طلا برسد

خمس دارد (2).

733

گنج و محل آن

1- در ملك خودش یافت شود مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد.

2- در جایی که ملك کسی نیست ; مثلاً در بیابان یا کوه یافت شود مال خود اوست و باید خمس آن را
بدهد.

3- در ملك دیگران پیدا کند متعلق به صاحب ملك است .

4- در ملكی که از دیگران خریده پیدا شود:

1- بدانند از صاحبان قبلی آن ملك نیست

برای خود او می شود و باید خمس آن را بدهد.

2-احتمال دهد

که مال یکی از آنان است

باید به او اطلاع دهد و اگی معلوم شود مال او نیست باید به مالکین قبلی اطلاع دهد و اگر معلوم شود

مال هیچ يك از آنان نیست

مال خود او می شود و باید خمس آن را بدهد.(3)

1 - توضیح المسائل

م 186

2 - توضیح المسائل

م 188

3 - توضیح المسائل

م 187 و 189

734

مال حلال مخلوط به حرام

اگر اموال انسان با اموال دیگران مخلوط شود ممکن است یکی از این حالتها را داشته باشد:

735

1- صاحب آن معلوم

مقدار آن معلوم - (باید آن مقدار را به صاحبش برگرداند).

مقدار آن نا معلوم -- (باید یکدیگر را راضی کنند).

736

1- صاحب آن نامعلوم

مقدار معلوم -- (باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم

شرع هم اجازه بگیرد.

مقدار نامعلوم -- (باید خمس آن را بپردازد

و بقیه حلال می شود.(1)

737

مسأله :

اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد که مقدار حرام بیشتر از خمس بوده

چنانچه مقدار زیادی معلوم باشد

بنابر احتیاط واجب مقداری را که می داند از خمس بیشتر بوده
از طرف صاحب آن صدقه بدهد(2).

1 - توضیح المسائل

م 1813 تا 1815

2 - توضیح المسائل

م 1816

739

جواهری که با غواصی به دست آمده

اگر کسی با غواصی و فرو رفتن در دریا جواهری به دست آورد و پس از کسر مخارجی که برای
بیون آوردن آن شده
قیمتش به 18 نخود طلا (1) برسد
باید خمس آن را بدهد. (2)

740

غنیمت

اگر مسلمانان به امر امام معصوم (ع) با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند
غنیمت است
پس از کسر مخارجی که برای حمل و نقل آن کرده اند و نیز مقداری را که امام (ع) صلاح می داند به
مصرفی برساند و کنار گذاشتن آنچه که سهم خاص امام معصوم (ع) است
بقیه آن خمس دارد. (3)

741

زمینی که کافر ذمی از مسلمانی خریداری کند

کافر ذمی

غیر مسلمانی است که تحت شرایطی در حکومت اسلامی زندگی می کند
چنین کسی اگر زمینی خریداری کند
باید 15 آن را به عنوان خمس تحویل دهد. (4).

1 - هجده نخود طلا امروزه در حدود 14 تومان ارزش دارد. (تابستان 1376 ش)

2 - توضیح المسائل

م 1819

3 - توضیح المسائل

م 1828

4 - توضیح المسائل

م 1829

742

حکم اموال خمس نداده

1- انسان

تا خمس مالش را ندهد نمی تواند در آن تصرف کند; یعنی غذایی که در آن خمس باشد نمی تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده نمی تواند چیزی بخرد(1).

2- اگر با پول خمس نداده

خرید و فروش کند (بدون اجازه حاکم شرع) 15 آن معامله باطل است. (2)

3- اگر بخواهد پول خمس نداده را به صاحب حمام بدهد و در حمام غسل کند غسل او باطل است(3) .

4- اگر با پولی که خمس آن را نداده است خانه بخرد

نماز خواندن در آن خانه باطل است . (4)

5- اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشد

15 آن چیز مال او نمی شود(5).

1 - توضیح المسائل

م 179

2 - توضیح المسائل

م 176

3 - توضیح المسائل

م 383

4 - توضیح المسائل

م 873

5 - توضیح المسائل

م 1763

744

استفتاء

س 1- اگر کسی در گذشته مقلد مرجعی بود که می گفت سرمایه و ابزار خمس ندارد و طبق این

فتوای مرجع خود خمس نداد

حالا آن مرجع فوت کرده

مقلد حضرتعالی است

می خواهد بداند حالا از همان سرمایه و ابزار که باقی است باید خمس بدهد یا نه ؟

ج - باید خمس بدهد. (1)

س 2- شخصی مقداری کتاب خریده و هنوز همء کتابها را مطالعه نکرده و به مرور زمان مطالعه می کند

اگر سر سال رسید

خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج - اگر تهیهء آن جزء احتیاجات او محسوب می شود و مورد حاجت است

خمس ندارد.(2)

س 3- آیا به وجهی که برای زیارت مستحب به حساب مربوطه واریز می شود

اگر در سالهای بعد مشرف شود

خمس تعلق می گیرد؟

ج - در فرض مذکور خمس دارد (3)

1 - استغاثات

ج 1 ص 371 س 78

2 - همان

ص 374 س 91

3 - همان

ص 38 س 18

745

مصرف خمس و شرایط سیدی که متوان به او خمس داد

خمس مال را باید دو قسمت کرد

نصف آن را

که سهم امام زمان (ع) است به مجتهد جامع شرایطی که از او تقلید می کند

یا نمایندهء او می پردازد.

و نصف دیگر را باید

یا به مجتهد جامع شرایط بدهد و یا اجازهء او به سادات دارای شرایط بپردازد.(1) شرایط سیدی که

می توان به او خمس داد:

فقیر باشد

یا در سفر مانده باشد
 هر چند در شهر خود فقیر نباشد.
 شیعهء دوازده امامی باشد.
 آشکارا معصیت نکند (بنابر احتیاط واجب) و دادن خمس
 كمك بر گناه او نباشد.
 از افرادی که مخارج آنان بر عهدهء اوست ; مانند همسر و فرزند نباشد (بنابر احتیاط واجب) (2).

746

استفتاء

س - دولت جمهوری اسلامی از حقوقی که به کارمندان خود می دهد مبلغی را به نام مالیات برداشت می نماید و تنها حقوق بگیران هستند که این مالیات را می دهند
 آیا پرداخت مالیات از نظر شرعی جزء کدام وجوهات حساب می شود
 خمس یا زکات ؟

ج - مالیات

بابت وجوه شرعیّه محسوب نیست . (3)

1 - توضیح المسائل

م 1834

2 - توضیح المسائل

م 1835 تا 1841

3 - همان

ص 411 س 199

748

انفال و موارد آن

انفال جمع نفل

به معنای زیاده و بخشش است و در اصطلاح فقه

اموال عمومی است که در اختیار پیامر(ص) و جانشین وی قرار دارد تا در مصالح عمومی جامعه به کار گیرند و در زمان غیبت

این اموال در اختیار حاکم اسلامی خواهد بود و موارد آن بدین شرح است :

1- فی ء

آنچه بدون لشکر کشی و جنگ به دست مسلمانان افتاده است

خواه زمین باشد یا غیر آن .

- 2- اراضی موات
 که جز با احیا و آباد کردن قابل استفاده نیست .
- 3- شهرها و روستاهایی که اهالی از آنجا کوچ کرده اند.
- 4- سواحل دریاها و رودخانه ها
 بلکه هر زمین بی صاحبی .
- 5- جنگلها
 نیزارها و قتل کوهها.
- 6- اموال پادشاهان .
- 7- غنایم برجسته و ارزشمند.
- 8- غنایم جنگی که بدون اجازهء امام (ع) به دست آمده باشد.
- 9- ارث بدون وارث .
- 1- معادنی که در زمین شخصی کسی نیست یا کسی آن را احیا نکرده است . (1)

1 - تحریر الوسلیه

ج 2- کتاب الخمس

القول فی الانفال

ص 368 و کتاب البیع

ج 3 ص 14

749

وقف

750

تعریف وقف

وقف

سلب کردن ملکیت خود از مال

و در راه خدا و خیر قرار دادن منفعت آن است . (1)

751

اقسام وقف :

وقف به اعتبار کسانی که مال برای آنها وقف می شود بر دو نوع است :

وقف عام

که استفاده کنندگان از آن مال

قشر یا گروه خاصی نیستند ; مثل وقف زمین برای مسجد. وقف خاص
که استفاده کنندگان از آن مال
قشر یا گروه خاصی می باشند ; مثل وقف چیزی برای امام جماعت مسجد
یا دانشجویان يك مدرسه .(2)

1 - تحرير الوسيله

ج 2 كتاب الوقف و اخواته

ص 62

2 - همان

ص 70 م 34

753

شرایط وقف

754

1. شرایط واقف

بلوغ

عقل

اختیار

ممنوع از تصرف در اموالش نباشد.(1)

755

2. شرایط مال موقوف :

1- ملك وقف کننده باشد

2- عین دارای منفعت حلال باشد

3- با استفاده از منافع آن

اصل

مال باقی باشد.

4- قابل تمليك و تحویل باشد.(2)

موقوف علیه فرد یا افرادی که چیزی برای آنها وقف می شود.

756

3. شرایط موقوف علیه :

1- معین باشد.

2- اگر وقف خاص است در هنگام وقف موجود باشد.

3- اگر وقف عام

است در هنگام وقف امکان موجود شده آنها باشد. (3)

757

4- سایر شرایط:

صنعهء وقف باید با الفاظی باشد که بیانگر اراده وقف باشد.

وقف

دائمی باشد نه موقت .

وقف

قطعی باشد و معلق و مشروط به شرطی نباشد.

وقف

برای دیگران باشد نه برای خودش. (4)

1 - تحریر الوسيله

ج 2 کتاب الوقف و اخواته

ص 69 م 29

2 - همان

م 31

3 - تحریر الوسيله

ج 2

ص 70 و 71 م 35 و 36 و 37

4 - همان

ص 62 و 64 و 65 م 67 و 1 و 15 و 22 و 24

758

احکام وقف

1- کسی که زمین با ساختمانی را وقف مسجد

پل

راه و مانند آن بنماید و در اختیار مردم بگذارد. و مردماز آن استفاده کنند ; مثلا عده ای در آن

مسجد نماز بخوانند یا از آن پل یا راه عبور کنند

کافی است و جزو اموال موقوف به حساب می آید. (1)

2- واقف باید مال وقف شده را به متولی وقف یا حاکم اسلامی تحویل دهد و اگر قبل از تحویل بمیرد

وقف باطل می شود و آن مال نیز به وارث می رسد. (2)

3- پس از آن که مالی را وقف کرد واقف نمی تواند عنوان آن را تغییر دهد ; مثلا وقف برای حسینیه را به وقف برای مسجد تغییر دهد.(3)

4- واقف می تواند

خود یا شخص دیگری را ضمن وقفنامه متولی قرار دهد
یا حق بر کناری متولی را برای خودش شرط کند.(4)

1 - تحریر الوسيله

ج 2

ص 63 م 3

2 - همان

ص 64 م 8 م 14

3 - تحریر الوسيله

ج 2 ص 74 م 69

4 - همان

ص 82 م 79

760

متولی وقف کیست ؟

1- اگر واقف متولی مشخص کرده باشد همان شخص متولی وقف است .

2- متولی مشخص نکرده و وقف عام است

حاکم اسلامی یا نماینده او متولی وقف می باشد. و در وقف خاص نیز در اموری که به مصلحت

وقف و مراعات حال نسلهای بعدی است ; مثل تعمیر و حفظ اصل آن

اختیار با حاکم اسلامی است . ولی نسبت به بهره وری کردن و اصلاحات جزئی که بهره دهی آن

متوقف بر آنهاست . مثل حفر جوی و لایروبی آن و درو کردن محصول

تصمیم با موقوف علیهم است .(1)

1 -- تحریر الوسيله

ج 2

ص 84 م 87

761

فروش مال وقفی

فروش مال وقفی که خاص باشد ; مانند وقف بر اولاد یا بر عناوین عمومی مانند فقرا وقف شده

باشد جایز نیست مگر در این موارد:

به طوری خراب و غیر قابل استفاده شده و تعمیر آن ممکن نباشد.

بر اثر خرابی

استفاده چندانی از آن نشود و با فروش آن بتوان مالی تهیه کرد که منافع قبلی آن مال را داشته باشد. واقف شرط کرده باشد که هنگام ضرورت و نیاز فروخته شود

که در این صورت نیز فروش مال موقوف مجاز می باشد.(1)

1 - تحریر الوسيله

ج 2

ص 79 م 73

763

استفتاء

س 1 زمینی در پیش از بیست سال قبل برای مسجد داده شده و با پول مردم مسجد ساخته شده آیا صاحب قبلی زمین یا وارث آن می تواند بگوید من راضی نیستم کسی در این مسجد نماز بخواند یا خیر ؟

ج - بعد از ساختن مسجد و تحویل به نمازگزاران نمی تواند رجوع کند و رضایت او معتبر نیست .(1)

س 2 آیا جایز است لوازم مسجد از قبیل کولر

بلندگو و فرش جهت استفاده شخصی فاتحه و عروسی و یا استفاده ع پیش نماز مسجد از مسجد خارج شود ؟

ج - تابع کیفیت وقف است اگر برای استفاده در مسجد وقف شده بیرون بردن از مسجد جایز نیست(2)

س - 3- ساختن مهدیه و حسینیه در قبرستانی که قسمتی از آن به حالت تعطیل در آمده چه صورتی دارد ؟

ج - قبرستان

اگر برای دفن اموال باشد

جایز نیست .(3)

برخی از نمونه های وقف و حکم هر يك(4)

1 - استفتاآت

ج 2 ص 33

س 12

2 - همان

ص 344 س 25

3 - همان

ص 358 س 59

4 - تحرير الوسيله

ج 2 كتاب الوقف و اخواته

ص 71 تا 74 م 40 تا 46 و 53 و 56 و 58

764

برخی از نمونه های وقف و حکم هر يك (1)

1 - تحرى الوسيله

ج 2 كتاب الوقف و اخواته

ص 71 تا 74 م 40 تا 46 و 53 و 56 و 58

766

وصیت و چگونگی وصیت

767

تعريف وصیت

وصیت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای او کاری انجام دهند یا بگویند بعد از مرگش چیزی از اموال او برای کسی باشد یا برای فرزندان خود قیم (سرپرست) مشخص کند. (1)

768

چگونگی وصیت

با گفتار ; یعنی وصیت خود را بگویند.

با نوشته ای که مقصود وصیت کننده را برساند.

با اشاره ای که مقصود را بفهماند. (2)

کسی که انسان به او وصیت می کند <<وصی>> نام دارد.

وصی باید مسلمان

عاقل

بالغ و مورد اطمینان باشد

بنابر این انسان نمی تواند فرزند غیر بالغ خود و یا کسی را که به او اطمینان ندارد

وصی خود قرار دهد. (3)

1 - توضیح المسائل

م 2694

2 - توضیح المسائل

م 2695 2696

3 - توضیح المسائل

م 2704

769

متن و صیتنامه و وصیت مالی

آنچه باید بر آنها وصیت کرد بدین شرح است :

- 1- نماز و روزه های قضا شده (در صورتی که خودش نتواند آنها را به جا آورد) و چنانچه پسر بزرگ دارد که پس از مرگ بر وی واجب می شود باید به او اطلاع دهد.
- 2- خمس و زکات و سایر بدهکاریها (در صورتی که نمی تواند بپردازد) چنانچه از خودش مال دارد و یا احتمال می دهد که کسی آنها را پرداخت می کند.
- 3- اگر حج بر او واجب شده و نتواند آن را به جا آورد.
- 4- اگر فرزندانیش نیاز به سرپرست دارند که بدون سرپرست اموالشان از بین رود یا خودشان ضایع می شوند. باید برای آنها قیم امینی قرار دهد(1).

770

وصیت مالی

وصیتی که انسان نسبت به اموالش دارد ; یعنی مصرفی را برای آن مشخص کرده

یا گفته است که به کسی بدهند

چنانچه بیش از يك سوم کل اموالش نباشد باید مطابق وصیت عمل کنند و اگر بیش از يك سوم اموال وی باشد

وصیت او در بیش از ثلث در صورتی صحیح است که ورثه او

حرفی بزنند یا کاری کنند که معلوم شود عملی شدن وصیت را اجازه داده اند و تنها راضی بودن آنها کافی نیست . و اگر بعد از مردن او هم اجازه بدهند صحیح است(2) .

1 - توضیح المسائب

م 2700 تا 2703

2 - توضیح المسائل

م 2721

772

رهن

رهن آن است که بدهکار مقداری از مال خود را نزد طلبکار بگذارد تا اگر طلب او را نداد از آن مال

طلب خود را به دست آورد. (1)

1- استفاده چیزی که گرو (رهن) می گذارند

مال کسی است که آن را گرو گذاشته است . بنابر این گرو گیرنده

بدون اجازه صاحب مال نمی تواند از آن استفاده کند. (2)

2- طلبکار (گرو گیرنده) و بدهکار (گرو دهنده) نمی توانند مالی را که در رهن است

بدون اجازه یکدیگر ملك کسی کنند; مثلاً بفروشند یا ببخشند. ولی اگر یکی از آنان آن را بفروشد یا

ببخشد و بعد دیگری بگوید: راضی هستم

اشکار ندارد (3).

3- اگر مالی را که بدهکار گرو گذاشته

خانه واثاثیه منزل هم باشد طلبکار می تواند بفروشد و طلب خود را بردارد (4). آنچه

امروزه به عنوان رهن منزل یا مغازه به مالك پرداخت می شود

و بدین سبب مقداری از اجاره بها

کم می کنند

نه تنها رهن نیست

بلکه کاری است اشتباه . به دو استفتاء توجه کنید:

1 - توضیح المسائل

م 23 00

2 - توضیح المسائل

م 2305

3 - توضیح المسائل

م 2306

4 - توضیح المسائل

م 2309

773

استفتاء

س 1- شخصی خانه ای را به مبلغ ماهیانه پنج هزار و پانصد تومان اجاره می نماید و مبلغ یکصد

هزار تومان به عنوان ودیعه به مالك می دهد که هنگام تخلیه پس بگیرد ولی ماهیانه مبلغ چهار هزار

و پانصد تومان اجاره می پردازد و ماهی يك هزار تومان بابت پولی که ودیعه گذارده

کسر می نماید

چون دادن و گرفتن حرام است

لطفاً روشن نمایید

آیا کسر مبلغ يك هزار تومان صحيح بوده يا خير؟ و اگر ربا محسوب می گردد

مستأجر مکلف به پرداخت آن می باشد يا خير؟

ج - در فرض دوم اجاره صحيح است ولی بايد تمام مال الاجاره را بدون کسر کردن مبلغی بپردازد. بلی اگر اجاره به مبلغ کمتر شده باشد و در ضمن اجاره شرط شود که پولی به صاحب خانه به عنوان ودیعه يا قرض يا غير آن داده شود اشکال ندارد. (1)

س 2- شخصی مبلغ پنجاه هزار تومان به صاحبخانه ای داده که دو اتاق را رهن کند و دیگر اجاره نمی دهد

چه

صورت دارد؟

ج - محکوم به رباست و اگر در اتاق تصرف کند

اجرت المثل را ضامن است. (2)

1 - استفتاآت

ج 2 ص 25 س 25

2 - استفتاآت

ج 2 ص 293 س 32

775

حواله و حکم آن

حواله آن است که بدهکار بدهی خود را بر عهده دیگری بگذارد و طلبکار قبول کند (1).

1- موقعی که انسان حواله می دهد

باید بدهکار باشد

پس اگر بخواهد چیزی از شخصی قرض بگیرد

تا وقتی از او قرض نگرفته است نمی تواند آن را به شخص دیگری حواله کند که آنچه را بعداً قرض می دهد

از آن شخص بگیرد (2).

2- طلبکار می تواند حواله را نپذیرد

اگر چه فردی که به او حواله شده

فقیر نباشد و در پرداختن حواله هم کوتاهی نکند. (3)

3- بعد از آن که حواله درست شد

حواله دهنده و کسی که به او حواله شده نمی توانند حواله را به هم بزنند

مگر آن که یکی از آنان برای خود حق به هم زدن حواله را قرار دهند

که در این صورت مطابق قراری که گذاشته اند می توانند حواله را به هم بزنند. (4)

1 - توضیح المسائل

م 2289

2 - توضیح المسائل

م 2292

3 - توضیح المسائل

م 2295

4 - توضیح المسائل

م 2297 و 2299

776

ضمان و شرایط آن

ضمان آن است که انسان متعهد شود بدهی کسی را بپردازد و طلبکار قول کند. (1)

777

شرایط ضمان :

ضامن و طلبکار بالغ

عاقل

رشید و مختار باشند.

طلبکار به سبب ورشکستگی

از طرف حاکم شرع

از تصرف در اموالش منع نشده باشد.

بدهی بدهکار قطعی باشد

پس اگر بخواهد از کسی قرض کند

تا قرض نکرده ضمان صحیح نیست .

طلبکار و بدهکار و جنس بدهی مشخص باشد؛ یعنی مبهم و مردّد نباشد.

و بنا بر احتیاط واجب

ضمان

منجّز باشد ؛ یعنی برای ضمانت خود شرطی نگذارد. (2)

778

احکام ضمان

1- اگر طلبکار طلب خود را به ضامن ببخشد

- ضامن نمی تواند از بدهکار چیزی بگیرد و اگر مقداری از آن را ببخشد
 نمی تواند آن مقدار را مطالبه کند. (3)
 2- اگر انسان ضامن شود که بدهی کسی را بدهد
 نمی تواند از ضامن شدن خود برگردد. (4)
 3- ضامن و طلبکار می توانند شرط کنند که هر وقت بخواهند
 ضمانت ضامن را به هم بزنند. (6)
 4- اگر شخصی بدون اجازه بدهکار
 ضامن شود که بدهی او را بدهد
 نمی تواند چیزی از او بگیرد. (5)

1 - تحرير الوسيله

ج 2 كتاب الضمان

ص 25

2 - همان

م 1 و 2

3 - توضیح المسائل

م 2315

4 - توضیح المسائل

م 2316

5 - توضیح المسائل

م 2317

6 - توضیح المسائل

م 2320

780

كفالت

كفالت آن است كه انسان متعهد و ملتزم شود كه هر وقت طلبكار بدهكار را خواست
 او را احضار كند. (1)

781

شرایط كفالت :

كفیل باید بالغ

عقل و مختار باشد.

كفیل باید توانایی احضار بدهكار را داشته باشد.

صیغه كفالت خوانده شود; یعنی به هر لفظی هر چند عربی نباشد
 كفیل به طلبکار بگوید: من ظامنم هر وقت بدهکار خود را بخواهی او را تحویل دهم .
 طلبکار كفالت را قبول کند.(2)
 چیزهایی که كفالت را بر هم می زند:
 كفیل بدهکار را به طلبکار تحویل دهد.
 طلب طلبکار داده شود.
 طلبکار از طلب خود بگذرد.
 بدهکار یا كفیل بمیرد.
 طلبکار كفیل را از كفالت آزاد کند.
 صاحب حق به وسیله حواله یا طور دیگری حق خود را به دیگری واگذار نماید.(3)

1 - تحرير الوسيله

ج 2 كتاب الحواله و الكفاله

القول فى الكفاله

ص 34

2 - همان

و توضیح المسائل

م 2323 و 2324

3 - توضیح المسائل

م 2325

782

وکالت و شرایط وکالت

وکالت آن است که انسان کاری را که می تواند در آن دخالت کند
 به دیگری واگذار نماید تا از طرف او انجام دهد; مثلاً کسی را وکیل کند که خانه او را بفروشد.(1)

783

شرایط وکالت

متعلق وکالت مقذور وکیل باشد.

متعلق وکالت معلوم باشد.

وکیل و موکل

بالغ و مختار باشند و قصد وکالت داشته باشند.

موکل

ممنوع التصرف در متعلق وکالت نباشد و انجام آن برای خودش جایز باشد.(2)

و بنا بر احتیاط واجب اصل وکالت منجز باشد.

1 - توضیح المسائل

ص 37

2- - تحریر الوسيله

ج 2 کتاب الوکاله

ص 39 م 1 و 2

785

احکام وکالت

1- در وکالت لازم نیست صیغه بخوانند و اگر انسان به دیگری بفماند که او را وکیل کرده و او هم بفهماند قبول کرده

صحیح است. (1)

2- کاری را که انسان نمی تواند انجام دهد

یا شرعاً نباید انجام دهد

نباید برای انجام آن از طرف دیگری وکیل شود؛ مثل کسی که در احرام حج است نمی تواند وکیل در اجرای صیغهء عقد نکاح بشود. (2)

3- اگر انسان کسی را برای انجام کارهای خودش وکیل کند صحیح است ولی اگر برای یکی از

کارهای خود وکیل کند و آن کار را معین نکند وکالت صحیح نیست. (3)

4- وکیل

لازم نیست مسلمان باشد

مگر در اموری که از غیر مسلمان صحیح نیست . بنا بر این انسان می تواند برای فروش خانهء خود

به کافری وکالت بدهد. (4)

5- انسانی نمی تواند کافری را وکیل خود کند تا علیه مسلمان اقامهء دعوی کند. (5)

6- وکیل می تواند از وکالت کناره گیری کند و اگر موکل غایب هم باشد اشکال ندارد. (6)

7- وکیل نمی تواند برای انجام کاری که به او واگذار شده

دیگری را وکیل کند ولی اگر موکل به او اجازه داده باشد که وکیل بگیرد

به هر طوری که به او دستور داده می تواند رفتار نماید

پس اگر گفته باشد برا من وکیل بگیر

باید از طرف او وکیل بگیرد و نمی تواند کسی را از طرف خودش وکیل کند. (7)

8- اگر انسان کسی را برای کاری وکیل کند و چیزی برای او قرار بگذارد بعد از انجام آن کار

چیزی را که قرار گذاشته باید به او بدهد. (8)

9- اگر وکیل یا موکل بمیرد یا دیوانهء همیشگی شود وکالت باطل می شود و نیز اگر گاه گاهی

دیوانه یا بیهوش شود

بنابر احتیاط واجب باید به معامله ای که انجام می دهد ترتیب اثر ندهند و نیز اگر چیزی که برای تصرف در آن وکیل شده است . از بین برود؛ مثلاً گوسفندی که برای فروش آن وکیل شده بمیرد

وکالت باطل می شود.(9)

1- اگر مال نزد وکیل تلف شود:

-- در نگهداری آن کوتاهی یا در تصرف

786

زیاده روی کرده : باید عوض آن را بدهد.

-- در نگهداری آن کوتاهی یا در تصرف زیاده روی نکرده : نباید عوض آن را بدهد.(10)

1 - توضیح المسائل

م 2257

2 - همان

م 2260

3 - همان

م 2261

4 - تحریر الوسيله

ج 2 ص 4

5 - همان .

6 - توضیح المسائل

م 2263

7 - توضیح المسائل

م 2264

8 - توضیح المسائل

م 2269

9 - توضیح المسائل

م 2268

10 - توضیح المسائل

م 2170 و 2271

787

حَجْر

حَجْر به معنای <<منع>> است و در فقه

منع شرعی نسبت به تصرف در اموال می باشد.(1)

1- این افراد محجورند؛ یعنی نمی توانند در اموال خود تصرف کنند.

-- كودك غير بالغ

-- ديوانه

-- سفیه (کسی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می کند)

-- ورشکستهء اقتصادی

2- ولایت بر تصرف در اموال كودك غير بالغ و ديوانه

با پدر و جد پدری اوست .

-- اگر پدر و جد پدری ندارد

قیمتی که وصیت آنان مشخص شده است

ولایت دارد.

-- اگر قیم هم ندارد

با حاکم شرع است .

-- و اگر حاکم شرع نباشد

با مؤمنین است و بنابر احتیاط واجب باید عادل باشند. (2)

3- ولایت بر سفیه :

- اگر از دوران کودکی سفیه بوده و با همان حال به حد بلوغ رسیده

شرعاً محجوز است و ولایت بر او مانند دیوانه

با پدر و جد پدری است و و با نبودن آنها قیم است .

- اگر قبلاً سفیه نبوده و پس از بلوغ سفیه شده

ولایت بر او با حاکم است و حاکم او را از تصرف در اموالش منع می کند (3)

4- ورشکستهء اقتصادی را نیز حاکم شرع با شرایطی که در کتب مفصل فقهی آمده است او را از

تصرف در اموالش منع می کند و ولایت در تصرف با حاکم است. (4)

1 - تحرير الوسيله

ج 2 ص 13 كتاب الحجر.

2 - تحرير الوسيله

ج 2 ص 13 م 5

3 - تحرير الوسيله

ج 2 ص 15

4 - برای آشنایی با شرایط جواز حجر می توانید به کتاب تحرير الوسيله

ج 2 ص 18 >> القول فی الفلاس << مراجعه کنید.

وديعه واحكام امانتداری

اگر انسان مال خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند باید به احکام امانتداری عمل کند. (1)

790

احکام امانتداری

1- کسی که نمی تواند از امانت نگهداری کند

بنابر احتیاط واجب نباید قبول کند. (2)-

2- کسی که چیزی را امانت می گذارد

هر وقت بخواهد می تواند آن را پس بگیرد و کسی که امانت را قبول می کند

هر وقت بخواهد می تواند آن را به صاحبش برگرداند. (3)

3- اگر امانتدار برای امانت

جای مناسبی ندارد

باید جای مناسبی تهیه کند؛ مثلاً اگر پول است و در خانه نمی تواند نگهداری کند

باید به بانک بسپارد. (4) -

4- امانتدار باید طوری از امانت نگهداری کند که مردم نگویند در امانت خیانت و یا در نگهداری آن

کوتاهی کرده است. (5)

5- در صورتی که امانت مردم از بین برود:

-- اگر امین در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد: باید عوض آن را به صاحبش بدهد.

-- اگر در نگهداری آن کوتاهی نکرده و به طور اتفاقی آن مال از بین رفته ؛ مثلاً سیل برده است ؛

امانتدار ضامن نمی باشد و لازم نیست عوض آن را بدهد. (6)

1 - توضیح المسائل

م 2327

2 - توضیح المسائل

م 2330

3 - توضیح المسائل

م 2332

4 - توضیح المسائل

م 2334

5 - همان .

6 - توضیح المسائل

م 2335

عاریه

1- عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد که از آن استفاده کند و در عوض چیزی از او نگیرد

مثلاً کتاب خود را به کسی می دهد تا مطالعه کند و برگرداند. (1)

2- کسی که چیزی را عاریه گرفته باید بخوبی از آن نگهداری کند.

3- چنانچه مالی را که عاریه کرده

از بین برود یا معیوب شود:

-- اگر در نگهداری آن کوتاهی

یا در استفاده از آن زیاده روی کرده باشد

باید خسارت آن را بپردازد. (2)

4- اگر از پیش شرط کرده باشند که هر گونه خسارت بر آن مال وارد شود

عاریه کننده ضامن است

باید آن خسارت را بپردازد. (3)

1 - توضیح المسائل

م 2344

2 - همان

م 2349

3 - همان .

شرکت**تعریف شرکت**

شرکت بر دو نوع است :

1- شرکت غیر عقدی

2- شرکت عقدی (قراردادی).

شرکت عقدی : به آن معنا است که دو نفر با هم قراردادی ببندند که با مال مورد اشتراك خود معامله

کنند. به این نوع شرکت <<شرکت اکتسابی >> هم می گویند.

شرکت غیر عقدی : عبارت است از بودن يك چیز برای دو یا چند نفر بدون قرارداد; مثل آن که مالی

از کسی به چند نفر به ارث برسد یا شخصی فرد دیگری را در مال خود شريك کند(1).

احکام شرکت

1- شرکت عقدی

فقط در اموال

صحیح است پس اگر دو نفر قرارداد ببندند که هر چه کارشان در آمد داشت با هم شریک باشند صحیح نیست

خواه عمل آنها یکنواخت باشد؛ مثلاً دو نفر خیاط با هم قرار بگذارند که هر چه درآمد داشتند باهم شریک باشند. یا عمل آنها متفاوت باشد؛ مانند خیاط و نساج

بلی اگر یکی از آنها نصف منفعت خود را به دیگری مصالحه کند به چیزی

و آن دیگری هم نصف منفعت خود را به همان چیز مصالحه کند اشکال ندارد(2).

2- اگر در عقد شرکت شرط کنند که هر دو با هم خرید و فروش نمایند یا هر کدام به تنهایی معامله کند

یا فقط یکی از آنها معامله کند

باید به قرار داد عمل نمایند(3) .

3- اگر معین نکنند کدامیک از آنها با سرمایه خرید و فروش کند

هیچیک از آنان بدون اجازه دیگری نمی تواند با آن سرمایه معامله کند(4)

4- هر وقت یکی از شرکا تقاضا کند که سرمایه شرکت را قسمت کنند

اگر چه شرکت مدت داشته باشد

باید؛ دیگران قبول کنند(5).

5- اگر یکی از شرکا بمیرد یا دیوانه شود

یا حاکم شرع او را از تصرف در اموالش اَمنع کند

سایر شرکا نمی توانند در مال شرکت تصرف کنند(6).

6- اگر شریک چیزی را نَسبه برای خود بخرد

نفع و ضررش مال خود اوست اولی اگر برای شرکت بخرد و شریک دیگر به آن معامله راضی باشد

نفع و ضررش لله برای هر دوی آنهاست(7).

1 - تحریر الوسيله

ج 1 ص 623 م 3 كتاب الشركة.

2 - تحریر الوسيله

ج 1 ص 624 م 5 توضیح المسائل

م 2143

3 - توضیح المسائل

م 2149

4 - توضیح المسائل م 2150

5 - توضیح المسائل

م 2156

6 - توضیح المسائل

م 2157

7 - توضیح المسائل

م 2158

796

مضاربه و شرایط آن

797

تعریف مضاربه

اگر دو نفر با هم قرارداد ببندند که یکی از آنها مای را به دیگری بدهد تا با آن مال معامله کند و اگر سودی به دست آمد با هم تقسیم کنند به چنین قراردادی <<مضاربه >> می گویند به کسی که مال را تحویل گرفته تا با آن معامله کند <<عامل >> می گویند(1).

798

شرایط مضاربه

شرایط صاحب مال

1- بلوغ

2- عقل

3- اختیار

4- عدم الحجر <<حاکم شرع او را از تصرف در مال مورد مضاربه منع نکرده باشد>>

شرایط عامل

1- بلوغ

2- عقل

3- اختیار

4- قدرت بر تجارت

شرایط مال

1- عین باشد ; پس مضاربهء منفعت و دین صحیح نیست .

2- درهم و دینار و پول باشد

پس مضاربه دادن کالا صحیح نیست .

3- معین باشد

مبهم نباشد.

4- اوصاف و مقدرا آن معلوم باشد.

شرایط سود

1- مقدار سهم هر کدام معلوم باشد.

2- مشاع کسری باشد

مثل يك دوم - مثل يك سوم - مثل يك چهارم و اگر مثلا بگوید ده هزار تومان برای تو صحیح نمی باشد.

3- سود فقط بین طرفین مضاربه تقسیم شود. پس اگر مقداری از سود را برای شخص دیگری که جزو قرار داد مضاربه نیست قرار دهند مضاربه باطل است مگر این که برای تجارت کاری انجام داده باشد.

شرط استرباح (نحوه سود بردن)

خرید و فروش باشد

اگر در کار دیگری غیر معامله و تجارت خرج کند صحیح نیست .(2)

1 - تحریر الوسيله

ج 1 ص 608 کتاب المضاربه .

2 - تحریر الوسيله

ج 1 ص 608 .609 م 1

800

احکام مضاربه

1- اگر شخصی توری یا دامی به دیگری بدهد که به وسیله آن ماهیگیری کند و هر چه ماهی گرفت با هم تقسیم کنند این قرار داد <<مضاربه >> نیست بلکه معامله ای باطل است .(1)

2- صاحب مال می تواند مال خود را به دو نفر مضاربه بدهد

چه آن دو به مقدار مساوی سود ببرند یا یکی از آنها بیشتر از دیگری و فرقی نیست که در عمل با هم مساوی باشند یا یکی بیش از دیگری کار انجام بدهد.(2)

3- اگر صاحب مال دو نفر یا بیشتر باشند و مال خود را به يك نفر مضاربه بدهند مانع ندارد.(3)

4- در تجارت کارهایی که به طور معمول به دیگران می سپارند مانند وزن کردن بار و حمل آن و امثال اینها

می تواند به اهلهش سپارد و مزد آنها را از سرمایه بدهد و اگر خودش آن را انجام داد می تواند مزد

خود را از سرمایه بردارد و اما برای کارهایی که به طور متعارف خود عامل باید انجام دهد نمی تواند
مزد بردارد. (4)

5- اگر عقد مضاربه مطلق باشد ; یعنی شرطی در آن نباشد

عامل هرگونه صلاح بداند می تواند تجارت کند اما نمی تواند نسیه بدهد مگر این که بین تجار نسیه
دادن مرسوم باشد. ولی اگر عقد مضاربه مشروط باشد. عامل باید به شرط عمل کند و اگر به شرط عمل
نکرد و خسارتی به بار آمد ضامن است و اگر سودی به دست آمد صاحب سرمایه شریک است. (5)

6- عامل نمی تواند مخارج خود یا مخارج دیگران را از سرمایه بردارد مگر با اجازه مالک و اگر
مالک اجازه داد باشد نباید در مخارج خود اسراف کند. و نیز نیم تواند از سرمایه کسی را مهمان کند یا
سوغات بخرد مگر برای تجارت و به مصلحت تجارت باشد. (6)

1 - تحرير الوسيله

كتاب المضاربه

م 6

2 - همان .

3 - تحرير الوسيله

كتاب المضاربه م 10

4 - تحرير الوسيله

كتاب المضاربه

م 15

5 - تحرير الوسيله

كتاب المضاربه

م 16 و 18

6 - تحرير الوسيله

كتاب المضاربه

م 20

801

ضمان عامل و عدم آن

بدون تقصیر عامل

تمام مال یا مقداری از آن تلف شود - عامل ضامن نیست .

با تقصیر عامل

مال تلف شود - عامل ضامن است

تجارت سود نیاورد - عامل ضامن سود صاحب مال نیست .

تجارت ضرر بیاورد - عامل ضامن ضرر صاحب مال نیست .

شرط کرده بودند که خسارت بر عهدهء مالك باشد - عامل خسارت را ضامن نيست .
 شرط کرده بودند که اگر ضرری به سرمایه وارد شد
 عامل هم ؛ مثلاً يك دوم تا يك سوم از آن را بدهد - در صورت ضرر
 او هم ضامن است .(1)

عامل نمی تواند بدون اجازه مالك مال را به شخص دیگری به مضاربه بدهد تا دیگری را در مضاربه شريك کند و اگر اجازه هم بدهد باید مضاربهء اولی را فسخ کنند و مالك با شخص دوم عقد مضاربه ببندد

یا قرار داد مضاربه بين مالك و عامل و شخص دیگری به اشتراك بسته شود(2).

1 - تحرير الوسيله

ج 1 ص 611م 14 كتاب المضاربه .

2 - همان

615 م 25

803

مزارعه و شرایط آن

یکی از قرار داده های اقتصادی در بخش کشاورزی <<مزارعه >> است .
 مزارعه آن است که صاحب زمین
 با زارع قرار داد ببندد که زمین را در اختیار زارع بگذارد تا زراعت کند و مقداری از حاصل آن را
 به صاحب زمین بدهد(1).

804

شرایط مزارعه

قرار داد مزارعه بسته شود ؛ یعنی صاحب زمین به زارع بگوید
 زمین را به تو واگذار کردم و او هم بگوید قبول کردم یا بدون این که حرفی بزنند
 زمین را واگذار کند برای مزارعه و او هم تحویل بگیرد.
 صاحب زمین
 زمین مورد مزارعه را مشخص کند.
 زمین
 قابل کاشت باشد
 یا بتوانند کاری کنند که زراعت ممکن شود: مثلاً با شخم زنی و کود دادن و تسطیح کردن . مدت
 مزارعه معین باشد.
 مدت مزارعه به قدری باشد که در آن مدت حاصل زمین به دست آید.

نوع زراعت معین باشد

مگر در محلی باشد که فقط يك نوع زراعت کاشت می شود که در این صورت نام بردن لازم نیست .
 خرجی را که هر کدام باید عهده دار شود مشخص کنند ; مثلاً زمین و بذر از یکی و سایر مخارج از دیگری . همه حاصل زمین به يك نفر اختصاص داده نشود .

سهم هر کدام از محصول به طور مشاع باشد ; مثلاً يك دوم
 يك سوم

يك چهارم بنابراین اگر قرار بگذارند که باغبان

آبیاری کند و در پایان يك تن میوه بگیرد

این قرار داد مساقات نیست .

1 - توضیح المسائل

م 2228

805

احکام مزارعه

1 اگر زراعت در زمین به واسطه پیش آمدی

مثلاً باریدن برف یزادی ممکن نشود:

1 اگر مقداری از زراعت به دست آمده

حتی علفی که بتوان به حیوانات داد - همان مقدار

مطابق قرارداد از هر دوی آنهاست و نسبت به بقیه

مزارعه باطل است .

- اصلاً زراعت بدست نیامد: مزارعه باطل است . (1)

1 اگر زارع در تحصیل زراعت کوتاهی کند و چیزی به دست نیاید

باید اجازه عزمین را به قدر متعارف به صاحب زمین بپردازند. (2)

1 است . زارع نمی تواند بدون اجازهء صاحب زمین

زمین را در اختیار شخص دیگری بگذارد. (3)

1 شخصی که زمین را اجازه کرده اگر در عقد اجازه شرط نشده باشد که خود او باید از زمین استفاده

کند

می تواند آن زمین را به مزرعه بدهد. (4)

1 اختیاری مالیات زمین و مال الاجارهء آن (اگر زمین اجازه ای باشد) بر عهدهء زارع نیست

مگر آنکه در عقد اجازه شرط شده باشد

اما کارهای دیگر مانند حفر جویهای آبرسانی

تهیه اسباب کشاورزی و امثال آن را باید در قرارداد مشخص کنند که برعهده چه کسی است . (5)

16 با مرگ صاحب زمین یا زراع

قرار داد مزارعه باطل نمی شود

بکله به ورثه منتقل می شود

پس اگر صاحب زمین بمیرد به ورثه او منتقل می شود و سهم حاصل به آنها می رسد و اگر زراع

بمیرد ورثه او باید زراعت کنند

یا کسی را اجیرکنند که زراعت کند. (6)

1- توضیح المسایل م 2232 و تحریر الوسیله ، کتاب المزارعه ، م 6.

2- همان .

3- تحریر الوسیله ، کتاب المزارعه ، م 10.

4- همان .

5- همان

م 15.

6- همان

م 12 و توضیح المسایل م 223 4

807

مساقات و شرایط آن

<<مساقات >> قراردادی است اقتصادی میان صاحب باغ و باغبان که در مدت معینی به آبیاری و

تربیت درختان بپردازد و مطابق قرار داد

سهمی از میوه ها به کاباغبان داده شود. (1)

808

شرایط مساقات

مورد مساقات

معین باشد .

مورد مساقات

زمین بودن درخت نباشد.

درختان نیز از نوع تنه دار باشد؛ مانند بوتهء خیار و هندوانه نباشد.

درخت میوه باشد؛ مانند درختان بید و صنوبر و کاج و سپیدار نباش

مگردرختانی که از گل یا برگ آنها استفاده می کنند

مانند درخت سدر.

مدت مساقات معلوم باشد.

میوه را سهم يك نفر قرار ندهند.

سهم هر کدام معین باشد.

سهم آنها به نوع مشاع باشد ; مثلا 121314 بنابراین اگر قرار بگذارند که باغبان

آبیاری کند و در پایان يك تن میوه بگیرد

این قرار داد مساقات نیست .

1 - توضیح المسائل ، م 2238.

809

جند مسأله

1- در قرار داد مساقات می تواند مدت آن را تا پایان رسیدن میوه ها قرار داد

در صورتی که زمان شروع آن (ابتدای مساقات) مشخص باشد.

2- قرار داد مساقات بر نهالهایی که تازه غرس شده و هنوز زمان میوه دادن آنها نرسیده

اشکال ندارد

به شرط آن که مدت مساقات به قدری باشد که نهال میوه دار شود.

3- درختی که زا آب باران یا رطوبت زمین استفاده می کند و به آبیاری نیازی ندارد

اگر به کارهای دیگری

مانند

بیل زدن و کود دادن نیازمند باشد

مساقات صحیح است . (1)

810

استفتاء

س - آیا مزارعه

مساقات و مضابه که در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معمول بوده محدود به زمان

معینی بوده یا اینکه همیشه به قوت خود باقی است ؟

ج - مذکورات از معاملات مشروع هستند و شرعیت آنها اختصاص به زمان خاصی ندر(2)

1 - تحریر الوسيله

ج 1 کتاب الجعاله

ص 642 و توضیح المسائل

م 2238 تا 2245

2 - استفتات

ج 2 ص 274 س 1

نذر و کفارهء تخلف نذر

- 1- در نذر باید صیغه خوانده شود و لازم نیست انسان آن را به عربی بخواند پس اگر بگوید: <<چنانچه مریض من خوب شود برای خدا بر من است که هزار ریال به فقیر بدهم >> نذر او صحیح است. (1)
- 2- نذر کننده باید مکلف و عاقل باشد و به اختیار و قصد خود نذر کند بنابراین
نذر کسی که او را مجبور کرده اند
یا در حال عصبانیت بی اختیار نذر کند صحیح نیست. (2)
- 3- نذر زن بدون اجازهء شوهر باطل است. (3)
- 4- انسان کاری را می تواند نذر کند که انجام آن برایش ممکن باشد بنابراین کسی که مثلاً نمی تواند پیاده به حج برود
اگر نذر کند که پیاده برود
نذر او صحیح نیست. ل(4)
- 5- اگر انسان نذر کند کاری را انجام دهد
باید همانطور که نذر کرده عمل کند
پس اگر نذر کند روز اول ماه روزه بگیرد
چنانچه روز قبل یا بعد از آن به جا آورد
کفایت نمی کند. (5)
- 6- اگر نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد
نمی تواند آن را به فقیر دیگری بدهد. (6)
- 7- اگر نذر کند که به زیارت یکی از امامان علیه السلام برود
چنانچه به زیارت امام دیگر برود
کافی نیست و چنانچه به واسطهء عذر نتواند آن امام را زیارت کند
چیزی بر او واجب نیست. (7)
- 8- اگر برای حرم یکی از امامان علیه السلام یا امامزادگان چیزی نذر کند
باید آن را به مصارف حرم برساند
از قبیل فرش
پرده و روشنایی. (8)
- 9- اگر برای خود امام علیه السلام یا امامزاده چیزی نذر کند

چنانچه مصرف معینی را قصد کرده

باید به همان مصرف برساند و اگر مصرف معینی را قصد نکرده

باید به فقیران و زائران بدهد و یا مسجد و مانند آن بسازد و ثواب آن را به امام علیه السلام هدیه کند. (9)

813

استفتاء

س - کسی که نذر کرده که مبلغی در موردی نظیر اطعام و غیره صرف نماید

آیا می تواند این مبلغ را به یکی از حسابهای ضروری تر

نظیر جبهه یا جنگ زدگان واریز نماید ؟

ج - اگر نذر با صیغه معتبر شرعی بوده

باید بر طبق نذر عمل شود و اگر صیغه نداشته

اختیار با خود شماست. (10)

814

کفاره تخلف نذر

اگر انسان بدون عذر به نذر خود عمل نکند کفاره واجب می شود ; یعنی باید: يك برده آزاد کند.

یا به شصت فقیر طعام دهد.

یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد(1)

1 - توضیح المسائل

م 2641

2 - توضیح المسائل

م 2624

3 - توضیح المسائل

م 2644

4 - توضیح المسائل

م 2647

5 - توضیح المسائل

م 2651

6 - توضیح المسائل

م 2659

7 - توضیح المسائل

م 2660

8 - توضیح السائل

م 2662

9 - توضیح المسائل

م 2663

10 - استفتات

ج 2 ص 464 س 20

11 - توضیح المسائل

م 2654

815

کفارهء تخلف نذر

اگر انسان بدون عذر به نذر خود عمل نکند کفاره واجب می شود ; یعنی باید: يك برده آزاد کند.
یا به شصت فقیر طعام دهد.

یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد(1)

1 - توضیح المسائل

م 2654

817

قسم خوردن

1- اگر کسی به یکی از اسامی خداوند عالم ; مانند <<خدا>> و <<الله>> قسم بخورد که کاری را انجام دهد یا ترك کند ; مثلا سوگند بخورد که روزه بگیرد یا سیگار نکشد

واجب است به آن عمل کند.(1)

2- کسی که قسم می خورد باید این شرائط را داشته باشد:
بالغ و عاقل باشد.

از روی قصد و اختیار قسم بخورد.

اگر می خواهد نسبت به مال قسم بخورد

حاکم شرع او را از تصرف اموالش ممنوع نکرده باشد.(2)

3- اگر عمداً به سوگندی که خورده است عمل نکند

باید کفاره بدهد و کفاره آن یکی از این سه چیز است :

آزاد کردن يك برده .

سیر کردن ده فقیر.

پوشاندن ده فقیر.

و اگر هیچکدام از اینها را نتواند انجام دهد

باید سه روز روزه بگیرد.(3)

4- کسی که قسم می خورد

- چه از گذشته خبر دهد

یا برای آینده باشد - اگر حرف او راست باشد

قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد

حرام و از گناهان بزرگ است. (4)

1 - توضیح المسائل

م 2670 و 2671

2 - تحریر الوسيله

ج 2 ص 113 م 8

3 - همان .

4 - تحریر الوسيله

ج 2 ص 116 م 17 و توضیح المسائل

م 2675

818

صدقه واحكام آن

صدقه عملی است مستحب که در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام تأکید بسیاری نسبت به آن

شده و ثواب بی شماری برای آن بیان گشته است تا آنجا که فرموده اند: <<صدقه >> در دنیا مانع پیشامدهای ناگوار و

مرگهای ناگهانی است و در آخرت گناهان بزرگ را می زداید و حسابرسی قیامت را آسان می کند.>> (1)

819

احكام صدقه

1- انسان باید در پرداخت صدقه

قصد قربت داشته باشد ; یعنی تنها برای رضای خدا بپردازد و از هرگونه ریا و خود نمایی بدور باشد. (2)

2- پس گرفتن صدقه جایز نیست. (3)

3- صدقه بر سید هم حلال است

گر چه زکات غیر سید بر آنها حرام است. (4)

4- صدقه دادن به کافری که در حال جنگ با مسلمانان نباشد و به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا امام

عليه السلام دشنام نمی دهد

اشکال ندارد.(5)

5- صدقه را بهتر است پنهانی بدهد

مگر آن که بخواهد دیگران هم تشویق شوند

ولی زکات

بهتر است آشکار

داده شود.(6)

6- گدایی کردن و رد کردن گدا (چیزی به او ندادن) هر دو مکروه است.(7)

1 - بحار الانوار

ج 96 ص 124 و سائل الشيعه

ج 6 ص 258

2 - تحرير الوسيله

ج 2 كتاب الوقف و اخواته (القول فى الصدقه) ص 90 م 1

3 - همان

مسأله 2

4 - تحرير الوسيله

ج 2 ص 91 م 3

5 - همان

م 5

6 - همان

م 6

7 - همان

ص 92 م 10. 9

821

هبه

هبه یا بخشش

عبارت است از خارج ساختن مالی از ملکیت خود

و بدون دریافت چیزی

به ملکیت دیگری در آوردن.(1)

1- هبه کننده و کسی چیزی که به او هبه خواهد شد

باید بالغ و عاقل و دارای قصد و اختیار باشد آری

ولی طفل و دیوانه می تواند از طرف آنها قبول کند.(2)

1- مواردی که نمی توان هبه را پس گرفت .

هبهء به ارحام

مانند پدر

مادر

فرزند در صورتی که تحویل آنان داده باشد.

هبهء به غیر ارحام

در صورتی که آن مال باقی نباشد و مصرف کرده باشد. اما اگر هنوز آن مال باقی است پس گرفتن آن اشکال ندارد.

هبهء معوضه ; بخششی که مشروط باشد به پرداخت چیزی یا انجام کاری در مقابل آن ; مثلا چیزی را به کسی

می بخشد به شرط آن که او هم چیزی به او بدهد(3)

پس از تحویل دادن چیزی که بخشیده

یکی از طرفین از دنیا بروند

ورثهء بخشنده نمی توانند آن را پس بگیرند.(4)

2- زن و شوهر حکم ارحام را ندارند ولی احتیاط آن است که اگر یکی از آنها چیزی به دیگری بخشید

پس نگیرد.(5)

1 -- تحریر الوسيله

ج 2

ص 56

2 - همان .

3 - همان

ص 58 م 8 و 11

4 - همان

م 8

5 - همان .

822

صلح

انسان می تواند تمام یا مقداری از اموال یا منافع اموال خود را در مقابل چیزی یا بدون عوض

به دیگری واگذار کند یا طلبی که دارد

نگیرد. به این واگذاری یا اسقاط دین <<صلح>> گفته می شود(1).

1- صلح

- خود يك قرار داد مستقل است و احكام ساير قرار دادها در آن جاری نیست . پس خيار بيع و حق شفعه در آن ثابت نیست .(2)
- 2- در قرار داد صلح صيغهء خاصی شرط نیست بلکه با هر لفظی که بيانگر واگذاری مال یا اسقاط دين باشد صحيح است .(3)
- 3- صلح کننده باید عاقل بالغ و مختار باشد و قصد صلح نیز داشته باشد و حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع نکرده باشد.(4)
- 4- اگر بخواهند دو چیزی را که از يك جنس می باشد به یکدیگر صلح کنند . وزن آنها معلوم است .
- 1- هر دو مساوی است : صلح صحيح است .
- 2- یکی بیشتر است : صلح صحيح نیست .
- وزن آنها معلوم نیست : صلح صحيح است
- هر چند احتمال بدهند که وزن یکی بیشتر از دیگری است .(5)
- 5- اگر دو نفر چیزی را با هم صلح کنند با رضایت یکدیگر می توانند صلح را به هم بزنند و همچنین اگر برای یکی از آنها حق فسخ قرار داده باشند.(6)

1 - توضیح المسائل

م 2160

2 - تحریر الوسيله

ج 1 کتاب الصلح

ص 561 م 1

3 - همان

ص 562 م 3

4 - همان

ص 563 م 9

5 - توضیح المسائل

م 2166

6 - توضیح المسائل

م 2169

کفاره

جریمه ای است که برای ارتکاب برخی از گناهان گذاشته شده است و این غیر از حد و دیه و قصاص است

چون پرداخت کفاره به دست خود گناه کار انجام می شود و نیازی به حکم حاکم ندارد. برخی از موارد کفاره در بحث روزه گذشت و اما بحث تفصیلی آن در این درس خواهد آمد. کفاره اقسام و احکامی دارد که مکلف با شناخت آنها باید به وظیفه خود عمل کند.

825

اقسام کفاره

1- مرتبه - کفاراتی که در صورت ناتوانی از اولی نوبت به بعدی می رسد.

2- مخیره - کفاراتی که مکلف در انتخاب یکی از آنها اختیار دارد.

3- مخیره و مرتبه - کفاراتی که قسم اول و دوم

هر دو در آن وجود دارد.

4- جمع - گناه کار تمام موارد کفاره را باید انجام دهد. (1)

1 - تحریر الوسيله

ج 2 کتاب الكفارات

ص 125

826

گناهان کفاره دار و کفارهء هر يك (1)

نوع	گناه	کفاره
مرتبه	1- باطل کردن روزه قضای رمضان	بعد از ظهر
مرتبه	2- قتل خطایی، 3- ظهار	آزاد کردن برده، دو ماه روزه، 60 مسکین طعام
مخیره	1- باطل کردن عمدی روزه رمضان، 2- تخلف نذر (عمل نکردن به نذر)، 3- تخلف عهد (عهد شکنی)، 4- زنی که در مصیبت موی خود را پریشان کند	کفارهء تمام این موارد عبارت است از: آزاد کردن برده یا دو ماه روزه یا اطعام 60 مسکین .

<p>در تمام این موارد مخیراست بین : آزاد کردن برده و طعام یا لباس دادن به 10 مسکین و در صورت ناتوانی از همهء اینها سه روز روزه بگیرد.</p>	<p>1- تخلف از قسم (شکستن قسم) ، 2- بانویی که در مصیبت موی سر خود را بکند یا صورت خود را بخراشد، 3- مردی که در سوگ فرزند یا همسر لباس خود را چاك بزند.</p>	<p>مخیره و مرتبه</p>
<p>بنابر احتیاط واجب در هر دو مورد باید: يك برده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و به 60 مسکین طعام دهد و در صورت ناتوانی از برخی باید بقیه را انجام دهد.</p>	<p>1- قتل عمدی مؤمن از روی عمد و ظلم، 2- افطار روزهء ماه رمضان با عمل حرام</p>	<p>جمع</p>

1- تحریر الوسيله

ج 2 كتاب الكفارات

ص 125

828

احكام كفارات

1- پرداخت كفاره باید به نیت كفاره و با قصد قربت باشد.(1)

2- روزه ها در تمام كفارات باید پی در پی باشد ولی در صورتی که دو ماه واجب باشد

اگر يك ماه و يك روز (31روز) پی در پی بگیرد كفایت می کند(2).

3- مسکینی که می توان به او كفاره داد

همان فقیری است که مستحق زکات است .(3)

4- در اطعام مسکن

مخیر است بین سیر کردن یا دادن غذا به او

ولی اگر بخواهد غذا را به خودش تحویل دهد

حداقل باید يك مد باشد و احتیاط مستحب است دو مد بدهد(4).

5- دادن پول به عنوان كفاره

کافی نیست

نه در اطعام

نه در لباس دادن

بلکه خود غذا یا لباس باید داده شود

مگر آنکه فقیر

مورد اطمینان باشد و به او پول بدهد او را وکیل کند که با آن پول برای خودش طعام یا لباس تهیه

کند. (5)

6- در مواردی که به 10 یا 60 مسکین باید طعام داده شود باید طعام را به همین تعداد فقیر بدهد پس نمی تواند به 30 نفر هر کدام دو مد بدهد مگر آنکه کفاره های متعدد باشد. ولی لازم نیست همه را یکجا اطعام کند مثلا اگر به 10 فقیر امروز و 20 نفر دیگر دو ماه دیگر و بقیه را پس از مدتی دیگر طعام بدهد اشکال ندارد (6)

829

استفتاء

س 1- بر شخصی که کفارهء جمع تعلق گرفته آیا بنده آزاد کردن از او در این زمان ساقط است؟
ج - ساقط است (7) .

س 2- آیا از گوشت گوسفندی که حاجی به عنوان کفاره می دهد خودش هم می تواند بخورد یا نه؟
ج نمی تواند بخورد (8).

- یکدرهم معادل 126 نخود نقره سکه دار می باشد و اکنون حدود 200 تومان ارزش دارد (تابستان 1376 ش).

1 - تحریر الوسيله

ج 2 كتاب الكفارات

ص 127 م 2

2 - همان

ص 128 م 7 ص 129 م 9

3 - همان

ص 131 م 18

4 - همان

ص 129 م 11

5- همان

ص 132 م 20

6 - همان

ص 129 م 11

7 - استفتاءات

ج 2 ص 489 س 15

8 - همان

830

حکم و وظیفه شخصی که اشیاء پیدا شده را برمیدارد

1- برداشتن چیزی که پیدا شده

مکروه است .

2- در صورتی که شخصی چیزی پیدا کند و بردارد وظیفهء اوست که اگر:

صاحبش معلوم است

به صاحبش بدهد.

صاحبش معلوم نیست :

831

1- قیمت آن از يك درهم (1) کمتر نیست

1- - نشانه ای ندارد که از روی آن بتواند صاحبش را پیدا کند - بنابر احتیاط واجب از طرف صاحبش

صدقه بدهد.

2- نشانه دارد

باید اعلان کند

پس اگر:

- اگر صاحبش پیدا شد باید به او بدهد.

- اگر صاحبش پیدا نشد

می تواند برای خود بردارد

به قصد این که هر وقت صاحبش پیدا شد عوض آن را به او بدهد یا برای صاحبش نگهداری کند تا

هر وقت پیدا شد به او بدهد.(2)

2- قیمت آن از يك درهم کمتر است - می تواند به قصد آنکه برای خودش باشد از آن استفاده کند یا

اعلان کند تا صاحبش پیدا شود.

1- یکدرهم معادل دوازده و شش دهم نخود نقره سکه دار میباشد و اکنون حدود 200 تومان

ارزش دارد (تابستان 1376 ش)

2 - توضیح المسائل

م 2564 تا 2568

833

چگونگی اعلان اشیاء پیدا شده

اگر از روزی که آن را پیدا کرده تا يك هفته

روزی يك مرتبه و بعد از آن تا يك سال

هفته ای يك مرتبه در محل اجتماع مردم اعلان کند کافی است(1) .

834

چند مسأله :

1- کسی که مالی را پیدا کرده

اگر عمدا به دستوری که گفته شد

اعلان نکند

گذشته از این که معصیت کرده

باز هم واجب است اعلان کند(2).

2- اگر كودك نابالغ چیزی پیدا کند

ولی او باید اعلان نماید(3).

3- اگر قیمت چیزی که پیدا کرده به 126نخود نقرهء سکه دار برسد

چنانچه اعلان نکند و در مسجد یا جای دیگری که محل اجتماع مردم است بگذارد و آن چیز از بین

برود

یا دیگری آن را بردارد

کسی که آن را پیدا کرده ضامن است .(4)

4- هرگاه چیزی پیدا کند که اگر بماند فاسد می شود باید تا مقداری که ممکن است آن را نگهدارد بعد

قیمت کند و خودش بردارد یا بفروشد و پولش را نگهدارد و اعلان کند(5).

1 - تحرير الوسيله

ج 2 ص 225 م 6توضیح المسائل

م 2566

2 - توضیح المسائل

م 2570

3 - توضیح المسائل

م 2571

4 - توضیح المسائل

م 2578

5 - توضیح المسائل

م 2579

835

گم شدن كفش

اگر کفش کسی را ببرند و کفش دیگری به جای آن بگذارند
 با چند شرط می تواند آن را برای خود بردارد:
 - بداند کفشی که مانده
 مال کسی است که کفش او را برده .
 - از پیدا کردن صاحبش مایوش شود یا برایش مشقت داشته باشد.
 - ارزش آن مساوی با کفش خودش یا کمتر از آن باشد
 ولی اگر قیمت آن از کفش خودش بیشتر باشد
 باید هر وقت صاحب آن پیدا شد
 زیادی قیمت را به او بدهد و چنانچه از پیدا شدن او ناامید شود
 باید با اجازهء حاکم شرع زیادی قیمت را از طرف صاحبش صدقه بدهد.(1)

1 - توضیح المسائل

م 2581

837

اقسام خرید و فروش

838

اقسام خرید و فروش

1- واجب

2- حرام

3- مستحب

4- مکروه

5- مباح

839

خرید و فروش واجب

در اسلام تلاش برای تحصیل مخارج زندگی واجب می باشد و کسانی که بجز از راه خرید و فروش
 نتوانند مخارج خود را تأمین کنند؛ واجب است با خرید و فروش
 خرج زندگی خود را به دست آورند و محتاج دیگران نشوند.(1)

840

خرید و فروش مستحب

خرید و فروش برای توسعه در مخارج زندگی خود و خانواده و نفع رساندن به مسلمانان مستحب

است ؛ مثلاً کشاورزی که با کاشتن محصول خرج خود را به دست می آورد
چنانچه در اوقات فراغت به خرید و فروش بپردازد تا از این راه بتواند به مستمندان کمک کند
ثواب دارد.(2)

841

خرید و فروش حرام

- 1- خرید و فروش نجاسات - بنا بر احتیاط واجب - مگر در مواردی که استثنا شده است ؛ مثل فروش خون برای درمان شخص بیمار.
- 2- خرید و فروش چیزهایی که منافع معمولی آنها حرام است ؛ مانند ابزار قمار.
- 3- خرید و فروش چیزی که از راه قمار یا دزدی به دست آمده باشد.
- 4- معامله ای که در آن ربا باشد. (معامله ربوی)
- 5- خرید و فروش کتابهای گمراه کننده .
- 6- خرید و فروش با سکه های خارج از اعتبار.
- 7- فروش سلاح یا چیز دیگری به دشمنان اسلام که موجب تقویت آنان بر ضد مسلمانان باشد.(3)
- 8- خرید و فروش چیزی که وقف شده است . خرید و فروش حرام موارد دیگری هم دارد که اکنون مورد ابتلا نیست .

842

استغنا

س - استفاده مرد از طلای زرد حرام است
خرید و فروش انگشتر طلای زرد برای مردان توسط طلافروشیهاچه حکمی دارد؟ ج : جایز نیست
(4).

843

در این موارد خرید و فروش مکروه است :

- معامله با مردم پست .
- خرید و فروش بین اذان صبح و طلوع آفتاب .
- برای خریدن کالایی که دیگری می خواهد بخرد وارد معامله او شدن .(5)
- چنانچه خرید و فروش یکی از احکام چهارگانه قبل را نداشته باشد
- مباح است
- مانند بسیاری از مواد مصرفی که هر روز خریداری می شود.

1 - توضیح المسائل

مسأله 2053

2 - توضیح المسائل

مسأله 2053

3 - تحریر الوسيله

کتاب المکاسب و المتاجر

ص 493 م 9 و 11 و 15 توضیح المسائل

م 2055 و 2070

4 - استفتاءات : ج 2 ص 8 س 14

5 - توضیح المسائل

مسأله 2054

844

آداب خرید و فروش

845

مستحبات

-- بین مشتریها در قیمت فرق نگذارد.

-- در قیمت جنس

سختگیری نکند.

-- در صورتی که طرف مقابل از معامله پشیمان شد و تقاضای فسخ معامله را کرد از او بپذیرد و این در اصطلاح <<إقالة>> نام دارد(1).

846

مکروهات

-- تعریف کردن از کالا.

-- بدگویی کردن مشتری از کالای فروشنده .

-- قسم راست خوردن در داد و ستد (قسم دروغ حرام است).

-- قبل از همه برای خرید و فروش وارد بازار شدن و دیرتر از همه خارج شدن .

-- وزن کردن یا متر کردن کالا

در مواردی که وزن کردن و متر کردن را خوب نمی دانند.

-- تقاضای کم کردن قیمت پس از انجام معامله(2) .

1 - تحریر الوسيله

کتاب المکاسب و المتاجر

احکام خرید و فروش

1- فروختن و اجاره دادن خانه یا وسیله ای دیگر برای استفادهء حرام کار حرامی است و معامله هم باطل است(1) .

2- خرید و فروش

نگهداری

نوشتن

خواندن و درس دادن کتابهای گمراه کننده حرام است

مگر زمانی که برای هدفی صحیح باشد؛ مثلاً برای پاسخ دادن به اشکالهای آن (2).

3- مخلوط کردن جنسی که می فروشد با چیزی که ارزش ندارد

یا ارزش آن کمتر است

که به آن غش گویند. حرام می باشد؛ مثل آن که برنج اعلا را با غیر اعلا مخلوط کند و به عنوان

برنج خوب بفروشد و یا شیر را با آب مخلوط کند و بفروشد.(3)

4- جنس وقف شده را نمی توان فروخت

مگر در صورتی که خراب شده باشد و قابل استفاده نباشد؛ مانند فرش مسجد که قابل استفاده برای

آن مسجد یا مسجد دیگری نباشد.(4)

5- خرید و فروش خانه یا چیز دیگری که به کسی اجاره داده

اشکال ندارد ولی استفادهء آن در مدت اجاره برای کسی است که آن را اجاره کرده است(5) .

6- در معامله باید خصوصیات جنسی که خرید و فروش می کنند معلوم باشد

ولی گفتن خصوصیتی که گفتن و نگفتن آنها تأثیری در میل و رغبت مردم نسبت به آن کالا ندارد

لازم نیست (6).

7- خرید و فروش دو کالای همجنس که با وزن یا پیمانہ می فروشند به زیادتیر <<ربا>> و حرام

است ؛ مثلاً يك تن گندم بدهد و يك تن و 2کیلوگرم بگیرد.(7)

8- هنگام خرید و فروش

طرفین معامله ؛ یعنی فروشنده و خریدار ممکن است مال و قیمت آن را نقد تحویل دهند یا به زمان

دیگری موکول کنند. بنابر این معامله از این جهت ممکن است یکی از چهار حالت زیر را داشته باشد:

کالا نقد و قیمت آن هم نقد یعنی فروشنده هم اکنون مال را می دهد و خریدار هم قیمت آن را تحویل

می دهد که به آن <<معاملهء نقدی >> می گویند. کالا نسیه و قیمت آن هم نسیه یعنی صیغه معامله را اجرا می کنند و تحویل قیمت و کالا را به آینده موکول می کنند. چنین معامله ای را <<دین به دین >> می گویند. کالا نقد و قیمت آن نسیه یعنی فروشنده کالا را تحویل می دهد که قیمت آن را در آینده بگیرد. به آن <<معاملهء نسیه >> می گویند. کالا نسیه و قیمت نقد یعنی خریدار قیمت کالا را می پردازد تا در آینده جنس را تحویل بگیرد. که

<<معاملهء سلف >> نام دارد.(8)

1 - توضیح المسائل م 1

2 - همان

م 15

3 - توضیح المسائل

م 2055

4 - توضیح المسائل

م 2094

5 - توضیح المسائل

م 2096

6 - توضیح المسائل

م 2090

7 - توضیح المسائل

م 2072 و 2283 و تحریر الوسيله

ج 1 کتاب البيع

القول فی الربا.

8 - توضیح المسائل

م 2104 و 2110 و تحریر الوسيله

ج 1 کتاب البيع

ص 535 و 539 و 543

850

احکام معاملهء نسیه

- 1- در معاملهء نسیه باید مدت کاملاً معلوم باشد. پس اگر جنسی را بفروشد که سر خرمن قیمت آن را بگیرد چون مدت آن کاملاً مشخص نشده معامله باطل است(1) .
- 2- اگر جنسی را نسیه بفروشد بعد از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته اند می تواند پول آن را مطالبه نماید ولی اگر خریدار نتواند بپردازد باید او را مهلت دهد.(2)
- 3- اگر به کسی که قیمت جنسی را نمی داند مقداری نسیه دهد و قیمت آن را به او نگوید معامله باطل است

ولی اگر به کسی که قیمت نقدی جنس را می داند نسیه بدهد و گرانتر حساب کند؛ مثلاً بگوید جنسی را که به تو نسیه می دهم تومانی يك ريال از قیمتی که نقد می فروشم گرانتر حساب می کنم و او قبول کند اشکال ندارد.(3)

851

استفتاء

س - بايع در ضمن معامله نسيه شرط می کند که اگر مشتری زودتر از وقت معین وجه را بپردازد فلان مقدار از ثمن کم شود صحیح است یا خیر؟
ج - اشکال ندارد.(4)

1 - توضیح المسائل

م 2105

2 - توضیح المسائل

م 2107

3 - توضیح المسائل

م 2108

4 - استفتاءات

ج 2 ص 90 س 52

853

معاملهء سلف واحكام آن

معاملهء سلف در صورتی صحیح است که دارای این شرایط باشد:
خصوصیاتی که به وسیلهء آن قیمت جنس عوض می شود مشخص نمایند.
قبل از آن که خریدار و فروشنده از هم جدا شوند خریدار تمام قیمت را به فروشنده بدهد (یا به مقدار آن از فروشنده طلبکار باشد).
مدت را کاملاً مشخص کنند.
وقتی که برای تحویل جنس قرار می دهند زمانی نباشد که جنس در آن وقت نایاب باشد؛ مثلاً بگوید در اسفند ما ده کیلو گیلان تازه به شما می دهم صحیح نیست چون در اسفند ماه گیلان تازه نایاب است .
بنابر احتیاط واجب جای تحویل جنس را معین کنند.
در صورتی که جنس وزنی یا پیمانه ای است وزن یا پیمانه آن را مشخص کنند.(1)

854

احکام معاملهء سلف

- 1- شخصی که جنس را به سلف خریده قبل از تمام شدن مدت مقرر نمی تواند جنس را به دیگری بفروشد اما پس از تمام شدن مدت هر چند جنس را تحویل نگرفته باشد فروش آن اشکال ندارد.
- 2- اگر سلف فروش جنسی غیر از آنچه در قرارداد معین شده یا جنس پست تر بیاورد مشتری می تواند آن جنس را قبول نکند ولی اگر به همان راضی شود اشکال ندارد.
- 3- جنسی که به سلف فروخته اگر در موقعی که باید آن را تحویل دهد نایاب شود و نتواند آن را تهیه کند مشتری می تواند معامله را به هم بزند یا صبر کند تا تهیه نماید (2)

1 - توضیح المسائل

م 2112; تحریر الوسيله

کتاب البيع

القول فی السلف .

2 - توضیح المسائل

م 2113 و 2116 و 2117

855

معامله ربوی و احکام آن

856

انواع ربا

1- معاملی

2- قرضی(1)

857

شرایط ربای معاملی

1 عرفاً اجناس مورد معامله از يك جنس شناخته شود.

2- اجناس مورد معامله از چیزهایی باشد که با وزن کردن یا پیمانه کردن خرید و فروش می شود. (2)

858

احکام معامله ربوی

1- اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می فروشند زیادتر از همان جنس بفروشد مثلاً يك من گندم را به يك من و نیم گندم بفروشد ربا و حرام است . بلکه اگر یکی از دو جنس سالم و دیگری معیوب یا جنس یکی خوب و جنس دیگر بد باشد یا بایکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند چنانچه بیشتر از مقداری که می دهد بگیرد باز هم ربا و حرام است. (3)

مس درست با مس شکسته

برنج صدری با برنج گرده

خرید و فروش در صورتی که اضافه بگیرد ربا و حرام است. (4)

طلای ساخته با طلای نساخته

روغن حیوانی با پنیر

2- اگر چیزی را که اضافه می گیرد غیر از جنسی باشد که می فروشد؛ مثلاً يك تن گندم را به يك تن و هزار تومان پول بفروشد باز هم ربا و حرام است بلکه اگر چیزی زیادتر نگیرد ولی شرط کند که خریدار عملی برای او انجام دهد ربا و حرام می باشد. (5)

3- جنسی را که در بعضی از شهرها با وزن یا پیمانه می فروشند و در بعضی از شهرها با شماره معامله خ می کنند اگر در شهری که آن را با وزن یا پیمانه می فروشند زیادتر بگیرند ربا و حرام است و در شهر دیگر ربانیست. (6)

4- در مثل اسکناس و دینار کاغذی و سایر پولهای کاغذی ؛ مثل دلار و لیره ترکی ربای غیر قرضی تحقق پیدا نمی کند و جایز است معاوضه نقدی بعضی از آنها را با بعضی دیگر به زیاده و کم . اما ربای قرضی در تمام آنها تحقق پیدا می کند و جایز نیست قرض دادن ده دینار به دوازده دینار. (7)

5- اگر جنسی را که می فروشند و عوض می گیرند از يك چیز به عمل آمده باشد باید در معامله زیادی حنگیرند. پس اگر يك من روغن حیوانی بفروشد و در عوض آن يك من و نیم پنیر بگیرد ربا و حرام است و احتیاط واجب آنست که اگر میوه رسیده را با میوه نارس معامله کند زیادی نگیرد. (8)

1 - تحرير الوسيله

ج 1 كتاب البيع

860

القول في الربا.

2 - توضيح المسائل

م 272

3 - همان .

4 - توضيح المسائل

م 2073

5 - توضيح المسائل

م 2076

6 - توضيح المسائل

م 2845

7- توضيح المسائل

م 2078

861

خرید و فروش چك و سفته

س - در رسالهء احكام از قول حضرتعالى نوشته شده كه خرید و فروش سفته و چك تضمینی به كم یا زیاد اشكال ندارد

چند سؤال برای من مطرح است .

1- آیا این مسأله شامل چكهای بانکی کنونی كه هم اکنون در دست مردم است می باشد یا نه ؟

ج - فروش چك یا سفته به شخص ثالث به كمتر

ربا و حرام است .

2- آیا می شود چكهای بانکی برای مدت دومه آینده یا بیشتر را به قیمت كمتر

نقداً خرید یا نه ؟

ج - حكم آن معلوم شد.

3- آیا می شود به طرفی كه می خواهد چك حقوقی آینده را بفروشد

بگوییم : مثلاً فلان مقدار بنویس تا من آن را به این مقدار پول حاضر بخرم ؟

ج - در حكم دو مسألهء قبل است . (1)

1 - استفتاآت

ج 2 ص 175 س 225

862

مسائل متفرقهء خرید و فروش

- 1- اگر فروشنده قیمت خرید جنس را به مشتری بگوید باید تمام خصوصیات که به واسطهء آنها قیمت جنس زیاد یا کم می شود بگوید و چه به همان قیمت یا به کمتر از آن بفروشد؛ مثلاً باید بگوید که نقد خریده است یا نسیه. (1)
- 2- اگر قصاب گوشت نر بفروشد و به جای آن گوشت ماده بدهد معصیت کرده است و اگر گوشت را معین کرده باشد و گفته است: این گوشت نر را می فروشم در صورت روشن شدن خلاف مشتری حق فسخ معامله را دارد. و اگر آن را معین نکرده در صورتی که مشتری به گوشتی که گرفته راضی نشود باید گوشت نر به او بدهد. (2)

863

استفتاء

- س 1- خرید و فروش حیوانات زنده به صورت کیلویی چه صورت دارد؟
ج اگر متعارف باشد مانع ندارد. (3)
- س 2- هرگاه ملك یا خانه یا مغازه ای را قولنامه بنمایند و مقداری از آن را پیش قسط بدهند و قرارداد کنند و بقیه آن را رأس مدت معینی در محضر بپردازند با این شرط که چنانچه رأس موعده یکی از طرفین - فی المثل فروشنده - حاضر به معامله نشود یا خریدار وجه را حاضر نکند مبلغی به عنوان وجه تخلف به دیگری بپردازد. و رأس موعده مقرر یکی از آنها حاضر نشود مثلاً خریدار پول را حاضر نکند و یا فروشنده حاضر نشود معامله به چه صوتی در خواهد آمد
آیا وجه تخلف قابل مطالبه و حلال می باشد یا خیر؟ لطفاً نظر آن حضرت را مرقوم فرمایید.
ج - چنانچه شرط مزبور در ضمن معامله شده نافذ و لازم الوفاء است و اگر معامله تمام نشده نافذ نیست. (4)

1 - توضیح المسائل

م 2137

2 - توضیح المسائل

م 2139

3 - استفتاآت

ج 2 ص 75 س 21

4 - همان

خيار يا اختيار فسخ و انواع آن

در برخی موارد

خریدار یا فروشنده یا هر دو می توانند معامله انجام شده را بر هم بزنند. حق به هم زدن معامله را <<خيار>> یا <<اختيار فسخ>> گویند.

1- خيار مجلس

2- خيار غبن

3- خيار شرط

4- خيار تدليس

5- خيار تخلف شرط

خيارات معامله 6- خيار عيب

7- خيار شركت

8- خيار رويت

9- خيار تاخير

1- خيار حيوان

11- خيار تعدر تسليم (1)

1- خيار مجلس : تا زمانی که دو طرف معامله از مجلس معامله متفرق نشده باشند می توانند معامله را به هم زنند.

2- خيار غبن : در صورتی که خریدار یا فروشنده گول خورده باشد می تواند معامله را فسخ کند.

3- خيار شرط: در صورتی که در معامله قرارداد کنند که تا مدت معینی هر دو یا یکی از آنها بتوانند معامله را به هم بزنند طبق قرارداد می توانند معامله را فسخ کنند.

4- خيار تدليس : زمانی که خریدار یا فروشنده مال خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد و طوری کند که قیمت مال در نظر مردم ارزشمندتر شود طرف مقابل می تواند معامله را به هم بزند.

5- خيار تخلف شرط: اگر فروشنده یا خریدار شرط کند که کاری انجام دهد یا شرط کند مالی را که می دهد طور مخصوصی باشد و به آن شرط عمل نکند

طرف دیگر می تواند معامله را فسخ کند.

6- خيار عيب : اگر در جنس یا عوض آن عیبی باشد

می توانند معامله را به هم بزنند. در صورتی که عیب بعد از معامله معلوم شود.

7- خيار شركت : اگر معلوم شود که مقداری از جنسی که فروخته اند مال دیگری است ; یعنی شريك

دارد

خاگر صاحب آن مقدار

به معامله راضی نشود خریدار می تواند معامله را بهم زند

یا پول آن مقدار را از فروشنده بگیرد

و همچنین نسبت به جنسی که مشتری داده است .

8- خیار رؤیت : اگر خریدار یا فروشنده خصوصیات جنس معینی را که طرف دیگر ندیده به او

بگوید بعدب معلوم شود که آنگونه که گفته

866

نبوده است

می تواند معامله را بهم بزند.

9- خیار تأخیر: در صورتی که مشتری پول جنسی را که نقد خریده تا سه روز ندهد و فروشنده هم

جنس را تحویل ندهد در صورتی که تأخیر آن

شرط نشده باشد فروشنده می تواند معامله را بهم بزند ولی در اجناسی که أاگر يك روز بماند فاسد

می شود - مثل برخی میوه ها - تأخیر تا شب است .

10- خیار حیوان : اگر حیوانی را خریده باشد

خریدار تا 3روز بعد می تواند معامله را به هم بزند و حیوان را پس بدهد.

11- خیار تعدر تسلیم: در صورتی که فروشنده نتواند جنسی را که فروخته تحویل دهد مثلاً اسبی را

که ب فروخته فرار نماید

مشتری می تواند معامله را به هم بزند.(2)

1 - توضیح المسائل

م 2124

2 - توضیح المسائل

م 2124

867

احکام خیارات

1- اگر خریدار قیمت جنس را نداند

یا در وقت معامله غفلت کند و جنس را گرانتر از قیمت معمولی آن بخرد چنانچه به قدری گران

خریده که مردم او را مغبون می دانند و به کمی و زیادی آن اهمیت می دهند

اختیار فسخ معامله را دارد و همچنین نسبت به فروشنده (1) .

2- اگر بعد از معامله عیب مال را بفهمد و فوراً معامله را فسخ نکند

دیگر حق به هم زدن معامله را نخواهد داشت. (2)

3- هرگاه بعد از خریدن جنس

عیب آن را بفهمد

اگر چه فروشنده حاضر نباشد

می تواند معامله را به هم بزند (3)

4- در این موارد اگر خریدار بفهمد مال معیوب است حق فسخ ندارد:

موقع خریدن

عیب مال را بداند.

به عیب مال راضی شود.

وقت معامله بگوید: اگر مال عیبی داشت پس نمی دهم و تفاوت قیمت هم نمی گیرم .

فروشنده در وقت معامله بگوید: این مال را با هر عیبی که دارد می فروشم . (4)

5- اگر فروشنده هنگام معامله عیب کالا رامعین کند و بگوید آن را با این عیب می فروشم ولی پس

از معامله معلوم شود عیب دیگری هم دارد

خریدار می تواند به خاطر عیبی که فروشنده معین نکرده کالا را پس دهد یا تفاوت قیمت بگیرد. (5)

6- در این موارد اگر خریدار بفهمد مال معیوب بوده فقط می تواند تفاوت قیمت بگیرد ولی حق فسخ

معامله را ندارد:

بعد از معامله تغییری در کالا بدهد که مردم بگویند به طوری که خریداری و تحویل داده شده باقی

نمانده است .

پس از انجام معامله بفهمد کالا معیوب است و تنها حق برگرداندن آن را ساقط کرده باشد.

بعد از تحویل گرفتن کالا

عیب دیگری در آن پیدا شود. بجز در حیوان که تا سه روز می تواند برگرداند. (5)

1 - توضیح المسائل

م 2125

2 - توضیح المسائل

م 2132

3 - توضیح المسائل

م 2133

4 - توضیح المسائل

م 2134

5 - همان .

5 - توضیح المسائل

م 2135

بیع شرط

- 1- اگر فروشنده کالایی را بفروشد ولی شرط کند که اگر تا فلان مدت قیمت کالا را ندهد بتواند معامله را فسخ کند بیع شرط نام دارد(1).
- 2- در معامله بیع شرط در صورتی که خریدار و فروشنده قصد خرید و فروش داشته باشند معامله صحیح است هر چند کالای خود را به کمتر از قیمت معمولی آن بفروشد؛ مثلاً شخصی به پول نیازمند است خانه خود را به قیمت کمتر (باقصد) می فروشد ولی شرط می کند که اگر تا سه ماه دیگر توانستم پول خانه را بیاورم خانه برای خودم باشد.(2)
- 3- در معامله بیع شرط هر چند فروشنده مطمئن باشد که اگر پول را ندهد باز هم خریدار کالا را به او می دهد معامله صحیح است ولی چنانچه سر مدت پول را ندهد حق مطالبه کالا را ندارد و اگر خریدار بمیرد نمی تواند از ورثه او مطالبه کند.(3)

1 - توضیح المسائل

م 213 5.

2 - توضیح المسائل

م 2126

3 - توضیح المسائل

م 2127

شُفَعَه (1)

- اگر یکی از دو شریک سهم خود را بفروشد با شرایطی که در کتب مفصل فقهی آمده است برای شریک دیگر این حق وجود دارد که سهم شریک را تملک کند و قیمتی را که مشتری پرداخته است به او بدهد. به این >>حق شُفَعَه << می گویند.(2)

شماره [نوع مال حکم

1 غیر منقولات قابل تقسیم مانند باغ و مزرعه و خانه حق شفعه در آن وجود دارد
 2 غیر منقولات غیر قابل تقسیم مانند راهها و جویها و دهلیزهای باریک وجود حق شفعه محل اشکال است و احتیاط آن است که شفیع رضایت مشتری را فراهم کند و مشتری هم درخواست او را اجابت نماید.

3 اموال منقول

مانند اتومبیل

حیوان

لباس و لوازم منزل وجود حق شفعه محل اشکال است و احتیاط آن است که شفیع رضایت مشتری را فراهم کند و مشتری هم درخواست او را اجابت نماید.

4 ملك تقسیم شده ; مانند باغی که تقسیم شده هر آند با دیوار و امثال آن از هم جدا نشده باشد حق شفعه وجود ندارد. 1- حق شفعه تنها در صورت فروش ملك است . بنابر این اگر یکی از دو شريك سهم خود را به دیگری ح ببخشد یا مصالحه کند یا مهریه همسرش قرار دهد

حق شفعه برای شريك دیگر وجود ندارد.(3)

2- حق شفعه تنها در ملكی که دو نفر شريك هستند وجود دارد نه بیشتر. بنابر این اگر مثلاً یکی از سهامداران خيك شرکت که افراد متعددی شريك هستند سهم خود را بفروشد برای سایر شرکاء حق شفعه وجود ندارد(3).

1- بحث شفعه در رسالهء برخی از مراجع تقلید وجود ندارد.

2 - تحرير الوسيله

ج 1 ص 555 م 1 كتاب الشفعه .

3 - همان

ص 556 م 5

4 - همان

م 6

<< 4

قرارداد اجاره و شرایط مال مورد اجاره

هرگاه شخصی منفعت چیزی را ملك دیگری کند و در مقابل آن عوض دریافت دارد به این عمل اجاره می گویند.

874

قرارداد اجاره

اگر اجاره دهنده به مستأجر بگوید: <<ملك خود را به تو اجاره دادم >> و او بگوید: <<قبول کردم >>

صحیح است

و حتی اگر چیزی هم نگویند

بلکه صاحب مال به قصد اجاره دادن

آن را به مستأجر تحویل دهد و او هم به قصد اجاره کردن بگیرد

صحیح است؛ مثلاً کلید خانه را به او بدهد و او هم بگیرد. (1)

875

شرایط مالی که اجاره می دهند

چیزی که به اجاره داده می شود باید دارای شرایطی باشد که از جمله آنهاست:

آن مال معین باشد

پس اگر بگوید یکی از اتاقهای این خانه را به تو اجاره می دهم

صحیح نیست.

مستأجر باید آن را ببیند یا طوری خصوصیات آن را بگوید: که کاملاً معلوم باشد.

از چیزهایی نباشد که با استفاده از آن

اصل مال از بین می رود

پس اجاره دادن نان و میوه و سایر خوراکی ها صحیح نیست. (2)

1 - توضیح المسائل

م 2177

2 - توضیح المسائل

م 2184

876

احکام اجاره

1- در اجاره باید مدت استفاده از مال

معین شده باشد؛ مثلاً بگوید <<يك سال >> یا <<يك ماه >>. (1)

2- اگر صاحب مال چیزی را که اجاره داده تحویل دهد

اگر چه مستأجر تحویل نگیرد یا تحویل بگیرد ولی تا آخر مدت اجاره از آن استفاده نکند

باید اجاره بها را بپردازد. (2)

- 3- اگر کسی کارگری بگیرد که در روز معینی کاری را انجام دهد؛ مثلاً آجرها را داخل ساختمان ببرد یا گچ بسازد و آن کارگر سر کار حاضر شود هر چند کاری به او محول نکنند؛ مثلاً آجر نباشد که داخل ساختمان ببرد باید مزد او را بدهد.(3)
- 4- هرگاه صنعتگر چیزی را که گرفته ضایع کند باید خسارت آن را بپردازد مثل آن که تعمیر کار خسارتی بر ماشین وارد کند(4).
- 5- اگر خانه یا دکان یا اتاقی را اجاره کند و صاحب آن شرط کند که فقط خودش از آن استفاده کند مستأجر نمی تواند آن را به دیگری اجاره بدهد(5).
- 6- در اجارهء منزل و مانند آن پرداخت ودیعه برای کم کردن اجاره اگر کم کردن اجاره به حساب ودیعه ای باشد که به موجر پرداخته حکم ربا را دارد.(6)
- 7- کودکانی که شاگردی می کنند و مزدشان بیش از خرجشان است بر پدر واجب است که مازاد بر مخارج را حفظ کرده و بعد از بلوغ به آنها بدهد(7).

1 - توضیح المسائل

م 2187

2 - توضیح المسائل

م 2196

3 - توضیح المسائل

م 2197

4 - توضیح المسائل

م 22

5 - توضیح المسائل

م 218

6 - استفتاءات

ج 26 ص 26

7 - توضیح المسائل (چاپ آستان قدس رضوی - تصحیح شده) ص 433 س 92

استفتاءات

س - کارمند دولت جمهوری اسلامی گاهی از محل خدمت

بدون اجازهء آن سازمان

برای تشییع جنازه یا مجلس ختم خارج می شود

آیا حقوقش چه صورت دارد؟

ج - اگر از وظیفه کوتاهی نموده به مقداری که کوتاهی کرده مدیون است. (1)

س - آموزگاری پیمان بسته که در مقابل خدمت موظف 24 ساعت در هفته حقوق دریافت نماید

حال اگر بعضی ساعتها کارهای شخصی انجام داده و دانش آموزان بدون معلم بوده اند - یا معلم

دیگری جایش بوده - آیا حق استفاده از حقوق دارد و اگر بگیرد جایز است یا خیر؟ و اگر چنانچه

مريض شود و آن ساعتی که می بایست کار موظف انجام دهد که در مقابلش حقوق بگیرد

گرفتن آن مقدار پولی که در برابرش هیچگونه کاری انجام نداده است جایز و قابل تصرف است یا

خیر؟

ج - تابع مقررات استخدامی است و اگر برخلاف نموده استحقاق اجرت ندارد. (2)

س - کارهای غیرمستقلی را که فرزند در خانه و برای امرار معاش انجام می دهد (چه در زمان بلوغ

یا غیر بلوغ) حق ادعای اجرت از پدر دارد یا نه؟

ج - اگر به دستور پدر نیست یا به قصد مَجَان انجام می دهد

استحقاق اجرت ندارد. (3)

1 - استفتائات

ج 2 ص 5 س 137

2 - همان

ص 217 س 55

3- استفتائات

ج 2 ص 213 س 46

879

جعاله و فرق آ، با اجاره

جُعاله آن است که انسان قرار بگذارد در مقابل کاری که برای او انجام می دهند

مال معینی بدهد؛ مثلاً بگوید هر کس گمشدهء مرا پیدا کرد هزار تومان به او می دهم .

جاعل : کسی است که ملتزم می شود در مقابل انجام کاری چیزی بدهد.

عامل : کسی که آن کار را انجام می دهد. (1)

880

فرق بین اجاره و جُعاله

1- اجاره

قرارداد دو طرفه (عقد) است ولی جُعاله قرارداد يك طرفه (ایقاع) است .

2- در اجاره پس از صیغهء اجاره (قرارداد بستن) اجیر مالك اجرت است و مستأجر هم عمل او را مالك است ; مثلاً اگر مالك وسايل را برای او آماده نکرد

باید مزد او را بپردازد. ولی در جعالة پس از انجام عمل

یکی صاحب کار و دیگری صاحب اجرت می شود.(2)

1 - توضیح المسائل

م 2218

2 - همان .

882

اقسام جعالة

1- عام : در جعالةء عام

عامل معین نیست ; مثلاً می گوید: هر کس کتاب مرا پیدا کرد 1تومان می دهم .

2- خاص : در جعالةء خاص

عامل معین است ; مثلاً به شخصی می گوید: اگر کتاب مرا پیدا کردی 1تومان می دهم .(1)

883

دو مسأله :

1- اگر جاعل پس از شروع کار توسط عامل

دست از جعالة بردارد

باید مزد همان مقدار کار او را به اندازه ای که نزد مردم ارزش دارد بپردازد.(2)

2- عامل هر زمان که بخواهد می تواند از انجام عمل صرف نظر کند و مستحق اجرتی نیست

هر چند در اثنای آن باشد

ولی اگر کار را شروع کرده باشد و با ترك آن ضرری متوجه جاعل می شود

واجب است آن را به پایان برساند.(3)

1 - تحریر الوسيلة

ج 1 كتاب الجعالة

ص 586

2 - توضیح المسائل

م 2225

3 - تحریر الوسيلة

ج 1 ص 586 و توضیح المسائل

884

سرقفلی

به پولی یا چیزی که کسی به شخص دیگری بدهد تا خانه یا دکانی را که در اجاره او است به وی واگذار کند

سرقفلی گفته می شود.

1- شخصی که مدت اجاره اش تمام شده

اگر چیزی به عنوان سرقفلی از صاحب محل دریافت کند حرام است. (1)

2- اگر محلی را از شخصی اجاره کرده و حق داشته باشد که در مدت اجاره مکان را به دیگری اجاره دهد و در این مدت اجاره محل ترقی کرده می تواند آن محل را به شخصی به همان قیمت که اجاره کرده اجاره دهد و مبلغی هم به عنوان سرقفلی دریافت کند. (2)

3- اگر شخصی محلی را اجاره کند و با صاحبش شرط کند که مثلاً تا 2 سال اجاره محل را بالا نبرد و باز با او شرط کند که اگر محل را به دیگری اجاره داد او هم به همین نحو عمل کند و همچنین شخص ثالث هم اگر خواست محل را به دیگری اجاره دهد همین نحو عمل کند و اجاره را بالا نبرد. در این صورت مستأجر اولی می تواند محل را به دیگری اجاره دهد و مبلغی به عنوان سرقفلی از او بگیرد که محل را به او تحویل دهد و سرقفلی بدین نحو حلال است و دومی به سومی و سومی به چهارمی بر حسب قرار تحویل دهد و از او به این عنوان سرقفلی بگیرد. (3)

1 - تحریر الوسيله

ج 2 ص 615 م 3

2 - توضیح المسائل

م 2849

3 - توضیح المسائل

م 285

886

اهمیت قرض و احکام آن

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در قرآن و روایات

نسبت به آن سفارش فراوان شده است و قرض دهنده در روز قیامت پاداش بسیاری خواهد داشت .

887

اقسام قرض

مدت دار: یعنی هنگام قرض دادن مشخص شده است که قرض گیرنده چه موقع بدهی را بپردازد.

بدون مدت : قرضی که زمان پرداخت
در آن مشخص نشده است .

888

احکام قرض

1- اگر قرض مدت دار باشد

طلبکار نمی تواند پیش از تمام شدن آن مدت

طلب خود را درخواست کند و اگر قرض مدت دار نباشد

طلبکار هر وقت بخواهد می تواند طلب خود را درخواست کند . (1)

3- اگر طلبکار طلب خود را درخواست کند؛ چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد

باید فوراً بپردازد و اگر تأخیر بیندازد

گناهکار است . (2)

4- اگر مقداری پول به کسی بدهد و شرط کند که پس از مدتی ؛ مثلاً یکسال دیگر

زیادتر بگیرد

ربا و حرام است ؛ مثلاً یکصد هزار تومان بدهد و شرط کند که پس از یکسال یکصد و بیست هزار

تومان بگیرد. (3)

5- ربا دادن

مثل ربا گرفتن حرام است و کسی که قرض ربایی گرفته

اگر چه کار حرامی کرده ولی اصل قرض صحیح است و می تواند در آن تصرف کند. (4)

6- اگر بدهکار بدون شرط قبلی چیزی اضافه به طلبکار بدهد

اشکال ندارد

بلکه مستحب است . (5)

7- اگر بدهکار غیر از خانه ای که در آن نشسته و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج

دارد

چیزی نداشته باشد

طلبکار نمی تواند طلب خود را از او مطالبه کند

بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد. (6)

1- توضیح المسائل

م 2306

2- توضیح المسائل

م 2276

3- توضیح المسائل

م 2288

4- توضیح المسائل

م 2284

5- تحریر الوسيله

ج 1 کتاب الدین و القرض

ص 654 س 11

6- توضیح المسائل

م 2277

889

استفتاء

س 1- شخصی مبلغی به عنوان قرض از دیگری گرفته و بعد از آن دیگر او را ندیده است و خیلی هم دنبالش گشته است و می خواهد بداند که آیا می تواند آن مبلغ پول را بدهد به حساب 1 یا به حساب سهم امام یا به حساب جنگ زدگان یا نه ؟

ج - اگر مایوس از پیدا کردن صاحب پول باشد

از طرف او به فقرا صدقه بدهد.

س 2- لطفاً در ارتباط با پرداخت حق الناس در صورت عدم حضور فرد طلبکار و بی اطلاعی از زنده

بدون وی نظر امام چیست ؟

ج - اگر طلبکار را می شناسد باید تحقیق کند تا حق او را به خودش یا به ورثه اش تسلیم نماید.

1- استفتائات

ج 2 ص 285 س 15

2- همان

س 12

891

امر به معروف و نهی از منکر

هر انسانی نسبت به کارهای ناپسند افراد جامعه و کارهای نیک و پسندیده آنان

مسئولیت دارد

بنابر این اگر کار واجبی ترك شود

یا حرامی اتفاق بیفتد

سکوت و بی تفاوتی در مقابل آن جایز نیست

و تمام افراد جامعه باید برای برپایی <<واجب>> و جلوگیری از <<حرام>> اقدام کنند

که این عمل

<<امر به معروف>> و <<نهی از منکر>> است .

892

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

در برخی از سخنان امامان معصوم چنین آمده است :

<<امر به معروف و نهی از منکر>> از مهمترین واجبات و شریفترین آنهاست .

واجبات دینی به سبب <<امر به معروف و نهی از منکر>> استوار می گردد.

اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترك کنند

افراد پست و غیر لایق بر آنها مسلط می شوند و دعاها مستجاب نمی شود.

1- کافی

ج 4 ص 55

2- وسائل الشیعه

ج 11 ص 394

3- نهج البلاغه

نامه: 47

893

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای امر به معروف و نهی از منکر

مراتبی است که اگر با عمل به مرتبهء پایین تر

مقصود حاصل می شود

عمل به مرتبهء بعدی جایز نیست و آن مراتب چنین است :

اول : با معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد به سبب انجام آن گناه با او اینگونه عمل می شود;

مثل این که از او روبرگرداند یا با چهرهء عبوس با او برخورد کند

یا با او رفت و آمد نکند.

دوم : امر و نهی با زبان ; یعنی به کسی که واجبی را ترك کرده است دستور دهد که واجب را به جا

آورد و به گناهکار دستور دهد که گناه را ترك کند.

سوم : استفاده از زور

(1) برای جلوگیری از منکر و برپایی واجب ; یعنی زدن گناهکار. (2)

1- نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی

حضرت آیت الله خامنه ای (دام ظلّه) نسبت به مرتبهء سوم این است : با توجه به اینکه در

زمان قدرت حکومت اسلامی امکان ارجاع مرتبه سوم از امر به معروف و نهی از منکر به قوه قضائیه و نیروی انتظامی وجود دارد به ویژه در مواردی که جلوگیری از منکر متوقف بر تصرف در اموال مرتکب شونده می باشد یا لازم است تعزیر شود یا او را زندانی کنند بنابر این بر مکلف واجب است در امر به معروف و نهی از منکر به دو مرتبه اول اکتفا کنند و در صورتی که اثر نکرد و نیاز به توسل به زور وجود داشت مسأله را به نیروی انتظامی و قضایی ارجاع دهند. (اجوبه الاستغاثات ج 1 ص 337 س 19.

2 - تحریر الوسيله

ج 1 القول فی مراتب امر بالمعروف و النهی عن المنکر و توضیح المسائل م 2824

895

احکام امر به معروف و نهی از منکر

- 1- فراگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد آن واجب است تا انسان در امر و نهی مرتکب خلاف نشود.
 - 2- اگر بداند امر و نهی بدون تقاضا و نصیحت و موعظه اثر نمی کند واجب است که امر و نهی را با نصیحت و موعظه و تقاضا همراه کند و اگر بداند که درخواست و موعظه به تنهایی (بدون امر و نهی) مؤثر است واجب است به همین گونه عمل کند.
 - 3- اگر بداند یا احتمال دهد که امر و نهی اش با تکرار مؤثر است واجب است تکرار کند. ف لا
 - 4- مراد از اصرار بر گناه مداومت بر انجام کار نیست بلکه ارتکاب آن عمل است هر چند یکبار دیگر باشد پس اگر یکبار نماز را ترک کرد و بار دیگر هم بنای ترک دارد امر به معروف واجب است. لا
 - 5- در امر به معروف و نهی از منکر زخمی کردن و کشتن معصیت کار بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست
- مگر منکر از اموری است که در اسلام اهمیت بسیار زیادی دارد؛ مثل آن که شخصی بخواهد انسان بی گناهی را بکشد و جلوگیری از او بدون مجروح کردن وی ممکن نباشد. جلا

6- در امر به معروف ونهی از منکر قصد قربت شرط نیست

بلکه غرض از این واجب

انجام معروف و ترك منکر است

ولی اگر قصد قربت کند

دو پاداش دارد.تلا

7- در وجوب نهی از منکر فرقی بین گناه بزرگ (معصیت کبیره) و گناه كوچك (معصیت صغیره)

نیست

پس

اگر کسی مرتکب گناه صغیره هم بشود نهی او واجب است . بلا

8- اگر شخصی به قصد انجام کار حرام

مقدمات آن را شروع کند

پس اگر انسان :

بداند به انجام آن موفق می شود نهی او واجب است .

بداند به انجام آن موفق نمی شود نهی او واجب نیست

مگر از آن باب که مقدمهء حرام هم منکر است یا];

896

جرات کردن بر انجام حرام هم معصیت است و باید جلوگیری شود.

نمی داند به انجام آن موفق می شود یا نه حکم فرض قبلی را دارد. لا

9- اگر بداند یا احتمال دهد

که نهی او در حضور جمع مؤثر است (نه تنهایی)

اگر انجام دهنده

آن عمل را به حطور آشکار انجام می دهد

جایز بلکه واجب است او را در جمع نهی کند و اگر چنین نیست

بنابر احتیاط واجب جایز نیست . لا

1- اگر بداند که امر شخص دیگری نسبت به گناهکار مؤثر است

واجب است به آن شخص امر کند تا او را

بدان کار وادارد. تلا

11- اگر تأثیر امر و نهی متوقف بر ارتکاب حرام یا ترك واجب باشد

جایز نیست و وجوب ساقط است

مگردآن که از امور بسیار مهمی باشد که شارع مقدس راضی به تخلف از آن نباشد
ولی آنچه را برای جلوگیری از آن کارج مرتکب می شود بدان اهمیت نباشد
مثل این که برای جلوگیری از قتل يك انسان بی گناه لازم باشد بدون اجازه (وارد خانهء

دیگران شود. یلا

1- همان

القول فی شرائط وجوبهما

م 8

2- همان

الشرط الثانی

م 3

3- همان

م 5

4- همان

الشرط الثالث

م 4

5- همان

القول فی مراتب امر بالمعروف و نهی عن المنکر

المرتبة الثالثة

م 11 و 12

6- همان

القول فی اقسامهما و کیفیت وجوبهما

م 13

7- همان

م 14

8- همان

م 15

9- همان

القول فی شرائط وجوبهما

الشرط الثانی

م 6

10 - همان

م 1

11 - همان

م 12

آداب امر به معروف و نهی از منکر

سزاوار است

کسی که به معروف امر می کند و از منکر جلوگیری می کند:

899

مانند طیبی دلسوز و پدری مهربان باشد.

900

قصد خود را خالص کند و تنها برای رضای خداوند اقدام کند و عمل خود را از هر گونه برتری جویی پاک گرداند.

901

خود را پاک و منزّه نداند

چه بسا همان شخصی که اکنون خطایی از او سرزده است دارای صفات

پسندیده ای باشد که مورد محبت الهی است

هر چند این عمل او هم اکنون ناپسند و مورد غضب الهی باشد. (1)

1 -تحریر الوسيله

ج 1 القول

فی مراتب امر بالمعروف و النهی عن المنکر

المرتبة الثالثة

م 14

902

جهاد و دفاع

تلاش برای پیشبرد اسلام و مبارزه با کسانی که از پذیرش آن سرباز زده اند <<جهاد>> نام دارد
جهاد دارای تاکتیک ها و شیوه های به خصوصی است که تنها به دست پیامبر (ص) و جانشینان وی
که از هر گونه لغزش و اشتباه در امان هستند
عملی می گردد و اختصاص به زمان حضور معصومین دارد و در زمان ما که عصر غیبت امام
معصوم (ع) است واجب نیست . ولی نوع دیگر مبارزه با دشمنان که <<دفاع >> نام دارد
حقّ مسلمّ همهء مسلمانان است که در هر زمان و در هر جای عالم که مورد هجوم دشمنان قرار
گرفتند

یا آیین و مذهبشان در خطر بود

برای حفظ جان و نگهداری از آیین خود

با دشمنان بجنگند و زمینه اصلاح جامعه و کمال افراد انسانی را فراهم آورند.

903

اقسام دفاع

1- دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی

2- دفاع از جان و حقوق شخصی (1)

904

دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی

اگر دشمن بر کشورهای اسلامی هجوم آورد.

یا نقشهء تسلط بر منابع اقتصادی یا نظامی مسلمانان را کشیده باشد.

و یا نقشهء تسلط سیاسی بر کشورهای اسلامی را داشته باشد.

بر همهء مسلمانان واجب است هرگونه که بتوانند در مقابل هجوم دشمنان بایستند و با نقشه های

آنان مخالفت کنند(2).

905

دفاع از جان و حقوق شخصی

3- جان و مال مسلمانان محترم است و چنانچه کسی بر انسان حمله آورد یا به افرادی که وابسته به

وی هستند؛ مانند پسر

دختر

پدر

مادر و برادر هجوم آورد

دفاع و جلوگیری از او واجب است

هر چند منجر به قتل مهاجم شود.(3)

4- اگر دزدی برای دزدیدن اموال انسان هجوم آورد

دفاع و جلوگیری از او واجب است . (4)

5- اگر کسی برای دیدن نامحرم به خانه دیگران نگاه کند جلوگیری او از آن کار واجب است

هر چند با زدن او باشد.(5)

1 - تحریر الوسيله

ج 1 فصل فی الدفاع .

2 - توضیح المسائل

م 2826 تا 2829

3 - همان

القول فى القسم الثانى

م 3

4- همان م 5

5 - همان

م 3

907

آموزش فنون نظاموخدمت سربازى

در اين زمان كه مسائل نظامى پيشرفت بسيارى كرده و دشمنان اسلام به انواع سلاحهاى پيشرفته مجهز شده اند

دفاع از اسلام و كشورهاي اسلامى بدون فراگيرى فنون نظامى ممكن نيست و از آنجا كه دفاع

بدون آموزش نظامى امكان ندارد

بر تمام افرادى كه توانايى و قدرت يادگيرى آن را دارند و احتمال مى رود كه به شركت آنها در

جبههء دفاع از اسلام و كشور اسلامى نياز باشد

آموزش نظامى واجب است. (1)

908

خدمت سربازى

دفاع از كشورهاي اسلامى و حفظ آنها از خطر هجوم دشمنان

اختصاص به زمان جنگ و درگيرى ندارد

بلكه در هر حال

افراد زيادى بايد با آمادگى كامل رزمى در مرزهاي كشور براى جلوگيرى از هجوم احتمالى دشمن

حاضر باشند و گروهى ديگر براى مبارزه با دشمن داخلى و تبهكاران اقدام كنند

بنابر اين بر تمام افرادى كه توانايى دارند

لازم است كه در برهه اى از عمر خود اين خدمت مقدس را انجام دهند.

909

استفتاء

س : نظر امام راجع به سربازى كسانى كه مشمول قانون نظام وظيفه هستند و در اين زمان حساس

به سربازى نمى روند چيست ؟

ج : بايد به سربازى بروند و تخلف از مقررات جايز نيست. (2)

س : آيا رفتن به سربازى براى مشمولينى كه مشكلاتى دارند

از نظر شرعى لازم است ؟

ج : باید به سربازی بروند و یا مطابق مقررات معافی بگیرند و تخلف جایز نیست. (3)

910

اجازه پدر برای رفتن به سربازی

س : پدر من اجازه نمی دهد به خدمت اعزام شوم ; یعنی به سربازی بروم وظیفهء شرعی من چیست ؟

ج : اگر مشمول نظام وظیفه هستید باید بروید و رضایت پدر در آن اعتبار ندارد. (4)

1 - استفتاء.

2 - استفتاآت

ج 1 ص 52

3 - همان

4 - همان

911

تعریف معروف و منکر

در احکام دین

به تمام واجبات و مستحبات <<معروف >> و به تمام محرّمات و مکروهات <<منکر>> گفته می شود. بنابراین

و داشتن افراد جامعه به انجام کارهای واجب و مستحب <<امر به معروف >> و بازداشتن آنها از کارهای حرام و مکروه <<نهی از منکر>> است .

امر به معروف و نهی از منکر

واجب کفایی است که اگر افرادی - به قدر کفایت - به انجام آن اقدام کنند

از دیگران ساقط می شود. و اگر همهء افراد آن را ترک کرده باشند

چنانچه شرایط آن موجود باشد

همهء آنها ترک واجب کرده اند. (1)

912

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر با وجود برخی شرایط

واجب می باشد و در صورت نبود آن شرایط

تکلیف ساقط است و آنها عبارتند از:

1- کسی که امر یا نهی می کند

بداند آنچه را که دیگری انجام می دهد حرام است و آنچه را ترک کرده

واجب است

پس هر کسی که نمی داند این عمل که او انجام می دهد حرام است یا نه
جلوگیری واجب نیست .

2- احتمال بدهد امر یا نهی او تأثیر دارد

بنابراین اگر می داند تأثیر ندارد امر و نهی واجب نیست .

3- شخص گناهکار اصرار بر ادامهء کار خود داشته باشد

پس اگر معلوم شود

یا گمان کند

یا احتمال صحیح بدهد گناهکار بنای ترك عمل را دارد و دوباره تکرار نمی کند

یا موفق به تکرار نمی شود

امر و نهی واجب نیست .

4- امر و نهی

سبب ضرر جانی یا آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه

به خودش یا نزدیکان و یاران و همراهان

یا سایر مؤمنان نباشد.(2)

1 - تحرير الوسيله

ج 1 كتاب الامر بالمعروف و النهى عن المنكر

القول فى اقسامهما و كیفیت وجوبهما

م 2

2 - همان

القول فى شرائط وجوبهما

914

قضاوت و شهادت

915

قضاوت

- بحث قضاوت در رساله های برخی از مراجع تقلید نیامده است .

بر قراری قسط و عدل در جامعه

بدون قوانین مدرن و مجریان درستکار امکان پذیر نیست .

از آنجا که >>فقه

تنوری واقعی و کامل ادارهء انسان و اجتماع

از گهواره تاگور است <<ل

- صحیفه نور

ج 21 ص 98

پیام امام خمینی به روحانیون سراسر کشور.

برای رفع خصومتها و پایان بخشیدن به نزاعها و بررسی دعاوی و رساندن حقوق از دست رفتهء
حقداران به

آنها

قوانینی دقیق و قابل اجرا دارد و برای پیاده کردن آن قوانین نیز مجریان عادل و دارای شرایط
مشخص کرده

است که در این بحث به شرایط قاضی و برخی از مسائل قضاوت می پردازیم :

916

شرایط قاضی :

عقل و بلوغ

ایمان و عدالت

اجتهاد مطلق

مرد بودن

حلال زاده بودن

داناترین فرد شهر و حومهء آن باشد (بنابر احتیاط واجب)

دارای قدرت حافظه باشد و فراموشکار نباشد(بنابر احتیاط واجب)(1)

1- کسی که شرایط قضاوت را ندارد

قضاوت کردن بر او حرام است(2)

2- کسی که شرایط قضاوت را دارد

اگر هیچکس نباشد که به این کار بپردازد

بر او واجب عینی است .(3)

3- کسی که به خود اطمینان دارد که می تواند تکالیف قضاوت را بخوبی انجام دهد

عهده دار شدن امر قضاوت

برای او مستحب است

ولی اگر به قدر کفایت باشند

بهتر آن است که ترك کند به خاطر خطرها و تهمتهایی که دارد.(4)

1- تحرير الوسيله

ج 2 كتاب القضاء

ص 407 م 1.

2 - همان

ص 405 م 1

3 - همان .

4- همان

م 3

917

قضاوت ، شهادت ، حد - قصاص و ديه

918

قضاوت امروزی

919

وظایف قاضی

1- رعایت مساوات بین طرفین دعوا در سلام کردن

جواب سلام

نشستن

نگاه کردن به آنها

گفتار با آنها

خوشرویی و مراعات انصاف با آنها و عدالت در حکم .

2- سؤال کردن از کسی که اول وارد دادگاه شده است . مگر آن که اولی رضایت دهد که از دیگری سؤال شود.

3- در صورتی که قاضی از کسی سؤال نکند

هر کدام شروع به ادعا کرد به سخنانش توجه می شود و اگر هر دو

با هم شروع کردند

ابتدا به سخنان کسی که سمت راست طرف دعوا نشسته گوش داده می شود.

4- اگر مدعی علیه کلام مدعی (1) را قطع کند

به گفتار مدعی علیه توجه نمی شود

تا این که جواب مدعی را

بدهد و بین آنها حکم شود.

5- قاضی نباید چیزی به یکی از طرفین دعوا تلقین کند که بتواند به وسیله آن بر طرف دیگر غالب

شود. (1)

دعایی در دادگاه ترتیب اثر داده می شود و به آن می پردازند که شرایط لازم را داشته باشد و آن شرایط به این شرح است :

920

شرایط مدعی :

- 1- بالغ و عاقل باشد.
- 2- اگر ادعای او مستلزم تصرف در مال است به جهت سفاقت از تصرف در اموالش ممنوع نشده باشد.
- 3- ادعا مربوط به خودش باشد یا کسی که بر او ولایت یا از او وکالت دارد.
- 4- یقین به ادعای خود داشته باشد با گمان و شك و احتمال ادعا نکند.

921

شرایط مدعی علیه :

- 1- موجود باشد پس نمی تواند چیزی را ادعا کند بدون این که طرف نزاعی وجود داشته باشد.
- 2- معین باشد معلوم باشد که ادعا علیه چه کسی است . دعوا مؤثر باشد ; پس اگر کسی ادعا کند که زمین متحرك است و دیگری انکار کند قابل پی گیری نیست . مدعی به معلوم باشد مثلا نمی تواند بگوید: يك چیزی از من نزد فلانی است . (3)

922

راههای ثبوت حق یا جرم :

- 1- بینه (شاهد)
- 2- اقرار مدعی علیه .
- 3- قسم خوردن .
- 4- علم قاضی .

923

شرایط شهادت :

شهادت صریح باشد.
تعداد شهود متناسب با مورد شهادت باشد.
- تحریر الوسیله
ج 2 کتاب الحدود
فیما ثبت به الزنا.
در صورت تعدد شهود
همگی حاضر شوند و با هم شهادت دهند.

924

شرایط شهود:

بلوغ و عقل
ایمان و عدالت
حلال زادگی
غیر متهم (شاهد مورد اتهام نباشد)
مثلا در کالای مورد نزاع
با مدعی علیه شریک نباشد(4)

925

شرایط اقرار:

1- اقرار از روی اختیار باشد.
2- در حال مستی
خواب و بیهوشی نباشد.
3- صریح باشد.
4- تکرار آن متناسب با مورد اقرار باشد.(5)

926

شرایط مقرر:

بلوغ و عقل حریت (برده نباشد) اختیار (به اجبار اقرار نکرده باشد) قصد (بدون قصد اقرار نکرده باشد)(6)

927

شرایط قسم

با لفظ <<الله>> یا اسماء و صفات خداوند باشد ; مانند رحمان و خالق .خود شخص قسم بخورد
 برای قسم خوردن وکیل نگیرد و نایب معین نکند.قسم در مجلس قضاوت باشد.(7)
 قسم نسبت به جرائمی نافذ است که حدود الهی برای آن مقرر نشده باشد
 و نسبت به آن گونه جرائم نیاز به الله اقرار یا بیته است .(8)

928**تعریف حدو برخی از گناهایی که حد دارد**

حد کیفری است که از سوی خداوند برای برخی از جرائم مقرر شده است که توسط حاکم شرع اجرا می شود.
 در روایات بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام نسبت به اجرای حدود الهی تأکید شده و آثار اجتماعی زیادی نیز برای آن بیان گشته که با اندک دقتی اهمیت بسیار زیاد آن بدست می آید.
 در این درس به بیان برخی از گناهایی که دارای حد خاص می باشد می پردازیم .

929**برخی از گناهایی که حد دارد و حد هر يك از آنها**

شماره	گناه	حد
1	سرقت	در مرتبه اول : قطع کامل چهار انگشت دست راست در مرتبه دوم : قطع یا تا برآمدگی روی پا در مرتبه سوم : حبس ابد در مرتبه چهارم : قتل
2	نوشیدن مسکرات	80ضربه شلاق
3	سحر	اگر ساحر مسلمان باشد قتل و اگر کافر باشد تأدیب .
4	زنا با محارم نسبی یا با زن پدر یا کافر با زن مسلمان و زنا با عیال که زن از خود اختیاری نداشته باشد	قتل
5	زنا با محصنه (زنای زن با مرد همسر دار)	رحم (سنگسار)

6	زناى غير محصنه و غير محرم	100 ضربه شرق
7	زناى مردى كه ازدواج كرده ولى باهمسرش آميزش نكرده است .	100ضربهء شلاق و تراشيدن سر و تبعيد از محل
8	زناى محصنهء پير مرد يا پير زن	100 ضربه شرق و سپس رجم
9	لواط	قتل
10	شحق (همجنس بازى دو زن)	100 ضربه شلاق
11	قيادت (دلالتى در زنا يا لواط)	مرد باشد 75 ضربه شلاق و تبعيد از محل زن باشد 75ضربه شلاق
12	قذف (نسبت زنا يا لواط به كسى دادن)	80 ضربه شلاق
13	تفخيذ (آميزش بدون ادخال)	اگر هر دو مسلمان باشند هر کدام 100 ضربه شلاق و اگر فاعل كافر باشد فاعل كشته مى شود.
14	محاربه (كشيدن سلاح و ترساندن مردم)	قتل
15	ارتداد (كافر شدن مسلمان)	مرتد فطرى : اگر مرد باشد زنش از او جدا مى شود اموالش بين ورثه تقسيم مى شود توبهء او پذيرفته نمى شود(9) و حكم او اعدام است . مرتد ملى : اگر مرد باشد زنش از او جدا مى شود و او را توبه مى دهند و بنا بر احتياط تا سه روز توبه مى دهند و اگر توبه نكرد در روز چهارم كشته مى شود.(10) اگر زن باشد ـ فطرى يا ملى :- از شوهر جدا مى شود و زندانش مى كنند و در اوقات نماز او را مى زنند و بر او سخت مى گيرند تا توبه كند و اگر توبه نكرد تا ابد در حبس مى ماند

930

مرتد فطرى : كسى است كه هنگام انعقاد نطفه اش پدر و مادرش يا يكي از آنها مسلمان بوده اند و پس از بلوغ مسلمان شده و سپس كافر شده است .

مرتد ملى : كسى است كه هنگام انعقاد نطفه اش

پدر و مادرش هر دو كافر بوده اند و هنگام بلوغ هم كافر بوده . سپس اسلام آورده و بعد از آن از

اسلام روی گردانده و کافر شده است .

931

تعریف تعزیر و فرق حد و تعزیر

932

تعریف تعزیر

تعزیر در لغت به معنای تأدیب است و در اصطلاح فقه مجازاتی است که از سوی حاکم شرع برای گناه مشخص و اجرا می شود. این مجازات از حد کمتر است و در مورد گناهایی است که حد ندارد.

933

فرق حد و تعزیر

- 1- حد مقدار معین دارد ولی تعزیر مقدار معینی ندارد مگر در چند مورد. مثلا کسی که آشکارا روزه خواری کند 25 ضربه شلاق دارد.
- 2- تعزیر تابع مفسده است اگر چه کار او معصیت نباشد ; مانند تعزیر طفل یا دیوانه اما حد مجازاتی است که بر خود گناه است .
- 3- در گناهی که موجب تعزیر است توبه پذیرفته می شود اما در برخی از حدود توبه پذیرفته می شود.
- 4- حد حق الله است اما تعزیر منحصر به حق الله نیست . مثلا کسی که سد معبر کند حاکم می تواند او را تعزیر نماید.
- 5- در تعزیر بنده و آزاد مساوی هستند ولی در حد چنین نیست . هر گناهی ممکن است موجب تعزیر باشد ولی تعیین آن و مشخص کردن مقدار آن - در مواردی که مقدار مشخص ندارد - با حاکم شرع است و مقدار آن طبق مصالحی که حاکم تشخیص بدهد تغییر می کند.

934

انواع قصاص و شرایط آن

935

تعریف قصاص

قصاص مجازاتی است که توسط کسی که مورد جنایت واقع شده یا ورثه او

با اجازه حاکم شرع

نسبت به مجرم اعمال می شود.

انواع قصاص : 1- قصاص نفس : 1- قتل عمد: قصاص دارد ; یعنی او را می کشند.

2- قتل شبه عمد: قصاص ندارد.

3- قتل خطا: قصاص ندارد.

2- قصاص عضو: خسارتی که به عضوی از اعضای بدن وارد می شود(12)

936

شرایط قصاص نفس

1- تساوی در دین

پس مسلمان را برای قتل کافر نمی کشند.

2- تساوی در حریت و بندگی

هر دو آزاد یا هر دو برده باشند

یا قاتل برده باشد.

3- قاتل

پدر مقتول نباشد.

4- قاتل و مقتول عاقل باشند.

5- قاتل

بالغ باشد.

6- مهدور الدم نباشد

مثلا به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دشنام نداده باشد(13)

937

چگونگی قصاص نفس

وقتی که نزد حاکم

قاتل بودن شخصی ثابت شد

از ورثه مقتول خواسته می شود که او را عفو یا درخواست قصاص کنند. اگر راضی به عفو نشدند

می توانند قاتل را بکشند

ولی اگر مقتول زن و قاتل مرد باشد

در صورت قصاص

ورثهء مقتول باید نصف ديه مرد را به ورثهء او بپردازند

چون ديهء مرد دو برابر ديهء زن است . و اگر قاتلان متعدد باشند و بخواهند همه را قصاص کنند

باید ديهء افراد اضافه بر مقتول را به ورثهء قاتلين بپردازند.(14)

938

شرایط قصاص عضو

1- تساوی در دین .

2- تساوی در حریت و بندگی .

3- تساوی در عقل (هر دو عاقل باشند)

4- تساوی در سلامت

عضو سالم در مقابل عضو معیوب قصاص نمی شود

ولی عضو معیوب در مقابل عضو سالم قصاص می شود.

5- جنایتکار بالغ باشد.

6- جانی پدر مجنی علیه نباشد.

و همچنین در قصاص اعضاء این امور باید رعایت شود:

1- تساوی در طول و عرض و عمق در جراحات

در قصاص جراحات

باید قصاص از نظر طول و عرض و عمق با جنایت مساوی باشد.

2- تساوی اعضا در محل (دست راست برای دست راست و دست چپ برای دست چپ).

3- تساوی در ابزار جنایت (وسیله ای که با آن جنایت کرده است).

4- اگر محکوم به قصاص

زن حامله باشد تا زمانی که حامله است قصاص نمی شود.

5- گرمی و سردی هوا موجب سرایت زخم یا موجب آزاری اضافه بر قصاص نشود.(15)

939

مسأله :

در قصاص اعضا

زن و مرد با هم مساوی می باشند

لیکن اگر جانی مرد باشد و عضوی که قصاص می کنند از اعضای باشد که دیه آن از ثلث دیه کشتن بیشتر باشد
تفاوت دیه را باید پردازند
چون در دیه اعضا
زن و مرد تا يك سوم دیه کشتن مساوی هستند و از ثلث و بیشتر از آن
دیه زن نصف دیه مرد است. (16)

940

دیات وموجبات ديه

941

تعريف ديه

دیه خونبهای جنایت است که جانی باید به ورثهء مقتول یا به مجنی علیه پردازد.

942

موجبات ديه

اعمالی که سبب پرداخت دیه می شود:

قتل

نقص عضو

جراحات

943

دیه قتل

1- در قتل عمد

ورثه مقتول با شرایطی که گذشت می توانند عفو یا قصاص کنند

یا دیه بگیرند ولی در دو قسم دیگر حق قصاص ندارند

بلکه می توانند عفو کنند یا دیه بگیرند. (17)

944

دیه قتل :

1- 100 شتر

2- 200 گاو

3- 1000 گوسفند

4- 200 حله

5- 1000 دینار

6- 10000 درهم (18)

جانی در انتخاب و پرداخت یکی از اینها مخیر است .

2- خونبهای زن نصف موارد ذکر شده است ; یعنی نصف دیهء مرد. (19)

3- در قتل مؤمن از روی علم و عمد و قتل شبه عمد و خطا بر قاتل كفاره هم واجب می شود كه بحث

آن در درس 59 گذشت . (20)

945

دیهء سقط جنین

اگر کسی کاری کند که زن

جنین خود را سقط کند

دیهء آن بدین شرح است :

نطفه : 20 مثقال طلا

علقه (خونه بسته) ; 40 مثقال

مضغه (پارهء گوشت) : 60 مثقال

استخوان : 80 مثقال

استخوان گوشت دار بدون روح : 100 مثقال

946

روح دمیده باشد:

1- پسر : 1000 مثقال

2- دختر : 500 مثقال

در تمام موارد فوق

مثقال شرعی ملاك است که تقریبا چهار پنجم مثقال بازاری است و طلای سکه دار باید محاسبه شود.

و اگر زن خودش کاری کند که بچه اش سقط شود

مطابق آنچه گفته شده باید دیهء آن را به وارث طفل بدهد. (21)

947

دیهء اعضاء

هر يك از اعضاء بدن ; مانند دست و پا و حواس پنجگانه نیز دیهء خاصی دارد که در کتابهای

مفصل فقهی آمده است و در اینجا تنها به بیان اعضایی که دیهء آنها

دیهء کشتن است

اکتفا می کنیم .

948

برخی از اعضای که دیهء آنها دیهء قتل است :

کور کردن هر دو چشم .

بدیدن هر دو بینی

یا از کار انداختن آنها

بریدن هر دو گوش

یا از کار انداختن آنها

بریدن هر دو لب

قطع زبان سالم .

از بین بردن تمام دندانها

شکستن گردن به طوری که خم شود و قد او کوتاه شود (بنابر احتیاط واجب).

از بین بردن هر دو دست .

از بین بردن

انگشتان هر دو دست یا انگشتان هر دو پا.

شکستن پشت .

قطع نخاع .

قطع پاها.

شکستن ترقوه (دو استخوان بالای سینه

زیر گردن) (22)

شکستن کمر.

کندن موی سر یا ریش به گونه ای که دیگر نروید.

و بنابر احتیاط واجب در کندن موی چهار مژده (تمام مژدها)

اگر دیگر نروید.

949

حکم کلی

تمام اعضای اصلی بدن انسان که جفت باشد

هر دوی آنها دیهء کامل دارد و یکی از آنها نصف دیهء کامل

به جز بیضتین که در مقدار دیه آن اختلاف است .

1- مدعی کسی است که امری را علیه دیگری ادعا می کند مدعی علیه کسی است که امری علیه او از طرف مدعی ادعا می شود و مدعی به چیزی است که مدعی در مقام اثبات آن است .

2- تحریر الوسيله

ج 2 ص 409 القول فی وظائف القاضی .

3 - تحریر الوسيله

ج 2 ص 410 411

4 - همان

کتاب الشهادات

فیما يعتبر فی الشهود.

5 - همان

کتاب القضاء

القول فی الجواب بالافرار.

6 - همان .

7 - همان

القول فی احکام الحلف

ص 385 و 386

8 - همان

ص 387 م 13

9- ممکن است توبه اش نزد خداوند پذیرفته شود ولی از نظر برگشت اموال و همرش و اجرای حد فایده ندارد.

10- تحریر الوسيله

ج 2 کتاب الحدود

ص 455 به بعد و 376 و 496

11- بحث قصاص در رساله های برخی از مراجع تقلید وجود ندارد.

12- تحریر الوسيله

ج 2 کتاب القصاص

ص 508

13- همان

القول فی الشرائط المعتمدة فی القصاص

ص 519

14- همان

القول فی کیفیت الاستیفاء

ص 533

15- همان

فی قصاص مادون النفس

ص 540

16- همان

م 3 ص 559 م 27

17 - تحرير الوسيله

ج 2 كتاب الديات

ص 554

18- همان

كتاب الديات

ص 554 م 1 13 18

19 - همان

ص 558

20 - همان

كتاب الكفارات

ص 125

21 - تحرير الوسيله

ج 2 كتاب الديات

القول فى اللواحق

ص 597

22 - تحرير الوسيله ج 2 كتاب الديات

القول فى الجنابة على الاطرف

ص 570

951

فرهنگ اصطلاحات و لغات

952

<<الف>>

ابن اسبیل اجز المثل : مسافری که در سفر خود درمانده باشد.

اجرت همانند

مقداری مزدی که برای همین کار که فردی در همین سطح انجام دهد

باید پرداخت .

اجیر: کسی که طبق قرار مشخص

در برابر کاری که انجام می دهد اجرت دریافت می کند.

احراز: بدست آوردن
فراهم آوردن - دریافتن .
احوط: مطابق با احتیاط.
اخفات : آهسته خواندن .
اذن : اجازه (قبل از عمل).
اربح مکاسب : منافع کسب - هر نوع در آمدی که از طریق حرفه
کار و شرایط مخصوص انسان بدست آید.
ازتفاع قیمت سوقی : بالا رفتن قیمت چنس در بازار.
استرباح : ربح جستن و فاند بردن .
استفتاء: مطالبه فتوی
سوءال از نظر مجتهد درباره حکم شرعی مسئله .
استطاعت : توانایی انجام فریضه حج از نظر بدن
مال و راه .
استمناء: مطالبه فتوی
سوءال از نظر مجتهد درباره حکم شرعی مسئله .
استطاعت : توانایی انجام فریضه حج از نظر بدن
مال و راه .
استمناء: انجام دادن کاری که موجب بیرون آمدن منی از انسان شود.
اعراض ازوطن : تصمیم انسان بر اینکه برای همیشه وطنش را ترک کند.
افضاء: باز شدن - یکی شدن مجری پول و حیض یا مجری حیض و عانط یا هر سه .
اقامه معروف : پیاداشتن هر سنتی که از نظر شرعی به رسمتی شناخته شده است .
امساک اموال محترمه امور حسبیه : خودداری کردن - خود را بازداشتن از... اموالی که بر اساس
ضوابط اسلامی دارای احترام است .
کارهایی از قبیل رسیدگی به اموال یتیمان و غیره که شارع مقدس راضی به وانهادن و رها کردن
آنها نیست و متصدی آنها ولی فقیه یا نماینده اوست .
انزال اوداج اربعه ایقاع : بیرون ریختن منی .
شاهرگهای چهارگانه حیوان .
هر نوعی قراری که با تصمیم يك طرف انجام گیرد و نیازه به قبول دیگری نداشته باشد مانند طلاق
که احتیاج به قبول زوجه ندارد.

اهل کتاب : غير مسلمانی که خود را تابع یکی از پیامبران صاحب کتاب می دانند مانند یهود و نصاری .

954

<<ب>>

بدعت برائت : ابتکار - اعمال سلیقه شخصی در احکام الهی .
کناره گیری - بیزاری - رفع تکلیف شرعی در موارد شك با رعایت ضوابط آن .
بهیمه : حیوان چهارپا .

955

<<ت>>

تجافی : نیم خیز نشستن - نیم خیز نشستن ماعومی که به رکعت اول نماز جماعت نرسیده در حال تشهد خواندن امام .
تحت الحنك : زیر چانه - قسمتی از عمامه که زیر گلو آویخته می شود .
تخلی : يك پنجم کردن - به بیت الخلاء رفتن - پول و غلیظ کردن .
تخمیس : يك پنجم کردن - خمس مال را خارج کردن - خمس مال را پرداختن .
تروی : تفکر - تفکر در موارد مشکوک رکعات یا افعال نماز برای کشف حقیقت .
تذکیه شده : حیوانی که با رعایت موازین شرع کشته شده باشد .
تستر: خود را پوشانیدن .
تسمیه : اسم بردن - جاری کردن نام خدا بر زبان .
تشریح : پاره کردن بدن مردگان جهت آگاهیهای پزشکی و غیره .
تعدی : زیاده روی - ستم کردن - تجاوز .
تفریط: کوتاهی کردن - مسامحه .
تلقیح : نطفه مرد را با وسیله ای نظیر سرنج به رحم زن وارد کردن .
تمکن : توانایی مالی .
تملك به ضمان : مالك شدن با ضمانت - مثلا پولی که انسان قرض می کند مالك می شود ولی این مالکیت همراه با ضمانت اداء آن است .
تنزیل سفته : مبادله کردن سفته با مبلغی کمتر از اعتبار آن .
تنقیه : مخرج غائط به داخل بدن .

956

<<ث>>

ثلثان : دو سوم - تبخیر شدن دو سوم آب انگور و کشمش جوشیده که مقدمه حلّیت آن است .
ثمن : بهای کالا.

957

<< ج >>

جاعل جاهل قاصر: کسی که قراردادی را منعقد می کند - به کلمهء جعاله رجوع شود. جاهلی که در جهلش مقصر نیست ; یعنی در شرایطی است که امکان دسترسی به حکم خدا برای او وجود ندارد و یا اصلاح خود را جاهل نمی داند.

جاهل مقصر: جاهلی که در جهلش مقصر است یعنی امکان آموختن مسائل را داشته ولی کوتاهی کرده است .

جرح : جراحت

زخم .

جلال : حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده است .

جهر: صدای بلند - با صدای بلند چیزی را خواندن .

958

<< ح >>

حاکم شرع : مجتهدی که بر اساس موازین شرعی حکمش نافذ است .

حدث اصغر: هر امر که موجب وضو برای نماز شود یا به عبارت دیگر وضو را باطل کند.

حدث اکبر: هر امری که موجب غسل برای نماز شود ; مانند احتلام و جماع .

حدث ترخص : حدی از مسافت که در آن صدای اذان و دیوار محل شروع سفر تشخیص داده نشود.

حرج : مشقت

سختی .

حصه : سهم .

959

<< خ >>

خارق العاده : خلاف عادت

غیر معمول

بیش از انتظار.

خبره : کارشناس

خبث : پلیدی - نجاست

خسوف : ماه گرفتگی

خون جهنده دار: حیوانی که وقتی رگ آن را ببرند

خون از آن با فشار بیرون می آید.

خیار: اختیار بر هم زدن معامله .

960

<<د>>

دبر: عقب

پشت

نشیمگاه

دیه : مالی که به جبران خون مسلمان یا نقص بدنی او پرداخت می شود.

961

<<ذ>>

ذبح شرعی : کشتن حیوانات با رعایت ضوابط شرعی (سگ و خوک و بعضی از حیوانات دیگر قابل ذبح شرعی نیستند).

ذمه : عهده - بذمه گرفتن یعنی بعهده گرفتن .

ذمی : کافران اهل کتاب - مانند یهود و نصاری - که در بلاد مسلمین زندگی می کنند و در مقابل تعهدشان نسبت به رعایت قوانین اجتماعی اسلام از امنیت و حمایت حکومت اسلامی برخوردارند.

962

<<ر>>

ربح سنه : در آمد انسان در طول سال .

رضاعی : شیری - خویشاوندی و نسبتی که در اثر شیر دادن به وجود می آید.

رفع ضرورت : بر طرف شدن حالت اضطرار و ناچاری .

ریبه : تردید

شبهه

بدگمانی .

963

<<ز>>

زائد بر موعونه : اضافه بر مخارج

بیشتر از هزینهء زندگی .

964

<<س>>

سال خمسی : یکسال تمام که با نخستین رسیدگی انسان بحساب اموال خود برای تخمیس آن شروع می شود و باید هر سال همان تاریخ را مبداء رسیدگی مجدد قرار دهد.

سقط شده سور: افتاده

جنینی که بطور نارس یا مرده از رحم خارج شده است .

سوعر: نیم خورده آب یا غذا.

965

<<ش>>

شاخص : چوب با چیز دیگری که برای تعیین وقت ظهر در زمین نصب می کنند.

شارع : بنیانگذار شریعت اسلام - خداوند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله .

شرایط ذمه : شرایطی که اگر اهل کتاب در بلاد مسلمین به آنها عمل کنند جان و مالشان در پناه

حکومت اسلامی محفوظ خواهد بود.

966

<<ص>>

صاع : پیمانۀ ای که در حدود سه کیلو گرم گنجایش داشته باشد.

صغیر: کودکی که به سن بلوغ نرسیده است .

967

<<ض>>

ضامن : عهده دار - بر عهده گیرنده .

ضرورت : ناچاری

اضطرار

حتمیت .

ضعف مفرط: ضعف شدید.

968

<<ط>>

طهارت : پاکی - حالتی معنوی که در نتیجه وضوء و غسل یا تیمم در انسان حاصل می شود.

969

<<ظ>>

ظهار: صیغۀ بیزاری اجراء کردن در اصطلاح فقه یعنی مردی به زن خود بگوید <<طهرك كظهر امی >> پشت مثل پشت مادر من است ینی چنانکه مادر بر من حرام است تو هم از این پس چینی .

970

<<ع >>

عاجز: ناتوان

درمانده .

عادت ماهیانه : حیض

قاعدگی .

عاصی : عصیان کننده

کسی که نسبت به احکام الهی نافرمانی کند.

عامل : عمل کننده :

1- کسی که به قرارداد عمل می کند (به بحث جعاله یا مضاربه مراجعه کنید).

2- کسی که متصدی جمع آوری

حسابرسی

تقسیم و سایر امور مربوط به زکات است .

3- اجیر.

عرفات : بیابانی است مسطح و وسیع در جنوب شرقی بیرون مکه که حاجیان باید روز نهم ذی حجه از ظهر تا مغرب در آنجا بمانند.

عرق جنب از حرا: عرقی که پس از آمیزش نامشروع یا استمناء از بدن انسان خارج می شود.

عزل : کنار گذاشتن :

1- انزال نمودن در خارج از رحم برای جلوگیری از انعقاد نطفه .

2- برکنار کردن وکیل یا مأمور خود از کار و یا نظائر آن ; مانند بر کناری وصی یا متولی خائن توسط حاکم شرع .

عسر: سختی

تنگدستی .

عقد: گره - پیمان

قرارداد

پیوند زناشویی .

عمدا: از روی قصد

کاری را که با علم و آگاهی انجام دهد.

عنف : درشتی کردن و تندی و ستیزه نمودن

کسی را به زور وادار به کاری کردن .

عنین : مردی که از انجام عمل زناشویی ناتوان است .

عورت : آنچه انسان از ظاهر کردنش حیا می کند (کنایه از عضو جنسی زن و مرد).

عهد: پیمان

تعهد انسان در برابر خداوند با صیغه مخصوص برای انجام کار پسندیده یا ترك ناپسند.

971

<< غ >>

غرض عقلانی : هدفی که از نظر عقلا قابل قبول و پسندیده باشد.

غساله : آبی که معمولا پس از شستشوی چیزی - خود بخود یا با فشار - از آن می ریزد.

غسل : شستشو - شستشوی بدن با کیفیت مخصوص .

غش : خیانت

مخلوط کردن پنهانی جنس کم بها با گرانبها به منظور فریب مردم .

غصب : استیلاء ظالمانه بر مال یا حق دیگران .

972

<< ف >>

فجر: سپیده صبح .

فجر صادق و کاذب : نزدیک اذان صبح از طرف مشرق سفیده ای رو به بالا حرکت می کند که آنرا

فجر صادق می گویند

موقعی که آن سفید پهن شد فجر کاذب و اول وقت نماز صبح است .

فرادا: نمازی که انسان بطور انفرادی و نه به جماعت می گذارد.

فرج : امر الزامی <<واجب >>.

فضله : مدفوع حیوانات .

فطریه : زکات فطره .

فقاع : آب جو.

فقیر: محتاج - کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و چیزی هم ندارد که بطور روزانه بتواند هزینهء زندگیش را تاءمین کند.
 فی سبیل الله: در راه خدا هر کار خیری که نفعش به عموم مسلمانان می رسد مانند ساختن مسجد
 پل
 جاده و غیره .

973

<<ق>>

قبل: پیش (کنایه از عضو جنسی انسان است).
 قرار ضمنی: آنچه در ضمن قرار داد مورد قبول طرفین قرار گرفته است .
 قرار صوری: شکل ظاهری قرارداد.
 قروح: دمل ها.
 قرینه: نشانه
 علامت .
 قصد اقامت: تصمیم مسافر به ماندن ده روز یا بیشتر در محل واحد.
 قصد انشاء: تصمیم به ایجاد يك امر اعتباری; مانند بیع و شراء و غیره
 همراه با ادای کلمات مربوطه .
 قصد وجه: قصد عنوان حکم خاص عمل; مانند قصد وجوب نمازهای یومیه و استحباب نماز شب .
 قیم: سرپرست
 کسی که بر اساس وصیت یا حکم حاکم شرع مسئول امور یتیم و غیره می شود.

974

<<ك>>

کافر حربی: کافری که با مسلمین در حال جنگ است .
 کافر ذمی: اهل کتابی که در بلاد اسلامی با شرایط مخصوص اهل ذمه در پناه حکومت اسلامی قرار گرفته است .
 کسوف: خورشید گرفتگی
 کشف خلاف شدن: معلوم شدن خلاف يك چیز.
 کفالت: کفیل کسی شدن
 در جای کسی عهده دار امری شدن .
 لازم الوفا: آنچه باید به آن عمل کرد.

لزوجت : چسبندگی یا لغزندگی همراه با چسبندگی که در محلی وجود دارد.

لغو: بی فایده

بی معنا

بیهوده .

975

<<م>>

مايه التفاوت : مقدار تفاوت بين دو چیز

ما ترك : آنچه از متوفی باقیمانده ; مانند پول و خانه و غیره .

مال الاجاره : مالی که باید مستأجر بابت اجاره بپردازد.

موءونه : مخارج یا هزینه .

متنجس : هر چیزی که ذاتا پاك است ولی در اثر برخورد مستقیم با غیر مستقیم با شیء نجس آلوده شده است .

متولی : سر پرست .

متهتك : فرد بی پروا که از رسوایی باک نداشته باشد.

مئمن : قیمت گذاری شده

فروخته شده

کالایی که در معرض فروش قرار گرفته است .

مجهول المالك : مالی که معلوم نیست به چه کسی تعلق دارد.

مجزی : کافی

ساقط کننده تکلیف .

محتضر: کسی که در حال جان دادن است .

محتلم : کسی که در خواب از او منی خارج شده است .

محدور: مانع

کنار گذاشته شده

آنچه از آن پرهیز شده است .

محرم : چیزی که حرام است

اولین ماه از سال قمری .

مخرم : کسی که در حال احرام حج و یا عمره است .

محجور: کسی که از تصرف در اموالش ممنوع شود.

محظور: ممنوع .

محیل : بدهکاری که بدهی خود را به دیگری حواله کند.
 محتال : طلبکاری که برای دریافت طلبش او را به دیگری حواله می دهند.
 محال علیه : کسی که پرداخت بدهی او به او حواله شده .
 مخرج بول و غائط: محل طبیعی خروج ادرار و مدفوع .
 مخمس : مالی که خمس آن خارج شده است .
 مد: پیمانۀ ای که تقریباً ده سیر ظرفیت دارد.
 مدعی : خواهان
 کسی که برای خودش حقی قائل است .
 مرتد: مسلمانی که منکر خدا و رسول بر می گردد.
 مرتد فطری : کسی که از پدر یا مادر مسلمان متولد شده و خودش نیز مسلمان بوده و سپس کافر شده است .
 مرتد ملی : کسی که از پدر و مادر غیر مسلمان متولد شده ولی خودش پس از اظهار کفر مسلمان شده و مجدداً کافر شده است .

976

مستهلك : از میان رفته
 نابوده شده
 نیست شده .
 مسکین : بیچاره
 مفلوک
 کسی که از فقیر هم سخت تر می گذارند.
 مسکرات : مشعر الحرام
 وادی طویلی است میان <<عرفات>> و <<منی>> و به آن <<مزدلفه>> هم گفته می شود
 حاجیان شب عید قربان را باید در آنجا بمانند.
 مصالحه : سازش و توافق طرفین (رجوع کنید به صلح)
 مصونیت : آسیب ناپذیری .
 مضطر: ناچاری
 ناگزیر.
 مضمضه : چرخاندن آب در دهان .
 مضیقه : تنگدستی

تنگنایی و گرفتاری

مظالم : آنچه بر ذمهء انسان است و صاحب آن معلوم نیست یا دسترسی به آن ممکن نباشد مانند این که کسی بدهکار است و صاحب آن را نمی شناسد.

مفطر: چیزی که روزه را می شکند.

مقاربت : نزدیکی کردن

آمیزش جنسی .

مقررات شرعیه : آنچه از طرف خداوند به عنوان تکلیف شرعی معین شده است .

مکلف : هر انسانی که بالغ و عاقل است .

ملاعبه : بازی کردن

معاشقه کردن .

ممیز: خردسالی که خوب و بد را تمیز می دهد.

منا: سرزمینی است میان دو رشته کوه و حد فامیل بین مشعر الحرام و مکه است بخشی از اعمال حج از جمله رومی حجرات و قربانی در این وادی انجام می شود.

منغزل : اجاره دهنده .

موالات : پشت سر هم

پی در پی انجام دادن .

موجر: اجاره دهنده .

موقوفه : وقف شده .

موکل : وکیل کننده .

موهوبه : بخشیده شده .

میقات : مکانهایی که برای اجرای عمره و حج مشخص شده است

مانند مسجد شجره

حجفه و...

<< ن >>

ناسیه : زنی که وقت عادت ماهیانه خود را فراموش کرده است .

نافله : نماز مستحبی

نوافل یومیه : نمازهای مستحبی روزانه که هر شبانه روز 34 رکعت و در جمعه 38 رکعت است .

نبش قبر: شکافتن قبر.

نحر: پیش سینه و جای کمر بند (ص) کشتن شتر با نیزه زدن بر بالای سینه اش

نصاب : حد مشخص

حد یا مقدار تعیین شده .

نظربه ريبه : نگاه کردن به گونه ای که دیگران را بدگمان کند

نگاهی که فتنه انگیز است .

978

<<و>>

واجب اصلی <<نفسی>> : واجبی که دروجوب اصالت دارد ; مانند نماز.

واجب تبعی <<غیری>> : واجبی که ذاتا واجب نیست ولی به تبع واجب دیگر واجب می شود ;

مانند غسل جنایت که ذاتا واجب نیست ولی به تبع وجوب نماز واجب می شود.

واجب تبعدی : واجبی که در انجام آن قصد قربت لازم است (عبادات)

واجب توصلی : واجبی که قصد قربت لازم ندارد ; مانند ادای دین و جواب سلام .

واجب تعینی : واجبی که بطور مشخص وجوب به آن تعلق گرفته است ; مانند روزه و نماز.

واجب تخییری : امری که وجوب بین آن و دیگری دوران دارد ; مانند کفاره روزه که مخیر است بین

سه امر: 1- آزاد کردن برده . 2- شصت روز روزه گرفتن . 3- طعام دادن شصت فقیر.

واجب کفایی : واجبی که اگر به حد کافی کسانی نسبت به آن اقدام کنند از دیگران ساقط می شود ;

مانند غسل میت که بر همه واجب است ولی وقتی که عده ای اقدام نمایند از دیگران ساقط می شود.

واجب معلق : واجبی که زمان وجوب آن <<حال>> و زمان واجب <<آینده>> است ; یعنی

وجوبش فعلی است ولی واجب را باید در شرایط مشخصی انجام داد ; مانند وجوب حج پس از تحقق

شرایط استطاعت ; یعنی کسی که مستطیع شد حج بر او واجب است ولی باید صبر کند تا ایام مخصوص

حج فرا رسد و آنگاه عمل کند.

واجب منجز: واجبی که زمان وجوب و واجب یکی است ; مانند روزه که در همان وقتی که واجب می

شود در همان وقت هم باید آن را انجام دهد.

واجب مطلق : واجبی که در هر شرایطی وجوب دارد ; مانند نماز.

واجب مشروط: واجبی که تنها در شرایطی خاصی واجب می شود

مانند حج که تنها با شرط استطاعت واجب می شود.

واجب موسع : واجبی است که وقت انجام آن وسیع است ; مانند نماز ظهر و عصر که از ظهر تا

غروب وقت دارد.

979

واجب مضیق : واجبی است که دارای وقت مشخص و محدود است مانند روزه در ماه رمضان .

وارث - ورثه : کسی که ارث می برد.

واقف : وقف کننده .

وجه : صورت - دلیل - عنوان .

ودی : رطوبتی که گاهی پس از خروج بول مشاهده می شود.

ودیعه : امانت .

وذی : رطوبتی که گاهی گس از خروج منی مشاهده می شود.

وصل به سکون : حرکت آخر کلمه ای را انداختن و بدون توقف آن را به کلمهء بعد چسباندن .

وصی : کسی که مسوءول انجام وصیتی شده است .

وطی : لگدمال کرن

کنایه از عمل جنسی و آمیزش است .

وقف به حرکت : در عین اداء حرکت آخرین حرف يك کلمه بین آن و کلمه بعد فاصله انداختن .

وکیل : کسی که به وکالت از طرف انسان متصدی انجام کاری می شود.

ولایت : سرپرستی .

ولی : کسی که به دستور شارع مقدس سرپرست دیگری است ; مانند پدر و مادر بزرگ و حاکم شرع .